

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۰۰ روز پاشکوی

مجموعه گفتگو با رسانه‌ها

سید عزت‌الله ضرعانی

۱۴۰۰ - ۱۴۰۳

۱۰۰۰ روز پاسخگویی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

چاپ و صحافی: آینده

چاپ: تیر ۱۴۰۳

نشانی:

دفتر پیگیری‌های ویژه

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

صفحه	تاریخ	موضوع	فهرت
۷			مقاله
۹	۱۴۰۱/۰۳/۰۱	هفته میراث فرهنگی	نشست خبری
۶۱	۱۴۰۱/۰۵/۲۵	هفته دولت	صف اول
۷۸	۱۴۰۱/۰۶/۰۵	عملکرد وزارتخانه	جهان آرا
۸۵	۱۴۰۱/۰۶/۱۲	گزارش عملکرد	روزنامه شرق
۱۰۱	۱۴۰۱/۰۷/۱۱	معماری	روزنامه فرهیختگان
۱۲۱	۱۴۰۲/۰۸/۰۷	مردم و رسانه	راديو گفتگو
۱۳۲	۱۴۰۲/۰۸/۰۸	شهید تهرانی مقدم	شبکه خبر
۱۴۸	۱۴۰۲/۰۸/۰۸	ویژه برنامه محرم	مهلا
۱۷۸	۱۴۰۲/۰۹/۰۴	مقاومت	به افق فلسطین
۱۸۷	۱۴۰۲/۱۰/۱۱	مأموریت‌های وزارتخانه	نشست صمیمانه خبرنگاران
۲۴۱	۱۴۰۲/۱۱/۱۵	صنایع دستی	صبحانه ایرانی
۲۵۶	۱۴۰۳/۰۳/۲۰	مرور خاطرات	برمودا
۲۷۳		جلسات دولت	گفتگو با خبرنگاران

مقدمه

به رسانه‌ها اعتقاد عمیق و قلبی دارم. نه به این دلیل که مسئولین موظف به پاسخگویی هستند، که باید باشند، بلکه به دلیل آنکه مهمترین نقش را در فرهنگ‌سازی و ترویج و اشاعه برنامه‌های دستگاه‌های فکری و اجرایی دارند.

حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از مهمترین عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی است.

اطلاع‌رسانی و ارائه گزارش‌های صحیح و به موقع در این حوزه، جایگاه بی‌بدیل و منحصر به فردی در تحقق اهداف برنامه‌های کشور دارد.

از ابتدای مسئولیت در وزارتخانه، ارتباط با رسانه‌ها را جدی گرفتیم و در هر شرایطی، مردم را از اطلاع‌رسانی مناسب بی‌بهره نگذاشتیم.

گفتگو با رسانه‌های مکتوب و دیجیتال، رسانه ملی، نشست‌های علنی با اصحاب رسانه، گفتگوهای اختصاصی، پاسخگویی دائمی در سفرهای استانی و برنامه‌های هفتگی در حیاط دولت با نمایندگان رسانه‌ها، از مصادیق ارتباط مستمر و موفق با هدف پاسخگویی، روشنگری و اطلاع‌رسانی بوده است.

بسیاری از نکات مهم و کلیدی و راهبردهای اصلی وزارتخانه در همین مصاحبه‌ها روشن شده و سندیت یافته است.

این مجموعه، به منزله‌ی یک جزوه آموزشی برای همکاران ما در سراسر کشور و در حوزه‌های صف و ستاد است و مطالعه دقیق آن رفتار هماهنگ سازمانی را شکل می‌دهد.

از زحمات ارزشمند سرکار خانم دکتر طاهره قیومی و همکاران پرتلاش و جوان ایشان در تنظیم و تدوین این مجموعه سپاسگزار می‌کنم.

سید عزت‌الله ضرغامی

تیرماه ۱۴۰۳

نشست خبری هفته میراث فرهنگی



موزه ملی ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

میراث فرهنگی عامل هویت یابی، وحدت و انسجام ماست.

هفته میراث فرهنگی را به مردم، علاقمندان میراث فرهنگی و همکاران رسانه تبریک می‌گوییم. پیش از پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران گرامی، چند نکته اصلی را عرض می‌کنم.

میراث فرهنگی هویت و شناسنامه و تشخیص ماست. شاید بشود گفت مهمترین عامل وحدت و انسجام ملی ماست، آن چیزی که به نام تمدن و فرهنگ در طول هزاران سال پشتوانه این ملت بوده، ظرفیت انسجام و اتحاد ملی را دارد.

خیلی‌ها در طول سال‌های گذشته تلاش کردند با ایجاد دوقطبی‌های نادرست و بعضاً دشمن‌ساز، تاریخ و میراث فرهنگی این کشور را مایه اختلاف، مرزبندی و جبهه‌بندی قرار بدهند، در صورتی که اینطور نیست. نیاکان و آثاری که به جا مانده، مظهر توحید، یکتاپرستی، ارزش‌های الهی و ارزش‌های انسانی است.

میراث فرهنگی ناملموس که از گذشته در پندار و کردار و گفتار نیک ترجمه شده، بهترین ترجمه و تجربه برقرآن کریم است که ایمان و عمل صالح را محور می‌داند. اینها در سابقه فکری و ایدئولوژیک این ملت در طول هزاران سال نهادینه شده است.

بنابراین باید از این فرصت استفاده کرد، هر چه این واقعیت بیشتر در این بخش شناسایی و معرفی شود آن هم در دورانی که از دستاوردهای منفی رسانه‌های نوین، کویدن بر طبل بی‌هویتی‌هاست، این هویت‌شناسی و این ترویج و تبلیغ میراث فرهنگی، می‌تواند برای همه مردم بخصوص نسل‌های جوان مایه وحدت، انسجام و هویت‌یابی باشد.

ملت تولید و آپلود بودیم و حالا ملت دانلود شده‌ایم.

من به عنوان کسی که عضو شورای عالی فضای مجازی هستم، همواره تعبیری مثبت را در مورد فضای مجازی و فضیلت‌های آن به کار برده‌ام و بارها از من شنیده‌اید که گفته‌ام فضای مجازی آمده است تا انقلاب اسلامی را نجات دهد. اما معتقدم که فناوری‌های نوین و فضای سایبری آسیب‌ها و اشکالات خودش را هم دارد، از جمله اینکه، بخصوص کسانی که تولید می‌کنند بیشتر به سمت تولیدات سطحی و هیجانی و زودگذر به دلایل مختلف تمرکز می‌کنند. کارهای محتوایی، عمیق، تحلیل‌های راهگشا که بایستی برای همه مردم مایه درس و عبرت شود، متأسفانه در این حوزه‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

لذا توصیه من به همه فعالان مجازی، چه کسانی که من در صفحاتم تعقیب می‌کنند و با من ارتباط دارند و چه آن جامعه بزرگی که در کشور است، این است که در مورد میراث فرهنگی با عمق، مطالعه و تحقیق بیشتر تولید کنند.

ما ملت مولد بودیم، ما ملت آپلود بودیم و متأسفانه ما را در طول این سال‌ها ملت دانلود کردند و این خیلی بد است. میراث‌داران خوبی نبودیم، به همین دلیل وقتی در مورد مهمترین موضوعات، جستجوی ساده‌ای در موتورهای جستجوگر می‌کنیم، می‌بینیم کمتر متن و مقاله عمیق تحقیقی پیدا می‌کنیم که از آن استفاده کنیم. این درد دل من با اصحاب رسانه بود که می‌توانند نقش مهمی را در برطرف کردن این نقیصه داشته باشند.

مسائل حوزه میراث فرهنگی را با نگاه تحولی احصاء کردیم.

کل بحث من در مورد میراث فرهنگی است. اولین کاری که ما در دوره مدیریت خودمان در میراث فرهنگی شروع کردیم، نظام مسائل حوزه میراث فرهنگی است، یعنی با یک تحقیق همه‌جانبه مهمترین مسائل میراث فرهنگی را در کنار نقاط قوتی که دارد احصاء کردیم. مسائلی که نمی‌گذارد میراث فرهنگی جایگاه خودش را پیدا کند، اینها را احصاء کردیم.

۲۲ مورد را در سه بخش تقسیم کردیم. در این سه بخش یکی یکی مسائل را بررسی کردیم و راه‌های حل مسائل میراث فرهنگی با جلسات متعدد کارشناسان بررسی و تحقیق کردیم؛ بنابراین اگر می‌بینید اتفاق‌هایی در این حوزه انجام می‌گیرد نتیجه همان تحقیق‌ها و بررسی‌هاست؛ تفاهم‌نامه‌ای که با سازمان اوقاف

و امور خیریه انجام گرفت، تفاهم‌نامه‌ای که با فرماندهی نیروی انتظامی صورت گرفت، تفاهم‌نامه با بنیاد مسکن بخصوص در بخش مرمت آثار میراث فرهنگی در روستاها که تعداد آن خیلی زیاد است. اینها همه نمونه‌های کوچکی از مسائل زیرساختی است که در میراث فرهنگی وجود دارد و باید برای آنها یکی یکی راه‌حل پیدا کرد.

همه باید کمک کنیم و با هم همراه شویم. نگاه تحولی در وهله اول انسجام در تفکر و عینکی است که برای دیدن مسائل میراث فرهنگی به چشم می‌زنیم. اگر در این بخش موفق شویم اقدامات اجرایی هم آرام‌آرام راهش را پیدا می‌کند و با هماهنگی همه نهادهای دولتی، حاکمیتی، عمومی، سمن‌ها و آحاد مردم می‌توانیم اقدامات موثری انجام بدهیم و مهم این است که این نگاه تحولی را ایجاد کنیم.

نظرات و دیدگاه‌های کارشناسی نخبگان میراث فرهنگی را دریافت کردیم.

نکته بعد در مورد ارتباط با نخبگان و صاحب‌نظران است. حوزه میراث فرهنگی یک حوزه کاملاً تخصصی است، مسائل فرهنگی عمومی آن روشن است، ارتباط بین‌رشته‌ای آن مشخص است، شاید حداقل ۲۰ رشته دانشگاهی که تا دوره دکتری در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند، طرح درس دارند و پروژه‌های متعدد اجرا می‌شود.

شاید رشته تحصیلی من که عمران است و بخشی از آن مربوط به معماری می‌شود یکی از رشته‌هایی است که با این حوزه مرتبط می‌شود اما رشته‌های فراوانی وجود دارد که همه اینها به نوعی با مسأله میراث فرهنگی مرتبط است. بنابراین امروز ارتباط با نخبگان، استفاده از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان به‌عنوان یک راهبرد اصلی برای مدیریت میراث فرهنگی مطرح است. این مسأله جدی است و صرفاً یک شعار نیست. یک نگاه تشریفاتی و تبلیغاتی نیست. یعنی اگر ما جلسات دائم، متنوع و متعدد با کارشناسان این حوزه داریم، برای این است که از نظرات کارشناسی بهره ببریم.

بر این اساس طی دو جلسه که با ۸۰ تن از بهترین و نخبه‌ترین که نمونه‌ای از جامعه نخبگانی میراث فرهنگی بودند، به همراه معاون میراث فرهنگی و قائم‌مقام سازمان آقای دکتر دارابی جلسه گذاشتیم و ساعت‌ها به طول انجامید. شخصیت‌های برجسته و چهره‌های صاحب‌نامی بودند که واقعاً ما نشستیم و گوش جان به نگاه‌های کارشناسی این دوستان و بزرگان دادیم. یک جاهایی هم

با هم اختلاف دارند، اما اختلاف غنیمت و رحمت است.

دو باستان‌شناس، شخصیت دانشگاهی، دو انسان برجسته می‌توانند در نگاه‌شان نسبت به مسائل میراث فرهنگی هم حتی اختلاف داشته باشند، وظیفه مدیریت آن است که خوب گوش کند، نقاط مثبت را احصاء کند، نقاط تقاطع و اشتراک را مشخص کند، آسیب‌ها و نقاط ضعف را ببیند و بعد اقدامات موثر را انجام بدهد. این دو جلسه در سطح وسیع بود اما در ملاقات‌هایی که مدیران سازمان در تهران و شهرستان‌ها در طول این ۹ ماهه داشتند، تلاش بر این شد که چکیده و عصاره نگاه‌های نخبگانی دریافت شود.

فضای گفتگو را فراهم کنیم تا همه حرف بزنند.

نکته بعد تقاضای من از فعالان میراث فرهنگی و رسانه‌ها به عنوان نقطه قوت میراث فرهنگی است که در این حوزه‌ها با تامل و تدبیر بیشتر وارد موضوعات بشوند. یک موضوع سطحی، هیجانی یا اطلاعات ناقص، یک خبر نادرست، موجب قضاوت‌های متعددی می‌شود که به ثواب نیست. البته معتقدم آزاداندیشی در میراث فرهنگی باید نهادینه شود. خود ما پرچم‌دار سانسور نشویم. ما به همه اشکال می‌گیریم که چرا نمی‌گذرید همه حرف بزنند؟

فضای مجازی آمده که راه را برای حرف زدن همه فراهم کند، رسانه‌های رسمی به دلایل مختلف نمی‌توانند شرایطی فراهم کنند که همه حرف بزنند، حالا که این است، نخبگان ما در این حوزه اجازه بدهند همه حرف بزنند.

بعضی مواقع دوستان ما یک نظر کارشناسی دقیقی را می‌خواهند مطرح کنند، بعد می‌گویند شرایط مهیا نیست که این نگاه کارشناسی گفته شود! چرا شرایط مناسب نیست؟! مگر نگاه کارشناسی که ابعاد یک مساله را برای دوستداران میراث فرهنگی تشریح می‌کند، باید مورد سانسور قرار بگیرد؟ می‌گویند وقتی شما دارید نگاه کارشناسی را می‌گویید این چند گزاره را از داخل صحبت‌های شما جدا می‌کنند، تیتیر می‌کنند و همان را ترویج می‌کنند، فعلاً بی‌خیال نگاه کارشناسی بشوید! بی‌تردید این خوب نیست. البته من سعی می‌کنم شخصاً گرفتار این فضا نشوم چون این تجربه رسانه‌ای را دارم.

اما چرا همه کمک نکنیم تا این رویه را برطرف کنیم و اجازه بدهیم که فضای مناسبی ایجاد شود؟ لذا یکی از توصیه‌هایی که من به همه مراکز پژوهشی

و محیط‌های نخبگانی در وزارت میراث دارم این است که زمینه این گفتگوها را فراهم کنند. نشست‌های تحلیلی و تحقیقی بگذارند. یکی از کارنامه‌های مدیران ما همین مسائل است که آرام آرام باید رسانه‌ای شود. ایجاد این فضای گفتگو، فضای آزاداندیشی، فضای چندصدایی مورد نیاز امروز میراث فرهنگی است که من از شما رسانه‌ها تقاضا می‌کنم در این حوزه به ما کمک کنید.

برای حل مسائل میراث فرهنگی همانطور که عرض کردم همه باید کمک کنند، در این حوزه ما اقداماتی را انجام دادیم. اولاً نگاه ملی باید انسجام پیدا بکند. من از روز اولی که در جریان رای اعتماد بودم و در آن ۲۰ دقیقه‌ای که به من فرصت دادند صحبت کنم نکاتی مطرح کردم که بعد بسیاری از نمایندگان ضمن اینکه رای بالایی دادند آمدند و به من گفتند تا حالا نگاه ما به میراث فرهنگی این چیزی نبود که شما مطرح کردید! این خیلی مهم است.

صادقانه مطرح کردند و حتی کدهایی دادند که چه اقداماتی کردند و حالا در جریان قرار گرفتند که این نگاهی است که باید تغییر کند. بنابراین از اولین جا شروع کردیم و این انسجام را در نگاه فراهم کردیم تا دستگاه‌های مختلف با ما همراهی کنند.

مهم‌ترین وظیفه ما حفاظت از میراث فرهنگی است.

مهمترین وظیفه ما در وزارتخانه ما حفاظت از میراث فرهنگی است، ما این حفاظت را لایه به لایه تعریف کردیم و برای لایه‌های مختلف دنبال شرایط و امکاناتی هستیم که به نحو مطلوب بتوانیم آن را انجام بدهیم. بخشی از آن مربوط به حفاظت فیزیکی و عمرانی چه در مورد بناها، چه در مورد محوطه‌ها و چه در مورد بافت‌های تاریخی است.

اینها همه عرصه‌هایی هستند که باید به لحاظ فیزیکی حفظ شوند، ترمیم بشوند، جلوی فرسایش آنها گرفته شود، ضمن اینکه فرصت فراهم می‌کنیم تا مردم ببینند. بعضی‌ها فکر می‌کنند حفاظت از میراث فرهنگی آن است که هر جا دیدیم مشکلی هست اصلاً نگذاریم مردم ببینند! من با این نگاه مخالفم.

اگر قرار است مردم نبینند، زیر خاک بگذاریم مدفون بماند، آنجا امن‌تر است! برای چه حفاری و اکتشاف می‌کنیم؟ برای اینکه مردم ببینند، برای اینکه

نگاه قرآنی به ما این را می‌گوید «وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ»، ما عمداً خرابه‌های قوم لوط را سر مسیر کاروان‌ها قرار دادیم که وقتی این کاروان‌ها در طول این سال‌ها عبور می‌کنند آن خرابه‌ها را ببینند و درس بگیرند. موزه باید در دسترس باشد، میراث فرهنگی باید در دسترس باشد، اگر نباشد به درد نمی‌خورد.

ما پدیده‌ای به نام مخزن داریم. کمتر توجه شده که مخزن چیست، مخزن همین است که اینجا در موزه ملی می‌روید و ۳ هزار و ۲۰۰ قطعه تاریخی می‌بینید، اما یک نفر نمی‌گوید که ۱۰ برابر این و حتی بیشتر در مخازنی دیگر وجود دارد و رییس موزه ملی سال‌هاست دغدغه‌اش این است که اینها را در این مخازن نگه دارد، هزار و یک خطر هم متوجه اینها است و کسی هم اینها را نمی‌بیند!

یک بار هم که یکی را نشان می‌دهیم به جای اینکه به روح مطلب توجه کنند به این توجه می‌کنند که اگر این بیفتد بشکند چه می‌شود؟ اینها را که ربات‌ها جابجا نمی‌کنند، اینها را همکاران ما در کمدها و قفس‌ها جابجا می‌کنند که هزاران خطر وجود دارد. ما رفتیم آنجا اینها را بررسی کنیم تا کار کارشناسی صورت بگیرد و حفظ شود، ولی آیا مردم اینها را می‌بینند؟ ما یک راه‌حل پیدا کردیم که موزه‌های استانی و نمایشگاه‌های استانی برگزار شود.

یک مورد خوب را برای ساری انجام دادیم، یک بشقاب سیمین ارزشمند دوره ساسانی که در همان ساری در کاوش‌هایی که در دهه ۳۰ انجام گرفته بود به ساری برگشت و الان در همان موزه‌ای که در شهر ساری است چقدر بازدیدکننده دارد!

من چند روز پیش در فضای مجازی یک عکس دیدم. واقعاً استقبال مردم گسترده بود و همه آمده بودند این بشقاب را ببینند. امروز هنرمندان ما بخواهند کار نقره انجام بدهند و این اشکال را طراحی کنند به این راحتی نیست! در دوره ساسانی این کار را کردند و اشکال پادشاهی که دارد شکار می‌کند را خلق کردند. تعادل، زیبایی تصویر، زیبایی هنری، نباید یک گوشه بماند و باید در اختیار مردم قرار بگیرد.

سوره حجر آیه ۷۶: وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ، این ویرانه اکنون بر سر راهی است برقرار.

حالا از موزه‌های استانی و نمایشگاه‌ها بگیرد تا تبادل اشیاء تاریخی و فرهنگی بین کشورها. بعضی کشورها این را شروع کردند. البته از قبل هم بوده ولی با جدیت و با همکاری وزارت خارجه، آثار تاریخی آنها به ایران می‌آید، آثار تاریخی ما به آن کشورها می‌رود با همه فرآیندهای قانونی و پروتکل‌هایی که دارد. پس اول حفاظت فیزیکی آثار مهم است نهادها دارند کمک می‌کنند. بخش عظیمی از میراث فرهنگی ما وقف است. شاید تصور می‌شد که سازمان اوقاف هیچ مسئولیتی ندارد، تازه فهمیدم حفظ‌العین یعنی نگه داشتن اصل موقوفه جزء وظایف اصلی سازمان اوقاف است. یعنی کسی که وقف کرده و از دنیا رفته، بخشی از آن پولی که دارد باید حفظ شود، اگر قنات است قنات از اینبه تاریخی ماست و آن قنات باید ابتدا حفظ شود، حالا سازمان اوقاف آمده یک تفاهم‌نامه مفصلی با ما امضاء کرده و با همکاری هم و با پول اوقاف داریم مرمت می‌کنیم.

ما با بنیاد مسکن تفاهم‌نامه داریم. رییس بنیاد مسکن بعد از تبیین مسائل میراث فرهنگی یقین پیدا کردند که در کنار خانه روستایی که وظیفه دارند بسازند، حتماً باید بخشی از اعتبارات‌شان را برای میراث فرهنگی تخصیص بدهند، آنها را مرمت و برای استفاده مردم آماده‌سازی کنند.

یک بخش دیگر مربوط به اکتشاف، شناسایی، حفاری و بعد هم بحث شناسایی و معرفی است. در این حوزه‌ها نقاط ضعف‌مان را احصاء کردیم. بنده ۱۰ سال مسوول رسانه ملی بودم و غفلت داشتم و امروز سعی می‌کنم به مدیران همفکر خودمان در رسانه ملی بگویم میراث فرهنگی خیلی مهم است و ما نباید غفلت کنیم. اگر غفلتی هم کردم الان دارم اعلام می‌کنم که نگاه‌ها باید به میراث فرهنگی یکی شود و آنطور که لازم است به آن پردازیم، معرفی کنیم و پس از حفظ و نگهداری فیزیکی به درستی بتوانیم پیام میراث فرهنگی را عرضه کنیم.

راهنمای موزه باید مفسر میراث فرهنگی باشد.

یکی از وظایف راهنمایان گردشگری و راهنمای موزه‌ها این است که به درستی تفسیر کند و فقط به معرفی اکتفا نکند. همه جای دنیا همین است. وقتی یک اثر باستانی را نشان می‌دهند توضیحات کامل می‌دهند بعد هم تفسیر می‌کنند، به طوری که وقتی کسی می‌آید بازدید می‌کند یک چیزی یاد بگیرد.

اگر ما در کاخ موزه نیاوران هر روز صبح باید بودجه بگذاریم و همکاران ما لباس نظامی شاه و لباس فرج دیبا را دائم مرمت بکنند که مبادا نابود بشود، باید آن کسی که به آنجا می‌آید به او گفته شود این همه امکانات نظامی فراهم کردند، اما هم محمدرضاشاه و هم رضاشاه وقتی دشمن حمله کرد دست‌ها را بالا بردند و کشور اشغال شد و ما آن همه بدبختی را در سال‌های مختلف داشتیم.

اگر ما در کاخ موزه سعدآباد اتاق‌ها را نگاه می‌کنیم راجع به چوب این میز صحبت می‌کنیم، گج کاری آنجا که سرپنجه هنرمندان این کشور است، این میزی که آنجاست و شما می‌بینید میز معاهده ننگین سعدآباد است که بخش مهمی از کشور جدا شد.

من چند روز به چالدران و ماکو در آذربایجان غربی رفته بودم، یکی از جاهای پرملات ما در حوزه میراث فرهنگی ماکو، چالدران و ضلع شمال غربی کشور است. کوه‌های آرات را که آدم می‌بیند با آن زیبایی و آب و هوا و دامنه زیبای گردشگری، اینها در زمان رضاخان تحویل همسایه شد.

راهنما باید بگوید این قرارداد را اینجا در کاخ موزه امضاء کردند و در مقابل دشمن عقب‌نشینی صورت گرفت. فقط کافی است شما قاجار را نگاه کنید، بعد از آقامحمدخان همینطور که پایین می‌آید، می‌بینید در زمان هر کدام از این شاهان چقدر کشور استقلالش را از دست داد و سرزمین‌ها به دیگران سپرده شد تا بعد، عظمت دفاع مقدس را متوجه شویم. چقدر دوستان ما در هفته میراث فرهنگی کار خوبی کردند که روز آخر را میراث فرهنگی و دفاع مقدس قرار دادند.

مشارکت مردم و نهادها برای توسعه موزه‌ها در اولویت ماست.

موزه‌های خصوصی، استانی و عمومی در اولویت ماست. مشارکت مردم و نهادها در این زمینه اهمیت دارد. ما اگر ۷۶۰ موزه داریم، بیش از ۵۰۰ مورد از آنها موزه‌های عمومی و خصوصی هستند و ۲۵۰ موزه برای میراث است. جایی مثل موزه ملی ایران، موزه‌های کوچک‌تر هم همینطور. بقیه برای مردم و مجموعه‌داران است.

من در سفرهای استانی با اینکه وقتم محدود است بعضی اوقات می‌روم و اینها را افتتاح می‌کنم. می‌گویند فلان جا مجموعه‌های خانوادگی از صد سال یا دویست سال پیش داشتند، می‌روم وقت می‌گذارم افتتاح می‌کنم و تشویق

می‌کنم. موزه‌های عمومی هم همین‌طور.

من جا دارد از بنیاد مستضعفان و مدیریت این بنیاد تشکر کنم که تا الان سه موزه خوب افتتاح کردند و اعتبارات مناسبی گذاشتند. یکی از بهترین موزه‌های ما موزه خودرو است، موزه‌ای که در اصفهان افتتاح کردند و من نتوانستم بروم. هتل رامسر اثر تاریخی مربوط به دوره پهلوی است. بعد از بازدیدی که من داشتم دیدم که آنجا بلااستفاده افتاده است، آنجا یک دستوری دادم و بنیاد بلافاصله اقدام کرد.

از زحمات آقای دکتر حمشت‌الله قنبری که معاونت مربوطه هستند تشکر می‌کنم که بلافاصله اعتبار خوبی گذاشتند. در هتل رامسر دارند ۶ موزه بنا می‌کنند که در یکی از زیباترین موقعیت‌های جغرافیایی قرار گرفته است. رامسر یکی از زیباترین شهرهای توریستی و یکی از بهترین موقعیت‌های جغرافیایی ما است، وقتی از خیابان اصلی عبور می‌کنید یک سمت دریا و یک سمت جنگل است. هتل رامسر که توسط آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها ساخته شد، بخشی را آنها طراحی کردند و ساختند و انصافاً مهندسی هم ساختند. ما با اینها مشکل نداریم. ما در بحث‌های سیاسی بعضاً به نکاتی برمی‌خوریم که اگر یک اثر تاریخی ارزشمند است.

مثلاً اگر برای دوره پهلوی یا قاجار است، نباید آن را بگوییم و سانسور کنیم. اصلاً این نگاه درستی نیست، ما نگاه مهندسی و معماری داریم، نگاه به سازندگان داریم. بنده اگر به نیویورک رفتم وقت گذاشتم و ساختمان امپایر استیت بیلدینگ (Empire State Building) را دیدم در واقع به‌عنوان یک مهندس عمران ارزش و اعتبار مهندسی این ساختمان را از نزدیک دیدم.

در این سفر به مازنداران شخصاً با هماهنگی مدیریت راه‌آهن در یک فضایی که مه‌آلود و از نظر آب و هوا خیلی نامساعد بود رفتم و از بالا پل ورسک را دیدم. دانمارکی‌ها خوب کار کردند و این پل را ساختند و ۸۵ سال هم گذشته و قطار هم از روی آن عبور می‌کند، چه اشکالی دارد؟!

یک پل زیباست، دانمارکی‌ها ساختند پولش را هم گرفتند ولی یک کار مهندسی انجام دادند. بله در دوران حکومت قبل بوده ولی یک اثر تاریخی است که باید بگوییم و هیچ اشکالی ندارد. من آمدم اینها را یک مقدار بهم بزنم، هزینه

هم دارد و هزینه‌هایش را هم دادیم، اما نگاه ما یک نگاه درست مبتنی بر اهمیت میراث فرهنگی ما باشد.

مشکل جذب صد در صدی کمک‌های مردمی را رفع کردیم.

نکته دیگر اینکه در این حوزه‌ها که نهادهای مختلف کمک می‌کنند، ما به لحاظ قانونی مشکلی داشتیم که مردم نمی‌توانستند هدایا، نذورات و هبه‌شان را به درستی تحویل وزارتخانه بدهند تا صددرصد این اعتبارات بدون اشکال قانونی به وزارتخانه برگردد.

بعد از مصوبه اخیر هیات دولت این مساله را حل کردیم و جا دارد از معاون محترم حقوقی رئیس‌جمهور تشکر کنم که همکاری خیلی خوبی با ما کردند. اساسنامه صندوق احیاء و توسعه می‌گوید از ۷ منبع مالی صندوق یکی منابعی است که مردم کمک می‌کنند، ما در تخصیص صددرصدی و رعایت قانون در دریافت پول مردم مشکل داشتیم، در این زمینه در دولت تبیین کردم و مشکلات حقوقی که بعضی از اعضای دولت گرفتند و آقای دکتر دهقان نیز توضیحات خوبی دادند، الان رفع شده است.

بنابراین ما می‌توانیم انجمن خیرین میراث به صورت قانونمند داشته باشیم. آقای دکتر دارابی اساسنامه آن را نوشتند، هیات امنای آن مشخص شد و این اساسنامه به عنوان ویراست اول از نظر من قابل انتشار است. انتظار دارم که صاحب‌نظران و اصحاب رسانه راجع به این اساسنامه صحبت کنند.

ما باید آرام‌آرام زمینه جذب کمک‌های مردمی را در داخل و خارج از کشور به صورت ریالی و ارزی فراهم کنیم. بعضی‌ها در خارج از کشور عاشق یک بنای تاریخی ما هستند و می‌خواهند کمک کنند. امروز در دریافت کمک آنها مشکل داریم. خوشبختانه مانند انجمن خیرین مدارس این مساله به لحاظ قانونی حل شده و امیدوارم دوستان ما در ارتباط با عملیاتی کردن این اساسنامه فعال برخورد کنند تا بتوانیم یک تحول جدی در این حوزه داشته باشیم.

چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی معرفی خواهند شد.

انشالله همایش چهره‌های ماندگار را در حوزه میراث فرهنگی خواهیم داشت، من در صدا و سیما آثار پربرکت همایش چهره‌های ماندگار را دیدم هرچند بعدها به دلایلی ادامه پیدا نکرد. حالا این تجربه خوب را در میراث فرهنگی انجام می‌دهیم

و در اولین برنامه طبق گزارشی که به من داده شد، ۱۰ چهره ماندگار حوزه میراث فرهنگی معرفی می‌شود. این حرکت به عنوان یک ارزش مسلط و مهم در کشور ما سال‌ها معرفی خواهد شد.

از شیوه‌های نوین و دانش‌بنیان برای پروژه‌های میراث استفاده می‌کنیم.

در حوزه دانش‌بنیان کارهای زیادی انجام گرفته است، چه کارهای عملیاتی موردی تا مرمت‌های رباتیک. طرح‌های آن آماده شده و داریم تست‌های لازم را می‌گیریم. اگر اینطور باشد دیگر لازم نیست داربست‌های مفصلی بزنیم مثل داربستی که روی مسجد امام در میدان نقش جهان است. ما ۸۰ پروژه را به مناسبت هفته میراث فرهنگی افتتاح کردیم.

یکی از آنها بعد از ۱۰ سال برداشتن داربست مسجد امام در میدان نقش جهان بود. ۱۰ سال بود مردم این اثر تاریخی را درست نمی‌دیدند و خیلی از منارهای اینگونه است. اگر سیستم رباتیک راه بیفتد کار مهم انجام شده است. اکتشاف بدون حفاری پروژه دیگرمان است. یک حرکت جدیدی که تحت عنوان متاورس امروز بر بخش بزرگی از فعالیت‌های دنیا تسلط پیدا می‌کند، در این حوزه کارهای خوبی انجام گرفته است.

مشکلات یگان حفاظت میراث فرهنگی را بررسی و رفع خواهیم کرد.

یگان حفاظت میراث فرهنگی خیلی مهم است. با حضور فرمانده نیروی انتظامی سمینار داشتیم و مسائل را مطرح کردیم. یگان حفاظت ما ماموریت‌های زیادی دارد در عین اینکه محدودیت‌های فراوانی هم دارد که به هیچ‌وجه با ماموریت‌هایی که برای آن تعریف کردند مطابقت ندارد. داریم اینها را هم بررسی کنیم و اقدامات لازم را برای آن انجام می‌دهیم.

مسیر را برای اصلاح سوداگران میراث فرهنگی هموار کنیم.

یکی از کارهایی که ما باید بکنیم توصیه به کسانی است که به هر دلیلی در حوزه میراث فرهنگی ورود کردند، حفاری کردند، سوداگری کردند، کالاهای میراث فرهنگی و عتیقه‌جات و زیرخاکی‌ها را قاچاق می‌کردند. باید به آنها بگوییم این کارها عاقبت ندارد، کار خوبی نیست، یک کار ضد ملی است. باید این زمینه را فراهم کنیم که بعضی‌ها آن راهی را که می‌رفتند منصرف شوند و راه درست را انتخاب کنند.

امروز دو نمایشگاه مهم از دو اتفاق مهم، با همین راهبرد و نگاه داشتیم. همکاران ما در حوزه مرمت که من هفته قبل از کار آنها بازدید کردم شبانه‌روز دارند زحمت می‌کشند و اینها را مرمت و آماده می‌کنند. یک بخش از آن بیش از ۸۰۰ قطعه ارزشمند تاریخی است، یک بخش دیگر هم بیش از ۷۰۰ قطعه یعنی حدود ۱۶۰۰ قطعه تاریخی ارزشمند از دوران ایران باستان تا دوران پس از اسلام.

الان بروید نگاه کنید تعجب می‌کنید، قیمت‌گذاری نمی‌شود کرد، یکی مربوط به خانواده‌ای بوده که یک فردی برای آنها کار می‌کرده بعد از دنیا می‌رود، بعد اینها را در خانه دفن کرده بود، همسر او با یگان حفاظت تماس می‌گیرد و می‌گوید ما باید اینها را تحویل دولت بدهیم و ما اینها را نمی‌خواهیم، بچه‌های ما وقتی اینها را از زیرزمین بیرون آوردند دیدیم عجب گنجینه‌ای است! یک بخش از آن هم برای فرد دیگری است که استفاده‌های دیگری می‌کرد اما یکدفعه خواب‌نما شد، دید باید برگردد. با من تماس گرفت و گفت من هر چه دارم برای شماست! ما باید از اینها استقبال کنیم.

از کسانی که از این مسیر برمی‌گردند به‌عنوان آدم‌هایی که خوب و درست هستند استقبال کنیم. ما در کشورمان طوری عمل نمی‌کنیم که بتوانیم حرساز باشیم و حر برای ما ارزش داشته باشد. متأسفانه تا یک اشکالی برای یکی پیش می‌آید می‌گوییم اگر بفهمند هزار تا گرفتاری ایجاد می‌شود. نه! یکی یک مسیری را پیش می‌رفته حالا دارد برمی‌گردد و همراهی می‌کند و ما باید پذیرای او باشیم.

جلسه پرسش و پاسخ رسانه ای

ضرورت توجه به اقتصاد میراث فرهنگی

* سیداقبال واحدی (شبکه شما): میراث فرهنگی بحث اقتصادی هم دارد و باید خودش بتواند خودکفا باشد و صرفاً نیازمند کمک‌های مردمی نباشد. یکی از کارهایی که می‌تواند بکند بحث تبلیغات داخل و خارج از ایران است که بتواند ارزآور باشد. شبکه شما یکی از شبکه‌هایی است که گردشگری و میراث فرهنگی از موضوعات محوری آن است. در این زمینه چه اقدامی انجام داده‌اید؟ موضوع دیگر اینکه ما به یکی از شهرها رفتیم. برای کاری می‌خواستیم چادر نصب کنیم نقش شیر و خورشید از قدیم روی این چادر بود. بعضی‌ها از پخش شیر و خورشید می‌ترسیدند. این بحث را هم مطرح کنید که بعضی از نمادها ربطی به حکومت‌های خاصی ندارد و برای کشور ماست.

* وزیر: مورد دومی که مطرح کردید از نظر من اشکالی ندارد، هر چیزی که جنبه تاریخی دارد به قوت خودش باقی است. البته ممکن است یک جاهایی جنبه تاریخی هم مد نظر نباشد و یک عده اغراض دیگری برای بعضی از کارها داشته باشند، موضوع آن مستقل است. اما در مورد قسمت اول همانطور که به درستی اشاره کردید بخصوص در مورد کشور ما شاید اولین مزیت ما در مسأله گردشگری بُعد اقتصادی آن است که بُعد مهمی است.

مسأله گردشگری تاریخی در این زمینه مهم است و ما در این حوزه جزء ۱۰ کشور اول در جاذبه‌های تاریخی هستیم و در حوزه ناملموس رده هفتم را داریم، بنابراین کسانی که از خارج می‌آیند و می‌خواهند گردشگری کنند، بخش تاریخی ما برای آنها مهم است. ما برنامه‌هایی برای تقویت جذابیت و سرویس‌ها و خدماتی که بایستی در این محیط‌ها داده شود داریم. بعضی از آنها هم جنبه‌های زیرساختی دارد.

شاید باورتان نشود که اگر ما بخواهیم در جاده‌هایمان فقط یک تابلو بزنیم و به مردم بگوییم دارید به تخت جمشید نزدیک می‌شوید، خلاف قانون بوده است. چون همه جاده‌ها را به طرف قراردادها و به سرمایه‌دارها برای تبلیغ کالاها

فروختند و اگر همت وزیر راه انقلابی در این حوزه نبود این مشکل رفع نمی‌شد. در این زمینه یک صورت جلسه امضاء و ابلاغ کردیم. اگر می‌خواستیم تابلو بزیم می‌گفتند جاده صاحب دارد و باید در سیستم دیگری عمل کنید، حالا این موضوع را بگیرید تا برسد به سرویس‌های بهداشتی و خدمات تکمیلی کنار پایگاه‌های ما. الان موضوع زیرساخت‌ها حل شده. برنامه‌ریزی‌های مختلف صورت گرفته. هلدینگ گردشگری ما با مدیریت جوان و پرتلاشی که دارد در این زمینه ماموریت پیدا کرده است. مهمترین مساله در واقع زیرساخت‌هایی است که بتواند برای ارائه خدمات در محیط‌هایی که میراث فرهنگی است موثر باشد. الحمدلله الان مردم فرهنگ‌دوست ما اینقدر در این حوزه‌ها علاقمندند که خیلی جاها در خیلی از مقاطع سال استقبال چشم‌گیری می‌شود این حضور مردمی باعث می‌شود مدیریت مردم یکی از مسائل ما شود. لذا ما در این زمینه نیز به صورت جدی برنامه‌ریزی کردیم.

راهکارها برای رفع خلاهای قانونی در حوزه میراث فرهنگی

* سعه‌اسدیان (خبرگزاری فارس): شما یکی از ایراداتی که در برنامه‌هایتان به بحث میراث فرهنگی داشتید در خصوص سکوت قانون‌گذار برای ثبت آثار واجد ارزش بود، چه برنامه‌ای برای شکستن این سکوت دارید؟ چطور می‌شود به کسی که قاجاق اشیای تاریخی انجام می‌دهد با زبان خوش بگوییم این کار عاقبت خوبی ندارد و از این کار دست بکشد؟ * وزیر: بخش دوم سوال شما خیلی مهم است ولی در واقع اینها مکمل هم هستند. تاکید روی یک بخش نفی بخش دیگر نیست. مساله حفاری‌های غیرمجاز و قاجاق کالا که یکی از بندهای اصلی تفاهم‌نامه با نیروی انتظامی بوده، مساله بسیار مهمی است و به طور جدی پیگیری می‌شود، منتها ما چون نیروهای فرهنگی هستیم باید یک مقدار هم کار فرهنگی بکنیم و می‌تواند موثر باشد، بنابراین اگر من این مساله را مطرح می‌کنم نفی آن بخش اول نیست، کاملاً باید موارد قانونی پیگیری شود، قانون هم داریم، فقط باید یک مقدار روش‌ها و شیوه‌هایمان را تغییر بدهیم که بتوانیم با متخلفین برخورد درست بکنیم.

آن قسمت اول هم در مورد سکوت، ما در مورد مسائل مربوط به میراث فرهنگی اتفاقاً تورم قانونی داریم، ولی مسائل اصلی ما بعضی جاها مسکوت قرار گرفته است و یا ناهماهنگی‌هایی وجود دارد. انشاءالله در قانون وظایف و اختیارات وزارتخانه که تقریباً تکمیل شده و آخرین ویراستش را می‌گذرانند و در همین یکی دو روز به دولت ارائه می‌شود و بعد هم به مجلس می‌رود، سعی کردیم آن خلأهای قانونی را ببینیم و مرتفع کنیم.

تبادل تجربه با کشورهای دیگر در حوزه مرمت

*شیوا آب‌شناس (خبرگزاری اسپوتنیک روسیه): آیا برنامه‌ای دارید که در زمینه مرمت از متخصصین خارجی کمک بگیرید؟ آیا در این حوزه در کشورهای دیگر فعال می‌شویم؟ مثلاً سوریه میراث باارزشی دارد و در دوران داعش آسیب زیادی دیده است. آیا در کشورهای اطراف فعال می‌شویم؟ * وزیر: پاسخ ما حتماً مثبت است. استفاده از ظرفیت کارشناسی جمهوری اسلامی نقطه قوت و مزیت نسبی ما است، بخصوص در رابطه با کشورهای همسایه، در نشست‌هایی که با سفر داشتیم اعلام آمادگی کردیم. حتی بعضی از اینها تا مرحله نهایی به عقد قرارداد هم کار را جلو بردند. می‌توانیم به‌عنوان یک کار فرهنگی و اقتصادی خوب این کار را انجام بدهیم.

در استفاده از ظرفیت‌های خارجی، کارشناسان تراز اولی که تجربیات اولیه خوبی در دنیا دارند و می‌توانند به بعضی از بحث‌های کارشناسی ما کمک بکنند هم استقبال می‌کنیم. کما اینکه همین الان هم دارد انجام می‌گیرد، بخش‌های مختلف میراث نیز ارتباطاتی دارند.

البته بعضی جاها جنبه‌های صرفاً تبلیغی دارد و خیلی آورده‌ای برای کشور ندارد، ما با آنها کاری نداریم اما اگر یک کارشناس برجسته و صاحب‌نظر در یک حوزه‌ای نظراتی دارد هیچ منعی برای استفاده از آن نظرات، دعوت از او و استفاده از تجربیات او نیست.

طرح مجلس درباره استفاده بهینه از آثار باستانی و گنج‌ها

*مهدی برازنده (روزنامه کیهان): فصل الخطاب بنده درباره طرح استفاده بهینه از آثار باستانی و گنج‌هاست.

*** وزیر:** ما در مورد طرح مجلس یکبار اعلام کردیم، معاونت میراث فرهنگی هم یک نامه مفصلی برای همکاران ما و نمایندگان در مجلس ارسال کردند و اشکالاتی را که به آن طرح وارد بود در ۸ بند اعلام کردند، من هم در یک گفتگوی اعلام کردم که کلاً در جریان محتوای این طرح، حتی ارائه این طرح برای ثبت در مجلس قرار نگرفتم و مانند بقیه همکاران رسانه‌ای در رسانه‌ها متوجه شدم. البته این کم اتفاق می‌افتد و معمولاً هماهنگی‌های بین دستگاه‌های دولتی و مجلس به گونه‌ای است که با همدیگر مشارکت می‌کنند، حالا چه سیری را طی کرده بود که بدون اطلاع ما به مجلس داده شده بود، آن آقایان باید توضیح بدهند. ولی دوستانی که من می‌شناسم و در امضاها دیدم کسانی هستند که اتفاقاً سوابق خوبی در حوزه میراث فرهنگی و کمک به میراث دارند؛ نگاه‌های دلسوزانه و همکاری‌های خوبی با ما داشتند و دارند.

اما راجع به این طرح قاعدتاً خود آنها باید توضیح بدهند و از نظر ما اشکالاتی داشت. بعد هم یک نامه‌ای را خطاب به من نوشتند، همگی امضاء کردند، این نامه رسانه‌ای شد و با توجه به قانون جمعی که وزارتخانه دارد تحویل می‌دهد فعلاً از پیگیری این طرح اعلام انصراف کردند تا در آن قانون اگر منویاتی دارند مورد توجه قرار بگیرد. حتماً در مورد برخورد با قاچاق ما باید به تفاهم برسیم و بندهای قوی‌ای بیاوریم و خلاءهایی که در این حوزه داریم را بتوانیم جبران کنیم.

بازنشستگی مدیران و توقف کارها در استان‌ها به رغم تفویض اختیار

*** الهام گوران (خبرگزاری صدا و سیما):** پرسش من درباره دو موضوع است؛ یکی موزه‌های استانی و یکی هم مشارکت مردمی و بخش خصوصی. یکی از فعالیت‌هایی که از ماه اول وزارت شروع کردید تفویض اختیار به استان‌ها بوده اما متأسفانه خبرهای خوبی از استان‌ها نداریم، چه نظارتی با توجه به این تفویض اختیار دارد در استان‌ها انجام می‌شود؟ ما خبر داریم که بعضی از مدیران استان‌ها دارند بازنشسته می‌شوند یا بازنشسته شدند و در این روند فعالیت‌ها با کاستی روبرو است. مثلاً در استان خراسان رضوی در روند بازنشسته شدن مدیران ارشد و میانی ۱۱ موزه‌ای که برای آن بسیار

هزینه شده، سه تا دارد بهره‌برداری می‌شود و درهای باقی موزه‌ها بسته است، در استان فارس به علت اینکه فردی که در حال بازنشستگی است اشیایی که در اختیارش است، هیچ برنامه‌ای برای آن نمی‌شود گذاشت و به همین شکل دارد ادامه پیدا می‌کند. هم‌چنین در استان‌های ما بسیاری از بناها برای تغییر کاربری سرمایه‌گذار آماده است ولی در سازوکارهای استانی با پیچیدگی‌های روبرو می‌شود که این کار اصلاً انجام نمی‌شود و سرمایه‌گذار پشیمان می‌شود و به بخش دیگری می‌رود.

*وزیر: بخشی از صحبت‌های شما به‌عنوان آسیب‌هایی است که قابل بررسی است، اما سیاست تفویض اختیار جزء سیاست‌های مهم وزارتخانه ما است، ما یک همایشی را ماه‌ها قبل انجام دادیم، قبل از اینکه دولت این طرح مجوزهای کسب و کارهای ثبت‌محمور را مطرح کنند. رسانه ملی هم خیلی روی این کار کرد. ما قبل از آن این کار را شروع کردیم، معاون استخدامی - اداری هم در آن جلسه آمدند و تشکر کردند که زودتر از هر وزارتخانه‌ای اینجا این کار را شروع کرد.

من به طور جدی معتقدم بایستی جلوی کاغذبازی، بوروکراسی، نظام منحن و پوسیده‌ای که مثل بختک در کشور افتاده را بگیریم. هر کاری که می‌خواهیم بکنیم باید به آقا اجازه متوسل شویم و از یک بزرگتر اجازه بگیریم! هم در مسائل سیاسی و هم در مسائل اجرایی این مشکل را داریم.

مدیران را ناکارآمد و ترسو و محافظه‌کار کردیم و آنها را از نهادهای نظارتی ترساندیم، روح قانون را از بین بردیم، به همین دلیل من به طور جدی معتقدم که باید تفویض اختیار صورت بگیرد ولو اینکه در سال‌های اول یک نقاط ضعفی هم داشته باشد، اشکالی ندارد باید این کار صورت بگیرد.

ما بیش از ۲۰ اختیار و وظیفه‌ای که برعهده ستاد وزارتخانه بود را در ۴ حوزه مهم فعالیت‌های وزارتخانه به استان‌ها تفویض کردیم، آموزش دادیم، جلسه گذاشتیم، آنها را توجیه کردیم، به کار آنها نظارت می‌کنیم. همانطور که فرمودید ممکن است یک جایی هم خطا داشته باشند، این را هم پیش‌بینی کردیم ولی درنهایت بسیاری از کارهایی که در استان‌ها و شهرستان‌ها باید انجام بگیرد دیگر نباید به تهران بیاید.

نکته دوم هم در مورد مدیرانی که سنشان بالاست و موضوع موزه که فرمودید، ما جوان‌گرایی را سرلوحه کار خودمان قرار دادیم، امروز ۱۲ مدیر ارشد و برجسته وزارتخانه مربوط به دهه ۶۰ هستند یعنی از یک معاونت مهمی مانند معاونت گردشگری گرفته تا بخش‌های مهم دیگر.

هددینگ‌های ما، مجموعه‌های اجرایی ما اینها مدیران دهه شصتی هستند، اما در کنار اینها افراد باتجربه - بخصوص در بعضی استان‌ها که تجربه و اطلاع از سوابق کار خیلی مهم است - در هر سه حوزه ماموریت داریم که فعلاً استفاده می‌کنیم ولی با جوان‌گرایی و تبادل توانمندی‌های افراد باتجربه و جوان‌ها انشاءالله سعی می‌کنیم که یک هماهنگی ایجاد کنیم تا در آینده نه‌چندان دور هم مدیران ما مدیران جوانی باشند هم از تجربه لازم برای ادامه ماموریت‌ها برخوردار باشند.

تهدید حرائم و تخریب تپه‌های باستانی در استان‌ها

* معصومه دیودار (خبرگزاری ایلنا): ما در ابتدای انتخاب شما به عنوان وزیر، در حوزه معاونت میراث فرهنگی شاهد عدم حضور افراد متخصص بودیم. اگر امکانش است برای ما شفاف‌سازی بکنید که با حضور این افراد چطور است که ما در استان‌ها حتی با اجازه مدیران کل استان‌ها، برخی از تپه‌های باستانی به بهانه‌های عمرانی، جاده‌سازی، بهسازی... با لودر صاف می‌شود، در صورتی که این تپه‌ها ثبت میراث فرهنگی است و هنوز کاوش نشدند و لایه‌های باستانی آنها با این تخریب‌ها از بین می‌رود. *وزیر: در خصوص اقداماتی که در مورد تخریب در کشور صورت می‌گیرد، یگان حفاظت ما به مناسب روز یگان حفاظت در هفته میراث فرهنگی، یک گزارش مشروحي در همه زمینه‌ها دادند از جمله تجاوز به حریم میراث فرهنگی، چه غیرقانونی، چه آنهایی که براساس پروژه‌های قانونی فکر می‌کنند باید انجام بدهند. با اینها مقابله می‌شود.

اگر به صفحات مجازی من مراجعه کنید بعضی از این مصادیق را می‌بینید. یعنی اگر در شورای عالی اداری قم در سفر استانی نماینده به درستی یکی از مشکلات مردم را مطرح می‌کند ولی از نظر ما امکان تخریب بافت تاریخی

نیست، آنجا در حضور رئیس جمهور من با صراحت اعلام می‌کنم که بافت فرسوده با بافت تاریخی متفاوت است. بافت تاریخی باید حفظ شود بخصوص ابنیه تاریخی که در بافت است.

من در هر سفر استانی که می‌روم مراجعات بسیار زیادی دارم. همین سفر آخر من در ماکو موردی داشتیم فرد مثلاً یک زمینی دارد، خانه فرسوده شده متها در بافت قرار گرفته، می‌خواهد دو طبقه بسازد که پدرش هم در آنجا زندگی کند. در روستاها هم این مشکل را داریم.

من هر جا می‌روم تجمعات فراوانی از مردم است که مجبور می‌شوم آنجا به آنها توضیح بدهم، یک مقدار با لبخند، یک مقدار با تبیین، یک مقدار با عذرخواهی، به مادر شهید بگویم من شرمند هستم خدا من را با فرزند شهید شما محشور کند ولی اگر می‌خواهی برای فرزند دیگری یک طبقه بگذاری بماند، من نمی‌توانم اجازه بدهم!

بنابراین یکی از کارهای وزارتخانه این است که به طور جدی در مورد تخریب آثار باستانی مقابله کند. من یک جاهایی را برای گذشته می‌بینم که وضعیتش اصلاً باورپذیر نیست، مثلاً وسط سمنان می‌بینید یک تپه تاریخی که خیلی هم ابعادش کوچک است و برای دو هزار سال قبل است، برای همه دوره‌های تاریخی آثار تاریخی در آنجا دیده می‌شود، من نمی‌دانم چه کسی اجازه داده است؟!

اولاً همه آنجا را سوراخ کردند و لانه معتادین شده است، سرنگ‌های معتادین آنجا ریخته شده و در این سال‌ها یک فنس هم دور آن نکشیدند که کسی نرود تا تکلیفش را روشن کنند، بعد هم شهرداری آمده یک بخش رستوران برای شهرداری ایجاد کرده و چنان ستون‌های آهنی را زده که تکیه‌گاه‌هایش را خود این بناهای تاریخی گذاشته، یعنی نه تنها حریم را رعایت نکرده، بلکه تیر آهن‌هایش را به بنای تاریخی ما چسبانده است! من نمی‌دانم چرا کسی حرفی نزده است؟!

من هفته قبل بالای شمس‌العماره رفتم، شمس‌العماره واقعاً دیدنی است، دری که از ناصر خسرو باز کردیم ببینید چقدر علاقمندان به ناصر خسرو و کوچه مروی عاشق این هستند که وارد شمس‌العماره شوند و بروند کاخ گلستان را ببینند! وقتی نقطه بالا و قسمت شاه‌نشین رفتم، دیدم یک ساختمان اسکلت فلزی بلندی دارد

بالا می‌رود، پرسیدم چه کسی این را اجازه داده، این اگر بالا برود دیگر کسی شمس‌العماره را نمی‌بیند! من حرف شما را تایید می‌کنم، در کشور ما به علت بعضی بی‌توجهی‌ها، بعضی دخالت‌های اصحاب ثروت و قدرت، میراث فرهنگی را زدند و نابود کردند، کسی هم جلوی آنها نایستاد!

حتماً باید برخورد شود. اما اگر یک جایی رفتیم و دیدیم این بافت یک تعریفی دارد، یک جایی حریم یک بافت را خیلی وسیع گرفتند، من اینجا دستور بررسی مجدد به مرکز پژوهشگاه‌مان داده‌ام، یعنی یکی از وظایف پژوهشگاه ما این است که اگر در یک دوره‌ای خواستند حریم یک جایی را که الان چیزی هم داخل آن نیست و احتمال می‌دهند که ممکن است اقلامی آنجا باشد - مثلاً یک طرف رودخانه یک طرف هم کوه است - خوب طبیعتاً می‌گویند کسی اینجا کاری نکند تا ارزیابی بکنیم.

آنجا چون مردم هستند، زندگی دارند می‌کنند، اصلاً مردم دارند آنجا را حفاظت می‌کنند، بله می‌شود با بررسی مجدد و کاملاً علمی و قانونی - آن هم توسط پژوهشگاه نه هر کسی که از راه برسد یک چیزی بگوید - مشکل مردم نه اصحاب قدرت و ثروت را حل بکنند.

سفرهای استانی که می‌روم با مردم گرفتاری داریم و فعلاً هیچ‌گونه همکاری با آنها برای بعضی از ساخت‌وسازهایی که نیاز آنهاست نمی‌توانیم انجام بدهیم تا ببینیم اگر در مراحل کارشناسی گشایش‌هایی حاصل شد با مردم همکاری بیشتری داشته باشیم. ولی من در بخش اول با شما همراه هستم و با تشکر از شما که خیلی فعال هستید، خواهش می‌کنم مصادیق مشخصی که پیدا می‌کنید با ارتباطی که با ما دارید حتماً به ما منتقل کنید تا استفاده کنیم.

*** خبرنگار: اگر زیر نظر مدیران استانی این کار انجام شده باشد چه**

تدبیری برای این قضیه دارید؟

*** وزیر: حتماً نهایتاً مسئولیت آن با ما است، یعنی اگر یک مدیر استانی**

تخلف آشکار بکند حتماً بنده پاسخگو هستم و باید جوابگو باشم.

سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری

* الهه سالاری (خبرگزاری آنتولی ترکیه): آیا در دولت آقای رئیسی برنامه‌ای

برای سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری وجود دارد؟

*وزیر: سیاست ما در این حوزه کاملاً روشن است، من بارها اعلام کردم که هیچ محدودیتی برای سرمایه‌گذاری دیگران در کشور به ویژه در حوزه گردشگری و حوزه فرهنگی و بخصوص جاذبه‌های تکمیلی که جزء سیاست‌های ما برای ابنیه تاریخی و میراث فرهنگی است، وجود ندارد.

من با مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاران از ترکیه ملاقات داشتم و این ملاقات من رسانه‌ای هم شد. با آنها همراهی و همکاری‌هایی داشتیم و تفاهماتی کردیم. حتی محل‌های سرمایه‌گذاری را مشخص کردند، به خاطر علاقه‌ای که به اردبیل و شیخ صفوی و آرامگاه شاه اسماعیل صفوی داشتند، همه‌گونه همکاری با آنها حتی در کنار شورابیل اردبیل مطرح شد و امام جمعه محترم اردبیل نیز ملاقاتی با این عزیزان داشتند و امکاناتی را نیز از نظر مجوزها فراهم کردند.

پس ما اصولاً در این رابطه مشکل نداریم، خط قرمزی هم جز کشور جعلی اسرائیل و رژیم اشغالگر قدس نداریم. هر کس بیاید براساس ضوابط جمهوری اسلامی بخواهد سرمایه‌گذاری و کار اقتصادی بکند، در همه حوزه‌ها به ویژه حوزه میراث فرهنگی هیچ محدودیتی نیست.

من ضمن اینکه اعلام کردم با کسانی که سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام می‌دهند در صورت عدم نیاز به تسهیلات بانکی، خودم شخصاً ملاقات می‌کنم و با بعضی از افراد نیز ملاقات کردم و آن هم خبری شده است، بخشی از اینها مربوط به کشورهایی است که می‌خواهند سرمایه‌گذاری خاصی را انجام بدهند و سرمایه خودشان را داخل ایران بیاورند.

من با قطری‌ها ملاقات‌های خصوصی داشتم، دنبال محل‌هایی هستند و ما هم با آن محل‌ها مشکلی نداریم و یک موانع شاید خاصی به لحاظ برخی آئین‌نامه‌ها و قوانین اداری وجود دارد که بنا داریم این موانع را از بین ببریم. بعضی از سخت‌گیری‌ها هم به خاطر اهمیت این کار است. اگر شما در کشور ترکیه مواردی را دیدید و سرمایه‌گذارانی که واقعاً می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند و در

این زمینه مشکلی دارند لطفاً گزارش آن را به معاونت گردشگری و بخش خارجی ما بدهید و من حتماً پیگیری می‌کنم که رفع شود.

*** خبرنگار: سرمایه‌گذاران در اردیبهیل در چه حوزه‌ای می‌خواستند سرمایه‌گذاری کنند؟**
*** وزیر: بخش زیادی از آن در حوزه مراکز اقامتی و تفریحی است.**

میراث فرهنگی و نقش شرکت‌های دانش بنیان

*** رضا شوکتی (شبکه ایران کالا): نقش شرکت‌های دانش بنیان در توسعه برنامه‌های میراث فرهنگی چیست و شما چه حمایتی قرار است از این شرکت‌ها انجام بدهید؟**

*** وزیر: جا دارد از زحمات شبکه ایران کالا تشکر کنم که یک شبکه تخصصی خوبی برای کارشناسان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی است. اقدامات خیلی خوبی انجام می‌دهد و نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌ها و اهداف اقتصادی کشور دارد. از اینکه شبکه ایران کالا با همان نگاه اقتصادی به مسأله گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی توجه می‌کنند، تشکر می‌کنم.**

برنامه‌ها و گزارش‌ها و نشست‌های خوبی داشتید که تقاضا می‌کنم این را ادامه بدهید. ما در همه حوزه‌ها بخصوص میراث فرهنگی بحث‌های اقتصادی جدی داریم؛ برای معرفی و شناساندن محیط فرهنگی، برای جاذبه‌های تکمیلی، برای ترویج آژانس‌های خدماتی، برای انواع و اقسام خدماتی که در این حوزه‌ها در جهت معرفی حوزه میراث فرهنگی انجام می‌شود و در بُعد اقتصادی واقعاً زمینه‌های متعددی وجود دارد که شبکه ایران کالا می‌تواند کمک کند.

در حوزه دانش بنیان امسال چون سال تولید دانش بنیان است من چند مورد را ذکر کردم، ولی حتماً نگاه دانش بنیان نجات‌دهنده بسیاری از موانع و گرفتاری‌هایی است که امروز داریم، در آینده نزدیک پروژه‌ها و نگاه‌مان را در این حوزه تبیین می‌کنیم و با کارشناسان این حوزه گفتگوی خبری می‌گذاریم و از شبکه ایران کالا هم استفاده می‌کنیم تا جوانانی که در این حوزه مزیت نسبی کشور هستند، از طریق مسیرهایی که اعلام می‌کنیم به ما کمک کنند و همکاری داشته باشند.

برنامه وزارت برای خروج از حیات خلوت و پاسخ گو شدن

*محسن هاشمی (روزنامه جمهوری اسلامی): انتقاد دارم از اینکه شما تاکنون جلسه‌ای با اصحاب رسانه نداشتید و تشکر می‌کنم از جلسات خوبی که با مدیران داشتید و زیر میز زدن شما؛ و اما سوال اینکه ما از زمان شکل‌گیری ساختار میراث فرهنگی انتقادات جریان منتقد رسانه‌ای عموماً شاید به دلیل ضعیف ماهیت ساختاری این تشکیلات بوده که در سطح چارت سازمانی معاونت رئیس جمهوری بود، منتقدین از آن به‌عنوان حیات خلوت دولت‌ها یاد می‌کردند و هیچ جریان و قوه‌ای پاسخگو نبود. هیچ مانیفست تعریف‌شده‌ی درازمدتی هم برای این تشکیلات تعریف نمی‌شد. امیدوارم شما طرح نویی را در اندازید و این وزارتخانه را پاسخگو کنید.

* وزیر: نکته‌ی اولی که فرمودید درست است بعد از ۹ ماه اولین نشست رسمی خبری من است، اما اگر اخبار وزارتخانه را تعقیب کنید من دائماً با رسانه‌ها گفتگو دارم و در سفرهای استانی یک وقت جدی را می‌گذارم و با رسانه‌ها صحبت می‌کنم و اخبار زیادی از من توسط رسانه‌ها منعکس می‌شود. حتی در یک استان چند بار گفتگوی رسانه‌ای می‌کنیم، یعنی به بهانه رسیدگی و بازدید که می‌روم وقتی رسانه‌ها هستند تقریباً با همه صحبت می‌کنم.

بنابراین ارتباط ما با رسانه ارتباط قوی و مستمری است، ضمن اینکه من در کنار اقدامات رسانه‌ای وزارتخانه - که خوشبختانه خوب است و در مقایسه با بقیه نهادها، جزء سازمان‌های ردیف اول به لحاظ اطلاع‌رسانی بوده‌ایم - یک علاقه‌ای دارم که در صفحات مجازی‌ام اطلاع‌رسانی‌های متفاوتی انجام دهم. من در صفحات مجازی‌ام سعی می‌کنم با یک ادبیات خاصی حرف بزنم که همه با آن ارتباط برقرار کنند، ممکن است یک مسأله حاشیه‌ای باشد، یک مسأله فان باشد، یک تصویر متفاوت باشد اما وقتی آن تصویر مخاطب را جذب می‌کند، آن موضوع فان مخاطب را علاقمند می‌کند که ببیند ما چه می‌گوییم، آن وقت حرف‌های جدی را آنجا می‌گوییم.

من یک مورد را در روزنامه‌های اصلاح طلب دیدم که اعلام کرده بود ما به صفحات ضرغامی که مراجعه می‌کنیم جز چند گزارش سفر استانی چیز دیگری

نمی‌بینیم، اگر آن کسی که این مقاله را می‌نویسد یکبار با دقت ویدیوها را نگاه کند می‌بیند تمام این ویدیوها نظام مسائل میراث فرهنگی و گردشگری است، هم اطلاع‌رسانی کردیم، هم وضعیت موجود را گفتیم، هم راه‌حل ارائه کردیم، منتها ظاهر آن یک ظاهری است که همه مردم با آن ارتباط برقرار می‌کنند، من این روش را انتخاب کردم و جواب گرفتم، به همین دلیل هم خیلی از این مطالب دیده می‌شود. خواهش من از فعالان رسانه‌ای، شخصیت‌های کارشناس، صفحات کارشناسی رسانه‌های مکتوب این است که در کنار نگاه حاشیه‌ای به اصل و محتوای مطلب و مساله‌ای که ما جامعه را به آن توجه دادیم، دقت کنند و راجع به آن صحبت شود، اگر نقد یا پیشنهادی لازم است نیز ذیل آن انجام بگیرد.

در مورد مساله بعد که بعضی‌ها می‌آمدند و سریع می‌رفتند من تعبیر حیات خلوت را ندارم، نه! ولی عمر بعضی مدیرها کوتاه بوده، شاید به جز دو مورد آخر بقیه ریاست‌ها چند ماهه بوده و هر کدام از آنها هم دلایلی داشته، ولی ما فعلاً تا زمانی که در خدمت شما هستیم و با دولت همکاری داریم انشاءالله برنامه‌های متعددی خواهیم داشت. با توجه به تجاربی که در دولت داشته‌ام از من انتظار زیادی می‌رود.

بنده در ۴ دولت پیوسته و مستمر عضو دولت بودم، دولت آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد، آقای روحانی و آقای رئیسی، ما هنوز رکورد سه تا هم در کشور نداریم، یعنی کسی نیست که سه دولت پیوسته را دیده باشد، این دولت چهارم است، لذا یکی از وظایفی که احساس می‌کنم و همکاران من در دولت بهترین کسانی هستند که می‌توانند شهادت بدهند، برخورد فعال در دولت و انتقال تجربیاتی است که از گذشته داشتیم.

از آقای رئیسی تشکر می‌کنم که هر وقت من مطلبی را براساس یک تجربه مطرح کردم ایشان با جدیت قبول کردند، تذکر دادند و همراهی کردند. بنابراین هدفی که من در این وزارتخانه دارم استفاده از تجربیات قبلی است که بخش بسیاری از آنها به زیرساخت‌ها و هماهنگی دستگاه‌های مختلف برمی‌گردد.

من از روز اول که آمدم بسیاری از دستگاه‌ها را آوردم با آنها بحث و گفتگو کردیم، چون می‌دانم تا آن دستگاه‌ها همراه نشوند کاری از پیش نمی‌رود. شما

گردشگری دریایی که می‌خواهید راه بیندازید، اگر با فرمانده ارتش و نیروی دریایی جلسه نگذارید و فرماندهان سپاه که بخش زیادی از بخش دریا در اختیار آنهاست و سازمان بنادر و کشتیرانی که الان همکاری خوبی با آنان داریم، عملاً کار انجام نمی‌شود. مسوولان بنادر و کشتیرانی باورشان نمی‌شد ما سوخت را یارانه‌ای کنیم.

مهمترین مشکل گردشگری دریایی سوخت یارانه‌ای است، یعنی یک کشتی کروز که می‌خواست سه هزار نفر را جابجا کند، سوختی که باید بزند برود دوحه و برگردد، سوخت یارانه‌ای آن ۶۰ میلیون تومان و سوخت آزاد آن ۵ میلیارد تومان می‌شود. در دولت‌های قبل خیلی تلاش کردند که این اتفاق بیفتد اما نتوانستند یعنی وزرای نفت هم همراهی نکردند.

ما در دولت آئین‌نامه تصویب کردیم و این سوخت را یارانه‌ای کردیم چون با نهادهای مختلف ارتباط داریم، توضیح می‌دهیم، توجیه می‌کنیم. ما نباید وقت‌مان را تلف کنیم باید به سرعت اینها را حل کرد و قانونمند هم حل کرد که اگر ضرغامی از اینجا رفت نگویند ضرغامی چون با وزیر نفت رفاقت داشت، در دولت کنار هم می‌نشستند سه ماه به ضرغامی اجازه داد سوخت یارانه‌ای بدهند، نفر بعد که می‌آید دچار مشکل بشود! نه انشاءالله قانون را در بعضی از حوزه‌ها طوری تغییر می‌دهیم که مدیران بعدی که می‌آیند بخشی از این راه‌ها برای آنها هموار شده باشد.

رسانه‌ای شدن پیش‌نویس قانون میراث فرهنگی و تشکیل شورا

✽مریم اطیابی (رسانه میراث‌باشی): بعد از گفتگویی که شما در مورد حفاری‌ها داشتید و گفتید تا چند هفته دیگر قرار است پیش‌نویس لایحه قوانین و اهداف و وظایف به دولت و بعد به مجلس برود، خیل عظیمی از کارشناسان این درخواست را دارند که این پیش‌نویس رسانه‌ای بشود تا آنها بتوانند نظرات، پیشنهادات و انتقادات خودشان را بدهند و به شدت هم پیگیر این مساله هستند، یک استرس‌هایی دارند و می‌خواهند حتماً در جریان باشند که اگر می‌شود نظرات‌شان ارائه بدهند. موضوع بعدی

آقای کورش روستایی را به عنوان یک متخصص متعهد برای پژوهشکده باستان‌شناسی انتخاب کردید و نگاه میهن‌پرستی و ضداستعماری که ایشان دارند راهگشا است، این درخواست از طرف جامعه باستان‌شناسان و هم از سمت کارشناسان پژوهشکده باستان‌شناسی است که اگر امکان دارد با آنها یک جلسه خصوصی در این زمینه داشته باشید تا بتوانند مشکلات‌شان را مطرح کنند. نکته دیگر اینکه شورای امنیت ملی سال ۸۱ یک مصوبه دارد، آئین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی. بر اساس آن کمیته برخی اعضای کمیته میراث فرهنگی، صدا و سیما، سپاه، نیروهای نظامی، شهرداری و اوقات هستند که باید دور هم جمع شوند و به مجموعه میراث فرهنگی کمک کنند، الان حدود ۲۰ سال است که این اتفاق نیفتاده است.

* وزیر: من بعضی از یادداشت‌های شما را خواندم و استفاده کردم. در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری فعال هستید. در مورد قانون که فرمودید که در اختیار قرار بدهیم تا صاحب‌نظران نظر بدهند، من موافقت دارم، فکر می‌کنم مقطع آن این است که وقتی ما این را به دولت ارائه می‌دهیم و از دولت یک مقدار عبور کرد و مسائل اصلی آنها شد، وقتی به‌عنوان لایحه به مجلس ارائه می‌شود چون این قانون چاپ می‌شود و طبقه‌بندی هم ندارد و در اختیار همه کارشناسان قرار می‌گیرد آن وقت می‌توانیم بسیاری از اصلاحات مد نظر شما را در مقطعی که در مجلس بررسی می‌شود اعمال کنیم.

مجلس هم در این حوزه خوب عمل می‌کند، مجلسی‌ها و کمیسیون‌ها وقتی یک لایحه می‌رود، خیلی موشکافی و جزئیات را بررسی می‌کنند. به نظر من در آن مقطع می‌شود هم نشست‌هایی را گذاشت هم خود ما استفاده کنیم و مجلس هم این کار را بکند. الان هم می‌توانیم این کار را بکنیم ولی تجربه نشان داده به خاطر گرفتاری‌هایی که ما بعداً در دولت پیدا می‌کنیم و وقت تلف می‌شود، اگر این بحث‌های کارشناسی طولانی شود، دوباره می‌بینید در همان دولت و کمیسیون‌ها کار دچار اشکال می‌شود.

من اینجا یک دردودل با شما بکنم، یکی از مشکلات کشور این است که به بهانه بحث کارشناسی چون به روح مطلب توجه نمی‌شود کارها خیلی عقب می‌ماند. یک قانون می‌خواهد در دولت تصویب بشود، تکلیف آن هم روشن

است، به کمیسیون‌های دولت می‌رود، در کمیسیون‌ها از همه دستگاه‌ها می‌آیند، یعنی شما می‌خواهید یک مساله جزئی را تصویب کنید می‌بینید گوش تا گوش ۲۰ نفر از همه دستگاه‌ها می‌آیند، کارشناس‌ها هم به آنها می‌گویند رفتی حتماً این نکته را بگو و بگذار در تاریخ این وزارتخانه بماند که مثلاً ما این وزارتخانه را هم دخیل کردیم! ما فلان مشکل را هم اینجا مطرح کردیم!

رئیس کمیسیون می‌خواهد تصویب کند همه حرف خود را می‌زند. من در کمیسیون‌های دولت کم می‌روم چون بارها به آقای رئیس‌جمهور و به دکتر مخبر گفتم که اگر من بخواهم چیزی تصویب کنم همه چیز روشن است، تو را به حضرت عباس خیلی به این و آن ندهید، خیلی داخل این کمیسیون‌ها نرود! هر کسی از راه می‌رسد می‌خواهد یک چیزی بگوید. الان همین چیزهایی که ما در این چند ماه تصویب کردیم، ۳، ۴ قانون مهم تصویب کردیم، من سعی کردم نگذارم خیلی بچرخد، وقتی می‌چرخد فراموش می‌شود و بعد هم روی جزئیات توجه و مسائل اصلی مورد غفلت واقع می‌شود.

البته نمی‌خواهم به اصل فرمایش شما خدشه‌ای وارد کنم، ولی همین که دارد به دولت می‌رود و من می‌دانم در دولت یک مقدار زخمی می‌آید، یعنی آن چیزی که ما الان داریم به دولت می‌دهیم آن چیزی است که ما داریم می‌دهیم در دولت زخمی خواهد شد، برای اینکه دستگاه‌های مختلف هم هستند.

هر کسی از منظر خودش می‌خواهد یک جایی را درست کند یک لگدی هم ممکن است به میراث فرهنگی بخورد، من تا جایی که بتوانم آنجا تلاش می‌کنم و از مزیت رئیس‌جمهور که به این مساله حساس هستند استفاده می‌کنم که کمتر زخمی بشود، اما وقتی بیرون آمد و به مجلس داده شد، انشاءالله در سطح وسیع‌تر همراهی‌ها صورت می‌گیرد که بهترین قانون در بیاید.

در مورد مساله بعدی، مادر در این کشور یک شوراها عالی می‌گذاریم که هیچ کاری نمی‌تواند بکند، ناکارآمد ناکارآمد! بعضی از این شوراها عالی مفت نمی‌ارزند! الان شورای عالی میراث فرهنگی داریم، بارها من تصمیم گرفتم به آقای رئیس‌جمهور نامه بنویسم بگویم ما اصلاً چنین شورایی نمی‌خواهیم، مشکل ما را اصلاً حل نمی‌کند، ما مشکل‌مان را جای دیگری حل می‌کنیم.

آقای رئیس‌جمهور بیش از ۳۰ شورا عضو هستند، با دولت بارها بحث شد که رئیس‌جمهور مگر چقدر وقت دارد که بخواهد همه این شوراها را سرپرستی کند؟ در دوره رئیس‌جمهور قبل بسیاری از این شوراها تشکیل نشده، سال‌ها گذشته ولی شورای عالی یک دستگاهی که رئیس‌جمهور فقط باید جلسه را تشکیل بدهد، جلسه را تشکیل نداده، آن وقت کلی ماموریت فرمایشی دارد. الان وظایف شورای عالی میراث فرهنگی را ببینید، من وقتی آنها را می‌بینیم می‌گویم اینها همه شوخی است! اینها همه کلیات است! اصلاً کار اجرایی کشور اینطوری نیست! اصلاً آقایانی که بدو بدو سالی یکبار به جلسه می‌آیند، موضوع را متوجه نیستند.

من سال‌هاست عضو شوراهای عالی هستم؛ بنابراین من الان چیزی به نام شورای عالی میراث فرهنگی را تا این لحظه به همین دلیل که خانم اطیابی گفتند اصلاً قبول ندارم، یک ذره کارایی نداشته است! در همین قوانینی که داریم می‌نویسیم جای پای شورای عالی میراث فرهنگی را گذاشتیم اما با ماموریت‌های متفاوت و با نگاه‌های عملیاتی متفاوت نه با کلی‌گویی.

بنابراین از این شوراها چیزی در نمی‌آید. آن چیزی که من تجربه کردم این است که قانون باید طوری باشد که اگر یک رئیس‌میراثی جلسه تشکیل داد، معطل نماند و بتواند با دستگاه‌ها کار را جلو ببرد. روشی که ما انتخاب کردیم مورد به مورد می‌نشینیم و با دستگاه مسائل مان را حل می‌کنیم و پیگیری و نظارت می‌کنیم. فعلاً این کارآمدتر است تا انشاءالله برویم و نسبت به قوانین قبلی تجدیدنظر کنیم.

وضعیت مرمت کاران و رسیدگی به آنها

«عطیه محسنی (خبرگزاری برنا): با توجه به اهمیت موضوع مرمت، وضعیت استادکاران میراث و آموزش نسل جدید مرمت‌کاران چگونه خواهد بود و با توجه به اینکه ما علاوه بر دانش به تجربه استادان در این زمینه نیاز داریم، تکلیف دانشگاه میراث که در دوره قبل تعطیل شد چه می‌شود و این موضوع چه تاثیری دارد؟

«وزیر: مرمت یک بخش بسیار پراهمیت، کلیدی و فرهنگی است که ما بر عهده داریم و مرمتکارهای ما واقعاً جایگاه بسیار ویژه‌ای در وزارتخانه دارند. اگر من در زیر گنبد سلطانیه دست مرمت‌کار ۵۰ ساله زیر گنبد را می‌بوسم واقعاً اعتقادم این است دست کسی که روی این داربست بلند ۵۰ متری ۵۰ سال است دارد

آیات الهی و روایاتِ زیر گنبد را ترمیم می‌کند، بوسیدنی است! همکاران دیگر ما برخی خانم‌هایی هستند که روی داریست‌های لرزان در جاهای مختلف مانند تخت‌جمشید که اخیراً رفتم، با دقت رزین تزریق و سنگ‌ها را مرمت می‌کنند، فوق‌العاده کار آنها ارزشمند است و من واقعاً از اینجا به همه آنها ادای احترام و از زحمات آنها تشکر می‌کنم.

متأسفانه یک اشکالی در نظام اداری این وزارتخانه بود و آن اینکه تکلیف مرمت‌کارها را به لحاظ اداری مشخص نکردند، یعنی این ۸۵۰ مرمت‌کار را مشمول طرح‌های عمرانی قرار دادند و وقتی مشمول طرح‌های عمرانی قرار می‌دهند یعنی به اینها نمی‌شود حقوق پرداخت کرد مگر اینکه بودجه طرح‌ها بیاید، معمولاً هم در طول سال ۳، ۴ ماه اول به دلایل مختلف که مربوط به آئین‌نامه‌های دولتی است این بودجه نمی‌آید. کما اینکه در اولین سال ماموریت ما هم این اتفاق افتاد، چند ماه می‌گذرد که اینها حقوق نمی‌گیرند و این خیلی بد است و خیلی خجالت‌آور است و مایه شرمندگی است!

حالا ما سعی کردیم از مسیرهای مختلف اینها را حل کنیم. من دو هفته قبل در دولت یک صحبت مفصلی کردم و از آقای رئیس‌جمهور تشکر می‌کنم که با جدیت و قاطعیت با آن دستگاه‌هایی که موظف هستند درست کار کنند برخورد کردند که پول مرمت‌کارها داده شود. من روسای جمهور را دیدم که ممکن است شما حرفی بزنید یا جواب ندهند یا بگویند حالا رسیدگی کنید، ولی وقتی آقای رئیسی به خاطر حقوق یک مرمت‌کار عصبانی می‌شود و بر سر آن دستگاه فریاد می‌زند نشان می‌دهد این مساله برای ایشان مهم است و این اتفاق تا حالا دو بار در این دولت افتاده است.

به عنوان یک خبر عرض کنم که معاون توسعه مدیریت ما پیرو همان جلسه و دستور آقای رئیس‌جمهور در سازمان مدیریت جلسه داشتند و بخش زیادی از این مساله را حل کردند. از ما وقت خواستند تا تکلیف قانونی مساله باید روشن بشود تا ما کلاً مشکل این ۸۵۰ مرمت‌کار را زیربنایی حل کنیم و به موقع حقوق بگیرند و یک مقدار هم پاداش‌ها را هم اضافه می‌کنیم که جبران مافات بشود و این زحمت ارزشمندی که دارند می‌کشند و در بعضی از نقاط دارند با جان‌شان بازی می‌کنند، بتوانیم جبران کنیم.

مشکل کسبه بازار تهران با میراث فرهنگی

* علی صولتی (روزنامه فرهیختگان): بازار بزرگ تهران علاوه بر اهمیت میراث فرهنگی‌ای که دارد، اهمیت اقتصادی هم دارد، اما تقریباً از هر مغازه‌داری سوال می‌شود که چرا بنای شما ایمن‌سازی یا بازسازی نمی‌شود، پاسخ مشترکی دارند، اینکه میراث فرهنگی مانع می‌شود. آیا در این زمینه اقدام جامع و مشخصی در وزارتخانه شما وجود داشته است؟

* وزیر: سوال خوبی کردید، من آخرین باری که موضوع مشابه را پیگیری کردم در بازار بزرگ تبریز و حدود سه هفته قبل بود. بازار بزرگ تبریز بزرگترین بازار مسقف جهان است و جزء ۲۶ اثر ثبت جهانی ماست. یک جای فوق‌العاده‌ای است. سال‌هاست که اینها مشکل دارند و از من ملاقات می‌خواستند. من در سفرم به آذربایجان شرقی داخل بازار رفتم، بخش‌های مختلف را بررسی کردم و با بزرگان بازار و روسای صنوف در یکی از حجره‌ها جلسه گذاشتیم. رسانه‌ها هم حضور داشتند، اخبارش را منتقل کردند، آنها هم مسائل مشابه دارند.

شاید حرف اصلی آنها این بود که در زمستان با این سرمای شدیدی که در بازار تبریز است - معمولاً ۳ تا ۵ درجه سرمای داخل بازار با بیرون هم متفاوت است، اگر بیرون صفر درجه است، داخل بازار به دلیل اینکه مسقف است ۵ درجه زیر صفر است - قوانین میراث اجازه نداده آنجا لوله‌کشی گاز صورت بگیرد، لذا کاری که می‌کنند با خودشان کپسول گاز می‌برند، پیت نفت می‌برند، ۵ هزار کپسول گاز در سال گذشته وارد بازار شده، یکبار هم آتش‌سوزی شده چون غیرقانونی این کار را کردند، لوله‌کشی گاز را به دلیلی مخالفت کردند، هرچند الان علم و تکنولوژی این را حل کرده است. البته هنوز در مورد بازار تبریز تصمیم نگرفتیم، این را به کارشناسان میراث فرهنگی واگذار کردیم، دارند بررسی می‌کنند ولی هنوز نتیجه را اعلام نکردند.

با سنسورهایی که امروز آمده، لوله‌کشی گاز با یک سوراخ کوچک می‌تواند از بالا تمام مخازنش هم فاصله داشته باشد، به محض اینکه دچار مشکل بشود این سنسور و حس‌گر اتوماتیک‌وار گاز را قطع می‌کند. این خطرش به مراتب از آن کپسول‌های گازی که همین‌طوری روی کول می‌برند کمتر است. با این حال من تصمیم نگرفتم به آنها گفتم من حتماً بررسی می‌کنم. تکنولوژی می‌تواند در حفظ

میراث فرهنگی به ما کمک کند. می‌خواهم بگویم این موضوعی که شما فرمودید در همه جا یک طوری خودش را نشان می‌دهد، در بازار تهران هم ممکن است این مساله باشد. البته استان تهران ارتباط خیلی خوبی با مسائل بازار دارد.

من به دلیل پروژه‌هایی که برایم مطرح و تماس‌هایی که گرفته می‌شد، توصیه‌های زیادی کردم ولی دو تا مساله وجود دارد. یک مساله این است که بعضی از آنها به اسم بعضی از اقدامات میراث به نوعی دنبال توسعه بنا و تغییر کاربری می‌افتند. اینها خلاف است و نمی‌شود این کار را کرد. مثلاً می‌خواهند توسعه بدهند و یک بخشی را اضافه کنند، ارتفاع را کمی را بالا ببرند و هر متر آنجا هم میلیاردها ارزش دارد، ولی دوستان ما که می‌روند می‌گویند همه آنها ممنوع است، باید مرمت کنید. این را در بازار مشهد هم پست گذاشتم.

ما یک بخشی از آنجا را تعطیل کردیم که مرمت کنیم و در سفر مشهد اینها دور من جمع شدند. گفتم خودتان بروید مرمت کنید ما هم نظارت کنیم! گفتند نه مرمت ما مرمتی است که خودمان تشخیص می‌دهیم، آن چیزی که شما می‌خواهید مرمت کنید ما نمی‌توانیم! حقیقت می‌گویند. مرمت ما دقیق و پرهزینه است و اصول فنی دارد، کار می‌برد، اینطور نیست که ماله را به دست بگیرند و سیمان و گچ بزنند و صاف کنند بگویند چقدر تمیز شد! اصلاً اینطوری نیست.

بنابراین من از تجربه شما استفاده می‌کنم و خواهش من این است که روزنامه فرهیختگان بانی این حرف خوبی که زدید بشود و این موضوع را رها نکنید و به‌عنوان یک گزارش تعقیب کنید. دوستان ما در بخش میراث فرهنگی استان تهران با شما همکاری کنند، آن بخش‌های بازار را به اتفاق برویم ببینیم که برای مرمت آن چه نیازهایی است و چه کسانی می‌خواهند همکاری کنند و مانع آنها الان چیست؟

برنامه وزارتخانه برای جذب گردشگران کشورهای هدف در پسا کرونا

* حازم کلاس (تلویزیون العربیه قطر): با توجه به اینکه میراث فرهنگی مربوط به بخش گردشگری باید در معرض دید قرار بگیرد و در ایام کرونا، تعطیلی‌های گسترده لطمه زیادی به حوزه گردشگری در کشورهای مختلف وارد

شد، الان بعد از گشایش‌هایی که بعد از کرونا اتفاق افتاد آیا برنامه‌ مشخصی در این زمینه در بحث گردشگری وجود دارد، مخصوصاً با برخی کشورهایی که به ایران نزدیک هستند و تفاهم‌نامه‌هایی با آنها دارید مثل چین، روسیه، برای جذب این گردشگران با توجه به مباحث زیرساختی در قشم و بوشهر و کیش، چه برنامه‌ای وجود دارد؟

* وزیر: حتماً پاسخ من مثبت است، راهبردهای من یک مقدار روشن‌تر شده است، ضمن اینکه ما برای کشورهای همسایه اولویت قائل هستیم. هم در گردشگری هوایی و هم گردشگری زمینی نیاز به یکسری دستورات عمل‌های جدید داشتیم که داریم کاری را انجام می‌دهیم. گردشگری دریایی که زیرساخت‌های بهتری دارد زودتر فراهم می‌شود، از جمله نکته‌ای که در مورد سوخت یارانه‌ای عرض کردم که شما می‌دانید در تقویت گردشگری دریایی اهمیت بالایی دارد. شاید یکی از مهمترین نکاتی که در مورد گردشگری دریایی مطرح است سوخت است.

ما یک کشتی کروز خوب داشتیم که قرار بود روز عید فطر راه بیفتد و وقتی سوخت یارانه‌ای آن فراهم شد، چون ۴ سال بود که این کشتی دست نخورده بود، تمام آب دریا به صورت غشای نمکی کل این کشتی را گرفته بود و ما حتی همراهی کردیم که غواص‌ها بروند این قطعات نمک را از بدنه کشتی جدا بکنند. من تصمیم گرفتم راه‌اندازی این کشتی عقب‌تر بیفتد، اُورهال شود که از نظر امنیتی بعداً مشکلی برای مسافرها پیش نیاید. من به این مساله از لحاظ ایمنی حساس هستم.

به هر حال این حوزه‌ها با این اولویت دارد سرمایه‌گذاری می‌شود، اما کشورهای دورتر در همه جای دنیا نیز هدف گردشگری ما است هم به لحاظ شناسایی و مدیریت جدید و هم به ویژه از طریق دیجیتال و از طریق امکاناتی که در فضای مجازی هست. امروز برای هماهنگی دستگاه‌های داخلی کشور در این زمینه اهمیت بیشتری قائل شدیم، الان کلیه دفاتر سازمان فرهنگ و ارتباطات بعد از تفاهمی که با رئیس این سازمان انجام دادیم به نوعی مدیران وزارتخانه ما محسوب می‌شوند، به من گزارش می‌دهند و برنامه‌ریزی می‌کنند.

از ماموریت‌های جدی دفاتر فرهنگی ما در سراسر کشور این است که در

حوزه گردشگری فعالیت کنند. وزارت امور خارجه ما به عنوان یک دیپلماسی جدی عمومی هم در حوزه فرهنگی و هم در حوزه اقتصادی، هماهنگی های خوبی با ما دارد. ما از هرگونه سرمایه گذاری خارجی در این حوزه ها استقبال و در بعضی از کشورها هم زمینه آژانس های تخصصی را راه اندازی می کنیم. من با دوستان ترک جلسه داشتم، به اتحادیه خدمات مسافرتی خودمان سفارش کردم تا در مورد ترکیه آژانس های خاصی را در نظر بگیرند که بتوانند متناسب با نیازهایی که آنها دارند سرویس بهتر بدهند.

آژانس های عمومی همیشه خوب هستند و کارهایشان را هم انجام می دهند ولی برای بعضی جاها آژانس های خاص می خواهیم. در مورد چین با ارتباط خاصی که امروز با چین داریم و هم چین با روسیه گفتگوهای خوبی را آغاز کردیم. در کشورهایی که زمینه گردشگری پذیر آنها برای ما مناسب است برنامه ریزی خاص دارد صورت می گیرد و من امیدوارم با زیرساخت های بهتری که ایجاد می شود ما یک تحول متفاوتی را نسبت به قبل تجربه کنیم.

در مورد قطر هم چند بار در گفتگوها اعلام کردم که ستاد قطر در وزارتخانه راه اندازی و برنامه ریزی شده و چند دستگاه و وزارتخانه مامور این هستند که از فرصت مسابقات قطر استفاده کنند و گردشگران جوان و پرهیجان و پرشور را بتوانیم هم در جزیره ها و هم در سایر نقاط کشور با تسهیلاتی که فراهم می کنیم جذب کنیم. تا حالا چند تصمیم گرفته شده، رسانه ای هم شده است ولی چند کار دیگر مانده، اگر آن انجام بگیرد، ما سعی می کنیم آمادگی لازم را برای پذیرش تماشاگران مسابقات جهانی فوتبال در قطر فراهم کنیم. هم من با وزیر فرهنگ قطر در محل وزارتخانه نشستی داشتم و به این مناسبت بحث خیلی خوبی هم راجع به مسابقات جامعه جهانی داشتیم و توافقاتی را در این زمینه انجام دادیم.

اقدامات و برنامه های وزارتخانه در حوزه دیجیتال

* اشکان بروج (رسانه دیجیتال قطب نما): سه مأموریت اساسی بخش میراث فرهنگی حفاظت، آموزش و فراغت است، بیشتر تمرکز و صحبت های شما روی بحث حفاظت بود. برای بخش فراغت که مخاطب آن گردشگرها هستند و آموزش که هم گردشگران و هم مدیران موزه ها و اهالی میراث فرهنگی، چه

برنامه‌هایی وجود دارد؟ بحث دوم اینکه رسانه‌های دیجیتال رسانه‌های پیشروی حوزه گردشگری و میراث فرهنگی است، آیا برنامه‌ای برای تحول دیجیتال میراث فرهنگی ایران دارید؟ چون هنوز موزه‌های ما درگیر فروش بلیط‌های کاغذی است تا مشکل راهنمای صوتی که در سرتاسر دنیا وجود دارد و ما نداریم. بحث سوم اینکه آیا شما برنامه خاصی برای آموزش و ارتباطات اهالی رسانه و گردشگری و میراث فرهنگی با جوامع بین‌المللی دارید؟

* وزیر: بخش آموزش نکته مهمی است، ما دنبال ایجاد تحول در آموزش وزارتخانه هستیم، یعنی برنامه تحولی که من در ابتدا اشاره کردم، بخش مهم تحول، تحول در نگاه و دیدگاه‌ها است، وقتی مدیران در این زمینه آموزش نبینند ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم، در این زمینه اقداماتی کردیم؛ من یک تجربه‌ای در رسانه ملی داشتم، تجربه بسیار موفقی بود، آن تجربه را اینجا پیاده کردم، به این معنا که نشست‌های سراسری از مدیران مستقیم در حوزه صف و حوزه ستادی تشکیل می‌دهیم.

مهمترین مسائلی که مطرح می‌شود بخش زیادی از آن تغییر نگاه ماست که گاهی تحولی است. همین که نماینده روزنامه جمهوری اسلامی به درستی اشاره کردند، زیرمیز زدن بعضی نگاه‌های پوسیده که هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و فقط مثل بختک روی ما افتاده است. ما داریم اینها را دور می‌ریزیم.

آن وظیفه اصلی که مدیران و بخش‌های کارشناسی برعهده دارند را آموزش مستقیم و رودرو می‌دهیم. تجربه اجرایی من این است کاری که در کلاس‌های آموزش انجام می‌دهند، با طرح درس‌های مختلف که همه درست انجام می‌گیرد، بخش‌های مختلف هم گزارش‌های خوبی در بخش آموزش دارند، اما وقتی در سطح بالا از زبان بالاترین مقام دستگاه، تحولات اصلی را خوب نفهمند و شجاعت پیدا نکنند و نتوانند بروند یک نظام پوسیده را بهم بزنند، ما به جایی نمی‌رسیم. بنابراین مهمترین نکته که در بحث آموزش فرمودید این کاری است که ما امروز داریم انجام می‌دهیم.

اما بخش مهم صحبت شما در بحث دیجیتال بود، ما یک بخش فناوری‌های نوین از روز اول کلید زدیم و من خواهشم این است که شما به‌عنوان مجموعه‌ای که دارید خوب در این حوزه کار می‌کنید و حتماً کارشناسان شما در این حوزه

برنامه‌های متعدد دارند به ما کمک کنید. اتفاقاً وقتی ما در مجلس برنامه‌ها را توضیح دادیم این بخش خیلی مورد اقبال مجلسی‌ها قرار گرفت. دیگر به صورت مکانیکی کار انجام نمی‌گیرد و دنیا متفاوت شده، یعنی ساده‌ترین امور باید در سیستم دیجیتال صورت بگیرد. انقلابی در این حوزه اتفاق افتاده و ما در بعضی از بخش‌ها دچار عقب‌ماندگی هستیم.

من همین جا یک دردودل دیگری در رابطه با بحث قبلی بکنم که چرا کارها جلو نمی‌رود؟! ما یک اپلیکیشن جامع برای تعطیلات نوروز طراحی و آماده کردیم، ۱۷ هزار نقطه که هر لحظه لازم شده وقتی مسافران نوروزی می‌روند و وارد می‌شوند تمامی اطلاعات در اختیار آنها قرار بگیرد. به دلیل اینکه کار و هزینه‌ی اضافی نکنیم، با یک مجموعه دیگری که در این حوزه کار کرده بود وصل شدیم، بحث‌های فنی و اقتصادی را مطرح کردیم، من خیلی اصرار داشتم در تعطیلات نوروز از این اپلیکیشن و امکان پلت‌فرمی استفاده و تکلیف گردشگران روشن‌تر شود؛ این کار اتفاق نیفتاد.

یک کار مالی کوچک بود و شاید کل آن در حد ۴، ۵ میلیارد تومان بود که در مقایسه با خیلی از هزینه‌هایی که در کشور می‌شود رقمی نیست، منتها قوانین اینقدر دست ما را می‌بندد، انواع استعلامات، مناقصه‌ها، نظرات کارشناسی کارشناس دادگستری، انواع طرف قراردادها که باید ماهیت حقوقی آنها چه و چه باشد.

شاید این کار دو ماه طول کشید. یعنی یک پول کمی باید می‌دادیم تا از این اپلیکیشن که ما هم نسبت به آن نگاه تحولی داشتیم در نوروز رونمایی کنیم اما نتوانستیم این کار را بکنیم. البته اگر من می‌دانستم اینقدر طول می‌کشد، پای این مساله می‌ایستادم و استعلام‌ها و مزایده‌ها را کنار می‌گذاشتم و امضاء می‌کردم که این کار عملیاتی شود، بعداً فهمیدم وقت را از دست دادم!

متأسفانه قوانین نظارتی کشور از روحش خارج شده است. آن کسی که می‌خواهد فساد کند با یک مشاور حقوقی بالاترین فسادها را انجام می‌دهد، آن مدیری که می‌خواهد یک کار سازنده انجام بدهد و مسئولیت بپذیرد مانند مثالی که زدم کار عقب می‌ماند! انشالله در حوزه دیجیتال که باید همه کارها به سمت دولت الکترونیک برود، در جزیی‌ترین موارد من مرتب با آقای دکتر خورشیدی که

مسئولیت این کار را دارند صحبت دارم، جلسات بسیار زیادی با استارت‌آپ‌ها داشتیم، روزهای اول موانع کار را برطرف کردم، چون فضای مجازی در این وزارتخانه به رسمیت شناخته نشده است.

بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهند و هر کاری می‌خواهند بکنند می‌گویند قانونی نیست، کجا قانونی نیست؟ در واقع ما تعریف نکردیم و به رسمیت نشناختیم و اصلاً موضوع را نمی‌شناسیم. با بسیاری از فعالین این حوزه جلسات عمومی داشتم، اولین چیزی که متوجه شدم این است که آنها می‌خواهند خیلی کارها بکنند، اما قدم از قدم که برمی‌دارند می‌گویند کار شما خلاف قانون است! بنابراین ما باید در این حوزه، وزارتخانه و ماموریت‌های آن را دچار تحول کنیم. ضمن تشکر از شما خواهش می‌کنم با ما وارد گفتگو و مشاوره شوید تا از شما و مجموعه شما بهترین استفاده بکنیم.

اقدامات وزارت در مقابله با ایران هراسی با هدف جذب گردشگر خارجی

* **هنگامه علی‌دادی (تسنیم):** بسیاری از کشورها با استفاده از صنعت گردشگری توانستند به درآمدهای زیادی برسند و این صنعت را به یکی از ستون‌های اقتصاد کشورشان بدل کنند، شما بارها خصوصاً در اوایل ریاست بر وزارت میراث فرهنگی بر زیر میز ایران‌هراسی زدید. با توجه به حجمه و پروپاگانداي کشورهای غربی علیه ایران، فکر می‌کنم تنها راه مقابله با آن دیپلماسی گردشگری باشد. متأسفانه نگاه‌های متعصبانه و سنگ‌اندازی مانع تحقق درست آن شده است. تا حالا چقدر توانستید نگاه حاکمیت به مقوله گردشگری را عوض کنید؟ چه اقداماتی در این راستا انجام دادید؟

* **وزیر:** اولاً در این حوزه تغییر نگاه و زیر میز زدن به نگاه منحط قبلی یک پروژه نیست، بلکه یک پروسه و فرآیند است. ما هر چقدر جلوتر می‌رویم هم در ابعاد رویکرد، هم اقدام، هم دستگاه‌های حاکمیتی و هم مردم باید یک نگاه هم‌جانبه داشته باشیم و اینها را همپای هم جلو برویم.

من فکر می‌کنم چیزی که در این حوزه مشهود است، ما در کارمان به نسبت زمانی که پشت سر گذاشتیم واقعاً موفق عمل کردیم. این اتفاق افتاده

است. یعنی وقتی استانداردها می‌خواهند در دولت مجوز بگیرند و در مورد استان رای گیری شود، با جدیتی که ما داریم هر استانداری که برنامه‌اش را ارائه می‌دهد، وقتی ما را آنجا می‌بیند یک بخش جدی‌ای از صحبت‌هایش سمت گردشگری می‌رود، درحالی که در گذشته بحث راه، نیرو، آموزش و پرورش اولویت داشت، اما الان بعضی از استانداردها که می‌آیند نظر به اهمیت گردشگری که پیدا شده، برنامه‌هایشان را در این حوزه می‌گویند و سفرهای استانی نیز در این حوزه دارد تعریف می‌شود.

به نظرم این تغییر نگاه صورت گرفته، اما هنوز راه زیادی داریم و هنوز فرصت زیادی می‌خواهیم که این کار را محقق کنیم. یک مقدار هم باید نگاه‌مان جامع‌تر باشد. به هر حال ایران‌هراسی یک مسأله جدی ما است، یعنی آنها کماکان روی ایران‌هراسی به طور جدی دارند فعالیت می‌کنند و ما باید این را برطرف کنیم. روش‌های خودش را هم دارد. آنها در فضای مجازی سعی می‌کنند از کوچکترین بهانه‌ها استفاده کنند و ایران را طور دیگری نشان بدهند. ما نباید این کار را بکنیم و در مقابل باید از ظرفیت‌هایمان استفاده کنیم.

در بازدیدی که از قره‌کلیسا داشتیم از خانم شرلی آوادیان که همکار خوب ما و یک مدیر موفق برای مقابله با ایران‌هراسی است همان جا از ایشان تجلیل کردم. گردشگران خارجی می‌آیند و ایشان که به زبان ارمنی و انگلیسی مسلط است و یک مقدار روسی بلد است وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد.

آنها وقتی می‌آیند باورشان نمی‌شود جمهوری اسلامی با همه گرفتاری‌هایی که در معیشت و زندگی مردم دارد یک بودجه‌ای هم کنار گذاشته و دارد کلیساها را تعمیر می‌کند! اصلاً باورشان نمی‌شود که در جمهوری اسلامی دارید کلیسا تعمیر می‌کنید و برای مدیریت و ترسیم و محوطه‌سازی بودجه گذاشتید؟! اصلاً لازم نیست سخنرانی کنیم. همین قدر که بیایند می‌بینند داعش قصه دیگری بود و برای خودشان بود که روز اول دینامیت گذاشت همه جا را منفجر کرد و مورد حمایت رهبران آمریکا بود و آن را برای خیلی از مطامع خودشان ایجاد کردند منتها خودشان هم گرفتار آن شدند.

بی تردید اگر یک جایی یک سوژه مناسب در فضای مجازی خوب طراحی شده و دیده شود، واقعاً می‌تواند نقش مهمی در خنثی‌سازی ایران‌هراسی داشته

باشد، عکس آن هم صادق است، یعنی یک بی توجهی در یک استادیوم ورزشی می شود خانم‌ها می خواهند بروند یک اتفاقی می افتد، یک جایی یک کنسرت می خواهند برگزار کنند، یک اتفاقی می افتد که نباید بیفتد و بازتاب مجازی آن تاثیر منفی دارد.

امروز یکی از سفرای فرهنگی ما آقای سالار عقیلی است که با افتخار آمده و همکاری را شروع کرده است. کارمان در محیط‌های میراث فرهنگی، در ارگ بم، باغ شاهزاده شروع کردیم و آثار مثبت زیادی داشت. بیش از ۲۰ هزار نفر در ارگ بم آمدند، هیچ مسأله امنیتی پیش نیامد، از دماغ کسی خون نیامد، شما این تصویر را در شب می بینید با ۲۰ هزار نفر که آقای سالار عقیلی از ایران می گوید، یک تصویر رویایی است! اگر کسی از خارج بیاید و این را ببیند چقدر تحول نگاه پیدا می کند!

بنابراین ما همه باید دست به دست هم بدهیم و دیگران هم توجه کنند تا بتوانیم مسأله ایران‌هراسی را درست مرتفع کنیم. الان هم برای بازی‌های قطر شروع کردند. من شبکه‌های ماهواره‌ای را دیدم که کارشناس آوردند و گفتند اگر می خواهید بازدید کنید عمان و امارات خیلی بهتر است و ایران نروید و اگر ایران بروید این مسائل وجود دارد. کارشناس می آید توضیح می دهد، نمی گویم اینها تاثیر دارد، خیلی از اینها آب در هاون کوبیدن است، ولی دشمن دارد کار می کند. رفتار و نگاه ما و بهره‌برداری درست از رسانه خیلی می تواند کمک کند تا بتوانیم ایران‌هراسی را تا حد امکان کاهش بدهیم.

تلاش برای احصاء آمار آثار و بناهای تاریخی

* محمد باریکاتی (روزنامه همشهری): سازمان اوقاف و امور خیریه، بنیاد مستضعفان و ستاد فرمان اجرایی امام آثار و بناهای زیادی را در دست دارند، طی این ۲۰ سال گذشته که وزارت میراث فرهنگی و سازمان وقت تلاش داشت که فهرست آثاری را از آنها داشته باشد، موفق نشده بود؛ من صحبتی که با بنیاد مستضعفان داشتم این بود که اصلاً خودشان هم نمی دانند این آثار کجاست، یعنی یک بانک اطلاعاتی از بناها و آثاری که در اختیارشان است ندارند و ضمن اینکه توان و بضاعت بهره‌برداری از این آثار را نیز ندارند یعنی یک ثروت

بالقوه‌ای دست آنهاست که نه می‌توانند استفاده کنند و نه گزارش آن را به وزارت میراث می‌دهند. برنامه‌ای دارید که این بانک آماری را جمع کنید؟

سوال دیگر راجع به جوانی جمعیت است که شنیدیم یک دستوری آمده خانواده‌هایی که دو فرزند یا بیشتر دارند ظاهراً بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی برای آنها رایگان خواهد بود، آیا این خبر صحت دارد؟

نکته دیگر، آقای وزیر خبرنگاران حوزه میراث فرهنگی رسانه‌های تخصصی حوزه میراث فرهنگی، نیاز به حمایت این وزارتخانه دارند، دوستان رسانه‌ای ما ماخوذ به حیا هستند که این موارد را با شما در میان بگذارند، بسیاری از مجلات حوزه گردشگری و تخصصی میراث فرهنگی در حال تعطیلی هستند و یا تغییر کاربری دادند تبدیل به آگاهی‌نامه شدند، سایت‌ها همین‌طور و دیگر توان مالی ندارند که ادامه بدهند و یک خلایی در حوزه خبری و اطلاع‌رسانی وزارت میراث ایجاد شده، موضع شما برای حمایت از رسانه‌های تخصصی این حوزه چیست؟

***وزیر:** درباره بخش اول باید گفت یکی از مشکلات وزارتخانه مسأله آمار است، این درست است که ما در حوزه‌های مختلف اختلاف آماری داریم، بخصوص در حوزه گردشگری. یکی از مفاد تفاهم‌نامه‌ای که با نیروی انتظامی امضاء کردیم همین موضوع است.

سامانه‌های تبادل اطلاعات و داده‌هایی که تا حالا مشکل بود، بعضی از آنها به لحاظ مسائل امنیتی به ما داده نمی‌شد. هر کسی یک آماری می‌داد و غیر از اینکه در گزارش دادن به مردم دچار مشکل می‌شدیم امکان برنامه‌ریزی درست را هم از ما گرفته بود. برنامه‌ریزی درست و واقعی آن است که شما آمار دقیق و درست داشته باشید، این در همه حوزه‌ها است. ما متوجه این اشکال هستیم، با نیروی انتظامی در یک بخش مهم این مسأله را حل کردیم، با سایر جاها هم همین‌طور.

اما در مورد آثار باستانی ما خیلی با این مشکل نداریم، تقریباً آمار ابنیه تاریخی را داریم، یک بخشی از آن دست ما است و یک بخشی از آن دست نهادهای مختلف است، برخی ابنیه تاریخی دست نیروهای مسلح است، من بعضی از اینها را دیدم و بعضی از آنها واقعاً دیدنی است، منتها مدیریت آن براساس سیاست‌هایی که ما داریم در اختیار آن نهاد است ولی ما الان داریم در این زمینه همکاری می‌کنیم.

من جا دارد از کار ارزشمندی که آقای جهرمی وزیر قبلی ارتباطات در مجموعه‌ای که در اختیارشان بود انجام دادند تشکر کنم؛ تغییر محل وزارتخانه در استقرار وزیر با توجه به اهمیت میراث فرهنگی آن و هزینه خوبی در مورد مرمت کردند، موزه خوبی راه‌اندازی کردند، ایشان قبل از این مسئولیت بنده، من را به صرف ناهار دعوت کردند، من آنجا رفتم و کار ایشان را دیدم، این کار ارزشمندی بود.

اگر هر وزیری، هر نهادی و امکانی که در اختیارش است، خودش سرمایه‌گذاری کند خیلی خوب است. البته بعضی دستگاه‌ها اعتبار ندارند مثلاً آقای محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه از مدت‌ها قبل از من خواستند مرمت محل قوه قضائیه که بنای تاریخی است و گچ‌بری‌های خاصی دارد و باید مرمت شود را انجام دهیم.

ما الان یک تیم مرمت مفصلی در آنجا گذاشتیم، چند ماه است دارند کار می‌کنند و گرفتار بحث‌های امنیتی هم هستیم، یعنی وقتی می‌خواهند بروند صد نوع مانع امنیتی است، باید بازدید شوند یک تاریخ‌هایی هم نمی‌توانند بروند جلسه است. به لحاظ آماری تکلیف این مساله روشن است.

اما در مورد ارقام من حرف شما را تایید می‌کنم. ما باید در این حوزه جدی‌تر برخورد کنیم، دستگاه‌ها نباید بترسند از اینکه آمارشان را به ما بدهند. بخصوص بنیاد مستضعفان این کار را نمی‌کند. اتفاقاً مدیریت جدید خودروهایی که در نمایشگاه گذاشتند همه داشت از بین می‌رفت، داخل انبارها خاک گرفته بود و مدیریت‌های قبلی دنبال فروش آنها بودند و کارهایی داشتند می‌کردند، مدیریت جدید به ارزش کار واقف شد، سرمایه‌گذاری کرد و آن موزه را احداث کرد و واقعاً دیدنی است! یعنی کسانی که موزه خودرو را ندیدند حتماً بروند ببینند. ما باید آمار اینها را بگیریم.

انشالله معاونت میراث فرهنگی ما باید برنامه جدی‌تری در این حوزه داشته باشد تا بتواند امکانات و ارقام بخش خصوصی و مجموعه‌داران و بخشی که در اختیار ماست را احصا کند. باید نگرانی‌های بخش خصوصی و دیگران را برطرف کنیم تا اطلاعات دقیق بدهند و نظام آماری ما تکمیل شود.

در مورد جمعیت چنین چیزی ندیدم که اگر کسی تعداد فرزندان بالایی داشته باشد تکلیف بلیط خریدن او چه می‌شود. فعلاً مطلع نیستیم تا ببینیم اصل

قضیه چیست. راجع به جمعیت یک مسأله فرهنگی بگوییم. من در آذربایجان غربی که علمای شیعیان و اهل سنت آنها در جلسه بودند گفتم که یک بحث فرهنگی ما این است که اگر توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در مورد خطر کاهش جمعیت است و برنامه‌های متنوع برای افزایش جمعیت است که رشد اینقدر منفی نشود و ما در آینده نه‌چندان دور برای اداره کشور دچار مشکل نشویم، اتفاقاً یکی از جاهایی که حرف رهبری را خیلی خوب گوش کرده و تبعیت می‌کنند، برادران اهل سنت ما هستند. ما از این جهت از آنها تشکر می‌کنیم.

بعضی‌ها در بحث‌های پوشالی امنیتی چرتکه می‌اندازند و می‌گویند فلان جا اهل سنت زیاد شده و فلان جا شیعه کم شد، چه می‌شود؟ چیزی نمی‌شود. این مملکت متعلق به همه است، ما وقتی راجع به میراث فرهنگی صحبت می‌کنیم داریم راجع به همه صحبت می‌کنیم، فرقی نمی‌کند همه ایرانی هستیم با ادیان و گروه‌های مختلف. وقتی ما مشکل جمعیت داریم و رهبری معظم توصیه می‌کنند همه مخاطب صحبت هستند. لذا ما از برادران اهل سنت چون در این قضیه اهتمام دارند تشکر مضاعف می‌کنم.

ساماندهی چاه‌های حریم پاسارگاد

* فاطمه علی‌اصغر (میراث‌خبر): شما بحث چالدران تا ورسک را مطرح کردید، یک ملعونی یک بخشی را داده که باید از نظر تاریخی بررسی شود، چون بحثی که گفتید مشکل تاریخی داشت تا ورسک که دانمارکی‌ها ساختند و این دو باید با هم یک همخوانی داشته باشد. نکته دیگر اینکه یگان حفاظت باید ساماندهی و وضعیت آن مشخص شود، در حال حاضر خیلی از محوطه‌های تاریخی ما سوراخ شدند و هنوز این اتفاق دارد می‌افتد، درباره محوطه ارجان این بحث بود که آیا بدنه این محوطه را بازنگری کنیم یا نه؟ خیلی از این بازنگری‌ها و محوطه‌ای که شما می‌گویید کارشناس‌هایی که نظر دادند کارشناسانی نبودند که تعیین حریم کردند و باید این مساله در نظر گرفته شود. نکته دیگر اینکه کسانی که در

فضای مجازی دارند قاجاق اشیای عتیقه می کنند، چطور ما نمی توانیم در فضای مجازی این قضیه را کنترل کنیم؟ چطور اینها به راحتی در مورد حفر آثار تاریخی صحبت می کنند؟

*وزیر: بحثی که من درباره تجدیدنظر درباره بعضی از حریم‌ها کردم ربطی به ارجان ندارد، موضوع ارجان چیز دیگری است، ارجان در واقع یک شبکه لوله‌های سوخت و نفت از قبل بوده و محاسبات آن انجام گرفته، کلاً اقدام شده و الان که می خواهند یک آبرسانی انجام بدهند، به جای اینکه ۵۰ کیلومتر دور بگذارند و هزینه زیادی بشود و ندارند و مردم در آنجا باید تشنگی بکشند و مساله آب مساله جدی کشور است، نهایتاً دوستان تشخیص دادند که با رعایت تمام ضوابطی که پژوهشگاه ما اعلام کرد در کنار آن سازه‌ای که از قبل در مورد لوله‌های نفتی بوده، لوله آب را هم آنجا بگذارند، وگرنه ما کاری به کم و زیاد کردن حریم نداشتیم، لذا یک بررسی کاملی انجام گرفت و یک تصمیم کلی هم گرفته شد.

در مورد پاسارگاد، صحبت‌هایی که اوایل کردم و دوستان دچار سوء تفاهم شدند همین مساله است، فکر کردند ما می‌گوییم برویم پاسارگاد چاه بزیم، کسی نگفته ما کنار پاسارگاد چاه بزیم، آنجا از سال‌های قبل چاه دارد و چاه‌های متعدد آنجا حفر کردند که صدای کسی در نیامده است، در دوره جدید کسی آنجا چاهی حفر نکرده است، اگر ضرغامی بخواهد کاری انجام بدهد که داریم انجام می‌دهیم، ربطی به آن سخنرانی ندارد.

چاه‌هایی که از قبل زده شده بوده، موتورهایی که بالای سر چاه گذاشتند گازوئیلی بوده، موتورهای گازوئیلی هر چقدر می‌خواستند آب برداشت می‌کردند و این برای دوره‌های قبل است و چون کنتور ندارد هر چقدر بخواهند آب برداشت می‌کنند و در درازمدت می‌تواند به بنا لطمه بزند.

امروز من دنبال این هستم که موتور آن چاه‌ها را برقی بکنم و وقتی موتور آنها برقی شود کنتور پیدا می‌کنند و اینطور نیست که کسی آنجا موتور را بگذارد و همینطوری بی‌نهایت آب بکشد و به بنا لطمه بخورد، ما دنبال این کار هستیم. البته وزارت نیرو هنوز تامین اعتبار نکرده است و من هم آنجا با مردم صحبت

کردم و تیم کارشناسی فرستادم، رئیس بخش بازرسی سازمان با یک گروه بدون بحث خبری به آنجا رفتند و یکی یکی با مردم صحبت کردند، با همه صحبت کردند و اهمیت این مساله را گفتند و بعد هم بر طبق اصولی که آنجا به نوعی کار می‌شود، بعداً ما این چاه‌ها را کنترل می‌کنیم و گرنه ما چاه حفر نمی‌کنیم. چاه از قدیم بوده و باید مدیریت شود. اما در مورد حریم‌ها آن نکته‌ای که گفتم اعتقاد دارم ربطی به ارجان، پاسارگاد و مسائل مشابه ندارد.

اینکه شما گفتید دیگران گفتند و انجام ندادند یک حرف ابطال‌ناپذیر است و همیشه می‌تواند درست باشد. البته من سعی کردم در عرائض نکاتی را بگویم که بخشی از آن انجام شده است یعنی بخش زیادی از صحبت‌های من گزارش کاری بود که انجام دادم. در مورد یگان حفاظت یک گزارش خیلی خوبی در نشست یگان حفاظت ارائه کرد.

امضا تفاهم نامه برای همکاری گردشگری با کشورهای همسایه

* هاشم رحیمی (خبرگزاری آپا آذربایجان): جمهوری آذربایجان تا قبل از کرونا بعد از عراق بیشترین گردشگر را در ایران داشته، چه برنامه‌ای برای گردشگران جمهوری آذربایجان دارید؟ در حوزه گردشگری سلامت که خیلی به پزشکان ایرانی اعتماد دارند از اتباع جمهوری آذربایجان درخواست زیادی داریم که به ایران بیایند و از خدمات پزشکی استفاده کنند، هم چنین برنامه شما برای گردشگرانی می‌خواهید به آنجا می‌خواهیم بفرستید.

* وزیر: البته در مورد گردشگری بعداً گفتگو خواهیم کرد و یک نشست خبری در مورد گردشگری خواهیم داشت و سیاست‌هایی که داریم و اقداماتی که انجام دادیم بخصوص در حوزه زیرساخت‌ها را عرض می‌کنم و بحث آن متفاوت و مفصل است. اما ما، هم در مورد کشورهای همسایه و هم در مورد مجاور، برنامه‌ریزی مشخصی داریم، با اینها گفتگو داریم و تفاهم انجام دادیم، مثلاً مشخصاً با تاجیکستان تفاهم‌نامه امضا کردیم، با قطر تفاهم‌نامه امضاء کردیم و باقی کشورها در برنامه ملاقات من است که تفاهم‌نامه‌ها قطعی شود.

ما برای هر بخشی متناسب با علائق مردم آنجا برنامه مستقل داریم، گردشگری یکسری قوانین عام به‌عنوان ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری و

یکسری قواعد خاص دارد، به عنوان مثال بحث گردشگری زیارتی ما یک ظرفیت فوق‌العاده و استثنایی است، آن کشورهایی که در این مورد انگیزه بیشتری دارند قاعداً سیاست‌های ما به سمت همان مساله هدایت خواهد شد.

اقدامات وزارت در حوزه صنایع دستی و بیمه هنرمندان و صنعت‌گران

* فاطیما کریمی (خبرگزاری مهر): شما به عنوان وزیر گردشگری که بعداً به میراث فرهنگی علاقمند شدید همچنان موضعی در مورد صنایع دستی از طرف شما ندیدیم و صنایع دستی در این وزارتخانه مهجور شده است، چرا ما در وزارت میراث فرهنگی اصلاً در این حوزه اتفاق خاصی نمی‌بینیم مثلاً در مورد صادرات چمدانی آمار داده می‌شود. این صادرات چمدانی کجاست؟ و ما پیگیری کردیم و چیزی ندیدیم. در واقع در چند سال اخیر هیچ اتفاقی را ندیدیم که در حوزه صنایع دستی رخ بدهد.

* وزیر: صنایع دستی موضوع مهمی است، بخش مهمی از فرهنگ و اقتصاد کشور در حوزه صنایع دستی اتفاق می‌افتد، بیش از یک میلیون نفر در این حوزه فعالیت می‌کنند. حدود ۵۲۰ نفر رسماً در سیستم آماری ما هستند و کمک‌هایی هم اگر لازم است در این بخش انجام می‌شود.

بیش از ۵۰۰ هزار نفر کسانی هستند که ثبت‌نام کردند و ما آمار آنها را داریم که در این حوزه فعال هستند، غیر از این یک میلیون نفر خیلی کسان دیگری هستند که در حوزه‌های صنایع دستی، هنرهای سنتی و موارد مشابه دارند فعالیت می‌کنند.

ما همه آنها را فعال این حوزه می‌دانیم، اخیراً هم در برنامه‌ریزی‌ای که انجام گرفت از ۲۹۹ رشته صنایع دستی که باید سیر ثبت‌نام و هماهنگی‌های قانونی را انجام می‌دادند، خود ما ۲۳۳ رشته از ۲۹۹ رشته را فقط ثبت‌محور اعلام کردیم، قبل از اینکه دولت این کار را شروع کند ما این را اعلام کردیم، شاید اولین موضع من در همین سالن بود که اعلام کردم ۱۵۵ رشته از امروز لازم نیست بیایند مجوز بگیرند و مراحل مجوز را طی کنند. فقط باید وارد سامانه بشوند و اعلام کنند. این از نظر ما قانونی است و نظارت ما نظارت پسینی خواهد بود.

در کنار آن ما ماموریت‌هایی داریم یکی از مهمترین آنها بیمه است، بیمه یکی از مشکلات جدی همکاران ما در صنایع دستی است، بارها جلسات متعدد در سطح

رئیس‌جمهور و معاونینی که ماموریت پیدا کردند انجام گرفته، اما فعلاً به دلیل مشکلات اعتباری به نتیجه نرسیده است، در سطوح محدودتر و ادامه بیمه‌ها، البته قبلاً اقدامات خوبی شده که مشکلی پیش نیاید.

اما برای یک رقم و یک حجم قابل قبولی از بیمه ما هنوز داریم تلاش می‌کنیم که در بودجه امسال با توجه به موقعیت‌هایی که برای ما ایجاد شده، بخشی از کار را در این حوزه فراهم کنیم. فقط بدانید ما باید رونق تولید را در صنایع دستی ایجاد کنیم و وقتی تولید رونق پیدا کرد ما برنامه‌های متعدد داریم و بیمه هم در کنار این رونق حل و فصل می‌شود.

بسیاری از صاحبان کار و تولیدکننده‌ها اگر مبادی فروش و عرضه برای آنها درست ایجاد بشود، اطلاع‌رسانی انجام شود، بازار فروش آنها نیز پررونق می‌شود. ما در این حوزه اقدامات مهمی کردیم، اگر به نتیجه برسد آنقدر این رشته سودآور خواهد بود که بخشی از مسائل بیمه ما ذیل آن حل خواهد شد.

توجه به موزه‌ها با اعتبارات ویژه

*فرزانه قبادی (روزنامه اعتماد): موزه ملی یک طرح محتوایی دارد که سال‌هاست درگیر بودجه است، مشکلات و کمبودهایی که موزه ملی دارد باعث می‌شود ما از جریان موزه‌های دنیا جا بمانیم، یعنی موزه‌های دنیا دارند روی فناوری‌های نوین کار می‌کنند، تکنولوژی‌های جدید را وارد می‌کنند ولی همچنان تنها راه ارتباطی ما با مخاطب در موزه ملی زیرنویس‌ها است. آیا شما در بودجه‌بندی امسال برای موزه ملی و برای اجرای طرح محتوایی آن بودجه‌ای را در نظر گرفتید؟

*وزیر: در مورد موزه‌ها درست می‌گویید اولاً موزه‌ها محل تحرک و دینامیک جامعه است، برخلاف خیلی‌ها که به موزه نگاه استاتیک دارند، نگاه من به لحاظ مهندسی نگاه دینامیک است یعنی موزه‌ها محل‌هایی برای خمودی و اینکه بعضی آثار به موزه‌ها سپرده شوند و با آنها کاری نداشته باشیم، نیست. موزه اگر موزه باشد مبدا حرکت و تلاش است، بسیاری از موج‌سازی‌ها می‌تواند در کنار فعالیت‌های موزه‌ها انجام بگیرد، من معتقدم اگر شرف الامکان بالمکین یک

حرف درستی است، شَرَف المکین بِالامکان هم مهم است، یعنی اینکه آدم از چه خاستگاهی حرف می‌زند؟

وقتی شما ظرفیت‌های عظیم موزه‌ای مثل موزه ملی ایران دارید که در کنار آن به خاطر جذابیت‌های دیگری که است، مردم می‌آیند بازدید می‌کنند، حرف‌هایی که مردم برای رشد و تعالی نیاز دارند را به آنها بگویید، بدانید که منشاء و مبداء حرکت و تحول می‌شود؛ نگاه من واقعاً به موزه یک نگاه ویژه‌ای است و با شما هم عقیده هستم.

اما در کنار اعتبارات، اعتبارات مربوط به تملک دارایی ما نسبت به میانگین دولت بیش از دو برابر شده است، یعنی رشد بودجه عمرانی کل بودجه کشور، ۳۵ درصد است، اعتبارات عمرانی ما ۷۷ درصد رشد کرده و این یک اتفاق بزرگی است که در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده و جا دارد هم از دولت و هم از مجلس تشکر کنم.

بخشی از این اعتبارات مربوط به مرمت است، بخشی از آنها هم مربوط به مدیریت موزه‌ها است، ما منتظر هستیم جداول دقیق بودجه به ما ابلاغ شود، هنوز ابلاغ نشده است، بعد از ابلاغ جداول بودجه ما سهم موزه‌ها به ویژه موزه ملی ایران که جایگاه برجسته‌ای در همه آنها دارد، روشن می‌شود و حتماً از یک افزایش قابل قبولی متناسب با این افزایش کلی برخوردار خواهد شد.

تلاش مضاعف برای ثبت جهانی آثار

* مجتبی گهستونی (فعال فضای مجازی در حوزه میراث فرهنگی): شما در بخشی از صحبت‌تان از ایران‌هراسی گفتید. اهواز توسط همکاران میراث فرهنگی به شهر ملی مینای صبی تبدیل شده است اما توسط برخی خبرگزاری‌ها در این زمینه مشکلاتی ایجاد شده و لذا میراث فرهنگی استان خوزستان تمام مفاد موردنظر در این زمینه را اجرا نمی‌کند. عملاً یک فرصت بسیار خوبی دارد از دست می‌رود و سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی که در خوزستان است دارند مهاجرت می‌کنند. انتظار دارم در سفرتان به خوزستان به این موضوع توجه کنید. در سفرهای استانی از میراث‌های جهانی بازدید

کنید چون مشکلات میراث جهانی خیلی بیشتر است و چرا تاکنون برخی از سایت‌های جهانی حتی سندشان به نام میراث فرهنگی زده نشده است؟ مثلاً سند چغازنبیل به نام یک ارگان دیگری است. چرا شوش و کرخه با این همه آثار متعددی که دارد و جهانی است فقط ۵ نیروی یگان حفاظت دارد؟ حتی ردهٔ حفاظتی ندارد.

*وزیر: هم چغازنبیل و هم شوش و هم نظام آبی شوشتر از افتخارات ماست و اینها همه ثبت جهانی شده است، وقتی من به استان‌ها می‌روم اولین جایی که می‌بینم آثار ثبت جهانی است، به دلایل مختلف البته ثبت ملی ما هم خیلی مهم است، ضمناً در نظر داشته باشد ظرفیت ما برای ثبت جهانی خیلی بیشتر از این ۲۶ تا و ۱۷ تا است که به ما دادند. ما اینقدر ظرفیت داریم که برای ما محدودیت سهمیه گذاشتند، این هم از مصائب روزگار است که ایران سالی یک سهمیه دارد که ثبت جهانی کند، چون اگر درش را باز بگذارند، ظرفیت ایران طوری است که ایران باید سالی ۵۰ تا ثبت جهانی بکند، یعنی به نوعی حق ما خورده می‌شود، شاید چاره‌ای هم نیست به دلیل اینکه می‌خواهند این را در سطح جهانی مدیریت کنند.

بنابراین به دلایل مختلف من هر جا می‌روم این را در اولویت کارم قرار می‌دهم، مثلاً در مورد جنگل‌های هیرکانی که ثبت جهانی شده است، الان جنگل‌های سمت آذربایجان که من در ملاقات اخیر و بازدید اخیر بازدید کردم و خیلی منازل دیدنی دارد، ما دنبال ثبت جهانی آن هستیم متنها چون سهمیه ما پر می‌شود، داریم از سهمیه آذربایجان استفاده می‌کنیم، و انشاءالله به نتیجه هم می‌رسد، یعنی داریم این کار را می‌کنیم.

در مورد خوزستان هم کاملاً درست گفتید. واقعاً از این جهت خوزستان غنی است نه فقط ظرفیت جهانی آن بلکه خوزستان قدم به قدم ظرفیت‌های ارزشمند تاریخی دارد حتماً بازدید خواهیم کرد. اما در مورد نکتهٔ اولی که گفتید من در همین سفری که دارم در جریان جزئیات آن قرار می‌گیرم، اگر لازم باشد دستوراتی می‌دهم و در خدمت شما هستم.

تقویت بخش حقوقی وزارت برای بازگشت آثار تاریخی

* داود نخ‌کوب نیاسر (خبرگزاری ایرنا): در مورد دیپلماسی عمومی شما در میراث فرهنگی در داخل کشور توضیح دادید، در خصوص دیپلماسی بین‌المللی بخصوص در مورد استعداد اشیای تاریخی که سال‌هاست داریم پیگیری می‌کنیم چه اقداماتی در این ۹ ماه صورت گرفته است؟ آیا خبر خوشی در مورد بازگشت اشیای تاریخی به کشور دارید؟

* وزیر: یکی از مهمترین بخش‌های ماموریت ما در واقع در بُعد حفظ میراث فرهنگی، اشیای ارزشمندی است که از کشور خارج شده است، در طول سال‌های اخیر بعضی بی‌توجهی‌ها صورت گرفته و به صورت قاچاق خارج شده است، یک بخشی از اینها پیگیری‌های حقوقی دارد که در این زمینه دفتر حقوقی ما تقویت شده، آقای دکتر جعفرپور به‌عنوان مشاور من و رئیس بخش خصوصی با سابقه‌ای که به‌عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی داشتند، آمدند و مهمترین وظیفه ایشان بخش‌های حقوقی مربوط به میراث فرهنگی ما است.

بخشی از اینها به دلایل مختلف خارج شده و بخشی هم بحث‌های سیاسی است یعنی احتیاج به رایزنی‌های سیاسی در گفتگوها و نشست‌ها دارد. در این بُعد هم دوستان ما در حوزه سیاسی پروژه‌هایی را تعریف کردند، انشاءالله در ادامه کارمان با توجه به توانمندی‌های دیگری که باید در کشور تقویت شود سعی می‌کنیم در این حوزه اقدامات خاصی را روی پروژه‌های مشخصی انجام بدهیم. بعضی از اینها در جلسات ما مطرح شده است، من باید آخرین پیشرفت‌های آن را بینم و اعلام بکنم.

حفظ حقوق و امنیت گردشگران و راهکارهای تبلیغی برای معرفی ایران

* هانیه سلطان‌پور (شبکه سحر): همانطور که مطلع هستید به دلیل بازداشت بعضی از اتباع اروپایی سفارت‌خانه‌های اروپایی هشدارهای امنیتی و منع سفر به ایران صادر کردند، سه سال از شیوع کرونا می‌گذارد و گردشگری همه کشورهای و بخصوص ایران آسیب دیده است. آیا وزارت گردشگری به طور مستقل یا در همکاری با وزارت خارجه و یا همکاری با

قوه قضائیه تدبیری برای بی‌اثر کردن این موقعیت جدید اندیشیده است؟ بسیاری از شبکه‌های اروپایی و غربی که در ایران دفتر دارند تیزرهایی برای معرفی کشورها پخش می‌کنند، یک زمانی هم ایران قرار بود این کار را انجام بدهد ولی الان جای تیزرهای معرفی ایران خالی است. آیا برای این مساله اقدامی در دست دارید؟

* وزیر: نکتهٔ دوم شما مسالهٔ درستی است، یک بخشی از آن اعتبارات لازم را می‌خواهد بخصوص در شبکه‌های خارجی که تبلیغ می‌کنیم اعتبارات خاص خودش را می‌خواهد. یک کشوری مانند قطر برای همین بازی‌های جام جهانی چون انگیزه، انگیزهٔ گردشگری و معرفی قطر است فقط ۲۰۰ میلیارد دلار برای این بازی‌ها هزینه کرده است، یا هزینه مالزی برای یک تیزری که به عنوان تبلیغ مالزی در سی‌ان‌ان پخش می‌کند رقم‌های نجومی است.

جمهوری اسلامی فعلاً اعتبار لازم برای اینکه این هزینه‌ها را انجام بدهد ندارد، اما راه بن‌بست نیست. ما در مورد شبکه‌های مختلف به یک شبکه‌های دیگری اتصال داریم، در مجموعه نهادهایی که برای ما فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند و شبکه‌های بین‌المللی دارند، من جلسات متعدد داشتیم، بخصوص آنهایی که از نظر فکری به ما نزدیک‌تر هستند، شاید یکی از آن جلسات آخرین ملاقات من با رئیس اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی در دفترم بوده که تعدادی از این شبکه‌ها کلاً همکار خوبی برای ما هستند و در دورانی هم که من رئیس سازمان صدا و سیما بودم با اینها همکاری خوبی داشتیم.

اینها سالیانه هم تجمع می‌کنند و در نشست‌ها باب همکاری مشترک باز می‌شود. ما باید از جایی که هزینه کمتری دارد برای تبلیغ در شبکه‌های خارجی آغاز کنیم و آرام‌آرام گسترش بدهیم. یک جای پای خوبی هم در قانون بودجه امسال در تبصره‌ها گذاشته شده است، دستگاه‌های اجرایی برای تبلیغات خارجی گردشگری، اگر هزینه‌ای انجام بدهند به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی از آنها پذیرفته می‌شود؛ این یک کار خوبی است که ما در بودجه امسال داشتیم.

حالا بخش‌های مختلف را فعال کردیم، چون یک تبصره مشابه هم داشتیم که آئین‌نامه آن را با وزارت ارشاد باید می‌نوشتیم، من شخصاً جلسه گذاشتم،

معاون حقوقی وزارت ارشاد آمدند جزئیات آن آئین نامه را مشخص کردیم، در مورد این تبصره هم همینطور ما دنبال روش های کم هزینه تر هستیم تا آرام آرام نهادهای دیگر کمک کنند و بتوانیم بحث معرفی ایران را آنطور که شایسته است انجام بدهیم.

در رابطه با بخش نخست سوال شما یکی از کارهای ما این است که بخشی از اقداماتی که در کشور انجام می گیرد، چه موضعی که اعلام می شود، چه اقداماتی که دستگاهها انجام می دهند و موجب ضربه زدن به گردشگری می شود با اینها مقابله کنیم منتها بسیاری از اینها اعلامی نیست، اعمالی است، نمی شود اعلام کرد. یعنی من خبر دارم یک گردشگر کشور منطقه آمده، نایستی شکار می کرده رفته یک جایی شکار انجام داده، خلاف قانون بوده و دستگاه انتظامی در محل او را دستگیر کرده است.

بنده در جلسه دولت فقط راجع به همین موضوع با رئیس سازمان محیط زیست صحبت و همفکری کردیم و ابعاد مساله را پیگیری کردیم تا بتوانیم طوری حرکت کنیم که هم تخلفی در کشور صورت نگیرد و هم دستگاههای قانونی دیگر بتوانند وظیفه شان را انجام بدهند و هم مراقب باشیم یک چیزی بیشتر از حد اتفاق نیفتد تا به گردشگری لطمه بزند، بالاخره تخلفات در یک کشور توسط گردشگران یک مساله جدی است.

من ۱۵ سال پیش به باکو رفته بودم، آنجا پلیس راه آهن من را صدا کرد و جیب های من را گشت و گفت من به شما مشکوک شدم، همه پول های من را از من گرفت، چون می خواستند از من رشوه بگیرند و من آنجا با یک روش دیگری با آنها برخورد کردم، قصه بالا گرفت و گفتم آنجا هستم تا با سفارت تماس بگیرید، وقتی مساله خیلی جدی شد بعد از یکی دو ساعت مشکل من را حل کردند و محتویات جیب من را هم برگرداندند و مشخص بود که دنبال رشوه هستند.

من چند سال بعد در جایگاه رئیس سازمان وقتی به آنجا رفتم و با رئیس جمهور آنجا ملاقات کردم، بحث های بسیار جدی حدود یک ساعت آنجا انجام گرفت بعد این خاطره را برای معاونین او تعریف کردم و گفتم این کاری که

شما کردید بالاترین ضربه به گردشگری خودتان است و بحث بی‌احترامی کنار، بعدها یک مقام بالای آنجا که من اسم نمی‌برم و اتصال مستقیم با رئیس‌جمهور داشتند برای من پیغام فرستادند که ما به شدت از این مساله ناراحت هستیم و برخورد کردیم و دیگر نمی‌گذاریم از این اتفاق‌ها برای ایرانی‌ها بیفتد. در همه جای دنیا از این مشکلات وجود دارد، ما باید در کشورمان اولاً اخلاق اسلامی و رفتار اسلامی را ترویج کنیم، نهادهای هم باید وظیفه‌شان را انجام بدهند و ما هم باید مراقبت کنیم که بعضی از رفتارهایی که برای اعمال قانون صورت می‌گیرد خدایی نکرده لطمه‌ای به امر گردشگری وارد نکند.

صف اول هفته دولت



شبکه خبر، ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

*** عابدینی:** یکی از موضوعاتی که در دهه سوم قرن ۲۱ وجود دارد این است که همه رشته‌ها را می‌شود از طریق اینترنت و بدون مراجعه حضوری حل و فصل یا از آن استفاده کرد، حتی می‌توان بنگاه‌های مهم اقتصادی را بدون رفتن به یک جای مشخص، اداره کرد، اما تنها جایی که شخص باید حتماً برود و حضور داشته باشد، حوزه گردشگری است. به همین دلیل در سال‌های کرونا، شاهد رکود در این صنعت بوده‌ایم. برایمان توضیح دهید در این ایام و در دوران پسا کرونا بر گردشگری چه گذشته است؟

*** سید عزت الله ضرغامی:** وزارتخانه ما سه حوزه مهم میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دارد و خیلی گسترده است. دارای مأموریت‌های متنوع و مهمی است که در همه بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و امنیتی ایفای نقش و بازیگری دارد و البته در دنیا نیز شاهد این بازیگری هستیم. در کشور ما متأسفانه بنا به دلایلی در این حوزه‌ها دچار عقب‌ماندگی شده‌ایم که بنده به دلایل آن اشاره می‌کنم. به هر ترتیب دولت یکساله شد و باید دولتمردان گزارش عملکرد یک ساله‌شان را ارائه دهند و من نیز مبتنی بر همان شعارها، برنامه‌ها و قول‌هایی که در مجلس زمان رأی اعتماد دادم، گزارش عملکرد خود را ارائه می‌دهم.

البته گزارش ما در ۳۰ محور برای نهادهای مربوطه ارسال و رسانه‌ای نیز شده است. در کتاب دولت نیز صفحاتی از کارنامه دولت مربوط به حوزه ماست و ۳۰ محور مهم اقدامات وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در این کارنامه آمده است.

من معتقدم نگاه ما در ماموریت‌های مهم باید تحولی باشد. یک زمانی، مدیری صرفاً مدیر اداره است، اما امروز این رویه به تنهایی جواب نمی‌دهد. نگاه من به وزارتخانه و مسائل آن نگاه پروژه‌ای است، لذا به دوستان می‌گویم ما آمادیم چند پروژه مهم را حل کنیم و کنار بگذاریم. آمادیم مسائل کشور را چند گام جلو ببریم، لذا اولین کاری که باید انجام دهیم این است که نظام مسائل مان را احصاء و حرکت مان را مسئله‌محور کنیم. ما این کار را از روز اول انجام دادیم. من در کنار مطالعاتی که داشتم و برنامه‌ای که دادم احساس کردم تا از نظرات کارشناسان و بازیگران اصلی این سه حوزه مستقیماً و رودرو و از جایگاه مسئولیت مطلع نشوم و با آنها مشورت نکنم، نمی‌توانم تصمیمات راهبردی بگیرم، لذا اولین قدم این بود که نشست‌های مستمر و فشرده با همه شخصیت‌ها و صاحب‌نظران حوزه‌های کاری مان داشتیم. مثلاً در حوزه میراث فرهنگی دو جلسه ۴ ساعته با حضور ۴۰ نفر و سرجمع ۸۰ نفر از باستان‌شناسان، شخصیت‌های دانشگاهی و چهره‌هایی که حرف اول را در این حوزه می‌زنند، داشتم. هر چند نظرات آنها ممکن بود با هم اختلاف داشته باشد، ولی باید روشن می‌شد دیدگاه‌هایشان نسبت به میراث فرهنگی چیست؟ مسائل میراث فرهنگی از نگاه آنها چیست؟ چه موضوعاتی اولویت دارد؟ کجا باید متمرکز شویم؟

عین همین روند در مورد گردشگری انجام شد. غیر از شخصیت‌های حقیقی در این رابطه با همه صنوف یعنی جامعه هتل‌داران، مراکز اقامتی، آژانس‌های مسافرتی، راهنمایان گردشگری و تورگردانان جلسه داشتیم؛ شکل‌های وسیع و پرتلاشی که واقعاً دارند زحمت می‌کشند. با همه آنها جلسات مرتبی برگزار کردیم و نظراتشان را گرفتیم. ایضاً در مورد صنایع دستی نیز اینگونه بود.

مسائل ما تقریباً روشن شد و مصمم شدیم ۲۰ مسأله مهمی را که احصاء کردیم یکی یکی حل کنیم. عمده مسائل ما هم فرابخشی و فرادستگاهی است و تقریباً بخش مهمی از دستگاه‌های اجرایی، حاکمیتی و نهادهای حکومتی را دربرمی‌گیرد. مسائل را احصاء کرده‌ایم و کارها را گام به گام جلو می‌بریم.

بعد از جلسات متعددی که برگزار کردیم، شخصیت‌های اصلی حوزه گردشگری به طور ویژه به من گفتند اگر شما یک کار باید برای ما انجام بدهی،

این است که مسألهٔ روادید گردشگری را که ۲۰ ماه است به خاطر کرونا تعطیل شده و در حال نابود کردن صنعت گردشگری است، حل کنید. این موضوع را به‌رغم آنکه سایر کشورها تاحدی حل کرده بودند برای ما تقریباً لاینحل مانده بود، علتش هم این بود که کشور ما از انتقال بیماری نگرانی داشت.

وقتی من در ستاد کرونا حضور پیدا کردم متوجه شدم نگرانی وجود دارد از اینکه مرزها را باز کنند، گردشگران از همه جای دنیا بیایند، مسائل ایمنی و بهداشتی رعایت نشود و ما تلفات بیشتری بدهیم. از اینرو ما برنامه‌ریزی کردیم، پروتکل‌ها و آئین‌نامه‌هایی را مشخص و در ستاد کرونا هم موضوع را توجیه کردیم. من شخصاً از آقای رئیسی تشکر می‌کنم که به ما اعتماد کردند. به این ترتیب روادید مجدداً از سر گرفته شد.

از آبان ماه سال ۱۴۰۰ صدور روادید مجدداً صورت گرفت و تا به امروز ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ بیش از ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر گردشگر خارجی وارد کشور شدند. طی کمتر از یکسال حدود ۳ میلیون رقم بالایی است. در ورودی گردشگری باز شد، آژانس‌ها فعال شدند و تورهای گردشگری وارد شدند و این روند ادامه دارد. براساس پیش‌بینی‌های UNWTO و سازمان‌های جهانی تا انتهای سال ۲۰۲۴ شرایط گردشگری به حالت عادی گذشته برمی‌گردد یعنی به حالت قبل از کرونا، چون صنعت گردشگری آنقدر آسیب دیده است که با امروز و فردا حل نمی‌شود. البته ما زودتر از پیش‌بینی جهانی به سقف مورد انتظار خواهیم رسید.

در گردشگری داخلی نسبت به قبل از کرونا طبق گزارش دستگاه‌های مختلف - که ما موظف هستیم اینها را هماهنگ کنیم و یک بخش مهم آن در حوزه اطلاع‌رسانی است - نسبت به قبل از کرونا ۴۰ درصد افزایش گردشگر داخلی داشتیم.

ما نوروز امسال سونامی سفر داشتیم. یک ستادی که تقریباً تعطیل بود و کمتر جلسه تشکیل می‌داد به‌عنوان ستاد هماهنگی سفر با قوت راه‌اندازی شد، ۲۳ دستگاه عضو این ستاد هستند، صدا و سیما هم عضو است و ریاست آن با وزارت میراث فرهنگی است. سه جلسه در این ستاد حضور پیدا کردم. هماهنگی بین دستگاه‌ها خیلی خوب انجام شد، تقسیم کار و مسئولیت صورت گرفت، به‌طوری

که یک جاهایی که می‌توانست بحران اقامتی ایجاد شود، با همکاری و مدیریت دستگاه‌های مختلف از این بحران عبور کردیم.

امروز که با هم صحبت می‌کنیم وضع گردشگری داخلی خوب است، هتل‌های ما که داشتند به تعطیلی کامل کشیده می‌شدند و اگر کار را رها می‌کردند دیگر امکان برگشت به شرایط طبیعی نبود، امروز دوباره کارشان رونق پیدا کرده است. پس هم در مورد گردشگری خارجی هم گردشگری داخلی تحرک ایجاد شده است. در مورد موانع گردشگری اگر بخواهم صحبت کنم یک بحث جدی ما پروژه ایران‌هراسی است که دشمن خیلی روی این موضوع کار می‌کند.

شما به نکته خوبی اشاره کردید، بد نیست من هم به آن نکته اشاره کنم، درست است دنیا به سمت عصر سایبری رفته و همه چیز از راه دور، با دولت الکترونیک و روش‌های دیجیتال اداره می‌شود، اما بشر مقوله تفریح و سرگرمی را نه تنها رها نمی‌کند بلکه تقریباً دو برابر خواهد کرد. بشر احساس می‌کند سرگرمی می‌خواهد، تفریح می‌خواهد، این نیاز در همه جای دنیا مطرح و رو به رشد است و سهم آن هر روز بیشتر می‌شود. بر این اساس کشورهای دنیا به صورت جدی رقابت می‌کنند، نشست‌های اقتصادی زیادی به صورت بین‌المللی و منطقه‌ای برگزار می‌شود.

در کشورهای منطقه، در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس غیر از مسئله نفت که محدودیت‌های خودش را دارد، مهمترین عامل دوم برای رونق اقتصادی و جذب درآمد، حوزه گردشگری است. امکاناتی که ما داریم را هیچ‌کدام از این کشورها ندارند، در واقع مزیت‌های نسبی ما اینطور است. به همین دلیل هر کاری که بتوانند می‌کنند تا گردشگری در ایران پا بگیرد و بعضی‌ها هم خواسته و ناخواسته به آن جریان کمک می‌کنند.

من با بسیاری از شخصیت‌های قدیمی داخل حکومت ملاقات داشتم و حرف‌هایشان را شنیدم، آقای یونسی وزیر اسبق اطلاعات با من ملاقات داشت و گفت من وقتی وزیر اطلاعات بودم یک مورد ضدجاسوسی را کشف کردیم که باند بزرگی بودند، وظیفه‌شان این بود که هر وقت گردشگری در ایران می‌خواست پا بگیرد نگذارند، کارشان این بود که هر کدام به یک طریقی و در

یک دستگاهی مانع تراشی کنند و سنگ جلوی پای اقدامات گردشگری بیندازند، برای اینکه کشورهای عربی می‌خواهند درآمد خودشان را داشته باشند.

همین الان قطر برای بازی‌های جام جهانی یک هدف گردشگری است و قصد بیشترشناساندن کشورش را دارد. ۲۰۰ میلیارد دلار فقط در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده است! ارقام خیلی نجومی است. درحالی که وقتی این کشورها را با خودمان مقایسه می‌کنیم - امارات، بحرین و غیره - ظرفیت‌هایشان اصلاً با ما قابل مقایسه نیست!

*** عابدینی:** طی ۱۱ ماه گذشته شما برای دیپلماسی گردشگری که یک سرفصل جدید در حوزه دیپلماسی سنتی و عمومی است، چه کردید؟ گاهی اوقات یادداشت تفاهم‌هایی با کشورهای امضاء می‌شود، چقدر عملیاتی شده و آیا تدبیری در این حوزه اندیشیده شده است؟

*** سیدعزت الله ضرغامی:** سوال خوبی کردید، ما باید پروژه‌هایمان را همه‌جانبه پیش ببریم. ما در گردشگری عوامل مختلفی داریم که باید با هم به صورت متوازن رشد کنند تا وقتی ما یک تبلیغ گسترده برای جذب گردشگر داخلی و خارجی می‌کنیم، ظرفیت‌های مختلف ما هم فعال شود، اگر یک بخشی فعال نشود و ضعیف بماند، حتماً پروژه ما شکست می‌خورد.

اولین کار ما این بود که زیرساخت‌های مربوط به گردشگری را تقویت کنیم، درواقع هم فعالیت‌های گردشگری را به‌صرفه و هم امکانات لازم را فراهم کنیم. یکی دو مثال بزنم. مثلاً گردشگری دریایی ما تقریباً صفر بوده، درحالی که یکی از مزیت‌های نسبی ما گردشگری دریایی است.

ما بیش از ۵ هزار کیلومتر ساحل به اضافه جزیره‌هایمان داریم، اینها را بررسی کردیم و دیدیم مهم‌ترین مساله در گردشگری دریایی سوخت آزادی بوده که باید شناورها می‌زدند که رقم آن بسیار بالاست، لذا هیچ کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کرد. یکی از کارهایی که ما در دولت کردیم این بود که آئین‌نامه‌ای بردیم و من از وزارت نفت و شخص وزیر تشکر می‌کنم که همراهی خیلی خوبی در این زمینه با ما کردند. وزیر راه در دولت قبلی می‌گفت من هر کاری کردم وزیر نفت سابق با این مساله موافقت نکرد. اما وزیر نفت کنونی با درک درست از

اهمیت گردشگری، استدلال‌های ما را قبول و سوخت‌شناورها را یارانه‌ای کردند، لذا الان ما یک حرکت گسترده‌ای در گردشگری دریایی، راه‌اندازی اسکله‌ها، حضور سرمایه‌گذاران علاقمند در این حوزه‌ها، شروع کردیم.

من فقط مورد ارونند را مطرح می‌کنم که در رابطه با آن در دولت آئین‌نامه‌ای را ارائه دادیم. ارونند به لحاظ گردشگری فوق‌العاده است. به اتفاق سه نماینده به آنجا رفتیم و یک روز وقت گذاشتیم. عراقی‌ها خیلی راحت دارند آن طرف کار می‌کنند، اما این طرف قفل است. یک اسکله برای نفت است، یک اسکله برای نیروهای مسلح است، یک قسمت، آن خاکریز طولانی که به خاطر جنگ زدند. گزارش خوبی را مرکز صدا و سیمای آبادان فرستاد من آن را در دولت نشان دادم، خیلی کار خوبی بود؛ نشان می‌داد که دستگاه‌های مختلف این طرف قفل کردند، اما آن طرف چون مردم آزاد هستند، دارند از گردشگری دریایی استفاده می‌کنند.

من به جزایر رفتم و مشکلات را دیدم. ما زیرساخت‌ها را حل کردیم. گاز، آب، برق و فاضلاب را در مصوبه‌ای که در قانون بودجه از مجلس گرفتیم، در پایین‌ترین نرخ محاسباتی انجام دادیم، یعنی الان واقعاً در خیلی از این حوزه‌ها کاملاً مقرون به صرفه است که به گردشگری ورود شود.

در مورد فعالیت‌های خارجی نیز، اولویت را در وهله اول به کشورهای همسایه دادیم. گردشگری زمینی را اولویت قرار دادیم. پروژه گردشگری ارزان‌قیمت با کشورهای همسایه را شروع کردیم.

در نشستی که با رئیس‌جمهور تاجیکستان و وزرا داشتیم، وقتی من طرحم را گفتم آقای رحمانف مدت طولانی درباره پروژه من صحبت کرد، فوق‌العاده استقبال کرد و گفت این سفر ارزان‌قیمتی که شما به صورت زمینی می‌گویید، ما ترکمنستان و ازبکستان را هم داریم، بخصوص در سمرقند و بخارا که اجمالاً فارسی صحبت می‌کنند یک مسیر خیلی خوب گردشگری زمینی ایجاد می‌شود که هم ارزان‌قیمت است هم باعث اشتغال می‌شود. البته ناگفته نماند گردشگری زیارتی ما فوق‌العاده است و یکی از مزیت‌های نسبی ماست که ما روی آن برنامه‌ریزی مستقل داریم.

ما هم چنین با ۷ دستگاه مهم که آنها با فعالیت‌هایمان مرتبط بودند،

تفاهم‌نامه امضا کردیم. به عنوان نمونه با نیروی انتظامی مستقلاً مسائل مان را احصاء و تفاهم‌نامه امضا کردیم. کاروان‌های مسافرتی که ما به آن کمپر می‌گوییم، قبلاً نمی‌توانستند داخل جاده‌ها بروند و پلاک خاصی نداشتند، آنها باید حکم ماموریت می‌گرفتند و برای یک سفر کوتاه مدت، معطل می‌شدند، اما الان با هماهنگی ما با نیروی انتظامی پلاک ویژه می‌گیرند و پلاک‌های آنها هم جهانی است، با همین پلاک می‌توانند به همه جای دنیا بروند. کاروان‌های مسافرتی که هم داخلی و هم خارجی است واقعاً در خط رونق افتاده است.

ما با ۱۱ کشور تفاهم‌نامه گردشگری امضا کردیم. در نشست وزرای گردشگری کشورهای اسلامی در باکو که شرکت کردم، خیلی فعال برخورد کردیم و با بسیاری از کشورها که صاحب حرف هستند مثل مالزی، آذربایجان و غیره جلسات متعددی داشتیم و تفاهم‌هایی کردیم. الان با وزارت خارجه ارتباط خوبی داریم، یکی از دستگاه‌هایی که خیلی با آن کار داریم، وزارت خارجه است، با بخش‌های مختلف آن بخصوص معاونت خاص آن آقای صفری - که من از همکاری ایشان تشکر می‌کنم - کارهای متعددی را شروع کردیم، چون مسابقات قطر را هم درپیش داریم و پروژه قطر مسائل متعددی دارد که در آینده نزدیک انجام خواهد شد.

ما هم چنین دنبال رفع ایران‌هراسی هستیم. امروز ایران‌هراسی یک مسأله مهم است و آمریکایی‌ها دوباره استارت آن را زده‌اند و دو سه کشور اروپایی دوباره اعلام کردند کسی به ایران سفر نکند، ایران خطر دارد، گردشگران را دستگیر می‌کنند و امنیت ندارید! ما هم داریم تلاش می‌کنیم تا با ایران‌هراسی مقابله کنیم .

سازمان فرهنگ و ارتباطات یکی از دستگاه‌هایی بود که در این زمینه با آن تفاهم‌نامه امضا کردیم، من چون معتقد به مدیریت داشته‌ها هستم و معتقدم باید به بهترین نحو از همه امکانات کشور استفاده بشود، با سازمان فرهنگ و ارتباطات تفاهم‌نامه امضا کردیم، به گونه‌ای که امروز تمام رایزن‌های فرهنگی، مدیران من نیز هستند، یعنی به‌عنوان یک ماموریت جدی برای رایزن‌های فرهنگی فعالیت در حوزه گردشگری و توریسم را قرار دادیم و به آنها گفتیم که چه کارهایی باید بکنند و الان یکی از وظایف آنها منطبق بر مخاطب خاص خودشان مقابله با ایران‌هراسی

و معرفی ایران است.

من از صدا و سیما هم تشکر می‌کنم. تولیدات خوبی که صدا و سیما انجام داده، مستندهای خوبی که به زبان‌های مختلف چه در Press TV به زبان انگلیسی، چه در HispanTV به زبان اسپانیولی، چه شبکه‌های عربی، رییس صدا و سیما اینها را هماهنگ کردند و در اختیار ما قرار دادند.

ما داریم دستگاه‌ها را هماهنگ می‌کنیم تا انشاءالله یک حرکت گسترده‌ای هم برای مقابله با ایران‌هراسی و هم رفع مشکلات رویداد انجام دهیم. ما با وزارت اطلاعات خیلی کار داریم. البته بعضی اوقات چالش داریم ولی می‌رویم آنها را حل می‌کنیم. آنها یک ماموریت‌هایی دارند، وظیفه وزارت میراث این است که برود اینها را با هم متعادل کند، بگوید کسانی که می‌آیند همه جاسوس نیستند و نباید به خاطر ترس از یک مسئله خاص در گردشگری را ببندیم.

*** عابدینی:** ایران در زمره ۱۰ کشور برجسته در داشته‌های میراث فرهنگی در دنیا تلقی می‌شود، با توجه به این ظرفیت چه کرده‌اید؟ مثلاً به نظر می‌رسد هنوز موزه‌ها به اندازه کافی نیست، جاهای دیگری که می‌روید آنها از حوزه تمدنی ایران، میراث‌فرهنگی را بردند و داخل موزه‌هایشان گذاشتند و چقدر هم شلوغ است و چقدر گردشگر را جذب کرده است، در صورتی که ایران نیاز به موزه‌های بیشتری دارد. برنامه شما در این حوزه چیست؟

*** سیدعزت‌الله ضرغامی:** سوال درستی است. حوزه میراث فرهنگی در واقع حوزه‌ای است که هویت و ریشه ما است. ریشه اگر خشک شود، چیزی باقی نمی‌ماند. ما در این موضوع خیلی غنی هستیم. ما در حوزه میراث ملموس رتبه نهم را داریم، در حوزه میراث ناملموس که آن هم از نظر من خیلی مهم است و در واقع روح میراث فرهنگی ملموس محسوب می‌شود، رتبه هفتم را داریم. همچنین ۲۶ مورد ثبت جهانی ملموس داریم و با این آمار، جزء کشورهای برتر در ثبت جهانی آثار هستیم. توریسم تاریخی، توریسم تمدنی و توریسم طبیعی یعنی اکوتوریسم، جزء مزیت‌های برجسته ما در حوزه گردشگری است.

اما به نسبت بضاعت فراوانی که در آثار تاریخی داریم، در نگهداری، مرمت، موزه، نمایش و به دنبال آن معرفی، تفسیر و کارهای فکری، خیلی عقب‌ماندگی

داریم.

بنده اولین مطلبی که درباره موزه‌ها مطرح کردم این است که موزه‌ها از حالت ایستا و استاتیک باید خارج و پویا و دینامیک شود. بر این اساس ما به لحاظ عدد و رقم در این مدت ۳۵ موزه جدید را در سراسر کشور افتتاح کردیم و رقم موزه‌های ما از ۸۰۰ عبور کرد، در نوع خودش بد نیست اما نسبت به آنچه که مزیت‌های ماست، عقب هستیم.

نسبت به اشیاء و اسناد تاریخی و مکتوب خودمان هنوز ۱۰ درصد امکان نمایش داریم و بقیه داخل مخازن است. ما یک پدیده نامیمونی به نام مخزن داریم، من این را پرتوافکنی کردم یعنی رفتم در مخازن را برای اولین بار باز کردم و به مردم نشان دادم که ببینید داخل اینجا چه اشیاء قیمتی‌ای وجود دارد، از زیورآلات دو هزار سال قبل که الان به زرگر بگویید این زیورآلات را بساز، به سختی می‌تواند بسازند، داخل این کمد‌ها و مخازن وجود دارد تا خیلی از اشیای تاریخی دیگر. ما باید موزه‌هایمان را تقویت کنیم، موزه بسازیم و امکان نمایش بگذاریم.

محوطه‌ها و بناهای تاریخی ما نیز خیلی مهم است. ۳۵ هزار اثر ثبتی داریم که درواقع ثبت ملی شده و تعدادی هم ثبت جهانی شده است. ما چقدر پول داریم که اینها را نگهداری کنیم؟ هیچ! یعنی بودجه مرمت و نگهداری ما نسبت به گستردگی بخش‌های تاریخی ما خیلی محدود است. اخیراً یک محاسبه کردم بودجه مرمت را به این ۳۵ هزار تا در طول سال تقسیم کردم، یک توییتی زدم و اعلام کردم که به هر اثر تاریخی مان ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد، یعنی پول یک کارگر ساده با نهار و حواشی آن هم نیست!

یکی از کارهایی که ما کردیم، تا آنجایی که توانستیم بودجه را زیاد کردیم.

الان بودجه عمرانی وزارتخانه که عمدتاً برای مرمت است ۷۷ درصد رشد پیدا کرده است و من از دولت و مجلس تشکر می‌کنم. این درواقع بیش از دو برابر میانگین رشد عمرانی دولت است، یعنی اگر ۳۵ باشد برای ما ۷۷ است. سفرهای استانی هم که آقای رئیس‌جمهور می‌روند مبالغ خوبی برای ما می‌گذارند، تقریباً برای سال ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ رقمی بالغ بر سه همت - هر همت ۱۰۰۰ میلیارد تومان است - برای ما اعتبار دیدند، البته اینها آرام آرام می‌آید و هنوز بخش زیادی

از آن داده نشده، ولی داریم روی آن برنامه‌ریزی می‌کنیم.

یک مشکلی که ما داشتیم این بود که اگر کسی می‌خواست کمک کند- مثلاً یک آدم خیری مثل خیرین مدرسه‌ساز- مشکل و مانع وجود داشت. یک نفر در آمریکا می‌گوید من می‌خواهم پول بدهم تا تخت‌جمشید را مرمت کنید، ما نمی‌توانستیم از او پول بگیریم. این از آن دردها و موانع ما بود، اما این مشکل الان حل شده است. با آئین‌نامه‌ای که به دولت بردیم و مربوط به صندوق احیا و توسعه بناهای تاریخی است، مشکل قانونی آن حل شد.

جا دارد از معاون حقوقی رئیس‌جمهور، آقای دهقان تشکر ویژه کنم که همراهی بسیار خوبی داشتند. از تمام کسانی که در داخل و خارج از کشور علاقمند به کمک برای مرمت و حفظ و نگهداری بناهای مذهبی، تاریخی، اسلامی هستند، ما استقبال می‌کنیم. یک نشستی با تعدادی از خیرین برجسته داریم و موسسه‌ای را به ثبت رساندیم و انشاءالله یک زمینه‌ای باز می‌کنیم که مردم هم بیایند و و برای حفظ و مرمت آثار تاریخی کمک کنند.

یک راه‌حل هم برای رفع مشکل مردم در برخی حرائم پیدا کردیم. محوطه‌های تاریخی بخصوص آنهایی که کاوش می‌شود یک حریم دارد، ما اجازه نمی‌دهیم مردم در این حریم ساخت و ساز کنند، یکی از مشکلات جدی امروز جمهوری اسلامی مشکل حرائم است، یعنی ما یک ساختمانی را ثبت کردیم، یک عرصه و یک حریم دارد، دیگر مردم گرفتار می‌شوند، البته خوشحال می‌شوند که آنجا ثبت ملی شده و تاریخی است ولی دیگر نمی‌توانند ساخت و ساز کنند.

خوشبختانه آن بخشی از مشکل که مربوط به کشاورزی بود با مساعدت آقای رئیس‌جمهور و ابلاغ وزیر جهاد حل شد. به عنوان مثال تپه‌ای در کلاردشت هست- من همراه نماینده رفتم، آنجا یک تپه تاریخی است، از سال ۶۲ کشاورزهای آنجا مشکل داشتند، زمین‌ها را گرفته بودند و اجازه نمی‌دادند اینها کارشان را بکنند- ما آنجا رفتیم و این مصوبه را از دولت گرفتیم که از سازمان جنگل‌ها و مراتع زمین‌های معوض در حاشیه آنجا به کشاورزها داده شود تا در این محلی که برای میراث فرهنگی محصور شده و شاید سالیان درازی اکتشاف طول بکشد، به آنها ظلمی نشود.

الان ما در مورد بناهای تاریخی و بعضی حریم‌ها این مشکل را داریم، من دیدم شما بعضی اوقات گزارش‌هایی پخش می‌کنید، در سفرهای استانی آقای رئیس‌جمهور، مردم اعتراض‌های شدیدی می‌کنند، من در صفحات خودم بعضی اعتراض‌های سنگینی که مردم به خودم می‌کنند و من را به این طرف و آن طرف می‌برند را گذاشتم؛ من به مردم حق می‌دهم.

یک جایی را اعلام می‌کنیم که نمی‌توانید ساخت و ساز کنید، روال عادی زندگی مردم متوقف می‌شود، ما داریم برای این مشکل راه پیدا می‌کنیم یعنی زمین معوض پیدا می‌کنیم، پول نداریم اما بعضی جاها که مجبور می‌شویم می‌خریم. بافت‌های تاریخی هم یک موضوع دیگری است که برای آن هم تصمیم‌گیری کردیم. ما باید میراث‌فرهنگی را با این بضاعتی که داریم حفظ کنیم. *** عابدینی:** در مرمت و تعمیر بناهای تاریخی از جهت نیروی انسانی مشکل داریم، یا صرفاً بودجه و امکانات است؟

*** سیدعزت‌الله ضرغامی:** نیروی انسانی، به هیچ‌وجه! خوشبختانه یکی از مزیت‌های نسبی ما در کشور نیروی ماهر و کارشناس و وجود هنرمندان مرمت است. البته بحث دانشگاه‌ها را داریم که متأسفانه رشته‌های مرتبط با میراث‌فرهنگی آن‌ها تا حد زیادی با ما فاصله دارد. درس‌هایی که می‌خوانند، پروژه‌هایی که می‌گیرند، از کار عملی که باید در حوزه میراث‌فرهنگی انجام بدهند؛ ما برای آنها برنامه داریم، شروع کردیم که آنها را کاربردی کنیم و بیاوریم و از ابتدا آنها را با کار آشنا کنیم و بعد به کار بگیریم.

خوشبختانه وضعیت ما از این جهت خوب است، حتی در ملاقات‌هایی که وزیر گردشگری دیگر کشورها با من داشتند دو کشور از من خواستند که خدمات مرمتی به آنها ارایه بدهیم، کارشناس‌هایمان را به آنجا بفرستیم و پروژه‌های آنها را انجام دهیم. از یکستان یکی از این کشورهاست که به جد پیگیر موضوع است. لذا وضع ما از این جهت خوب است، منتها کار مرمت یک مقدار گران و هزینه‌بردار هم است.

جا دارد مردم دنیا بدانند، ما امروز علیرغم تمام مشکلاتی که داریم، بودجه می‌گذاریم، کلیساها را که جنبه تاریخی دارند مرمت و نگهداری می‌کنیم. کسانی

که به ایران‌هراسی دامن می‌زنند این را بدانند، سه کلیسای ما ثبت جهانی شده و در راس آن قره‌کلیسا است که یک مجموعه عظیم است.

خانم آودیان یکی از کارشناس‌های برجسته ماست که آنجا است و به زبان انگلیسی و ارمنی مسلط است. وقتی گردشگران خارجی می‌آیند می‌بینند یک خانمی به زبان ارمنی و انگلیسی دارد راجع به این کلیساها توضیح می‌دهد و چقدر زحمت می‌کشد و بهتر از همه جای دنیا مرمت، معرفی و تفسیر می‌کند، تعجب می‌کنند که مگر می‌شود؟! و می‌پرسند مگر شما در ایران کلیسا مرمت می‌کنید؟!

مرمت آتشکده‌های زرتشتی‌ها جزء مهمترین کارهای ماست. اخیراً من از آقای فولادی یک مرمت‌کار پیشکسوت تجلیل کردم که حدود ۹۲ سال سن دارد، تصاویر او در صفحه اینستاگرام من است، ایشان ۸۰ سال است دارد مرمت می‌کند یعنی از بچگی در کار مرمت بوده، روحانی خراسان جنوبی است، هم مسجد و هم آتشکده مرمت کرده است، من به شوخی به او گفتم شما مگر آخوند نیستی، آخه رفتی آتشکده مرمت می‌کنی؟ ایشان جواب‌های نغز و متقن مبتنی بر قرآن و نهج‌البلاغه به من داد!

یک عده در میراث فرهنگی سعی کردند دوقطبی ایجاد کنند - این بحث‌ها یک مقدار سیاسی هم است - یک عده نادانسته و یک عده هم کاملاً از روی برنامه، ایجاد دوقطبی و کتراست بین ایران باستان و ایران پس از اسلام کردند، در صورتی که اصلاً دوقطبی نیست، در مهمترین مسائل انسانی و الهی نگاه می‌کنید، زمینه‌های مشترک داریم، فرهنگ ناملموس ما سرشار از این تقاطع‌ها و فصل مشترک‌ها است.

من چند روز پیش همدان رفتم، شاید خیلی‌ها حتی خواص این را ندانند، در گنج‌نامه همدان دو کتیبه وجود دارد، یک کتیبه برای داریوش و یک کتیبه هم برای پسرش خشایارشا است و خیلی هم متن خوبی دارد و توحیدی است و متن بعدی که برای خشایارشا است، یک متر پایین‌تر است و این دو کتیبه یک اختلاف سطح دارد، آنجا توضیح می‌دهند که علتش این است که چون او پسر آن پدر است، به احترام پدر اگر آمده یک کتیبه هم روی دیوار گذاشته، یک متر پایین آمده است،

آیا این غیر از «وقروا کبارکم یوقرکم صغارکم» است که در خطبه شعبانیه از قول پیامبر عالی‌قدر اسلام داریم؟ اصلاً راه دور نرویم. یکی از شعارهای مهم برداران و خواهران زرتشتی که برگرفته از تعالیم ایران باستان است، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. اگر ما می‌گوییم ایمان و عمل صالح، آیا غیر از این سه مقوله است؟

*** عابدینی:** با توجه به سیل‌ها و بلایای طبیعی که رخ می‌دهد، در چنین مواردی برای ترمیم مرمت آثار باستانی چه می‌کنید؟

*** سیدعزت‌الله ضرغامی:** در سیل اخیر من یک گزارشی را به دولت ارائه دادم و اشاره کردم در برآورد اولیه، ما بالای دو هزار میلیارد خسارت دیدیم و ۷۰۲ بنا آسیب دید. البته بعضی از جاها مثل تخت جمشید و حتی جاهای دیگر که یک نظاماتی برای پیشگیری داشتند خسارت را تا حدی رد کردند، اما جاهایی که خستی است آسیب می‌بیند. یعنی جایی که سیل بند نداشتند، آب‌خیزی‌داری نداشتند و خاکریز مناسب نزدند؛ چون اینها محوطه‌های بسیار بزرگی است، چه خود محوطه‌ها و چه قنات‌ها و تاسیسات دیگری که در همین فضاها تاریخی است، اینها آسیب می‌بیند.

من وقتی سیل آمد بلافاصله با مدیر یزد تماس گرفتم گفت تفت یک مقدار آسیب دیده است، گفتم یک تصویر فوراً برای من بفرستید. همان زمانی که تصویر می‌گرفت با صدای مهیبی دیوار ریخت، تازه هم مرمت شده بود، یعنی ظاهرش نشان می‌دهد که زحمت کشیده شده، منتها بنا خستی است. ما نیاز داریم سرمایه‌گذاری‌های قابل قبولی برای حفظ اینها بکنیم.

متأسفانه حوزه‌ای که مربوط به من است در طول سالیان گذشته به‌عنوان یک وزراتخانه درجه ۲ و حوزه درجه ۲ مطرح بوده است. بعضی اوقات می‌آمدند می‌گفتند این گردشگری خیلی چیز خوبی است، اگر با بگیرد کلی درآمد ایجاد می‌کند! اما در عمل، کاری نمی‌کردند چه برسد به اینکه اعتبار بدهند تا مسائل آن را حل کنند. به نسبت اعتباراتی که در این مدت دادند، به نسبت توجهاتی که کردند ما واقعاً یک مجموعه درجه دو هستیم. شاید یک دلیلش هم این است که می‌پرسند پولی که به دست می‌آید کجا می‌رود؟

یک بار یکی از این آقایان این بحث را با من کرد، گفتم شما خیلی اشتباه می‌کنید! گفت فلانی ما نفت را که می‌فروشیم یا مالیات که می‌گیریم یک پول سنگین است، می‌گذاریم و به همه می‌دهیم و توزیع می‌کنیم، حقوق و دستمزد می‌دهیم، مراکز مختلف دینی، اجتماعی و فرهنگی را اداره می‌کنیم، اما گردشگری که رونق می‌گیرد پول آن در جیب هتل‌دارها و آژانس‌ها می‌رود! گفتم بله اولش پول درشتی نیست که آنجا بگذارید و توزیع کنید، اما وقتی اقتصاد رونق می‌گیرد، اشتغال ایجاد می‌شود و این به نفع مردم و کل اقتصاد کشور است.

من اخیراً به شهر هیر رفتم. یک پل معلق ساده آنجا گذاشتند، من گفتم یک بوکسل هم بگذارند، ما اولین دوچرخه‌سواری را افتتاح کردیم. یک پل عابریاده و سبک است و کف آن شیشه‌ای است و برای مردم جالب است، چون زیر پرتگاه است و دره را می‌بینند و لذت دارد. خود هیر ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد و خیلی اگر جمعیت زیاد شود ۳ هزار نفر می‌شود. بعضی اوقات ما تا ۱۵ هزار بلیط می‌فروشیم، برای یک پل معمولی که مردم علاقه دارند و از همه جا می‌آیند، چه ازدحامی وجود دارد! اصلاً چهره آن شهر عوض شده است، به خاطر زدن یک پل، اقتصاد و اشتغال آن خیابان اصلی عوض شده است!

ما اگر در گردشگری سرمایه‌گذاری کنیم چرخ اقتصاد کشور راه می‌افتد. گردشگری یک بیمار روی تخت است، انشاءالله راه می‌افتد. بیماری است که اگر از روی تخت بلند شود، حال همه را خوب می‌کند، منتها ابتدا پول درشتی به کسی نمی‌دهد. ما باید یک مقدار زیرساخت‌های آن را حل کنیم، یک مقدار موانع آن را برطرف کنیم که بخشی از این موانع را وقت نشد بگویم. تنگ‌نظری‌هایی که وجود دارد، اختلافات بخشی و دستگاهی که وجود دارد، اجازه نمی‌دهد.

*** عابدینی:** ما داریم از دانش نوین برای گذشته استفاده و مرمت می‌کنیم. چرا از این همه ثروت و فرهنگ ملی گذشتگان برای معماری نوین استفاده نمی‌شود. در تهران یک ملغمه‌ای از انواع معماری و ساختمان‌های متفاوت وجود دارد که گاهی اوقات مربوط به فرهنگ و تمدن ایرانی هم نیست. آیا ما نمی‌توانیم در بسیاری از ساختمان‌های جدیدی که می‌سازیم اعم از باشگاه‌ها و ساختمان‌های مسکونی و جاهای مختلف از معماری ایرانی استفاده کنیم؟

* سید عزت الله ضرغامی: ما یک بحثی را با همین فلسفه‌ای که اظهار کردید

در میراث فرهنگی شروع کردیم که معماری ما پس از انقلاب کجاست؟ بعد از ۴۰ سالگی انقلاب، بعد از بیانیه گام دومی که رهبری معظم اینقدر دقیق به ملت ایران هبه کردند- یک بخشی از فرمایشات ایشان هم مربوط به همین موضوع است- ما باید یک آسیب‌شناسی از گذشته کنیم.

آسیب‌شناسی جدی این است که ما کلاً معماری را بهم زدیم و یک جایی معماری را نابود کردیم. در طول تاریخ چند هزار ساله هر سلسله و گروهی آمده، حکمرانانی آمدند، باز هم به تعبیر رهبر معظم انقلاب به دلیل سرپنجه هنرمندان ایرانی، ما یک معماری مشخص داشتیم، حتی در دوره پهلوی ما یک معماری روشن داریم که مربوط به هنرمندان و معماران ما است، اما بعد از انقلاب معماری ما کلاً نابود شد. من متوجه این خطر هستم و شما در تهران آن را می‌بینید. من جسارت می‌کنم این حرف‌ها را می‌زنم، این حرف‌ها برای من هزینه دارد و هزینه‌هایش را هم در طول این چند سال دادم.

شما سر چهارراه ولیعصر، تئاتر شهر را با آن زیبایی و با آن طراحی و کاربری می‌بینید و بعد ما می‌آییم کنار آن یک مسجد می‌سازیم که هیچ نشانی از معماری ما در آن مسجد نیست. اصلاً من نگران هستم آن کسی که آمده این مسجد را با این معماری به تئاتر شهر چسبانده، شاید ناخودآگاه یک کسی او را هدایت کرده که شما بیا در این تصویر بگو این برای قبل است و این برای بعد است! اینها خیلی حرف‌های خطرناکی است اما واقعیتی است که امروز وجود دارد.

من معتقدم ما بعد از انقلاب معماری نداریم. هر کسی قبول ندارد بیاید در برنامه شما بنشینند راجع به معماری پس از انقلاب با هم صحبت کنیم! پس باید جبران کنیم، باید با صدای بلند بگوییم که ما در ابتدای یک کار بزرگ هستیم، با اینکه به ما خیلی ربط ندارد ولی من در میراث فرهنگی از روزهای اول این دستور را دادم، در معاونت میراث فرهنگی جلساتی را شروع کردند و طرح‌هایی را دارند آماده می‌کنند، هم در حوزه معماری شهری و هم معماری بناها، تا ببینیم می‌توانیم تا یک حدی نقیصه‌ها جبران کنیم.

*** عابدینی:** در بحث بوم‌گردی‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟

*** سیدعزت‌الله ضرغامی:** بوم‌گردی یک حرکتی بوده که از چند سال است شروع شده و ما به‌عنوان یک اولویت داریم آن را تکثیر و اشکالات آن را نیز رفع می‌کنیم. ما معتقدیم اگر حرکتی مردمی و بسیجی‌وار بشود، مشکلات را یکجا حل می‌کند. بوم‌گردی از این دست موارد است، یعنی امکانات اقامتی که مردم دارند می‌تواند در آن به نحو مناسبی اقتصادی و استفاده شود.

من خیلی از اینها را رفتم، داخل جنگل، داخل روستایی، در یک جایی یک کسی آمده خانه‌اش را آماده و امکانات را فراهم کرده است. البته ما وقتی مجوز می‌دهیم همه استانداردها را می‌بینیم، من خودم می‌روم سرکشی می‌کنم و خوشبختانه فضای مجازی هم که آمده کمک می‌کند. چند وقت پیش یکی از شهرهای شمالی در جلسه‌ای که با استارت‌آپ‌ها داشتیم مطلع شدم یکی از این مجموعه‌ها در یک شهر شمالی توانسته با استفاده از صفحات مجازی آنجا را به خوبی معرفی و در طول یکسال ۷ هزار گردشگر داخلی را جذب کند تا گردشگران بیایند و استفاده کنند.

بوم‌گردی‌ها با فرهنگی که ما داریم و تکثیر درستی که باید صورت بگیرد می‌تواند به مراحل بالایی از جذب گردشگر برسد، هم می‌تواند مسائل اقامتی ما را حل و هم به مسائل زیست‌محیطی کمک کند. برخلاف خیلی‌ها که فکر می‌کنند ممکن است به محیط‌زیست لطمه بزند و حتی فرهنگ بومی را از بین ببرد- که بر فرض از یک جایی مردم می‌آیند به یک روستایی می‌روند و به فرهنگ آسیب می‌رسانند- من معتقدم بوم‌گردی‌ها بهترین فرصت برای حفظ محیط زیست و هم‌چنین انتقال و آشنایی با فرهنگ‌های بومی است.

همان آرا عکسبردوزارخانه



۱۴۰۱/۰۶/۰۵

سلام خدمت همه بینندگان و شما مجری جوان و خلاق

خیلی خوشحالم که امشب در این برنامه قراره با هم صحبت کنیم. ما این وزارتخانه را براساس نظام مسائل تعقیب می‌کنیم. برای مسائل مدیریتی نگاه پروژه‌ای داریم. ۲۰ مسئله اصلی و مهم را مشخص کرده‌ایم.

در یک سالگی دولت کارنامه خود را ارائه کرده‌ایم. ۳۰ اقدام نیز بر این اساس انجام داده‌ایم. من بارها از جمله زیر میز زدن استفاده کردم. چاره‌ای با روش‌های محافظه کارانه نمی‌ماند که زیرمیز بزنیم. چون وارث نظام اداری ناکارآمد هستیم که مثل بختک روی کشور افتاده است.

یکی از چالش‌های ما می‌تواند همین نظام اداری فسادآفرین باشد که اجازه نمی‌دهد کارهای تحولی به درستی انجام شود. یکی از این مسائل ارائه مجوزهاست. بسیاری از مجوزها به وزارت میراث فرهنگی برمی‌گردد هر کسی می‌خواهد مجوز بگیرد باید به ساختمان آزادی برود اینجا هم امضاهای طلایی وجود دارد. اما الان ارائه خیلی از مجوزها به اداره‌های کل استانی واگذار شده است.

بعد از چند ماه مطالعه دقیق کارشناسی نشست با مدیران استانی برگزار کرده و نهضت تفویض اختیار را راه‌اندازی کردیم تا کارها عقب نماند. ما آنها را آموزش می‌دهیم ممکن است ۱۰ درصد هم مشکل وجود داشته باشد اما اشکالی ندارد این خطا ممکن است جزئی باشد اما وزارت می‌تواند به کارهای اصلی خود بپردازد. صنایع دستی مصداق بارز اقتصاد مقاومتی است. معتقدیم که هر خانه‌ای می‌تواند یک کارگاه صنایع دستی باشد. ۲۹۹ رشته صنایع دستی داریم آن هم از ۴۰۰ رشته در جهان. در حال حاضر ۲۶۰ رشته از این تعداد نیازی به مجوز دستی ندارند. بلکه در سامانه ثبت نام می‌کنند و بعد از آن نظارت می‌کنیم. اگر چند رشته

دیگر هنوز مانده به دلیل برخی از مسائل مانند ایمنی و ... است.

معمولاً رئیس یک دستگاه نگاه تحولی دارد اما بعد از مدتی می بیند بدنه مدیران او همپای او نه تحول را می فهمند نه انجام می دهند. برخی حرف های خوبی می زنند اما هیچ کدام از آن حرف ها عملی نمی شود به این دلیل است که بدنه را با خودشان همراه نمی کنند. ما در صدا و سیما جلسات افق رسانه را برگزار می کردیم.

مهمترین موضوعات را برای بدنه مدیریتی خود روشن و تصریح می کردم. اگر این حس نباشد آنها همراهی نمی کنند. الان هفت جلسه از نشست های افق تحول در وزارت میراث فرهنگی برگزار شده و همکاران می گویند که در این ۲۰ سال اصلاً این حرف ها به گوشمان نخورده بود. نگاه آنها را عوض کردیم. ما باید شجاعت تزریق کنیم.

مدیری که از دستگاه های نظارتی می ترسد به درد کار انقلابی نمی خورد. ما نمی خواهیم زیر قانون بزیم اما می شود قانون را خم کرد. یک قانون برای دو مدیر می تواند دو روش اجرایی داشته باشد. مثلاً وظیفه کاوش در اختیار ماست و نباید کسی دخالت کند اما می دیدیم یک دستگاه جایی را قرق کرده و اجازه کار می داده است.

اگر مدیر ما مخالفت می کرد برایش مشکل ایجاد می کردند ولی من با صدای بلند گفتم که اگر هر اتفاقی بیفتد باید با مجوز وزارت میراث فرهنگی باشد. وزارتخانه ما را دست چندم فرض می کردند. به من هم همین را می گفتند که وزارت دست چندم را گرفته ای.

در سطح رسانه ای می خواهم نشان دهم که حوزه فعالیت این وزارتخانه مهم است. تقریباً این کار را انجام داده ام و خیلی از مردم با وظایف کاری ما آشنا شده اند. ما باید بتوانیم افکار عمومی را همراه کنیم.

وزارت میراث فرهنگی و مأموریت های آن کاملاً فرباخشی است. ارتباط با برخی از دستگاه ها برقرار نبود. با نیروی انتظامی، شهرداری، بنیاد مسکن، سازمان فرهنگ و ارتباطات و ... مسائل زیادی داریم. ما با ۷ دستگاه تفاهمنامه امضا کرده ایم تا مشکلاتمان حل شود.

مثلاً یک کمپر می خواهد از شهری به شهری برود نمی تواند چون مجوز تردد ندارد. ما جلسه ویژه با نیروی انتظامی برگزار کردیم و تفاهمنامه مفصلی بین دو نهاد

امضا شد. در حال حاضر پلاک مشخص می‌دهیم و هر کدام از کمپرها اگر آن پلاک را داشته باشد، می‌توانند نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا سفر کنند.

سازمان فرهنگ و ارتباطات رایزنان فرهنگی در دنیا دارد آنها ماموریت‌هایی دارند که همه آنها می‌توانند مدیران ما باشند. باید با مخاطب هر کشوری به زبان خودشان فعالیت کنیم. ما توانمندی‌هایی داریم. رایزنان فرهنگی که همیشه یک کار مشخص انجام می‌دهند با جلساتی که برگزار کردیم الان آنها مدیر ما هم شده‌اند آژانس‌های آن کشور جلسه می‌گذارند و تلاش می‌کنند تا گردشگر به ایران بیاورند.

گردشگری داخلی فواید زیادی دارد چون باعث توزیع ثروت می‌شود. اما در حوزه گردشگری خارجی همه صنوف متقاضی از سرگیری روایید گردشگری بعد از کرونا بودند. دولت به دلایلی نگران بود. می‌گفتند که حرفش را نزنید.

۲۰ ماه مرزها بسته بود. وقتی در ستاد کرونا توضیح دادم که چگونه می‌توان میزبان گردشگران خارجی بود، دوباره ویزای گردشگری را از سر گرفتند. به همین دلیل اکنون نزدیک به سه میلیون نفر گردشگر خارجی وارد کشور شده‌اند. البته صنعت گردشگری طبق گفته سازمان جهانی گردشگری تا ۲۰۲۴ به دوران قبل از کرونا برمی‌گردد. من فکر می‌کنم ما با سرعت بیشتری جلو می‌رویم.

زیرساختهای ما کلاً مشکل جدی دارند با وزارتخانه‌ها جلسات فراوانی گذاشتیم تا مسائل زیرساختی را حل کنیم. مثلاً گردشگری دریایی یکی از زمینه‌های مهم کار ماست. سواحل زیادی داریم اما از آن استفاده نمی‌شد. اما پیگیری کردیم تا به آنها سوخت یارانه‌ای داده شد.

معتقدم حوزه گردشگری دریایی را باید در هنگام بازی‌های قطر راه‌اندازی کنیم. الان تنها جایی که اسکله مناسب برای کشتی‌های بزرگ کروز دارد کیش است ولی هنوز امکان پهلو گرفتن این کشتی‌ها در این سواحل نیست. آیا زیرساختها یا بنادر ما این امکان را دارد؟ خیر.

اقدام دیگر ما این بود که جلوی برخی از کارها گرفته شد. مثلاً گفتند اگر گردشگر خارجی به ایران می‌آید برای او بلیت هواپیمای داخلی باید به دلار محاسبه شود که اشتباه بود. زیر بار نمی‌رفتند تا اینکه رئیس سازمان هواپیمایی را دعوت کردم و در این باره صحبت کردیم. گفت من فردا مصوبه را لغو می‌کنم

من باز احساس می‌کنم ایرلاین‌ها مشکلات زیادی به لحاظ قیمت دارند که بخشی از آن‌ها مصوبه را اجرا نمی‌کنند.

کل هتل‌های کشور ما کمتر از هتل‌های شهر استانبول است. در امارات هم به تازگی ۳۵ هتل ۵ ستاره افتتاح شد که ۱۲ هزار اتاق به ظرفیت آنها اضافه کرد. ولی کشور ما چی؟ در حال حاضر ۳۶۴ پروژه را می‌خواهیم در هفته دولت با ۱۱ هزار میلیارد تومان سرمایه افتتاح کنیم ولی نباید همه این بودجه به سمت هتل‌های پر ستاره برود. مردم به همه نوع مراکز اقامتی نیاز دارند.

۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان وام تبصره ۱۸ داده ایم جزو سه دستگاهی هستیم که توانسته ایم عملکرد خوبی داشته باشیم. در همه حوزه‌هایی که سرمایه‌گذاران نیاز دارند باید بگوییم که وضع ما از نظر دادن تسهیلات خوب است و دولت همراهی می‌کند.

احساس کردیم مراکز آمارگیری به دلایلی این آمار را متفاوت ارائه می‌کنند اما این کار نظام مند شد. هیچ چیزی را به عنوان آمار قطعی نمی‌توان ارائه کرد و مثلاً گفت ۴۰ درصد از مردم نمی‌توانند به سفر بروند. همه باید بتوانند سفر کنند. حالا که گردشگری حق همه مردم است باید حتی طبقه پایین جامعه هم سفر برود.

به همین دلیل سعی کردیم در حوزه گردشگری ارزان قیمت فعالیت کنیم. آژانس‌ها به صورت تخصصی بگویند اگر کسی خواست از همدان به تهران بیاید از چه راه‌هایی مثلاً با اتوبوس یا ریلی می‌تواند جابه‌جا شود و به مهمانسراهایی برود که ارزان قیمت است و شاید در روزهای سال ظرفیت کمی را در اختیار مهمان می‌گذارد. اما با ریزنی می‌تواند در تمام طول سال فعالیت کند. این آژانس‌ها باید فعال شوند.

اول تعطیلات امسال هتل‌های ۵ ستاره پر از مسافر شد و هتل‌های دیگر تا ۶۰ درصد پر بودند. در گذشته مراکز اقامتی تهران در تعطیلات تنها ۱۰ درصد به صورت میانگین پر می‌شدند اما امسال این آمار جابه‌جا شد. در خیلی از جاها با سونامی سفر رو به رو بودیم به همین دلیل شهرهای جایگزین معرفی می‌کردیم و آن شهرها نیز بلافاصله پر می‌شدند. از ظرفیت امامزاده‌ها و مساجد هم بهره بردیم.

الان اگر بخواهیم در جاده تابلو بزنیم و بگوییم که در نزدیکی شهر قزوین مثلاً قلعه الموت هم وجود دارد نمی‌توانیم. البته مشکل حل شده و من هم نمی‌خواهم علیه دستگاه دیگری صحبت کنم اما این مشکلات را با دستگاه‌های

دیگر داریم و به عنوان نمونه می‌گویند این تابلوها در اختیار بخش بازرگانی و تبلیغات است. ولی ما آئین نامه‌ای را در دولت تصویب کردیم که مربوط به ماده ۱۰۰ قانون برنامه توسعه ششم بود.

یکی از بندهای آن این بود که تابلوهای بین شهری را در دست داشته باشیم با وزیر راه صحبت کردم و گفتم خوب نیست دو وزیر نتوانند در جاده تابلو یا سرویس بهداشتی بزنند. چرا این اتفاقات در پیچ و خم کارهای اداری افتاده است. مشکلات گردشگری با این عقب ماندگی تاریخی یک شبه حل نمی‌شود.

یکی از قول‌هایی که دادم نوشتن قانون جامع وزارت میراث فرهنگی بود. این قانون آماده شده و چند ماهی است که در کمیسیون‌های مختلف دولت متوقف شده تا بررسی‌های جامع‌تری انجام شود که کار درستی است.

برخی کارها در اختیار من نیست. باید بین دستگاه‌های مختلف هماهنگی ایجاد کرد باید بررسی کنید چه اتفاقاتی افتاده تا آرام آرام روند اجرایی را بدانید. من تا جایی که می‌توانسته‌ام زیر میزها زده‌ام.

میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری یک وزارتخانه با بنای فرهنگی است. من هر مسئولیتی که داشته‌ام در حوزه فرهنگ بوده است. با دستگاه‌های مختلف هم جلسات زیادی داشته‌ام و گفته‌ها را به فکت‌های رسانه‌ای تبدیل می‌کردم. پس با این حوزه بیگانه نیستم.

من این نگاه کلیشه‌ای را نمی‌پسندم. شاید کسی کارشناس خوبی باشد اما الفبای مدیریتی را بلد نباشد. ما در طول تاریخ از این نوع افراد زیاد داشته‌ایم که کارشناس خوبی بودند اما کارنامه قابل قبولی در حوزه مدیریتی نداشتند. ممکن است کسی هم باشد که چارچوب مدیریتی را بشناسد بنابراین تشخیص داده می‌شود که او می‌تواند مدیر باشد.

انتصابات من یکی از بهترین نمره‌های دوره مدیرتیم را می‌گیرد. حدود ۲۰ مدیر دهه شصتی داریم که در این وزارتخانه مسئولیت‌های رده بالا گرفته‌اند. معتقدم در کنار جوانان باید مدیران با تجربه و با سابقه نیز حضور داشته باشند تا تجربه خوب مدیریتی شان را منتقل کنند.

این کار را انجام دادیم مثلاً آقای دارابی یکی از موفق‌ترین مدیران کشور بوده است به گفته بسیاری از کارشناسان امروز یکی از موفق‌ترین معاونت‌های میراث

فرهنگی همان جایی است که آقای دارابی مسئولیتش را به عهده گرفته است. من با کسی تعارف ندارم اگر ضعیف باشد او را بعد از مدتی عوض می‌کنم. همین تبصره ۱۸ اگر به نتیجه رسید حاصل تلاش آقای اوحدی بود چون با بانک‌های زیادی در ارتباط بوده و آنها به خاطر شخص او به وزارت میراث فرهنگی می‌آمدند و در این زمینه همکاری می‌کردند اگر یک فرد جوان و کم تجربه و در عین حال کارشناس در این سمت بود نمی‌توانست این کار را به سرانجام برساند.

ما در استان‌های از نیروهای متخصص استفاده کردیم برخی از افراد وقتی می‌خواهند به دولت حمله کنند می‌گویند که باید بنایان وضع موجود کنار بروند و همه مدیران عوض شوند. به خصوص در استان‌ها. اما مگر می‌شود کسی بدون تجربه مسئولیت مهمی را به عهده بگیرد.

من زمانی که از موزه فرش بازدید کردم متوجه شدم که نمی‌تواند به همین روال ادامه داشته باشد این موزه مهم است و سال‌ها به همین شکل اداره می‌شده است. درحالی که موزه باید فعال باشد. من با احترام به مدیر قبلی دیدم نمی‌توانم این مدیریت را قبول کنم. تا اینکه آقای نوروزیان را منصوب کردم. عملکرد او تا اینجا خیلی موفق بوده است.

در فضای مجازی به دلیل انتشار محتوایی طنز به نام چلمن سیزدهم گفتند که دو اشکال به این شخص گرفتند همان‌هایی که مافیای این وزارتخانه بودند. گفتند او در صفحات مجازی پیپ می‌کشد و به این کار هم علاقه دارد. ولی چه اشکالی دارد که یکی هم پیپ بکشد. خیلی از بزرگان ما پیپ می‌کشیدند و بعدها کنار گذاشتند جالب است بدانید همان‌ها که این اشکال را می‌گرفتند خودشان هم پیپ می‌کشند که بگویند روشن فکریم.

ایراد دیگر مطالب طنزی بود که او به آنها می‌پرداخت. معتقدم اگر کسی می‌تواند شخصیت طنزی داشته باشد که مسائل کشور را مطرح کند از توانمندی مضاعف اوست. مثل گل آقا. آیا گل آقا فرد سبکی بود؟ من هم کانال خمیازه را که مسائل جدی را در قالب طنز مطرح می‌کرد، راه انداختم. آقای نوروزیان از نظر من شناخته شده است و فعالیت‌های فرهنگی زیادی داشته اگر شخصیتی خلق کرده و در قالب طنز موضوعات جدی را می‌گوید از فضائل اوست پس نباید مسخره کنید.

روزنامه شرق گزارش عملکرد



تحریریه روزنامه شرق. ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

«عملکردم را مقایسه کنید تا امکان قضاوت درستی وجود داشته باشد»

شیخ الوزرای هیئت دولت است و به واسطه سابقه مدیریتی و نفوذی که دارد، خودش را یکی از گزینه‌های حل و فصل مسائل می‌داند.

معصومه اصغری: شیخ الوزرای هیئت دولت است و به واسطه سابقه مدیریتی و نفوذی که دارد، خودش را یکی از گزینه‌های حل و فصل مسائل می‌داند. با روی خوش و حاضر جواب برخورد می‌کند، از مسائل مطلع است و در مورد هر موضوعی داستانی برای تعریف کردن دارد و به همین دلیل گفت و گو با او حتما طولانی می‌شود.

می‌گوید روحیه کوه و پیمایش و ورزش و گشت و گذار را از جوانی حفظ کرده و این علاقه به سفر استانی و بازدید میدانی پروژه‌ها ریشه در همین روحیه دارد. به عنوان کسی که سال‌ها مدیریت رسانه انحصاری تصویری را داشته، به فیلم گرفتن و اثرگذاری آن واقف است و برای همین کفه فیلم‌ها و حواشی سفرهایش به گزارش عملکرد سفرهایش سنگینی می‌کند.

می‌گوید آقای رئیسی با من شوخی می‌کند که یکی صبحانه شما معروف است، یکی ناهار ما! با عزت‌الله ضرغامی، درباره برخی مسائل و حواشی حوزه فعالیتش و کارها و برنامه‌هایی که خودش می‌گوید کاملا شخصی پیش می‌برد، گفت و گو کردیم. مهندس ضرغامی قبل از آغاز گفت و گو مقدمه‌ای درباره تاریخ چند سال گذشته روزنامه‌نگاری و روزنامه‌های اصلاح طلب مطرح کرد که ابتدا این مقدمه را می‌خوانید و بعد مشروح گفت و گو ارائه می‌شود.

مقدمه: روزنامه‌های اصلاح طلب تاریخ مطبوعات در دوران بعد از انقلاب در دو دوره با تحولاتی روبه‌رو بودند؛ یکی بعد از دوم خرداد و ظهور اصلاحات و یکی بعد

از گسترش فضای مجازی و سایبری در سال‌های اخیر. بعد از آمدن ظرفیت‌های جدید فضای مجازی، با تکثر فوق‌العاده رسانه‌ای و درعین‌حال فضایی سطحی، هیجانی و غیردقیق در رسانه مواجه شدیم.

این شرایط برای همه گروه‌های رسانه‌ای یک خطر محسوب می‌شود. ضمن اینکه دیگر سال‌هاست که بعد از نماز خواندن مشترک آقای خاتمی و ناطق نوری بسیاری از مرزبندی‌های جریان‌های سیاسی تغییر و تلفیق شده است و دیگر آن اصلاح‌طلب و اصولگرایی سنتی را نداریم.

اما در غیاب آن اصلاحات گذشته، رسانه‌های اصلاحات زنده مانده اند و حالا رسانه‌ها هستند که جریان‌های سیاسی را زنده نگه می‌دارند و از این جهت این روزنامه‌ها و مشخصاً روزنامه «شرق» که یکی از قله‌های بلند جریان رسانه‌ای اصلاحات است که نقش مهمی در زنده نگه داشتن این تفکر دارند.

در عین حال معتقدم که درباره آسیب‌های فضای مجازی جدید با همه افرادی که اهل محتوا و خبر و رویکردهای جدید هستند، هم‌موضع هستیم. وضعیتی که هر فرد یک رسانه دارد و تهدیدی برای جامعه رسانه‌ای محسوب می‌شود، شرایط نابرابری ایجاد کرده است. امروز همه جامعه مطبوعات رسالت دارند که هویت خود را حفظ کنند و من فکر می‌کنم که روزنامه شرق در حفظ هویت خود و فضای رسانه‌ای موفق بوده است.

یکی از آسیب‌های مهم در رسانه و حتی در مورد شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار و دارای تربیون و قدرت، «خوانش‌های فرامتنی» است که بالای جان حوزه فرهنگ و هنر و مطبوعات است. در ظاهر این‌گونه است که اصلاح‌طلبان پرچم مبارزه با خوانش‌های فرامتنی را در دست دارند، اما بخشی از حوزه روزنامه‌های اصلاح‌طلب به‌شدت دچار همین خوانش‌های فرامتنی شده‌اند و این خطر بزرگی دارد.

در این خوانش‌های فرامتنی و افراط‌گونه درگیر هر دو طرف آسیب می‌بینند. این مورد برای من بارها پیش آمده است؛ همه هم من را می‌شناسند که مباحثم را با شوخی و طنز در حضور مسئولان همه گروه‌ها مطرح می‌کنم. مثلاً در بازدید از بیستون و دیدن مجسمه هرکول من به شوخی می‌گویم: ببینید اینجا همه پهلوان هستند، یک روز اسکندر از اینجا رد می‌شده، دیده همه پهلوان هستند، گفته ما هم

یک مجسمه پهلوانی بسازیم و به ایرانی‌ها بگوییم ما هم پهلوان داریم.

آنجا همه متوجه شوخی ما می‌شوند و می‌خندند، اما شبکه‌های خارجی و بعد هم برخی افراد سطحی در رسانه‌ها می‌گویند این مجسمه برای دوره اسکندر نبوده و برای دوره سلوکیان است. درست است، اما متوجه فضای شوخی ما نمی‌شوند. در مرحله بعد یک روزنامه‌ای، با اینکه می‌داند فضا شوخی بوده، در صفحه‌ای بزرگ به این موضوع می‌پردازد و به‌نوعی فحاشی می‌کند که با ابتدایی‌ترین اصول روزنامه‌نگاری نمی‌خواند و بعد جوابیه ما را هم در گوشه‌ای غیرمتناسب چاپ می‌کند. این خوانش فرامتنی در حوزه‌های سیاسی و مسئولان و افراد تأثیرگذار هم زیاد دیده می‌شود. مثلاً من در مورد همین حضور زنان در ورزشگاه در دولت صحبت می‌کردم که یکی از اتفاقات خوب همین حضور زنان است و سرمایه اجتماعی نظام را زیاد و تبلیغات منفی گشت ارشاد را خنثی می‌کند و خواستم که تداوم پیدا کند.

اما از چند روز قبل یک تصویری از مربی خارجی استقلال رسانه‌ای شده که جلوی خانم‌ها، حرکاتی دارد و حالا این حرکات مستمسکی شده که باعث بی‌احترامی شده است. من به آقای سجادی گفتم که اصلاً به این موضوعات توجه نکنید، همین‌که این خانم‌ها وارد ورزشگاه شده‌اند و اتفاق خوبی بوده است، کافی است و به این اقدامات و موضوعات توجه نکنند. راه این کار مبارزه با این خوانش‌های فرامتنی است.

چطور شد که پیشنهاد وزارتخانه را قبول کردید؟ چون گفته شد که شما تمایلی به این مسئولیت نداشته‌اید! حال در یک سالگی دولت، بگویید اینجا جایی بود که فکر می‌کردید و انتظارتان را برآورده کرد؟

بعد از یک‌سری اتفاقات در انتخابات و رفتار ناصوابی که شورای نگهبان در مورد برخی از نامزدها که واقعا صلاحیت داشتند، اعمال کرد، واقعا تمایلی به امور اجرائی نداشتم. من از سال‌ها قبل همکاری و ارتباط مشورتی با آقای رئیسی داشتم و زمانی که ایشان از من خواستند که همکاری داشته باشم، گفتم که تنها علاقه به مشاوره دارم، اما ایشان چندبار درخواست همکاری اجرائی را مطرح کردند. درنهایت من پذیرفتم و گفتم اگر این همکاری برای شما لازم است، آماده‌ام هر جا که شما بخواهید، همکاری کنم و بنابراین برای من فرقی نداشت که کدام بخش به من سپرده می‌شود و بر عهده خودشان گذاشتم.

از آنجایی که من در هر مسئولیتی که بودم، ارتباطات استانی داشتم و در نتیجه در حوزه فرهنگ و میراث و صنایع دستی بی‌اطلاع نبودم و درعین حال سابقه مدیریتی من هم روشن بود. از من خواستند این مسئولیت را بپذیرم و امروز هم فکر می‌کنم در این یک‌سال بیش از آن اندازه‌ای که بسیاری از افراد فکر می‌کردند، به‌خصوص درحوزه زیرساخت‌ها کار کرده‌ایم.

تمام وعده‌ها و برنامه‌هایی که در مجلس و در رأی اعتماد مطرح کردم، درحال حاضر در یک گزارش کار ۳۰ محوره و بر اساس همان وعده‌ها منتشر شده و در دسترس رسانه‌ها وجود دارد. به نظر لازم است که هر عملکردی در کشور را به شکل مقایسه‌ای بررسی کنیم تا امکان قضاوت درستی وجود داشته باشد.

در حوزه‌ای که از قبل اقدامات خاصی صورت نگرفته مقایسه با چه چیزی صورت می‌گیرد؟ و اتفاقاً این اقدام به مقایسه کردن روش خوبی نیست!

از نظر من خوب است و نشان می‌دهد که در این حوزه سال‌هاست که کاری صورت نگرفته است. قضاوت و گذشت زمان در شناخت عملکردها مفید است.

نگاه من به مدیریت، نگاه حل مسئله است و در این حیطة اشراف و سابقه خوبی دارم. در صداوسیما هم همین رویکرد را داشتم و نمونه‌های زیادی از این اقدامات را می‌توانم مثال بزنم. مثلاً وقتی دیدم بسیاری از فیلم‌ها مثل تایتانیک و کینگ‌کونگ را نمی‌توانیم نشان دهیم، مسئله را با آوردن «روتوسکوپ» حل کردم و شیوه‌های خلاقانه‌ای را در نمایش فیلم‌ها ابداع کردیم که در هیچ‌کجای دنیا نمونه آن وجود ندارد.

همان آباژور و گلدان و یقه و این چیزها؟

آباژور یکی از تکنیک‌های ساده بود و روتوسکوپى ابزار حرفه‌ای است که پوشش برای بازیگران می‌ساخت. در دوره‌ای کل فیلم را کنار می‌گذاشتند و پخش نمی‌شد و توجیه خودشان را هم داشتند و مثلاً اسپار تاکوس ۴۵ دقیقه‌ای داشتیم که این وضعیت قابل قبول نبود. من این سیستم را با کمک قابلیت‌های طراحی و تکنولوژی به کار گرفتیم و فیلم‌ها را ادیت کردیم و حالا آن‌قدر حرفه‌ای کار می‌شود که دیگر کسی متوجه نمی‌شود.

همین قابلیت حل مسئله را در این مسئولیت هم در نظر داشتیم و اگرچه از قبل یک تیم رسانه‌ای جامع و کامل از قبل انتخابات داشتیم و اطلاعاتم در همه حوزه‌ها تکمیل بود، اما تا وقتی که وارد این حوزه شوم و از نزدیک در جریان امور قرار بگیرم و با تمام بازیگران این عرصه گفتگو کنم، تصمیمی نگرفتم. در این مدت هم آن قدری که با صنوف، فعالان و صاحب‌نظران و دانشگاهیان حرف زدم، با مدیران وزارتخانه حرف نزدم.

وقتی همه حرف‌ها را شنیدم، فهمیدم که این وزارتخانه ۲۰ مسئله دارد و در مورد آن‌ها با رئیس‌جمهور صحبت کردم و در این مدت یکی‌یکی در حال حل این مسائل هستیم.

یکی از آن موانع این است که کلا کسی این وزارتخانه را به حساب نمی‌آورد و مأموریت‌های ما اصولاً به رسمیت شناخته نشده است. در ادبیات بزرگان کشور در مورد همه مسائل صحبت می‌شود، اما در مورد گردشگری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مباحث نجات‌بخش اقتصاد صحبتی نمی‌شود و اصلاً بی‌اعتنایی خاصی وجود دارد.

البته این بی‌توجهی به دلیل موانعی که ایجاد شده هم بوده؟ و آن توانایی حل مسئله شما در این بخش محدود می‌شود!

موانع بسیار کمتر از آن چیزی بوده که برایش هزینه شده است. بله این‌طور است، اما من فردی رسانه‌ای هستم و رسانه‌ای بودن اتفاق خوبی بوده و توانسته‌ام مسائل این حوزه را تبدیل به مسائل کشور کنم.

تهیه فیلم و صفحه شخصی را با علاقه شخصی می‌کنم و هم‌زمان روابط عمومی و حوزه‌های خبری را هم همراه خودم می‌کنم تا وقتی اسم میراث فرهنگی می‌آید، حداقل به خاطر رفتار ضرغامی و اطلاع‌رسانی من با هر سبک و شرایطی که دارد، تبدیل به مسئله و موضوع کشور شود.

یکی دیگر از موضوعات مهم و خلأهای ما نبود زیرساخت‌های لازم است و یکی از موضوعات مهم در این بحث نبود مراکز اقامتی مناسب و کافی است. کل مراکز اقامتی ما شش‌هزار مورد، کل هتل‌ها هزار و ۳۰۰ مورد و کل اتاق‌های اقامتی زیر ۶۰ هزار مورد است. این در حالی است که همین چند روز قبل در امارات در یک روز ۳۵ هتل پنج‌ستاره افتتاح شد.

باید اعتراف کرد که سرمایه‌گذاری رقبا و همسایگان ما نجومی است و قابل مقایسه با ما نیستند. به‌عنوان نمونه برای یک مناسبت نوروز در تهران و شهرهای بزرگ با محدودیت شدید مواجه بودیم و هتل‌ها جا نداشتند؛ آن‌قدر که من مصاحبه کردم و گفتم مردم سفر نروید! همان زمان تلاش کردیم تا تمام مدارس و امامزاده‌ها را فعال و ستادی که تنها یک عنوان بود را فعال کنیم و من شخصا حاضر بودم تا این شرایط را مدیریت کنیم تا در نوروز بحران خاصی نداشته باشیم.

واقعیت این است که در این شرایط نمی‌توانیم منتظر باشیم که دولت وردی بخواند و یک‌شبه تعداد زیادی هتل ساخته شود، اما دولت می‌تواند موانع را بردارد، تسهیلات بدهد و ما همین کار را می‌کنیم و تسهیلاتی را از طریق تبصره ۱۸ فراهم کرده و اعتبار خوبی را اختصاص داده‌ایم.

سال گذشته، سه‌هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان فقط از محل تبصره ۱۸ در سراسر کشور وام دادیم و پروژه‌های جدید و نیمه‌کاره اجرائی شدند و سال گذشته یکی از بهترین عملکردها در دولت را در حوزه وام تبصره ۱۸ داشتیم. سازمان مدیریت هم اعلام کرد که در سال ۱۴۰۱ هر میزانی که وزارت گردشگری وام بخواهد، از این تبصره در اختیار قرار می‌دهد.

این اعتبارات هم فقط به بخش ساخت اقامتگاه اختصاص نمی‌یابد و حتی در مورد شهرسازی‌ها هم گفته‌ام که بگذارند. چون شهرسازی هم نیاز مهمی است که در گذشته به آن فکر نشده است. البته حالا اگر من به شهرسازی بروم و در این مورد وارد عمل شوم، دوباره عده‌ای این موضوع را دست می‌گیرند که آقای ضرغامی از چرخ‌وفلک خوشش می‌آید.

ظاهر و اقتصاد شهری مثل «هیر» در اردبیل به‌واسطه یک جاذبه گردشگری و پل معلق و فضای تفریحی، تغییر کرده است و من از این موضوعات حمایت می‌کنم. در بسیاری از این موضوعات حضور و پیگیری مستقیم من با مسئولان در سطوح بالا و وزرا و هیئت دولت کارها را فارغ از بوروکراسی اداری جلو می‌اندازد.

این روحیه شما و اعضای دولت و رئیس‌جمهور که می‌خواهید در همه امور میدانی و مستقیم وارد شوید، غریبه نیست و از دولت آقای احمدی‌نژاد به یاد داریم و شاید تا حدی هم حضور مسئول به واسطه ترس و جذب یا جریمه

افراد اثرگذاری داشته باشد؛ اما مسئله این است که یک وزیر در این سطح مسئولیت حتما باید خودش برود و مذاکره در حد وزیر و هیئت دولت باشد؟ اگر قرار باشد همه موارد را خودتان مستقیم ورود کنید، از امور اصلی می‌مانید! در حال حاضر هم یکی از مهم‌ترین انتقادهای شما همین موضوع است که این رفتن به سفر و تأکید روی حاشیه‌ها شما را از متن اصلی دور می‌کند!

به طور کل این حرف را قبول دارم. اگر کسی در کنار اجرای برنامه‌ها، برای اینکه خودش حس بهتری داشته باشد، در آن محل حضور هم داشته باشد، خوب و کارساز است.

اما تعداد سفرهای شما در خور توجه و هفته‌ای چند بار است!

کسی که پشت میز می‌نشیند، هر چقدر هم که برنامه‌ریزی کند، تا زمانی که در محل نباشد، حتما به سمت انحراف می‌رود. به‌خصوص برای کسی مثل من که تجربه مدیریتی دارد، به محض ورود در محل، کل ماجرا و دعوا را متوجه می‌شود و می‌تواند تصمیم به‌موقع و مناسبی بگیرد.

اما اینطوری هشت سال هم کم می‌آورد.

قرار نیست همه امور به این نحو باشد، برخی کارها به شکل نمونه انجام می‌شوند و مسیر برنامه‌ریزی واقعی می‌شود. در عین اینکه من هم هفته‌ای دو روز سفر نمی‌روم و کثیرالسفر هم نیستم! بیشتر سفرهای من یک‌روزه هستند و در همان یک روز چند شهر را می‌روم. من تا به حال به ۸۴ شهر سفر کرده‌ام.

البته در این مدت با نمایندگان استان‌ها جلسات زیادی داشته‌ام و تا به حال با بیش از ۲۰۰ نماینده جلسه مجزا داشته‌ام. در واقع برای موضوعات برنامه‌ریزی و کارشناسی و مدیران من بررسی و نظارت می‌کنند؛ اما در نهایت در برخی از موارد خودم مستقیم وارد شده یا بازدید می‌کنم یا در جلسات حضور دارم.

این رویکرد را در صداوسیما هم در قالب جلسات «افق رسانه» داشتم و در ۱۰ سال ۴۰ جلسه برگزار کردم و خودم در کنار همه برنامه‌هایی که بود، در بالاترین سطح حضور داشتم؛ چون معتقدم لازم است مستقیماً حس شجاعت و منظور اصلی به مدیر منتقل شود. به‌خصوص در امور جدید و حساس که مدیران می‌ترسند باید این شجاعت در اجرا را رودررو منتقل کنیم و همین رویکرد را در این وزارتخانه

هم اجرا کرده‌ام و تاکنون هفت جلسه افق تحول را برگزار کرده‌ایم. پس یکی دیگر از اقدامات من همراه و حساس کردن خود مدیران این سیستم بوده است؛ چراکه در تمام این سال‌ها درجه ۲ و ۳ بوده‌اند و این روحیه در آن‌ها تضعیف شده است.

اینکه مدیری مثل شما که سال‌ها در رسانه تصویری حضور داشته، حالا رسانه تصویری را در فضای مجازی انتخاب کرده‌اید، عجیب نیست؛ اما از آن طرف وجود برخی حواشی یا به قول خودتان خوانش فراتر از متن برخی اقدامات و فیلم‌های شخصی‌تان هم عجیب نیست.

حتما جامعه و رسانه‌ها نسبت به مواردی مثل آن ظرف جانانی یا دستکش دست نکردن و... واکنش دارند که البته آن را مهم نمی‌دانید؛ ولی مسئله این است که شما به عنوان یک وزیر، در بسیاری از این موضوعات در نقش یک اینفلوئنسر ظاهر می‌شوید. درحالی‌که شما به عنوان وزیر برای حل یک مسئله مهم در آنجا حاضر شده‌اید؛ اما از متن اصلی وارد حاشیه می‌شوید!

من دو نوع اطلاع‌رسانی دارم؛ بازوهای اطلاع‌رسانی وزارتخانه و رسانه شخصی خودم. قبول دارید که رسانه شخصی قوی‌تر و جلوتر بوده است؟ بله و این از نظر من خوب است. اخبار من در حوزه رسمی منتشر می‌شود و در رسانه‌های دیگر هم منتشر می‌شود؛ اما خودم در این خط رسمی نمی‌روم و در صفحه شخصی با موضوعات شخصی برخورد می‌کنم.

ولی شما وزیر هستید!

بله، در این هفت سال که مسئولیت نداشتم، سؤال بسیاری از خبرنگاران از من این بود که چرا وقتی مسئول بودی، این حرف‌ها را نمی‌زدی؟ و جواب من هم همین حرف شما بود؛ زمانی من مسئول یک سازمانی هستم و موضع من باید موضع سازمانم باشد؛ اما حالا که مسئولیت ندارم، حرف خودم را می‌زنم. پس من تغییر موضعی نداشتم و از اول همین بودم.

حتی اگر هم در جایی تغییر موضع داشته‌ام، اشکالی ندارد؛ اصول یکی است و فقط برخی جزئیات تغییر می‌کند. به خاطر دارم وقتی کانال خمیازه را راه انداختم، بعضی‌ها گفتند در شأن شما نیست! گفتیم یک کانال رسمی وجود دارد، یک کانال

طنز هم خودم دارم و حرف‌های حسابم را با طنز می‌زنم! الان هم در صفحات شخصی مواضع خودم را به شکل فان و غیررسمی یا طنز می‌گذارم و همه این‌ها روحیه خودم است.

به نظر می‌رسد غلبه این بخش حاشیه‌ای یا صفحه شخصی به دلیل ضعف بخش جدی عملکرد باشد.

هیچ ربطی ندارد و این‌ها مکمل هم هستند. درعین حال این را که عملکرد بخش جدی کارمان در رسانه‌ها دیده نمی‌شود، باید از رسانه‌ها پرسید. در بسیاری از موارد عملکرد یک مجموعه بزرگ مثل قوه قضائیه با یک پرونده زیر سؤال می‌رود و افکار عمومی به سمت دیگری می‌رود و به همین دلیل من می‌گویم هر دو این حوزه‌ها لازم است و ضمن اینکه تمام پست‌های صفحه من در خدمت مأموریت‌های کاری‌ام است.

درباره رویداد مهمی مثل جام جهانی در قطر و استفاده از این فرصت مناسب برای توسعه فضای گردشگری دریایی و بالا بردن روحیه نشاط و شادی در جامعه چه اقداماتی صورت گرفته؟

گردشگری دریایی بسیار مغفول باقی مانده و به عبارتی سهم ما در این عرصه معادل صفر است و کلاً تعطیل است و اقداماتی در سطح محلی شده است. من به‌خوبی به اهمیت این حوزه واقف هستم و از ابتدای کار هم جلساتی با حوزه‌های مرتبط و بزرگان آن داشته‌ام.

از فرمانده ارتش تا سازمان بنادر جلسات مشترک داشته‌ایم و به مرحله عمل رسیده‌ایم. این حوزه جدید و پرتقاضاست و هزینه‌ها را بسیار کم می‌کند و حوزه فعالیت گسترده و مزیت‌های زیادی دارد.

یکی از موضوعات مهم عدم کارایی و فعال‌نشدن این عرصه مربوط به بحث سوخت است و همه افرادی که کشتی‌های بزرگ برای فعالیت در این عرصه آوردند، کشتی‌های‌شان چند سال در دریا ماند و نمک گرفت و حالا دنبال اورهال آن‌ها هستیم؛ درحالی‌که این‌ها وظیفه ما نیست. می‌توانم بگویم که درحال حاضر مسئله سوخت حل شده و در این مدت تقاضاها شروع شده است.

در این مدت با همه صاحبان کشتی‌ها گفتگو داشته‌ام و آماری از قیمت کشتی و

میزان سوخت مورد نیاز و سایر مسائل دریافت کردم تا بتوانم در مورد نتیجه‌گیری‌ها اطلاع شفاف داشته باشم. بعد از قضیه کشتی نیاز به اسکله داریم و بعد نردبان‌های امن و ایمن داریم و این زنجیره نیازها ادامه دارد. ما در ایران هستیم و برای اینکه این موضوعات را در کوتاه‌مدت حل کنیم، لازم است ارتباط‌های سطح بالا را خودم انجام دهم و به خاطر احترامی که وزرا به من می‌گذارند و شیخوختی که نسبت به برخی از آن‌ها داریم، امور حل شود.

در مورد قطر و برنامه جام جهانی به عنوان یک رویداد فرابخشی، کمیته‌ای با ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت ۱۰ دستگاه اجرائی که مسئولیت‌های مهمی دارند، از ۶ ماه قبل تشکیل شده است. مسائل مختلفی از ایرانی‌هایی که برای بازی‌ها می‌روند، تا سرویس به گردشگران خارجی، خدمات ایرلاین‌ها و پروازها و بحث ویزا و مسائل امنیتی و... مطرح است و کار پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد.

ما یکی از دستگاه‌های مسئول هستیم و برای ما هفت مأموریت اعلام شده، اما دو مأموریت اصلی داریم که در حال پیگیری است. اول اینکه از این جمعیتی که وارد می‌شود استفاده می‌کنیم تا ایران را به آن‌ها معرفی کنیم تا با موضوع ایران‌هراسی مقابله شود. برای این کار هم تلاش شده تا یک پلویون مناسب داشته باشیم و در حال حاضر ستادی فعال موضوعات را پیگیری می‌کند و تلاش می‌کنیم این فضا شبیه پلویون اکسپو نشود.

وظیفه دیگر این است که در طول این مدت با کمک رایزنان فرهنگی و اطلاع‌رسانی، تماشاگرانی که از هر کجای دنیا می‌آیند ترغیب کنیم تا از فرصت همجواری استفاده کنند و به ایران سفر کنند! یعنی تماشاگران را تبدیل به گردشگر برای ایران کنیم و مقصد هم فقط کیش و قشم نیست و برای همه ایران تبلیغ می‌شود. در این شرایط ممکن است ۱۰۰ تا جاسوس هم وارد کشور شود، اما قرار نیست به خاطر ترس از ورود جاسوس آن‌قدر سخت بگیریم که کسی نتواند وارد کشور شود!

البته الان بیشتر از ترس از ورود جاسوس برای ما، ترس از تبدیل شدن به جاسوس برای گردشگر خارجی وجود دارد! من هم با شما هم‌عقیده هستم، اما

بالاخره باید حواسمان باشد. آن‌ها ایران‌هراسی را از مدت‌ها قبل شروع کرده‌اند و ما باید با ایجاد امکانات، شرایط ورود گردشگر را فراهم کنیم و با آمادگی ایرلاین‌ها گردشگران را به مقصد جزیره‌ها و شهرهای بزرگ و تاریخی ببریم.

قبلا چهار کشور را به عنوان کشورهای مقصد برای اقامت گردشگران جام جهانی در نظر گرفته بودند، اما با رایزنی‌های صورت گرفته الان ایران هم در بین این مقاصد قرار گرفته است و تلاش می‌کنیم که سهمیه خوبی از بین گردشگران داشته باشیم.

چندی قبل بحث استیضاح شما مطرح بود و خودتان اعلام کردید که تعدادی از نمایندگان خواسته‌هایی دارند و این استیضاح در واقع به دلیل همین باج یا سهم خواهی بوده است. پس از جلسه شما با نمایندگان موضوع استیضاح برطرف و اخیرا برخی از این موارد غیرقانونی از سوی برخی نمایندگان مجلس اجرائی شده! آیا این به این معنی است که شما کوتاه آمدید و آن امتیاز یا باج را داده‌اید؟

من اهل این نیستم که اگر کسی سؤال و استیضاح کند، کوتاه بیایم! چون همه این‌ها وظیفه قانونی مجلس است! به هیچ کس باج نمی‌دهم و اگر با نمایندگان ارتباط زیاد دارم و با آن‌ها و به شکل صمیمی بدون محافظ و راننده سفر می‌روم، هیچ ارتباطی به تصمیم من در مورد آن استان ندارد.

اگر به جمع‌بندی برسم، کاری را اجرا می‌کنم و کاری ندارم که نماینده آن شهر جزء سؤال‌کنندگان بوده یا نه! اگر در خمینی‌شهر و برخی مناطق دیگر که من تصمیم‌گیری را واگذار کرده‌ام، تصمیمی گرفته می‌شود، هیچ ربطی به سؤال نماینده آن شهر ندارد. شایعات و موارد سطحی گفته می‌شود، اما پاسخ من این است که سؤالات نمایندگان با جلسات مشترک و توضیح حل شده است.

من همیشه جزئی از حاکمیت و در دل آن بوده‌ام؛ نه براندازم و نه به دنبال تضعیف حاکمیت هستم، پس اگر موضوعی را مطرح و آسیب‌شناسی می‌کنم از سر دلسوزی است. امروز هم می‌گویم که کار در کشور متوقف است و باید انرژی زیادی مصرف کنیم. امروز بعد از یک سال می‌توانیم بگوییم بسیاری از نظرات ناصواب و زاویه‌دار در مورد گردشگری اصلاح شده است. همین چند روز

قبل معاون دادستان کشور اظهاراتی داشت که بی سابقه بود و حتی بهتر از ضرغامی در مورد ضرورت کنار گذاشتن بدبینی‌ها در مورد گردشگری حرف زده است.

امروز بسیاری از مسئولان در مورد صنعت گردشگری توجیه شده‌اند و هر جا هم که مسئولی توجیه نباشد، با صراحت و شجاعت به او پاسخ می‌دهیم. دو قطبی بین ایران باستان و ایران پس از اسلام بین علما و برخی افراد مسئول بسیار جدی بود، اما امروز این مسئله را من حل کردم.

یکی از جاهایی که من زیر میز زدم همین موضوع بود و امروز وقتی در مورد کوروش و داریوش و کتیبه‌های تاریخی و... صحبت می‌کنم، کسی نمی‌گوید ضرغامی هم سکولار و طاغوتی شده است! متأسفانه از بعد از انقلاب با افرادی مواجه هستیم که با شادی و زیبایی و اصلا حتی با معماری مشکل دارند و می‌گویند این کارها طاغوتی است.

در راستای این موضوع ما از شما یک قول و هدیه می‌خواهیم در مورد چاپ رنگین که می‌خواهند خراب کنند! این ساختمان تاریخی چاپخانه متعلق به اوایل دوره پهلوی اول است که میراث اعلام کرده بنا ارزشمند و ثبتی است اما مالک از دیوان حکم تخریب را گرفته و حالا بحث بر سر مالکیت است که خریداری شود!

البته حتی اگر دیوان حکم داشته باشد باز هم ما می‌توانیم اعتراض کنیم. من موضوع را با آقای دارابی مطرح می‌کنم که هم به دادستانی نامه بزنیم و هم ببینیم چقدر اعتبار برای تملک نیاز است. سال‌هاست موضوع تخریب و تهدید بافت تاریخی شیراز و اصفهان و... مطرح است و در این سال‌ها هم تعدادی از این بناهای تاریخی تخریب شده‌اند، مسئله این است که آیا می‌توانید با شیخوخیتی که می‌گویید در بین مسئولان و وزرا دارید برای حل این مسئله مهم در حوزه میراث کمک کنید تا یک بار برای همیشه این مسئله حل شود؟

این را تأکید می‌کنم که هیچ پلاک ثبتی در طرحی که برای شیراز نهایی شده تخریب نمی‌شود، پنج پلاک ثبتی در طرح است که با حفظ آن قرار است طرح بهسازی شود. اما یکی از چالش‌های جدی من مقاومت در برابر جاهایی است که بافت تاریخی را می‌خواهند از بین ببرند. من در مواجهه با مراکز مختلف از جمله نمایندگان مجلس بارها اعلام کرده‌ام که بافت تاریخی، بافت فرسوده نیست که

لودر را بیندازید و صاف کنید و ما موظف هستیم که این بافت را حفظ کنیم و من در همین مسیر می‌مانم.

ما رژیم پهلوی نیستیم که یکباره در میدان توپخانه در دهه ۴۰، ضلع شمال ساختمان بلدییه و در ضلع جنوب ساختمان تلگراف‌خانه را صاف کند و هیچ مدعی هم صدایش در نمی‌آید که بگوید، پهلوی این کار را کرد. جمهوری اسلامی مثل رضاخان نیست که بیاید نمای کاخ گلستان به آن زیبایی را خراب کند، چون حرمسرای ناصرالدین شاه بوده و وزارت دارایی را آنجا بسازد.

چون برخی از روشنفکران ما از خارج خط می‌گیرند، حرفی درمورد این اقدامات نمی‌زنند. حالا هم کسی نمی‌خواهد پهلوی‌وار و رضاخان‌وار، بنای تاریخی را خراب کند و اتفاقاً نظام جمهوری اسلامی تلاش در حفظ این میراث‌ها دارد. اگر رهبری از ۲۰ سال قبل دستور نمی‌داد بالای تراز ۱۸۰۰ متر ساخت و سازی نباشد، الان تا نوک قله توجال آپارتمان بود. من می‌دانم در این سال‌ها ما دیگر معماری نداریم و در مواردی املای تاریخی تخریب شده‌اند اما نمادهای یک دوره و ساختمان‌های شاخص و مشهور در کدام دوره خراب شده‌اند؟

من آخرتم را برای دنیای کسی نداده و نمی‌دهم و تا به حال هم هزینه این موضوع را داده‌ام و جلوی برخی خواسته‌ها ایستاده‌ام. بین‌الحریمین می‌تواند مسیر بسیار خوبی برای تقویت گردشگری و ارائه محصولات صنایع دستی و... شود و بخشی از این فضا هم از گذشته تخریب شده و چیزی باقی نمانده تا نگه داشته شود. هیچ خانه‌ای که ثبت شده باشد را تخریب نمی‌کنیم هرچند که برای تملک این خانه‌ها الان پول نداریم و مشکلاتی وجود دارد.

تملک از طریق میراث دو وجه زمین‌های کشاورزی و بافت مسکونی دارد. در مورد زمین‌های کشاورزی هم از دهه ۴۰ مشکلاتی بود که حل شده و الان برای زمین‌های کشاورزی که در محدوده میراث هستند زمین جایگزین گذاشته‌ایم.

در مورد بافت شیراز و مسیری که قرار است ایجاد کنند تأکید می‌کنم که در آنجا نه پاساژ، نه مرکز تجاری، نه دفتر فلان حجت‌الاسلام و آقای خاص ساخته نمی‌شود! البته ما پولی برای تملک نداریم و خوب هم می‌دانیم که مردم آنجا

گرفتار هستند. با این وجود تا به حال روی طرح‌هایی که کمیسیون معماری داده دستوری نداده‌ام تا خیالم از برخی مسائل راحت شود و در این مورد حداقل ۱۰ نفر قرار است نظرشان را به من بگویند.

روزی هم که قرار باشد برای بین‌الحرمین تصمیمی گرفته شود با صدای بلند اعلام و رسانه‌ها را هم خبر می‌کنیم، چون هیچ کار محرمانه‌ای نداریم. نباید نسبت به عملکرد ما ناامید و بدبین باشید؛ از زمانی که من آمده‌ایم یک مورد تخریب و درگیری نبوده است و این مسئله کمی نیست.

در مورد سفر ارزان و برگرداندن سفر به سبب زندگی مردم چه اقداماتی انجام شده است؟

سفر ارزان یک بسته کامل از جمله وسیله نقلیه، محل اقامت و انواع خدمات را شامل می‌شود. هلدینگ گردشگری ما، حوزه‌های بزرگی دارد و مأمور این پروژه شده و تا امروز هم اقدامات مهم و خوبی داشته که فعلاً نمی‌خواهیم رسانه‌ای کنیم، چون می‌خواهم بعد از شکل گرفتن سفرها و اطمینان از عملکرد آن را اعلام کنم.

در چند سال اخیر در برخی از شهرها مثل مشهد با یک‌سری اظهارات، اقدامات و محدودیت‌ها روبه‌رو بوده‌ایم که در نتیجه آنها برخی رویدادهای فرهنگی و تفریحی و اصلاً جریان سفر به آن شهر تغییر کرده است. همه این محدودیت‌ها باعث شده هم مردم این شهر و هم مسافران به این فکر کنند که آیا در این شهر راحت هستند؟ شما اثرگذاری این محدودیت‌ها را قبول دارید و ممکن است که اعمال نفوذی در جهت اصلاح داشته باشید؟

اگر منظور شما این است که در مورد آقای علم‌الهدی صحبت کنم، در حال حاضر چنین برنامه‌ای ندارم و فعلاً مسئله من نیست. اما برای سیاست‌های گردشگری وزارتخانه، هیچ خط قرمزی قائل نیستیم و با توجه به اینکه گردشگری و شادی و تفریح حق همه مردم است، این سیاست‌ها را در همه کشور اعمال می‌کنیم و هر جایی هم مانعی باشد، مانع را برطرف می‌کنیم تا مردم از حقشان بهره‌مند شوند.

مشهد در کنار بخش زیارتی یکی از مراکز تفریحی بزرگ کشور است و به طور میانگین افرادی که برای زیارت به مشهد می‌آیند، حدود دو ساعت برای

زیارت می‌روند و باقی زمان را در بخش‌های دیگر تفریحی حضور دارند. البته من به معنویت مشهد حساس هستم و معتقدم باید این فضا حفظ شود.

از سال‌های گذشته تا به حال فیلم‌ها و تصاویری در مورد گردشگران عراقی منتشر می‌شود و حواشی در مورد این گردشگران وجود دارد اما در جایی به این حواشی پاسخی داده نمی‌شود! چرا در مورد تعداد و میزان پولی که از این طریق وارد کشور می‌شود و برخی مسائل اخلاقی مطرح شده صحبت نمی‌شود که بدانیم درست است یا نه؟

گردشگری شیعی یکی از مزیت‌های ما است و گردشگران عراقی یکی از منابع خوب درآمدی کشور هستند. در مورد این تعداد گردشگر گروه‌های مختلفی مشکل دارند، مثلاً ایرلاین‌ها و مراکز اقامتی ما جوابگوی نیازها نیستند و ما به همان حرف می‌رسیم که زیرساخت وجود ندارد و به جای رسیدگی به این موضوع اشکال را به گردشگر وارد می‌کنیم.

صدای همه درمی‌آید که عراقی‌ها همه جا هستند؛ حتی نماینده مجلس به من می‌گوید برای تهیه بلیت آبادان مشکل پیدا کردم، چون عمدتاً عراقی‌ها در پرواز هستند! حالا سؤال من این است که حضور این گردشگران بد است یا خوب؟ معلوم است که حضورشان مفید است! مشکل از ما است که زیرساخت نداریم.

اما در مورد حواشی باید بگویم که هر گردشگری حواشی خودش را دارد! اروپایی‌ها می‌آیند، مسئله جاسوس بودن داریم. مثلاً در فلان منطقه یک عکس می‌اندازند، دستگیر می‌شوند و باید دنبال داستان را بگیریم و پیگیری کنیم. گردشگر قطری آمده رفته شکار و دستگیر شده و ماجرای خودش را دارد و عراقی‌ها هم حواشی خودشان را دارند.

در هر حالتی تلاش ما این است که مشکلات گردشگری را حل کنیم و بروز این مسائل برای گردشگران طبیعی است. اما من هنوز این مسئله اخلاقی را به عنوان موضوعی که روی عملکرد گردشگری مشهد سایه بیندازد، نمی‌دانم. نمی‌توانم بگویم نیست، اما می‌گویم آن را در حدی که گردشگری مشهد را به خطر بیندازد نمی‌دانم. البته مواردی که مطرح شوند را پیگیری می‌کنیم.

روزنامه فرهیختگان

معماری



تحریریه روزنامه فرهیختگان، ۱۳/۰۶/۱۴۰۱

چهره‌ها برای جمهوری اسلامی فرصت هستند در حوزه معماری از ایده‌آل‌های انقلاب عقیم / برخی خود را شاقول ولایت فقیه میدانند چهره‌ها برای جمهوری اسلامی فرصت هستند.

ابوالقاسم رحمانی - معین احمدیان: کم نداریم از آن دست مدیرانی که از قرار گرفتن در معرض رسانه به شدت پرهیز می‌کنند؛ شاید استدلال‌شان این است که حضورشان در رسانه خطاهایشان را بزرگتر جلوه می‌دهد یا شاید هم شجاعت و توان این را ندارند که اگر شش‌دانگ حواس جمع حرف‌های‌شان نبودند چطور پاسخ‌گوی آتو گرفتن‌های بعدی شبکه‌های اجتماعی باشند.

اما انگار عزت‌الله ضرغامی هیچ واهمه‌ای ندارد که خودش و عملکرد وزارت متبوعش را در معرض رسانه قرار دهد. او هشتم شهریورماه به روزنامه «فرهیختگان» آمد و ضمن بازدید از تحریریه ساعتی را هم به گفت و گو با ما نشست. ضرغامی یک سال است عهده‌دار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شده و در این گفت و گو قرار نیست گزارش عملکرد یکساله او در این وزارتخانه را بخوانید. با این حال شما با خواندن این گفت و گو، متوجه نگاه و رویکرد واحد او در حوزه مدیریت فرهنگی می‌شوید. نگاهی که واقعیت‌های موجود امروز جامعه ایران را فدای شعارزدگی نمی‌کند و با همین نگاه است که می‌گوید وضع ما در معماری بعد از انقلاب وضع قابل دفاعی نیست و معتقد است این نگاه آسیب‌شناسانه از موضع قدرت است، نه از موضع ضعف! یا وقتی نسبت به شکاف مدیران فرهنگی و اهالی هنر هشدار می‌دهد؛ می‌گوید شعار نمی‌دهم، چهره‌های هنری فرصت جمهوری اسلامی هستند.

به «فرهیختگان» خوش آمدید، سوالاتی در حوزه‌های مختلف آماده شده تا در این گفت و گو به تفصیل به آنها پاسخ دهید.

- من روزنامه فرهیختگان را روزنامه موفق می‌دانم و معتقدم دریچه جدیدی به حوزه رسانه‌های کشور در طول سال‌های اخیر باز کرده است. ما رسانه‌های زیادی داشتیم که به دستگاه یا سازمانی متصل بودند، و دست به دست شدند وقتی این اتفاق می‌افتد توقع این است که تحول جدی در آن رسانه ایجاد شود. من روزنامه فرهیختگان را از این جهت جدی‌ترین مصداق می‌دانم که با تحول سازمانی‌ای که انجام شد در واقع جلوتر از سازمان متحول شد این کار ارزشمندی است و نشان می‌دهد یک مدیریت تخصصی، شجاعانه و رسانه فهم این جا مستقر شده است.

من کلاً اهل تعارف نیستم. برخی آقایان که نزد علما می‌روند برای انتقاد کوچکی که بخواهند انجام دهند ابتدا باید کلی تعریف و تمجید کنند بعد در نهایت یک نکته بگویند. در این مواقع هزار زمینه‌سازی باید انجام داد تا یک انتقاد کرد. درباره «رسانه فرهیختگان» اما و تحولی که در این روزنامه اتفاق افتاد و هزینه‌ی آن را هم می‌دهیم. شاید تعداد پرونده‌های مفتوح یکی از شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد یک روزنامه وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام می‌دهد به همین دلیل تبریک عرض می‌کنم. رسانه‌ای که شجاع نباشد رسانه نیست.

رسانه پل میان مردم و حاکمیت است اگر وظیفه خود را به درستی انجام دهد جامعه ارتقا پیدا می‌کند و اگر مزدبگیر باشد و کارمندی عمل کند انگار که نیست و تأثیری هم ندارد هرچه هزینه و سرمایه‌گذاری شود وظیفه خود را انجام نمی‌دهد.

درست است که روزنامه‌ای متعلق به سازمانی است و وظیفه‌ای در حوزه اطلاع‌رسانی دارد اما اگر وظیفه رسانه‌ای خود را به درستی انجام ندهد و تنها گوش به فرمان باشد، رسانه تأثیرگذاری نیست.

یکی از مشکلاتی که در کشور داریم این است که خیلی از NGO ها حاکمیتی هستند، سازمانی شده‌اند و ظاهراً سازمان غیررسمی و سمن است. ولی وقتی دقیق نگاه می‌کنید تا انتها وابسته به جریانی در حاکمیت، دولت و اصحاب قدرت و

ثروت هستند. درست مقابل آن مفهوم آتش به اختیار که رهبری بیان کردند که بنظرم روزنامه باید آتش به اختیار باشد. اما خیلی از به اصطلاح آتش به اختیارها، در واقع آتش به فرمان هستند. در ظاهر آتش به اختیار هستند ولی در باطن جایی به آنها فرمان می دهد. این ها باید مشخص شود.

به نظرم شما هم کار درستی انجام می دهید و هم نگاهتان تخصصی است، هم بصورت پرونده ای برخی موضوعات را جلو می برید و هم این که در انجام کار خود شجاعت و صراحت دارید. البته می توانید اشتباه هم داشته باشید که نباید باعث شود از مسیری که انتخاب کرده اید خارج شوید.

من هم تبریک می گویم و هم امیدوارم در ماموریت حساسی که در این سالها داشته اید روز به روز گامهای موثری بردارید.

عملکرد دولت را در حوزه میراث فرهنگی طی سالهای اخیر چگونه ارزیابی

می کنید؟

در حوزه معماری بحثی را اخیراً مطرح کردم، انشاءالله پرچمی را که بلند کردیم زمین نمی گذاریم، وضع ما در معماری بعد از انقلاب قابل قبول و قابل دفاع نیست. این راه من بیان نمی کنم، بلکه کارشناسان و شخصیت های برجسته و صاحب نظر کشور نه تنها در جلسات پشت صحنه، بلکه در جلسات رسمی بیان می کنند، برخی گمان می کنند برای اولین بار است که این مسائل مطرح می شود.

زمانی که در دولت قبل عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بودم در مجموع حدود سه جلسه مشخصاً در باره وضعیت اسفبار معماری در کشور دستور جلسه داشتیم. شهردار و وزیر راه دعوت شدند و اطلاعاتی در آن جلسه مطرح شد که همه حاکی از آن بود که خطای بزرگی در حوزه معماری در کشور در حال وقوع است. تصمیماتی هم گرفته شد، سندی تهیه و قرار شد بر اساس این سند عمل شود.

آن نکته ای که در این خصوص که بیان کردم شاید برخی را نسبت به موضوع حساس کرد. تصور می کنم ما در حوزه ای بین جمهوری اسلامی و نظام قبلی به نوعی قضاوت می کنیم. ابتدا شبکه های خارجی قدری خوشحال شدند، در این خصوص گزارش تهیه کردند که نباید خیلی خوشحال باشند، چون پهلوی آن قدر خیانت کرده او کارنامه سیاهی دارد که با این بحث ها در حوزه کارشناسی تطهیر

نمی‌شود. حوزه‌های دیگر بماند، خیانتی را که پهلوی فقط به حوزه هنر کرده است ببینید. به هنر نمایش که جدی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه از جهت ارتباط با مردم است دقت کنید. بعنوان یک کارشناس سینما این را بیان می‌کنم، سینما قبل از انقلاب نابود شد.

یعنی اگر امام در بدو ورود به کشور در مورد سینما موضع نمی‌گرفتند و نمی‌فرمودند ما با سینما و تلویزیون مخالف نیستیم ولی با فساد و فحشا مخالف هستیم، که به دنبال آن سیاست‌های کشور سراغ دفاع از سینمای پاک و با هویت رفت، پرونده سینما در دوره رژیم قبلی کلا بسته شده بود.

من ویدئوهایی در صفحات مجازی خودم از همان زمان دارم که همه دور هم جمع می‌شدند و از مرحوم فردین و دیگران حرف می‌زدند و می‌گفتند از سینما چیزی نمانده است. چیزی به نام فیلم فارسی آمد و حتی موج نو سینمایی که بعد از انقلاب ادامه یافت نتوانست در مقابله با آن موفق باشد. سینما در دوران رژیم پهلوی نابود شد.

فعالیت‌های زنان، ورزش و هرچه نام ببرید نابود شد. من الان نمی‌خواهم کارنامه افتخارآمیز جمهوری اسلامی را بیان کنم، فقط می‌خواهم درباره زنان صحبت کنم که بهانه می‌کنند حجاب اجازه نمی‌دهد زنها فعال شوند و نیمی از جامعه کنار گذاشته شده است، در این خصوص باید بگویم در حوزه نمایش، در همه زمینه‌ها اعم از کارگردانی که قبل از انقلاب نداشتیم و الان قوی‌ترین کارگردانان ما در سطح جهانی کارگردانان خانم هستند و در نویسندگی، تالیف و حتی حوزه ورزش خانم‌ها پیشرو هستند.

با اینکه در ورزش محدودیت‌هایی به خاطر حجاب داریم ولی مقاماتی که در رقابت‌های جهانی و آسیایی کسب می‌کنیم، با زمان رژیم پهلوی قابل مقایسه نیست. رژیم پهلوی کارنامه سیاهی دارد. در حوزه مسائل مربوط به زندگی مردم از جاده، آب، برق، گاز، آموزش و بهداشت، انقلاب به دورترین نقاط این امکانات را منتقل کرد، نه اینکه مشکلی نداشته باشیم، هنوز هم مشکل در کشور وجود دارد اما قابل مقایسه با زمان رژیم پهلوی نیست، بنابراین تکلیف پهلوی در کل روشن است.

اما درباره معماری به عزیزی که علاقه مند به این حوزه هستند یکی، دو

گزاره بیان می‌کنم. یک بار دیگر می‌توانیم درباره این موضوع مشروح‌تر صحبت کنیم. وقتی درباره معماری حرف می‌زنیم معماری مشخصاً به سلسله‌های سیاسی بر نمی‌گردد.

معماری ادوار است و برخی سلسله‌ها هم نشانی دارند، یعنی پس از اسلام هم معماری دوران ساسانی را می‌بینید و تا مدت‌ها در خیلی از آثار ما وجود دارد، اعلام می‌شود و مشخص است که این نوع معماری در چه مکان‌هایی وجود دارد، پس بحث مشخصاً درباره سلسله‌های سیاسی نیست، البته یک تقسیم‌بندی کلی وجود دارد که درباره معماری باستانی ماست، معماری قبل از اسلام و معماری اسلامی.

پس از اسلام به دلیل هویت جدیدی که آمد یک معماری معاصر هم آمد که عمده بحث آن مدرنیته بود و تداخلی که صورت گرفته است. اینها سه معماری شناخته شده‌اند. تمام تلاشی که پهلوی اول داشت این بود که معماری دوران قاجار را نابود کند. سعی هم کرد اما نتوانست، یعنی این معماری به حدی قوی بود که پهلوی نتوانست آن را نابود کند.

در بسیاری از اماکن این معماری را شاهد هستیم. اوایل دوران پهلوی اول یعنی قبل از تاج‌گذاری پهلوی اول ساختمان‌هایی با معماری‌های مشهور داشتیم که در دوران پهلوی با خاک یکسان شدند.

میدان توپخانه (میدان امام خمینی) محل دو ساختمان بسیار مهم دوران قاجار بود که یکی ساختمان بلدییه ضلع شمال میدان امام خمینی (ره) است که الان ساختمان مخابرات است و یکی هم ساختمانی است که قبل از همین ساختمان بتنی مخابرات است که یک ساختمان با معماری خیلی خوب مربوط به دوران قاجار است که اوایل دوره پهلوی وجود داشت و تلگراف‌خانه بود، پهلوی اول در دهه ۴۰ هر دو ساختمان را نابود کرد.

الان سیاست‌های جمهوری اسلامی، فعالان میراث فرهنگی، مردم و افکار عمومی طوری است که اگر یک جایی گوشه‌ای از میراث فرهنگی بخواهد ساییده شود صدای همه در می‌آید، آن زمان دو ساختمان بسیار مهم را با خاک یکسان کردند، خود پهلوی ابتدا یک ساختمان که به عنوان اندرونی کاخ گلستان ساخته شده بود و معماری ارزشمندی داشت را با خاک یکسان کرد، با صدای بلند هم

اعلام کرد و به جایش وزارت دارایی را ساخت. به این دلیل که پای اینها به تدریج به اروپا باز شد، در انتهای دوره قاجار و خود پهلوی، چند شخصیت معماری خارجی را آوردند و ۲-۳ کار کردند که حالا موجود است. گذار فرانسوی را آوردند و چند کار من جمله معماری موزه ایران را انجام داد.

طاق کسری را کار کردند که معماری خوبی است اما اینها تک کارهایی بود که انجام شد. ساختمان شهربانی را ساختند یا آلمانی‌ها در تهران چند ساختمان ساختند که نمود داشت. در دوره پهلوی دوم ضمن اینکه آن روند تخریب به طور جدی ادامه یافت و برنامه این بود که هویت دینی معماری ما از بین برود، به اسم مدرنیته اتفاقاتی افتاد و چند بنای معروف در تهران و جاهای دیگر ساختند.

موزه هنرهای معاصر افتتاح شد، چند معمار بزرگ که نوعاً قابل احترام هستند کارهایی انجام دادند و خواستند مدرنیته را با فرهنگ سنتی ما تلفیق کنند تا معماری جدیدی خلق کنند، با این حال در حد چند ساختمان باقی ماند اما فشار مدرنیته، آپارتمان‌سازی و مظاهر غربی به شدت به سمت تخریب این‌ها رفت. حرف ما مشخصاً بدون لکننت زبان و با صراحت این است که جمهوری اسلامی آمد، انقلاب شد. انقلاب به معنای زیرورو شدن همه چیز است. اما پایه معماری و فلسفه آن فلسفه هویتی است. انقلاب که آمد کلاً یک هویت جدیدی در کشور آمد. این هویت در سبک زندگی مردم، ظاهر جوانان، ادبیات آنها و نحوه سلوک و سبک زندگی آنها وارد شد.

زمانی که جوان بودیم و می‌خواستیم ازدواج کنیم، ابتدا که خواستگاری می‌رفتیم شلوار سربازی و یک پیراهن چهارخانه داشتیم. هرچه برادر بزرگ من می‌گفت که کت و شلوار پیوش، ما قبول نمی‌کردیم و از این پوشش دوری می‌کردم. همه چیز عوض شد. سوال این است، هویت که عوض شد، آیا معماری ما نیز متناسب با این هویت عوض شده است؟

خیر. بنابراین ما معتقدیم نه در معماری شهری ما، نه در محوطه‌های ما و نه در نمای ابنیه تفاوتی حاصل نشد. در دهه اول انقلاب، جنگ بود و معذوریت‌های خاص خود را داشت، دهه دوم دهه سازندگی بود و در کلان‌شهرها به خصوص تهران متاسفانه ریل‌گذاری‌های غلط شد و دهه ۸۰ نیز ادامه یافت و در نتیجه امروز با یک معماری قابل انتقاد مواجه هستیم.

رهبری هم در بیانیه گام دوم اشاره کردند که ما در این ۴۰ سال این میزان کارهای خوب کردیم اما حالا باید آسیب‌شناسی کنیم. آسیب‌شناسی از موضع قدرت است، نه از موضع ضعف! ما حاکم هستیم و قدرت داریم و کارهای بزرگ می‌کنیم. اگر در جایی می‌بینیم که معماری ما ضعیف است با قدرت آسیب‌شناسی می‌کنیم، کاری به دشمن نداریم و انشاءالله سعی می‌کنیم ضعف‌ها را اصلاح کنیم.

بحث مرمت مسجد امام اصفهان حواشی بسیاری به همراه داشت که نه تنها نمی‌توانیم در حوزه معماری تولیدی داشته باشیم، بلکه معماری‌های موجود را نمی‌توانیم حفظ کنیم و حتی در ترمیم هم دچار مشکل هستیم. نظر شما در این خصوص چیست؟

درباره گنبد مسجد امام هم که بیان کردید، متأسفانه از ۱۲ سال پیش که مرمت شروع شد اشکالاتی به وجود آمد. البته استادکار آنجا یک استادکار صاحب نام و موجه بود اما به دلایلی وقتی بعد از ۱۲ سال این داریست‌ها باز شد، احساس شد اشکالات کلی در این مرمت وجود داشته که الان روشن است و یک شورای علمی برای آن در معاونت میراث فرهنگی انتخاب شد که این مساله را پیگیری و اصلاح کنند.

البته من از این مساله درس گرفتم. ابلاغ کردم که باید در مرمت اصول دیگری هم رعایت شود؛ چه در جزئیات و چه در نمای کلی که باید باهم جلو بروند. ابزار نوین به ما کمک می‌کند. مرمتکارهای ما جزء بهترین مرمتکارهای دنیا هستند، یعنی همین الان سفارش‌های دیگر کشورها را داریم که با من صحبت کرده‌اند، مثل آذربایجان که وزیر این کشور به طور جدی از من درخواست می‌کرد چند گروه مرمتکار با حقوق و مزایای خوب به این کشور بفرستیم تا ابنیه آن‌ها را که با بخش زیادی از معماری ما هم‌خوانی دارد، مرمت کنند.

کشورهای همسایه همچون عراق هم این درخواست‌ها را داشته‌اند. بنیه معماری و مرمتکاری ما فوق العاده قوی است و از این جهت غنی هستیم. انشاءالله باید بتوانیم با برنامه‌ریزی‌های جدیدتری که انجام می‌دهیم هم درصد خطاها را کم کنیم و هم اعتبارات خوبی فراهم کنیم. خیلی اماکن نیاز به مرمت دارند که به خاطر اعتبارات محدود مرمت شان انجام نمی‌شود.

این را هم بیان کنم که قبل از انقلاب، تخت جمشید که ستون آن یکی

از آثار ارزشمند تاریخی ماست، وقتی مشکل داشت و می‌خواستند آن را مرمت کنند، یک کفراژبندی می‌کردند و با سیمان ماله می‌کشیدند. من در صفحه‌های مجازی خود نشان دادم این ستون با سیمان صاف شده است اما الان رزین کیلویی ۱۲ میلیون تومان را برای این کار تهیه می‌کنیم.

آن‌هایی که در خارج از کشور بحث میراث فرهنگی را طرح می‌کنند که همراه با یک نگاه غلط و تطهیر دیگران هم است، بدانند در همین موج مشکلات برای مرمت ماده گران قیمت کیلویی ۱۲ میلیون تومان مصرف می‌شود، همان‌طور که در ویدئویی نشان دادم، با سرنگ میلیمتری این مواد را به لایه‌های مختلف سنگی ستون‌ها تزریق می‌کنیم که دقیقاً به همان شکل فریز شود و ستون‌ها درست مانند شکل اولیه‌شان باقی بمانند.

درحالی که قبل از انقلاب همین ستون‌ها را قالب‌بندی و سیمان‌کشی کردند. اگر به جاده شیراز-کازرون بروید، آن چند تابلویی که مربوط به دوره ساسانی است، از جمله تصویر والرین که حضرت آقا یک بار اشاره کردند، پادشاه رومی درمقابل پادشاه ایرانی به زانو افتاده و تقاضای بخشش می‌کند که این اقتدار ایران را نشان می‌دهد.

در این چند کتیبه یک کتیبه کاملاً سیاه است یعنی باید دقت زیادی داشته باشید که نقوش برجسته را ببینید. تابلوی بعدی اینطور نیست. علت این است که آنجا رودخانه‌ای بوده و آب رد می‌شده اما پیش از انقلاب آن رودخانه را درست هدایت نکردند، بنابراین آب پشت این صخره آمده و این کتیبه را نابود کرده است. جمهوری اسلامی این را تشخیص داد، هزینه کرد، پروژه تعریف کرد و مسیر رودخانه را عوض کرد تا آب هدایت شده و این کتیبه مرمت شود. الان کتیبه کنار آن بسیار تمیز و عالی است. این دو کتیبه کنار هم به درستی نشان می‌دهد کار جمهوری اسلامی و کار قبل از جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی دارند. من تقاضا می‌کنم گزارش میدانی تهیه کنید، این دو کتیبه را کنار هم نشان دهید و با کارشناسان صحبت کنید.

تکلیف ما با گذشتگان و حکومت طواغیت مشخص است اما در دوره جمهوری اسلامی معماری با هویت مبتنی بر اعتقادهای دینی و انقلابی به نسبت آنچه الان هستیم، فاصله دارد و باید بتوانیم این فاصله را پر کنیم.

انتقاداتی متوجه میراث فرهنگی است، مثال شهرداری تهران نشست خبریاش را در عمارت مسعودیه برگزار کرد که وضعیت به شدت بدی هم داشت. سوال همه خبرنگاران این بود که آیا این عمارت که لوکیشن بسیاری از فیلم‌ها بوده نگهداری‌اش اولویت نداشته و میراث فرهنگی که متولی نگهداری آن است چرا به این مکان تاریخی رسیدگی نمی‌کند؟ این رابطه چگونه است؟ آیا این اماکن صرفاً یک منبع درآمدی برای سازمان هستند؟

اماکن تاریخی اجمالاً منبع درآمدی برای دولت نیستند، یعنی به نسبت هزینه‌های نگهداری زیادی که دارند، چه فنی و تجهیزاتی و چه پرسنلی که باید آنجا را اداره کنند، به مراتب خیلی بیشتر از قیمت بلیت‌های ارزانی که جهت بازدید از این اماکن خریداری می‌شوند، سرمایه‌گذاری می‌شود.

ما ۳۵ هزار اثر ثبتی داریم که ثبت ملی شده‌اند و نسبت به همه این‌ها مسئولیت داریم. من یک بار بحث اعتبار مرمتی را توضیح دادم. وقتی این اعتبارات را نسبت به این آثار تقسیم می‌کنید به هر کدام از این ابنیه ثبت ملی روزی ۳۰۰ تومان می‌رسد.

البته سال گذشته این‌طور بود، حال اعتبارات عمرانی را زیاد کرده‌ایم و بیش از دو برابر شده است. یعنی به نسبت میانگین افزایش ۳۵ درصدی بودجه عمرانی دولت، ما توانستیم ۷۷ درصد بودجه را افزایش دهیم که بخش عمده آن مربوط به مرمت است.

بنیه محدودی برای کار مرمت داریم. در این زمینه ۱۰۰ پایگاه مهم هستند که یک اعتبار ویژه‌تری دارند، اعتبار و توجه و پرسنل بیشتر برای این اماکن است که آنها را خوب نگهداری و بروز کرده و مردم هم استفاده کنند تا در آنها برنامه‌های جمعی هم داشته باشیم. کاخ گلستان و جاهای دیگر همین‌طور است، خوب نگهداری می‌شوند.

وضعیت این عمارت اصلاً مورد تأیید ما نیست. من عمارت مسعودیه را دیدم و خیلی هم دوست داشتم همان‌جا این مشکل را حل کنم. اختلاف جدی درباره پیمانکار وجود دارد. او براساس قراردادی مأموریتی گرفته و بعداً دعوا و اختلاف شده است که البته این اتفاقات در دوره مدیریت قبلی بود. این اختلافات

به دستگاه قضایی کشیده شده و همین طور مانده است و در سیکل دستگاه قضایی می‌چرخد. بنابراین آنجا نمی‌توانستم سریعاً مساله را حل کنم و تصمیم بگیریم چون پروژه بزرگی است. کاری که کردم این است که بخشی را در وزارتخانه سامان دادم و این به خاطر تجربه‌ای بود که داشتم.

ابتدا برای دوستان ما عجیب بود اما بعد دیدند این کار الزام است. گفتم کمیته‌ای درست کنید که مختص پروژه‌های ویژه باشد؛ ویژه یعنی آن‌هایی که اختلافی است و کارهای شان مانده است، از بخش حقوقی تا معاون میراث، معاون اداری و مالی، همه را در این کمیته گرد هم آوردم و خواهش کردم این پروژه‌های بزرگ را که دعوی‌هایی هستند، کدخدامنشی حل و تمام کنند. چند مورد از این پروژه‌ها داریم. به سمت سمنان که می‌روید در سرخه مجتمع گردشگری بزرگی راه‌اندازی شده اما بودجه‌ای نبوده و کار را همان‌جا نگه داشته‌اند و حالا در دعوای سیاسی افتاده است.

در سفر رئیس جمهور که به آنجا رفتیم سیاسیون آنجا می‌گفتند این مشکل برای آقای روحانی است و سرخه ولایت آقای روحانی است. پروژه بزرگی این‌جا انجام دادند و در انجام آن ماندند. من این پروژه را کامل بررسی کردم، هرچه بوده است بالاخره باید با پیمانکار تسویه شود. چه بخواهیم به بخش خصوصی بدهیم و چه خود ما کاربری این مکان را داشتیم باید تصمیم بگیریم.

در وزارتخانه چند پروژه این چنینی داریم که از جمله آنها عمارت مسعودیه است. امیدوارم در آینده نزدیک این مساله حل شود. آنجا مرمت شروع شده بود و ادامه آن باید انجام شود. معماری این مکان تلفیقی بین معماری سنتی و معماری غربی است که در زمان ناصرالدین شاه و فرزند او بود.

در غرب هم می‌دانستند که معماری ما یک معماری پاک و با عفاف بود، یعنی معماری ایران باستان را هم که نگاه می‌کنید تمام سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها را که می‌بینید، عفاف و حجاب به صورت مطلق در تمام این آثار باستانی ما وجود دارد. پس از اسلام هم همین طور است تا نوبت به پهلوی می‌رسد، در این حوزه جای پاهایی که برای ناپاک کردن آن گذاشتند، نمایان است.

همین که نگاه می‌کنید سردر آن نقوش برجسته‌ای وجود دارد که با الهام از

معماری‌های غربی، فرشته‌های عریان و لخت است.

این سبک معماری نشان می‌دهد یک معماری خاصی را می‌خواستند پیاده کنند. انشاءالله در آینده نزدیک مسائل این پروژه را حل می‌کنیم و مرمت عمارت مسعودیه و چند بنای اختلافی دیگر را آغاز می‌کنیم.

سؤال بعد درباره ساختمان‌های نایمن و مشخصا بازار تهران است. خیلی از حجره‌دارها و مغازه‌دارها شهرداری و میراث فرهنگی را در عدم ایمن‌سازی آنجا دخیل می‌دانستند. هم قلب اقتصادی کشور است و هم جمعیت زیادی آنجا رفت و آمد دارند اما هر سال به کرات در آنجا شاهد خرابی و آتش‌سوزی هستیم. چه برنام‌های برای این معضل دارید؟

این سوال ناظر به یکی از مهمترین موارد نظام مسائل ماست که همان اوایل کار احصا کردیم. آثار تاریخی مسائل خاص خود را دارند که از جمله این مسائل مربوط به ایمنی آنهاست. من چند سال قبل یک متن اینستاگرامی نوشتم که مربوط به فرزند یکی از اقلیت‌های ماست که رفتند در زاینده رود عکس بگیرند، به همین منظور عقب عقب رفته بود و از آن بالا به پایین پرت شد.

اسم این یادداشت من جانانان است. جانانان پسر آن عزیزی بود که از آن بالا به پایین افتاد و فوت کرد. من در مراسم ختم ایشان شرکت کردم. روزهای آخر مسئولیت من در صداوسیما بود و چون مراسم نزدیک خانه ما بود و دیدم سیاهی زده‌اند به خانه ایشان رفتم.

هموطن‌های عزیز کلیمی مان بودند. وقتی از همسر جوان ایشان پرسیدم چطور شد؟ ایشان گفت همسر من روی سی و سه پل عقب عقب رفت که از ما عکس بگیرد اما چون آنجا حفاظی نداشت از آنجا به پایین پرت شد و از دنیا رفت. ما او را کشتیم. همان زمان با صراحت گفتم. در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردم که این حداقل‌های ایمنی باید رعایت شوند، چرا این اتفاق نمی‌افتد؟

یک سال طول کشید تا بررسی کردند و گفتند نمی‌شود. من اما این مساله را رها نکردم و دوباره در شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را مطرح کردم و نتیجه این حفاظی شد که الان در آنجا زده‌اند. من نسبت به این مسائل و جان آدم‌ها حساس هستم. به همین دلیل در تبریز که بزرگترین پروژه‌ای است که دستور ایمن سازی آن را دادیم.

با وجود اینکه بازار فوق‌العاده تبریز ثبت جهانی است، بزرگترین بازار سرپوشیده و پیوسته دنیاست، ایمن‌سازی انجام شد. آنجا اجازه لوله‌کشی گاز را نمی‌دهند، مردم در آنجا در زمستان یخ می‌کنند. داخل بازار ۵-۶ درجه از بیرون آن سردتر است. گفتند اجازه لوله‌کشی گاز را نمی‌دهیم به این دلیل که اگر آتش‌سوزی شود کل بازار و این اثر از بین می‌رود.

من در این باره تحقیق کردم و با کارشناسان صحبت کردم، یک جلسه در بازار گذاشتیم و همه صنوف آمدند و آنجا تصمیم گرفتیم و مساله تمام شد، گفتم حتما لوله‌کشی گاز انجام می‌شود.

دلیلش این است که تکنولوژی امروز به ما کمک کرده و حسگرهایی در این لوله‌کشی استفاده می‌شود که به محض اینکه یک واحد در بازار دچار آتش‌سوزی شود آن حسگرها فوراً گاز را درکل بازار قطع می‌کنند. تکنولوژی در اینجا به ما کمک کرد. من در همان جلسه این مساله را تبیین کردم و فعالان و رسانه‌های ما نیز قانع شدند.

البته همان‌جا هم گفتم که باید سرمایه‌گذاری بیشتری شود و بازاری‌ها هم کمک کنند و ایستگاه‌های اطفای حریق را در بازار تعبیه کنند. این کاری بود که سال‌ها روی زمین مانده بود اما درنهایت تصمیم گرفتیم و عمل کردیم. آقای رئیس‌جمهور و امام جمعه تبریز هم از من تشکر کردند.

درباره بازار تهران نیز همان زمان دستور دادم که مطالعات انجام شود. ایمنی و پایداری باید براساس اصول مرمت ما باشد. برخی دوستان تصور می‌کنند اگر بخواهیم آنجا را ایمن کنند یعنی باید بکنند، نابود کنند و تیرآهن کار بگذارند.

این مشکل را در بازاری در مشهد داشتیم که ویدئوهایش را در صفحه مجازی خود گذاشتیم. بازاری‌ها به صراحت می‌گویند ما نمی‌توانیم پول بگذاریم و مرمت کنیم، ما اینجا را تخریب می‌کنیم و تیرآهن می‌اندازیم. این‌طور نمی‌شود. باید با کمک هم و با اعتباراتی که بازاری‌ها کمک می‌کنند چون محیط تاریخی آن‌ها را حفظ می‌کنیم، بازار را ایمن کنیم.

در جاهایی هم چاره‌ای نیست. برای فعالان میراث فرهنگی می‌گویم، همکاران ما در چنین مکان‌هایی، کوچکترین اتفاقی که می‌افتد حق دارند آن را رسانه‌ای کرده و به من گله کنند.

اهمیت نقش رسانه‌ها و فعالان میراث فرهنگی را در این حوزه چطور

می‌بینید؟

من صریحاً به همکاران رسانه‌ای و فعالان میراث فرهنگی می‌گویم شما شاقول ما هستید. یعنی اگر این‌ها نباشند هر روز یک اتفاقی در کشور می‌افتد. من یک پرائتز سیاسی باز کنم که در مملکت ما در بحث‌های سیاسی و اجتماعی برخی از آقایان خیال می‌کنند در کشور شاقول یا متر و معیار هستند، یعنی فکر می‌کنند حزب الهی بودن و ارزشی بودن، حتی درباره رهبری صحبت کردن همانطور باید باشد که این آقایان مجوز می‌دهند.

به من اشکال می‌گیرند چرا در فلان جا درباره رهبری اینطور صحبت کردید. گفتم رهبری یک جلالی دارد و یک جمالی! شما همه جلال رهبری را تبلیغ می‌کنید که برخی هم درست نیست اما جمال رهبری را یا سوادش را ندارید، یا تجربه شخصی ندارید، یا شجاعت ندارید یا اصلاً نمی‌خواهید تبلیغ کنید.

برخی کلاً اهل جمال نیستند، اهل زیبایی نیستند. با این مفهوم قهر هستند. اهل جمال و شادی نیستند. شما اهلش نیستید ولی مردم شادی و جمال می‌خواهند، مردم زیبایی‌ها را می‌خواهند و اتفاقاً آندرونی و سبک زندگی رهبری را می‌خواهند که پر از جمال است. من این کار را می‌کنم و هزینه‌اش را هم می‌پردازم.

برخی شاقول ولایت فقیه شده‌اند، شاقول ارزشی بودن شده‌اند، من در مهندسی معتقدم شاقول مهم است، تراز مهم است و یک مقدار اگر خشت اول کج باشد تا ثریا دیوار کج می‌رود، هر چقدر دقت در جزئیات در حوزه پزشکی درست است، در کار نانو درست است، در امور فنی و مهندسی درست است، من معتقدم در بحث‌های اجتماعی هم اینچنین است. این مقدار وارد حریم شخصی مردم نباید شد.

قدری باید خوش بین بود، بساط خوش‌بینی جمع شده و از میان رفته است. به خاطر خطرات و تهدیداتی که داشتیم نگاه امنیتی ما غلبه کرده. این درست است. کاملاً به این موضوع توجه دارم اما به تدریج این نگاه امنیتی تبدیل به یک سبکی از زندگی شد، تبدیل به قوانین نانوشته اجتماعی شد، هر کار می‌خواهید انجام دهید فرض بر این است که یک مشکل امنیتی دارد و برای حل آن چه باید کرد؟

مشخص است این چنین کار جلو نمی‌رود. من معتقد به اهمیت شاقول در امور خاصی که بیان کردم هستم. در مسائل اجتماعی و رفتاری ما اصولی داریم، با اصول کسی مخالف نیستیم. باز نگویند ضرغامی معتقد است همه چیز را به هم بزنیم و هر کسی هر کاری خواست بکند.

ما اصول را قبول داریم و این مفروض است. ما در کبریا مشکل نداریم بلکه در صغرا مشکل داریم. یعنی با کبریا خانم هیچ کسی گیر ندارد و دعوای ما روی صغرا خانم است چون صغرا خانم جزئیات است و هر کسی در اینجا شاقول و کارشناس می‌شود، نباید حتماً به آن تن داد.

من معتقدم در این حوزه اگر فعالان حوزه میراث فرهنگی شاقول کار هستند که من هم این را قبول دارم، یک جایی به مانعی برخورد می‌کنند و آنجا دور زده می‌شود تا مانع حل شود اما وقتی دور زده شد دوباره باید به تراز شاقول خود برگردد.

رسانه‌ها نقش مهمی دارند. یعنی من از رسانه‌ای همچون شما توقع دارم بچه‌های کارشناس را جمع کنید و در بازار بروید. شاقول‌های میراث فرهنگی را جمع کنید و به کارشناسان ما کمک کنید. روش‌هایی که ما داریم مورد بحث قرار گیرد. این دست مسائل با کمک رسانه حل می‌شود. همه این مشکلات کمک رسانه را می‌خواهد تا به یک جمع‌بندی برسیم و آن کاری که می‌خواهیم انجام دهیم محکم‌تر و سریع‌تر انجام شود.

با توجه به بیش از سه دهه سابقه فعالیت در سطح کلان مدیریت فرهنگی سوال بعدی ما در خصوص یکی از مهمترین مسائل امروز فرهنگ است. این روزها شاهد عمیق‌ترین شکاف بین مدیران فرهنگی و اهالی هنر هستیم. در چنین فضایی می‌بینیم که برخلاف برخی از مدیران فرهنگی، شما از نشستن در کنار اهالی هنر پرهیز ندارید و به بهانه‌های مختلف دیدارهایی هم با آنها داشتید. حتی ویدئویی کوتاه از حضور شما در پشت صحنه کنسرت «سیصد» و گپ و گفت با هنرمندان این کنسرت منتشر شده بود که برخی به حجاب خانم بازیگر تاجیکستانی در مقابل شما خرده گرفته بودند. با این حال به نظر می‌رسد که در تعامل و مراوده با اهالی هنر قائل به یک نگاه واقعی هستید و قطعاً اصول و چهارچوب‌هایی را برای مدیریت فرهنگی در نظر دارید. سوال من

مشخصاً در مورد شیوه مدیریتی است که هم قائل به یک سری رویکردهای فرهنگی است و هم اینکه بتواند این اصول را در ارتباط با اهالی هنر یا به تعبیری سلبریتی‌ها حفظ کند. چگونه جمع این دو ممکن می‌شود؟

اول اینکه پوشش خانم تاجیکستانی خیلی خوب بود و در ادامه بحث باید بگویم، به نظر من، ما اینجا هیچ کنتراستی نداریم، همه این موضوعات طبیعی است و اگر اختلافی ایجاد می‌شود کاملاً مجازی است.

اولاً سلبریتی حتماً چیز خوبی است، اصلاً در هر حوزه‌ای حضور چهره لازم است و چهره‌ها مقوم فرهنگ‌ها هستند. این موضوع در رسانه لازم است که شما بروید و چهره‌ای را رسانه‌ای کنید تا حرف بزنند و روی مردم تأثیر بگذارد. اصل موضوع چهره ایراد ندارد.

در بین ورزشکاران، روحانیون، رزمندگان هم چهره وجود دارد. حاج قاسم بالاترین چهره مردمی است. پس نفس چهره به خصوص در فضای هنری نه تنها اشکالی ندارد بلکه اصلاً حکمرانان باید چهره خلق کنند برای اینکه بتوانند اهدافشان را جلو ببرند. منظورم اهداف مثبت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. من خودم از زمانی که در سال ۷۴ معاون سینمایی شدم ارتباطم را با هنرمندان دوستانه کردم و اولین سالی که جشنواره فجر را برگزار کردم، از مسئولان دولتی فقط آقای خاتمی و وزیر و معاون سینمایی می‌آمدند.

در آن روزها خیلی از هنرمندان حتی برای گرفتن جایزه نمی‌آمدند. اولین کاری که من کردم این بود که دوستی عمیقی با هنرمندان برقرار کردم و گفتم جوایز را خودتان به یکدیگر بدهید. یعنی این احترام را به آنها گذاشتیم. مرحوم آقای عزت‌الله انتظامی، مرحوم آقای داود رشیدی آمدند بالا و جوایز را دادند. اتفاقات جالبی افتاد و این افراد باور نمی‌کردند که می‌توانند جایزه بدهند.

معتقدم در فضای هنر باید مثل رهبر عمل کرد، رهبر هم ارتباط خیلی صمیمی با هنرمندان دارند. در اصطلاح روشنفکری بخوایم بگویم با یکدیگر پالوده می‌خورند. من اولین کاری که کردم هنرمندان را بردم سفر؛ از خانم معتمد آریا بگیریم تا بقیه، رفتیم سوسنگرد. به مترو تهران هم که رفتیم از مرحوم کیارستمی تا آقای کیمیایی در کنار ما حضور داشتند.

هنرمندان با ما همراه هستند و می‌خواهند برای کشورشان کاری انجام دهند. بنابراین ضروری است که رابطه دوستانه و صمیمانه‌تر باشد. این را هم بگویم که تعداد کسانی که حواشی ایجاد می‌کنند بسیار کم است.

اگر اسامی تمام کسانی که در سینما و هنر حاشیه درست می‌کنند را بنویسید چند نفر می‌شوند؟ به ۲۰ نفر هم نمی‌رسند. اشکال ما این است که طوری رفتار می‌کنیم و طوری حرف می‌زنیم که انگار این ۲۰ نفر نماینده کل جامعه هنرمندان ما هستند، اما اصلاً این طوری نیست.

پس می‌توان گفت که شما قائل به مدیریت فضای فرهنگی به کمک خود اهالی فرهنگ یا به تعبیری چهره‌های مشهور هستید. با این حال ما این روزها شاهد شیوه‌هایی کهنه از برخورد با اهالی فرهنگ و هنر هستیم؛ همچون توقیف یک اثر یا ممنوع‌الفعالیت کردن یک هنرمند که در فضای فرهنگی و رسانه‌ای امروز دیگر کارکرد خودش را از دست داده است. نظر شما در مورد جنس برخوردها با چهره‌های هنری و فرهنگی چیست؟

من معتقد هستم دوران خلع لباس کردن روحانیت گذشته است. چند وقت پیش که یک روحانی مشهور خلع لباس شد، گفتم این روحانی یک میلیون فالوور داشت و به محض اعمال کردن خلع لباس شدنش تعداد فالوورهایش به دو میلیون رسید. یک زمانی خلع لباس اثرگذار بود.

اما الان ما هر حرفی می‌زنیم موضع می‌گیرند. من می‌گویم دیگر دوره امر به معروف و نهی از منکر در وزارتخانه‌ها گذشته است. عده‌ای می‌گویند ما می‌خواهیم تذکر بدهیم اما اصلاً اینطور نیست. من به عنوان وزیر به تعدادی حکم دادم اما مثلاً می‌گویم امر به معروف مثلاً قرار است چه کاری انجام دهد که حکم بدهم؟ شما بسیج دارید، روابط عمومی دارید، گزینش دارید، ما کلی نهاد داریم که همین کار را انجام می‌دهند و حالا یک تابلویی بزنیم که این بخش می‌خواهد برود و تذکر بدهد.

اصلاً تذکر دادن به این شکل نیست که این‌ها می‌گویند. مشکل این است که ما می‌خواهیم شکلی کار کنیم که نه تنها اثر ندارد بلکه آثار منفی زیادی هم ایجاد می‌کند. باز هم تاکید می‌کنم که چهره‌ها فرصت جمهوری اسلامی هستند. شعار نمی‌دهم، هنرمندان سرمایه کشور هستند. مثل منوچهر اسماعیلی در دنیا پیدا نمی‌شود.

در ایران هم که دوبلورهای بزرگی داریم منوچهر اسماعیلی در نقطه اوج است و بقیه با فاصله از او هستند. من یک روز با همه دوبلورها جلسه داشتم که الان ۸ یا ۹ نفر آنها فوت کرده‌اند. باهم بحث کردیم و گفت و گو کردیم و انتقادهایی داشتند و می‌گفتند آقای ضرغامی، ما داریم فیلم آمریکایی را دوبله می‌کنیم و متن مان این است که بازیگر آمریکایی می‌گوید: «زنم را طلاق دادم» به او می‌گویند چرا طلاق دادی و پاسخ می‌دهد: «طلاق دادم اما می‌توانم رجوع کنم و مساله‌ای وجود ندارد.» (با خنده) مرحوم اسماعیلی در همان جلسه به همین موضوع انتقاد کرد و گفت این فیلم آمریکایی است، اینکه می‌گوید رجوع می‌کنم اصطلاح ما مسلمان‌هاست، چرا باید به ما متن‌های اینجوری بدهید؟

من هم خندیدم و گفتم راست می‌گویید. البته در همان زمان مرحوم خانم فهیمه راستکار حرف خوبی زد و گفت: «ما در بعضی مواقع خودمان هم ابتکار به خرج می‌دهیم، برای مثال در یک فیلم خارجی دیالوگی از شعر سعدی گذاشتیم و خیلی هم خوب شد.»

در همان جلسه به آقای اسماعیلی گفتم شما درست می‌گویید، خانم راستکار هم درست می‌گوید؛ یعنی همین دو سلبریتی وقتی می‌آیند دو نگاه متفاوت از هم دارند و این وظیفه مدیران است که وقتی حرف کارشناسان را می‌شنوند جمع‌بندی درستی انجام دهند. اما اگر شما موضع گرفتید و کلاً آنها را طرد کردید در مرحله بعد همه آنها جلوی شما موضع می‌گیرند.

ما استاد این موضوع هستیم. انگار بعضی‌ها در مدیریت فرهنگی استعداد خیلی خوبی در این زمینه دارند که اگر با یک یا دو نفر مشکل دارند چنان آن را تکثیر می‌کنند و جامعه‌ای را علیه خودش متحد می‌کند که عمراً کسی بتواند کاری بکند.

جایی دیدم که حین سخنرانی با ارجاع به آثار مشهور سینمای جهان مثل تایتانیک تحلیل‌های متفاوتی ارائه دادید. به نظر می‌رسد که با یک نگاه کارکردی به آثار سینمایی توجه دارید. اگر بخواهیم یکی از آثار مهم سینمای جهان که برایتان جذاب بوده است را برای مخاطبان روزنامه معرفی کنید، چه فیلمی است؟

در روزهای اخیر با همکارانم در تلویزیون و آقای برمهانی صحبت کردم، یکی

از فیلم‌های خیلی خوب و جذابی که آنها هم ندیده بودن و از آن اطلاعی نداشتند، فیلم «تاراس بولبا» بود. اینکه کسی این فیلم را دیده باشد مشخصه ای برای من است که سینمای هالیوود را می‌شناسد یا خیر.

قهرمان فیلم «تاراس بولبا» یول براینر است. «تاراس بولبا» یکی از فیلم‌های تاریخی و بسیار قوی سینما است. دو نسخه از این فیلم وجود دارد که یکی از آن را روس‌ها ساختند و سیاه و سفید و قدیمی است. این فیلم به سال ۱۹۶۲ باز می‌گردد و قدیمی است، اما عظمت و جذابیتش را دارد.

سکانس کالسکه سواری آن ماندگار است. من این فیلم را به آقای داوود میرباقری هم گفته بودم و ایشان هم ندیده بودند. من در پاسخ به کسانی که می‌خواهند بگویند ما گردشگری بلد هستیم، می‌گویم اگر بلدید راجع به کمپر، سافاری، آفرود و کروز چه نظری دارید؟

اگر دیدیم این چهارتا را بلد است و برای هر کدام می‌تواند یک پاراگراف خوب توضیح دهد آن وقت معلوم است که چیزی بلد است. در سینما هم خیلی‌ها در یک فیلم خاص متخصص هستند اما در موضوعات دیگر چیزی نمی‌دانند. فیلم «تاراس بولبا» جنگی است و یکی از سکانس‌های آن در فضای باز و بدون جلوه‌های ویژه فیلمبرداری می‌شود و یکی از ماندگارترین سکانس‌های محتوایی، موسیقی است که نمونه‌اش در هیچ فیلمی نیست.

اولین فیلم «تاراس بولبا» روسی و سیاه و سفید بود. «تایتانیک» هم نسخه اولش سیاه و سفید و بسیار قشنگ بود و به همین دلیل خیلی‌ها معتقد بودند «تایتانیک» اصلی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد که البته به خاطر درامی که داشت از آن استقبال شد.

با این حال آقای جیمز کامرون چون یک فیلمساز فنی است، آنقدر در «تایتانیک» اصلی کار فنی کرد که جذابیتش فوق‌العاده شد. می‌دانید که تا ۱۲ سال بعد از تولید این فیلم استراحت کرد و بعد «آواتار» را ساخت، یعنی با شرکت‌های ژاپنی وارد مذاکره شد، به دلیل اینکه فیلم سه بعدی بود. اگر سینما سینمای خوبی باشد و فیلم هم باکیفیت باشد، سه بعدی خیلی می‌چسبد.

من این را در ژاپن دیدم. پیشنهاد من این است که شما چون صفحه

سینما دارید راجع به «تاراس بولبا» که یک رمان معروفی هم است و راجع به سکانس‌های ماندگارش بنویسید، من حتما می‌خوانم، حاشیه هم ندارد. من این فیلم‌ها را در آرشیو شخصی‌ای که دارم نگهداری می‌کنم.

خاطرم است که در دوره ریاست شما در صداوسیما فیلم تایتانیک را هم پخش کردید؟

بله ما این فیلم را در تلویزیون پخش کردیم. روتوسکیپی معجزه دوران ما بود. هر فیلمی را که قابل پخش نبود ما با روتوسکیپی قابل پخش می‌کردیم. «کینگ کونگ» هم همین‌طور بود و می‌گفتند آن را هم نمی‌توانید پخش کنید. اما ما همه را نشان دادیم.

از فیلم‌های جدید چه می‌بینید؟

فیلم‌های جدید هم می‌بینم.

کمی هم راجع به کتابتان توضیح دهید.

من کتابی ننوشته‌ام.

کتاب «یک عکس، یک حرف» برای شما نیست؟

ببینید کتاب «یک عکس، یک حرف» اثر خوبی بود و مبنا این بود که انجام شود، اما خوب انجام نشد. متن‌های من چون متن‌هایی است که باید خیلی روی آن کار شود، برای خیلی‌ها رفرنس شد و خودم هم از کاری که آماده شد راضی نبودم.

از نظر من کار موفق‌تری نبود اما بعدا یک نسخه دیگر بدون عکس با ۱۵ نوع فهرست موضوعی را در قالب ۱۰۰ جلد چاپ کردم و دست دوستانم است. متن و فهرست موضوعی کتابم بسیار غنی است. من هر موضوعی که در کتاب گذاشتم برای آن بسیار مطالعه کردم و با صاحب نظران مختلف صحبت کردم و بعد نوشتم.

راديو گفتگو مردم و رسانه



وزارتخانه، ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

* خبرنگار: وزارتخانه سخت تر است یا صدا و سیما؟

- صدا و سیما پیچیدگی‌های زیادی برای اداره موفقش دارد، قاعدتاً یک مدیریت منشوری همه جانبه اجتماعی سیاسی فرهنگی دارد، که نتایج آن خیلی زود روی آنتن مشخص می‌شود به همین دلیل حساسیت آن نسبت به وزارتخانه میراث فرهنگی و گردشگری هم بیشتر است، از این جهت من مدیریت صدا و سیما را سنگین تر می‌دانم.

در محضر رهبر انقلاب بودم ایشان فرمودند، فرق شما (صدا و سیما) با بقیه دستگاه‌ها این است که اگر یک دستگاه خطایی انجام دهد شاید سال بگذرد تا اشتباه (گاف) آن سازمان مشخص شود اما شما به محض اینکه خطا بکنید میلیون‌ها نفر همان موقع خطا را می‌بینند و قضاوت می‌کنند؛ این تعبیری بود که رهبر معظم انقلاب درباره حساسیت مسئولیت صدا و سیما به بنده فرمودند.

بنابراین همه مدیران به ویژه افرادی که برنامه زنده تولید می‌کنند حساسیت کارشان بسیار بالاست؛ بعد از اینکه این گفتگوها تمام می‌شود آن‌ها باید پاسخگوی افراد بسیاری باشند به همین دلیل بنده بعد از راه‌اندازی خبر ۲۰:۳۰ وارد خیلی از عرصه‌های طی نشده رسانه ملی شدم، مجبور می‌شدم تا نیم ساعت بعد از پخش خبر ۲۰:۳۰ تماس‌ها را قطع کنم و بعد از تنفسی پاسخگو باشم چون افراد بسیاری تماس می‌گرفتند و انتقاد می‌کردند.

با پیشنهاد دکتر خجسته و با بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام شده در جلسات مختلف سال ۸۵ رادیو گفتگو راه‌اندازی شد که منشأ خیر و برکت شد.

من در مورد صدا و سیما نظام مسائش را به خوبی می‌شناختم بنابراین از روز

اولی که بنده مشغول به کار شدم بلافاصله سراغ حل مسائل سازمان رفتم چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ صدا یا سیما و بقیه حوزه‌هایی که داشتیم؛ لذا خیلی سریع تصمیم می‌گرفتم و اقدام می‌کردیم.

یکی از نظام مسائل ما این بود که این آزادی که ما شعارش را می‌دهیم چطور باید محقق شود؟ این یک سؤال جدی است شعار ما در دوران انقلاب استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود؛ هر چهار کلید واژه مستقیم مربوط به رادیو گفتگو می‌شود.

استقلال خیلی مهم است اما استقلال سیاسی موقعی انجام می‌شود که شما استقلال فکری داشته باشید، اگر به زور و پادگانی و با موضعی از بالا به پایین بخواهید استقلال را به مردم تحمیل کنید با تغییر شرایط سیاسی همه مردم به سمت دیگری خواهند رفت پس لازمه استقلال سیاسی؛ استقلال فکری است. از سویی دیگر آزادی بیان، پیش نیاز استقلال فکری است؛ شما اگر توانستید حرف بزنید می‌توانید استقلال فکری را ترویج کنید و مدعی باشید که انجام می‌شود؛ پس این برمی‌گردد به مأموریت رادیو گفتگو.

یکی از مصادیق آزادی، آزادی بیان است، خیلی‌ها خودشان را معادل نظام می‌دانند، بنده یک بار در نماز جمعه تهران همین تعبیر را به کار بردم دیگر از آن موقع ممنوع‌المنبر شدم. بنده را حداقل در سال؛ دو یا سه مرتبه دعوت می‌کردند. روز ۱۳ آبان و سالگرد شهید مطهری به عنوان کارشناس حوزه شهید مطهری دعوت می‌شدم.

* خبرنگار: به واسطه همایش حکمت مطهر؟

- نه من اصلاً خودم توفیق داشتم که کارشناس این حوزه باشم، امسال هم سخنران مراسم رسمی که خانواده ایشان برگزار کردند، بودم. از طرف خانواده ایشان دعوت می‌شوم.

بنده یک بار در نماز جمعه آخرین نطقی که کردم، گفتم بعضی افراد خود را معادل نظام می‌دانند فکر می‌کنند اگر حرفی می‌زنند، حرف نظام است؛ اگر کسی به آن‌ها انتقاد کرد نظام دارد تضعیف می‌شود چون تقریباً مصداقش معلوم بود کیست. من که اسم نبردم فضای سیاسی بود در آن مقطع؛ خوب راجع ما

تصمیم گرفتن اشکال ندارد خدا حفظشون کند وظیفشان را انجام می دهند.
اگر قرار باشد کسی آزادی بیانش یک ذره با قرائت نظام زاویه داشته باشد که منظور رهبر معظم انقلاب آطوری که من از فرمایش ایشان می فهمم این است که شخص آزادی دارد بگوید، اما نمی شود به محض اینکه می گوید، اگر دانشجو است ستاره دارش کنند، اگر مدیر اجرایی است برایش پرونده درست کنند، اگر یک آدم سیاسی است بمباران خبری راه بندازند نمی شود.

حال من خواهم گفت شما در رادیو گفتگو چه کار می کنید که مشکل بزرگی از نظام را حل می کنید.

لازمه جمهوریت حرف زدن است به رسمیت شناختن مردم ما داریم درباره جمهور حرف می زنیم نه حزب و گروه ضرغامی، راجع فلان محفل در تاریک خانه ها که حرف نمی زنیم، درباره جمهور صحبت

می کنیم. وقتی شما جمهور گفتید من جمهور را در افق رسانه صدا و سیما به صورت تئوریک گفتم منظور چه کسی است، شما وقتی خط رگسیون را در ریاضی رسم می کنید؛ خط رگسیون خطی است که در صفحه نقاط، نزدیک تر به همه نقاط است و ممکن است از نقطه ای عبور نکند و فاصله داشته باشد. خط رگسیون طرز رسمش هم مشخص است کسی که آمار می خواند خط رگسیون را رسم می کند. من این را در جلسه ABU به عنوان ایده خودم ارائه کردم بعضی ها که رؤسای بزرگ بودن نفهمیدند و افرادی که فهمیدند می گفتند یک مدخل جدید در رسانه هست و محل بحث شد.

خیلی ساده است شما وقتی یک سری مخاطب دارید باید طوری حرکت کنی تا به همه مخاطبها از هر روشی دیگری نزدیک تر باشی البته ما منحنی خراب کن داریم نقاط منحنی خراب کن را کاری نداریم از محاسبه خارج هستند؛ اینکه من گاهی اوقات به شوخی می گویم فلانی منحنی خراب کن است منظورم همین خط رگسیون است.

می رویم در یک جلسه ای، یکی از علمای بزرگوار می گویند خانمی که اخبار می گوید باعث تحریک آدمها می شود پس نباید خانمها را بگذاریم؛ آن جمله که بنده گفتم اگر تحریک می شوی نگاه نکن که جمله امام است، ذیل همین گفتم

حالا یک عده این را بزرگ کردند ضرغامی می گوید در خیابان بی حجابی باشد اصلاً حرف من این نیست. حرف من این منحنی خراب کن ها بود. عکسش هم هست، نقاطی هستند که طرف می گوید سلیقه مان را باید رعایت کنید، پس وقتی راجع نقاط می گیم، راجع به مردم حرف می زنیم.

جمهوریت یعنی اصالت دادن به این مردم، مردم باید حرف بزنند نظرشان را بگویند سلیقه شان را بگویند. مردم آقا بالاسر نمی خواهند، مردم ما قیم نمی خواهند، مگر مهجور یا عقب مانده اند. بعضی از حکمرانان نگاهشان به مردم یک نگاه عقب ماندگی است، خیال می کنند باید بگویند چطور راه بروند خیلی غلط است؛ ما برای این انقلاب نکردیم، ما انقلاب کردیم همین رفتارها را نابود کنیم، بزنیم زیر میز این رفتارها، امام زد زیر میز این رفتارها؛ این رفتار مال پادشاهان بود.

آن شاهزاده نادانی که من بعضی وقت ها که تاریخ می خوانم، می گویم ما شاهزاده ای مفت خورتر از رضا پهلوی پیدا نکردیم کلاً یک آدم بی سواد، جاهل و بی ربط که اگر چند نفر، رفتار ناجور داشته باشند من مراجعه می کنم بینم رضا پهلوی چه گفته، می بینم که هیچی بارشان نیست؛ بلافاصله هم از صحنه محو می شوند. حقانیت انقلاب اجازه نمی دهد آدم هایی که شایستگی ندارند، چهره بشوند. ببخود بعضی ها را نترسانند، این ها اصلاً مقابل ملت جایگاهی ندارند.

در محضر یکی از روحانیون بودم حرف ایشان را عنوان می کنم؛ در اسلام اول انسانیت مطرح است بعد اسلامیت؛ توضیح می داد هر جا آیات قرآن می گوید یا ایها الناس، خلق الناس، اول باید انسانیت و عقل انسانی (به قول آقای دکتر دینانی شبکه چهار) سر جایش باشد، ما با عقل خودمان قبول می کنیم.

یک مشت دیوانه که نمی گویم این ها طرفدار اسلام و قرآن و خدا و پیغمبر هستند، بعضیا هستند که اصلاً متوجه این ها نیستند، ایمان را هم خیال می کنند دستوری است، داستان فرعون و سحره و حضرت موسی را ببینید، حضرت موسی معجزه کرد. سحره این کاره بودند، فهمیدند که این سحر و جادو نیست و طرفشان (حضرت موسی) به جایی وصل است پس همگی به سجده افتادند داستان سحره فوق العاده است، هر چه گفت می کشمتان، به صلیب می کشم پایتان را قطع می کنم (داستانه قرآن است) سحره محل نگذاشت همگی سجده کردند.

فرعون هم همین کار را کرد و تا غروب نشده همه را به صلیب کشید؛ ولی سحره دست از نظر خود برنداشت. عین آیه قرآن است، فرعون گفت: شما به موسی ایمان آوردید قبل از اینکه من به شما اجازه بدهم، من تعابیر خودم را برای آیات دارم من اسم این را گذاشتم ایمان دستوری، فرعون فکرمی کند رعیتش اگر هم می خواهند، ایمان بیاورند باید ایمان به فرموده باشد، ایمان که به فرموده نیست. ایمان قلبی است.

پس جمهوریت، اسلامیت، استقلال و آزادی و همه اینها اقتضا می کند با مردم حرف بزنند؛ مردم اگر به رسمیت شناخته بشوند، بالاترین حاشیه امنیت خود مردم هستند. شبکه نسیم که راه اندازی شد، گفتم تربیون را بگذارید در پارکها؛ مردم حرف بزنند، این برنامه یکی از پربیننده ترین برنامه ها شد. مردم حرف بزنند جوک بگویند یا حرف خنده داری بزنند. این برنامه خیلی پرطرفدار شد من گفتم مردم که بیایند پشت تربیون یک حرف بیخود نخوانند زد.

ما مردم را به رسمیت نمی شناسیم، ما مردم را رعیتی می دانیم که همه چیزشان را باید از ما یاد بگیرند، آن وقت به اشتباه می رویم؛ ما نوریم اینا قشر خاکستری. اصلاً قشر خاکستری این قدر جا افتاده بود که من اعلام کردم من خودم خاکستری ام. کی گفته من برای قشر خاکستری باید برنامه بریزم؟ افتخارم این است ظلمات نباشم، سیاه نباشم، آرزوم این است خاکستری باشم، مثل توده مردم؛ همانی که امام اعتقاد داشت، امثال آقای طالقانی که تفویزه کردن، خدا رحمتشان کند این بزرگان را جایشان خالی است.

بنابراین راهش این است که بگذاریم مردم حرف بزنند در صداوسیما. کلاً باید این فضا برقرار بشود اما من دنبال چیزی بودم که یک خورده راحت تر این کار انجام بشود؛ بخصوص برای کسانی که طول می کشد این را بفهمند چون صدا و سیما باید همه را ببرد جلو؛ فوراً این مراکز و تربیون هایی که قدرت دستشان بود متوجه نبودن شروع می کردن بهم ریختن، مثلاً گفتگو بین آقای کلهر و قوچانی، گفتگویی کاملاً پاستوریزه انجام شد؛ اگر بدانید چقدر نامه، خبر و بولتن از بالاترین سطح، خدمت رهبر معظم تا پایین ترین آدم رفت که چه نشسته اید ضرغامی آقای قوچانی را آورد در رایو و گفتگو کرد. خیلی طول می کشه تا حتی به دوستان خود

بگوییم اجازه بدهید تا حرف بزنیم. رادیو گفتگو با این فلسفه راه اندازی شد. من از تمام بچه‌های دست اندرکار که تا امروز چراغ را روشن نگه داشتند، تشکر می‌کنم؛ چون می‌دانم الان هم این مشکلات به طرق دیگری می‌تواند وجود داشته باشد، اما ببینید وقتی که راه باز می‌شود، وقتی که خاکریز اول فتح می‌شود کار جلو می‌رود و آرام آرام تحول صورت می‌گیرد.

من تعبیری دارم می‌گویم تحول با تأمل صورت می‌گیرد اصلاً تحول و تأمل با هم هستند؛ نمی‌شود کسی مدعی تحول باشد بعد دو تا حمله بشود بگوید آقا ولش کن. ما می‌خواستیم یک تحولی بشود. اصلاً تحول با محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی نسبتی ندارد. آن کسی که فکر می‌کند می‌خواهد تحولی ایجاد کند، فکر کند همان روز اول همه تشویقش می‌کنند، زنده باد می‌گویند، کلاً اشتباه فکر می‌کند اول حمله‌ها را باید تحمل کند.

رادیو گفتگو با این نیت راه اندازی شد و موفق بود؛ اگر می‌توانست درست به وظیفه خود عمل کند و این سختی‌ها کمتر بود امروز Club house یک پدیده برای کشور نمی‌شد. البته الان کمی افول کرده است، اما یک مدت قبل؛ زمان انتخابات، Club house یک چیزی شد. چند نفر از افراد فعال در فضای مجازی به من پیام می‌دادند؛ آقای ضرغامی امشب یک Club house راه انداختیم، شما هم که می‌خواهید در گفتگو شرکت کنید؟ اما Club house یکی از خط قرمزهای من است؛ ما تا زمانی که رادیو گفتگو داریم هیچ وقت سراغ Club house نخواهم رفت.

از آزادی سوء استفاده می‌شود، به اسم آزادی چیزهای بی‌ربطی که دروغ و تهمت است و موجب ضایع شدن بسیاری از هنجارهای خوب می‌شود، همان کاری که گروهک‌ها اول انقلاب به نام آزادی انجام می‌دادند در صورتی که آخر دیکتاتوری بودند؛ یادتان باشد دیکتاتوری روشنفکری وحشتناک است. بعضی‌ها که از رفتار روحانیت ناراحت می‌شوند به من می‌گویند، دیکتاتوری آخوندی خیلی بد است. جوابی که من به آن‌ها می‌دهم، این است که دیکتاتوری آخوندی اگر از نظر شما بد است، دیکتاتوری روشنفکری ده برابر بدتر است.

رادیو گفتگو فرقی با جاهای دیگر این است که می‌تواند آزادی را به درستی معنا و اعمال کند کسانی که کار شما (رادیو گفتگو) را نمی‌فهمند، بگویید آزادی حق است، ما می‌خواهیم آزادی را ترویج کنیم؛ اگر ما این کار را نکنیم تقلبش به میدان

می‌آید. نظام نسبت به آزادی تقلبی مسئول است و باید برای آن راهکار ارائه دهد. وظیفه مدیر توصیف نیست وظیفه مدیر ارائه راه‌حل و اقدام عملی است. نباید فقط حرف زد. نظام در مورد آزادی شعار آزادی را داده است؛ حال باید اعمال کند. راه‌حل نظام رادیو گفتگو است.

رادیو گفتگو، اقدام عملی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آزادی بیان، استقلال، جمهوریت نظام و اسلامیت نظام است.

راه، رادیو گفتگو است. تفاوت رادیو با تلویزیون این است، رادیو گرم، صمیمی و باورپذیر است و همیشه جایگاه خود را دارد.

در نشستی خارج از کشور درباره رادیو دو جمله گفتم جمله اول اینکه من آمده‌ام تا استقلال و اصالت رادیو را در مقابل حمله‌ها و هجمه‌های تلویزیون محافظت کنم؛ این جمله مورد تشویق حضار قرار گرفت رادیو از جهاتی خیلی جلوتر از تلویزیون است. رادیو خیلی راحت و صمیمی و گفتگو در ذات آن است؛ همانند تلویزیون نیاز به تشریفات ندارد. رادیو گفتگو خلأهای نظام و حلقه‌های گمشده نظام را پیدا می‌کند و برای آن‌ها راه‌حل ارائه می‌دهد.

توصیه بنده این است شما باید با مسئله‌یابی مناسب (بعضی افراد بی‌سواد هستند و نظرات خود را به بعضی سؤالات مهم جوان نسل امروز تزریق می‌کنند؛ برای همین است که جواب نمی‌دهد، سوالات جدید پاسخ‌های جدید می‌خواهد با پاسخ‌های کهنه و تکراری نمی‌توان به سوالات جوان امروز پاسخ داد.)

کسانی که استعداد ندارند باید تربیون را به افراد کاربلد بسپارند. من به دیدار برخی علما از جمله آیت‌الله حاج علی آقا فلسفی در مشهد رفتم، از ایشان خواستم در برنامه‌ای شرکت کند و پاسخ شخصی را بدهد؛ ایشان قبول نکردند چون پیشاپیش می‌دانستند شخص مورد نظر برنده است منظور کاری را که بلد نبودند به راحتی قبول نکردند.

بدتر از این موضوع اینکه فرد کار بلد هم وقتی می‌خواهد چند کلمه با جوانان صحبت کند، آن‌ها را تکفیر می‌کند و تا حد زیادی جمهوری اسلامی به این شکل شده است. ما می‌توانیم مقابله کنیم و پرچم نگاه رهبری را بلند کنیم و برای نگاه رهبری راه‌حل ارائه کنیم.

بنده تعبیری دارم و آن این است که از آقا اجازه‌ها متنفرم، آقا اجازه تعبیری کلی است افرادی که هر کاری می‌خواهند، انجام دهند باید از بزرگ‌تری اجازه بگیرند. در جلسه‌ای بنده سخنرانی کردم فردی در آن جلسه گفت: «منظور شما از آقا اجازه رهبری است؟» بنده عرض کردم خیر آقا اجازه هشتگی است که ممکن است خود من هم آقا اجازه باشم برای زیردستانم. بنده عین این صحبت را در نماز جمعه قم در محضر بسیاری از علما قبل از خطبه‌ها عرض کردم و بسیاری استدلال‌های بنده را قبول کردند. عرض کردم من رئیس صدا و سیما هستم، بسیاری از کارهای من کارهای مهمی است و رهبری من را منصوب کردند. گاهی اوقات خدمت رهبر معظم عرض می‌کردم، من می‌خواهم کاری انجام بدهم که تبعات بسیاری دارد؛ پاسخی دریافت نمی‌کردم، این عدم پاسخ، من را به این نتیجه می‌رساند که من باید خودم مشکل را حل کنم، من گفته بودم که باید اجتهاد کرد.

تصویر پاره امام (ره) را در سال ۸۸ که از روی آن رد می‌شدند، معاون سیاسی با بنده تماس گرفتند و گفتند که این تصویر به دست ما رسیده و می‌خواهیم در خبر ۲۰:۳۰ پخش کنیم، از نگاه همه این کار نباید انجام می‌شد، ولی ما اجتهاد کرده و به اجتهاد عمل کردیم، برای نشان دادن ابعاد فتنه بهترین کار باید انجام می‌شد. بنابراین آقا اجازه در کلیات، اصول و راهبردها مشخص است و لزوم به اجازه گرفتن نیست. بسیاری از کسانی که می‌گویند ما آقا اجازه هستیم دروغ می‌گویند. افرادی که در خصوص موضوعی بیش از اندازه سؤال می‌کنند تا به جای جواب محکم به جواب مشابه برسند و فوراً پاسخ مورد نظر خود را برداشت و اعمال می‌کنند. من امروز یک رهبرشناس کامل هستم چون با آقا خیلی مذاکره کردم رهبر معظم خیلی موقع استدلال‌های بنده را محکم رد کردند و مواقعی هم پذیرفتند. به همین دلیل رهبری الان پاسخ بسیاری از سؤالات را نمی‌دهند چون می‌دانند پاسخ هم بدهند، افرادی کاری را انجام می‌دهند و به پاسخ ایشان ربط می‌دهند.

*** خبرنگار: چرا مدل رادیو گفتگو در سیما پیاده نشد؟**

در سیما هم باید این اتفاق بیفتد، تلاش‌های بسیاری هم انجام شد؛ نظر بر این بود که خبر سیما از حالت رسمی و عصا قورت داده خارج شود و درخواست

شد بخش خبری کوتاه به صورت محاوره اجرا شود که خبر ۲۰:۳۰ در قالب خبر نسبتاً طنز و با اجرای محاوره راه‌اندازی شد و الان هم یکی از پربیننده‌ترین بخش‌های خبری است و موضوعاتی هم که در بخش‌های خبری نمی‌شد پخش کرد، در این بخش پخش می‌شد و برای بیننده هم قابل درک بود که این بخش خبری رویکردی متفاوت دارد (بخش دیدار آقای خاتمی رئیس‌جمهور وقت با دانشجویان دانشگاه تهران در بخش خبری ۲۰:۳۰).

یکی از کسانی که باعث شد بنده بتوانم خبر ۲۰:۳۰ را به این شکل تداوم بدهم رئیس‌جمهور وقت بود. آقای خاتمی نسبت به رویکرد من کاملاً توجیه بود. فردا پخش این خبر، جلسه دولت بود و همه وزرا با من برخورد کردند که چرا این خبر پخش شده و بنده منتظر برخورد رئیس‌جمهور بودم اما ایشان برخورد همیشگی را داشتند و در خصوص خبر پخش شده هیچ حرفی نزدند. من نسبت به بسیاری موضوعات، نظیر فتنه ۸۸ به آقای خاتمی انتقاد دارم اما جانب انصاف این است که در کنار اشکالاتی که وارد است، ویژگی‌های خوبی هم داشته است.

در خصوص آقای کروبی هم همین‌طور است، علیرغم مواضع و اشکالاتی که در برخی رفتارهای ایشان بوده اما در مواقعی هم یک تنه از بنده دفاع کردند. وقتی بعضی از مسئولان برای انجام کار حق، نیازمند کسب تکلیف از حزب و گروه‌شان هستند نشان می‌دهد استقلال ندارند. مسئول باید استقلال و شخصیت داشته و به حرفی که می‌زند پایبند باشد؛ نمی‌شود شعار بدهند اما وقتی به خودشان می‌رسد فراموش کنند. کار جمعی موقعی موفق است که تک تک اعضا این نگاه را داشته باشند.

زمانی است مسئول تصمیمی می‌گیرد و نظر جمع چیز دیگری است، در این شرایط باید به جمع پایبند باشد این موضوعش فرق می‌کند. اشکال اینجاست که بعضی‌ها از این موضوع سوء استفاده می‌کنند در جمع تصمیمی می‌گیرند و بعد حرف دیگری می‌زنند. خیلی مواقع از بنده در خصوص برخی تصمیم‌گیری‌ها در فضای مجازی سؤال می‌شود؛ در مورد فضای مجازی تا زمانی که عضو فضای مجازی باشم حرف‌هایم را در شورای عالی می‌زنم. حال تصمیمی که در آنجا گرفته می‌شود جمعی است و من نمی‌توانم در بیرون بگویم؛ من گفتم و آن‌ها کار

دیگری انجام دادند (پایبند بودن به تصمیم‌گیری‌های جمعی).

در خصوص رنگبندی سیاست که نتیجه عملیش در انتخابات نمود پیدا می‌کند؛ اولین کاری که باید انجام بگیرد اصالت دادن به آدم‌ها، سلیقه‌ها، این است که تفکراتشان که به رسمیت شناخته شود تا رنگبندی طبیعی باشد که می‌تواند انتخابات را پرشور کند.

بنده بعنوان یک دولتمرد معتقدم دولت آقای رئیسی دنبال یک انتخابات پرشور است. در گفتگو با وزیر کشور آقای وحیدی گزارشی به بنده داد که کمیته‌هایی شروع شده و اقداماتی نیز برای برگزاری انتخابات پرشور در حال انجام است؛ بخشی از این مربوط به دولت است که دولت در حال پیگیری آن است اما همه چیز به دولت بر نمی‌گردد بقیه دستگاه‌ها هم برای برگزاری انتخابات پرشور مسئولیت دارند. حتماً شورای نگهبان مسئولیتی جدی در برگزاری انتخابات پرشور دارد. رهبر معظم در دیدار با کارگزاران به دو نکته مهم اشاره کردند حجاب و انتخابات.

فرمایشات اخیر رهبری در خصوص وحدت، انسجام ملی با همیشه تفاوت دارد بنده معتقدم یک ضرورت بسیار جدی جامعه امروز ماست.

مشارکت مردم، حضور مردم و انسجام مردم؛ رهبر معظم به تعبیری تأکید داشتند که امور ارتقاء باید این موارد اگر آسیب ببیند دشمن می‌تواند هرکاری بخواهد انجام دهد؛ پس همه باید کمک کنند. همدیگر را قضاوت نکنیم، اجازه بدهیم همه از طیف‌های مختلف حرف‌هایشان را بزنند و مردم هم به این باور برسند نماینده‌ای که می‌خواهند هست.

در این راستا رادیو گفتگو وظیفه دارد در چارچوب سیاست‌های رسانه ملی و در عمل به فرمایشات رهبری زمینه گفتگوهای مناسب براساس این راهبرد را فراهم بکند و دستگاه‌هایی که ملزمند مقتضیات مربوط به برگزاری این انتخابات رقابتی پرشور را فراهم کنند، از طریق برنامه‌های شما راهشان را پیدا کنند. فضای مجازی کمک کرد تا ادبیات مسئولین متفاوت شود. بنده علاقه بسیاری به رادیو گفتگو دارم. رادیو گفتگو با بنیه و تجربه‌ای که دارد باید الگوی آزاداندیشی برای تمام رسانه‌ها بشود.

شبکه خبر شهید تهرانی مقدم



وزارتخانه، ۲۱/۰۸/۱۴۰۲

* از آشنایی خودتان با حاج حسن آقا بفرمایید که از چه سالی و چگونه

شروع شد؟

- آشنایی من با شهید تهرانی مقدم از کلاس اول دبیرستان در دبیرستان بزرگ تهران روبه روی پارک شهر شروع شد. در کلاس درس نیمکت‌های روبه‌روی یکدیگر بودیم بنابراین دوران دبیرستان با هم بودیم و خاطرات دوران دبیرستان هم زیاد داریم، از جمله این که ایشان تقریباً مانند من عاشق فوتبال بودند.

برخی اوقات یکی از سرگرمی‌های ما این بود که تیم منتخب جهان را با یکدیگر می‌بستیم و بعد از بازی‌های جام جهانی با یکدیگر ۱۱ نفر دنیا را می‌بستیم و بعد سر این که کدام دفاع و کدام خط حمله بهترین است دعوایمان می‌شد و بر سر هم می‌زدیم.

به عنوان مثال؛ من معتقد بودم مهاجم اول که گردهم‌ولر در جام جهانی اول بوده است اما او می‌گفت که گردهم‌ولر مرده‌خور است و می‌ایستد به او پاس بدهند و در گل بزنند و همین تعبیر مرده‌خور جوانان در فوتبال است. اما من به او می‌گفتم همین قدر که توپ را گل کند خیلی مهم است.

شما از این جا در نظر بگیرید تا همبازی فوتبالی که با هم بودیم. در دوره‌های بعد که من مسئولیت‌های موشکی داشتم و کارخانه‌های موشکی تحت نظر من بود شهید تهرانی مقدم می‌آمدند که به ما کمک کند و با هم همکاری کنیم تا نمونه‌سازی‌هایش را انجام دهد، با این وجود برنامه فوتبالی ما قطع نمی‌شد و در زمین فوتبالی که داشتیم مرتباً در طول هفته یکی دو بار با همدیگر برنامه ورزشی داشتیم.

شهید تهرانی مقدم در تئوری و عمل در بالاترین سطح و سرآمد بود، اما این

دو با یکدیگر تعارض دارند. برخی‌ها در حوزه تئوری خیلی خوب هستند ولی در حوزه عمل ضعیف هستند اما برخی‌ها در کارهای عملیاتی خیلی خوب هستند ولی در حوزه تئوریک ضعف دارند اما شهید تهرانی مقدم در حوزه تحقیق و پژوهش، مطالعات، نوآوری و خلاقیت، به لحاظ علمی و هایتک، فناوری‌های بالا و پیشرفته جزء ممتازترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی است.

به همان اندازه هم در عمل ایشان سرآمد بودند. تولید مشکلات خود را دارد، من به عنوان فردی که در تولید و کارخانجات صنایع نظامی و موشکی زیاد کار کرده‌ام محدودیت‌های تولید را می‌دانم.

اگر دو قطعه موشکی معمولی به همدیگر بسته شود پیچی دارد این‌ها روی هم باید بسته شود. نقشه را می‌کشند و همه می‌گویند عالی است، اما وقتی می‌خواهید هزار عدد تولید کنید به بن‌بست می‌خورید. کما اینکه من مجموعه‌ای را تحت عنوان کارهای بزرگ تولید در حوزه صنایع نظامی دارم و باید مکتوب و تبدیل به یک کتاب کنم. برخی از آنها بسیار سخت بود اما با کمک پروردگار و بچه‌های خلاق حل می‌شد و می‌توانستیم تولید کنیم. حسن آقا در هر دو حوزه عالی بود. ویژگی دیگری که ایشان داشتند این بود که قهرمان مدیریت داشته‌ها بود. این عنوان را من برای این مفهومی که می‌گویم انتخاب کرده‌ام، یعنی سعی می‌کردند از کوچک‌ترین امکانات برای بزرگترین کارها استفاده کنند و نمی‌نشستند مانند ضرغامی بگویند بودجه نداریم و مجوز ندارند و دستگاه وزارتی اجازه نمی‌دهد کار کنیم.

این موارد در راسته کار حسن آقا نبود و هر چیزی را که می‌دیدند امکان استفاده دارد هنرشان این بود که از آن بهره‌برداری می‌کردند. به طور مثال؛ در حوزه ساخت نمونه‌های موشک چون با من رفیق بودند بدون هیچ‌گونه ابلاغ و تصمیم‌گیری سازمانی، صرفاً رفاقتی به من می‌گفتند می‌شود از چهارده سالن بزرگی که دارید نصف یک سالن را به من بدهید می‌خواهم نمونه‌های موشک دور برد را بسازم و من نمی‌توانستم به ایشان نه بگویم.

در ادامه می‌گفتند می‌توانید چند نفر قالب‌ساز و تراشکار خوب هم به من بدهید؟ من می‌پذیرفتم و ناگهان می‌دیدیم سالن تجهیزات موشکی ایشان را تجهیز

کردیم بدون این که یک ریال بودجه دهند یا خودشان اقدامی کنند. به طور مثال؛ سوخت را می‌خواستند بسازند با پارچین و ارتش صحبت می‌کردند و بدون این که پول و نیرو داشته باشند کار انجام می‌دادند. نیروهای حسن آقا به ۱۱ نفر نمی‌رسیدند که ما یار قرضی به او می‌دادیم، یعنی ۹ نفر بودند و ما دو نفر یار قرضی به آن‌ها می‌دادیم که ۱۱ نفر بشوند. آدم‌هایشان ۱۱ نفر نبودند ولی به اندازه‌ای از این‌ها خوب کار می‌کشید که تیم‌شان بسیار قوی بود. تیم موشکی حسن آقا، الان هم بچه‌هایشان هستند. شهید حسن تهرانی مقدم در سخت‌افزار و نرم‌افزار و محاسبات، قهرمان مدیریت داشته‌ها است، گمشده امروز ما ایشان است، مدیران امروز ما به اندک بهانه‌ای کار نمی‌کنند و وقتی از آن‌ها دلیل می‌خواهید بهانه می‌آورند، در صورتی که حسن آقا نمی‌دانستند بهانه چیست.

در روزهای آخر عمر مبارک‌شان نمایشگاه موشکی در حضور رهبر معظم انقلاب تشکیل شد. جزییات آن را هم ایشان به من گفتند و از یکی از مسئولان که در دفتر مسئولیت داشتند بعداً شنیدم حضرت آقا بازدید مفصلی از این نمایشگاه موشکی کردند، حسن آقا هم برای ایشان توضیح مفصلی می‌دادند که چه کاری انجام دادیم و وقتی بازدید تمام می‌شود رهبر انقلاب خطاب به ایشان و بقیه مسئولینی که از سپاه بودند می‌فرمایند "ما هر چه که گفتیم آقای تهرانی مقدم انجام دادند.

"بنده هم رئیس صدا و سیما بودم، اما آیا هر چه آقا گفتند من انجام دادم؟ آیا توانستم انجام بدهم؟ خیر، دیگرانی که از طرف آقا مدیریت داشتند چقدر وقت آقا را گرفتند و آقا درخواست‌هایی داشتند، ما آیا توانستیم به طور صد در صد رضایت رهبری را جلب کنیم؟ خیر. اما حضرت آقا در مورد فناوری موشکی فرمودند "هر چه من گفتم آقای تهرانی مقدم انجام دادند" این مدال افتخار ارزشمندی است، این ویژگی ایشان به دلیل روحیات خودشان و نحوه مدیریت و تواضع خودشان بود. بسیار انسان متواضعی بودند و از نظر اخلاقی بسیار متخلق و متواضع بودند.

یک روز با یکدیگر به میدان تیر سمنان رفتیم تا برخی از موشک‌ها را تست

کنیم، البته برای موشک‌های کم برد راکتی خودمان بود که من مسئولیت آن را در مجموعه صنایع شهید حسن باقری بر عهده داشتم و او هم برای پروژه دیگری می‌خواست برود. با یکدیگر به میدان تیر رفتیم. او تست کرد و تست‌شان خراب شد و از بین رفت و شکست خوردند اما نمونه‌های ما جواب داد.

ما خوشحال از این موضوع بودیم اما تست حسن آقا جواب نداد و عصبانی بودند از این‌که تمام زحمت‌هایشان هدر رفته بود. من منتظر بودم با بچه‌هایی که همراهشان آمده بودند دعوا کند اما وقتی تست منفی شد خطاب به دو، سه نفر اصلی گفتند دم‌تون گرم دیدید چی شد؟ و بیشتر از این چیزی نگفتند.

آن‌ها می‌دانستند وقتی با ناراحتی می‌گوید "دم‌تون گرم این شد نتیجه کارتان!" این اوج ناراحتی حسن آقا است. این رفتار تمرین و اخلاق و تواضع نیاز دارد اما برخی‌ها در این مملکت بلد نیستند حتی حرف بزنند، حتی وقتی می‌خواهد تشکر کند بلد نیست و طرف را ناراحت می‌کند و یا می‌خواهد به شکلی تذکر بدهد و تویخ کند چیزی می‌گوید که شخص کار را رها می‌کند و می‌رود.

ما بحثی در مدیریت به نام انگیزه داریم که انگیزه حرف اول را می‌زند. برای این‌که یک مدیر، موفق باشد، وظیفه دارد انگیزه ایجاد کند، خیلی از مدیران ارشد ما نه تنها انگیزه ایجاد نمی‌کنند بلکه آن افرادی هم که انگیزه دارند انگیزه آن‌ها را هم می‌کشند.

من افراد بسیاری را می‌شناسم که آدم طرف خیلی خوب و مدیری بوده می‌خواسته کار انجام دهد اما مدیر بالاتر به شکلی با او رفتار کرده که کار را رها کرده است. انگیزه بخشی خیلی مهم است. حسن آقا در چنین تستی ناراحت می‌شود اما از گل نازک‌تر به این بچه‌ها نمی‌گوید و فقط جمله‌ای می‌گوید که آن‌ها بدانند ایشان از آن‌ها دلخور است.

ایشان به نماز اول وقت بسیار پایبند بودند، من با ایشان یک بار کوه رفتم، دوست مشترکی هم داریم که آقای شهسواری مسئول تربیت بدنی ما در حوزه ورزش بودند. با ایشان کوهنوردی چند روزه می‌رفتند و حتی به جاهایی که صخره و پرتگاه هم بود می‌رفتند. اذان که می‌گفتند ایشان در یک و جب جا در صخره‌های

بلند نمازشان را می خواندند یعنی پایبندی ایشان در حدی بود که در حداقل امکانات نماز را تکریم و توجه می کردند.

ایشان وظیفه شناس بودند و به تمام افرادی که مسئولیت های بالاتری داشتند احترام می کرد. بچه های عملیاتی و جنگ که با آنها زندگی کردیم روحیاتی پیدا می کنند که بچه های ستاد را تحویل نمی گیرند و یا از آنها می خواهید کاری را انجام دهند اهمیت نمی دهند و می گویند شما هم به خط مقدم بیاید و ببینید چه خبر است بعدا درخواست انجام کاری را کنید.

حسن آقا علی رغم اینکه خط مقدم کار خودش بود، احترام به بالاترها و سلسله مراتب را خیلی خوب رعایت می کرد.

ما یک بار در میدان تیر بودیم. هلی کوپتری بر زمین نشست و حامل فرمانده جدید نیروی هوایی بود که ارتشی بود. حضرت آقا یک کار جالبی کردند یک نفر از ارتش را فرمانده نیرو در سپاه کردند و آقای امیر جلالی شدند سردار جلالی. بسیار انسان متشخص و قابل احترامی هستند و در نتیجه ایشان فرمانده نیروی هوایی سپاه شدند.

از سپاه هم یک نفر را آوردند و در ارتش فرمانده نیرو کردند که آقای شمخانی هستند، ایشان سپاهی بودند و آقا به ایشان حکم دادند و فرمانده نیروی دریایی ارتش شدند و این کار ابتکار خوبی بود که آقا برای نزدیکی سپاه و ارتش انجام دادند.

امیر جلالی فرمانده نیروی هوایی سپاه و رئیس آقای تهرانی مقدم بودند. گفتند ایشان می خواهد بیاید و تست را ببیند. آقای جلالی انسان منظمی هستند و کاملاً پروتکل ها را رعایت می کنند. هلی کوپتر که بر زمین نشست یکی از نیروهایش آمد و گفت شما به خط شوید و با کلاه احترام نظامی بگذارید ایشان فرمانده شما است.

هنوز هم در سپاه درجه راه نیفتاده بود. افرادی که آنجا بودند ده نفر بودند اما سه کلاه داشتند. هلی کوپتر که نشست فاصله داشت. حسن آقا ابتکاری نشان دادند و گفتند بچه ها به خط شوید و سه نفر اول از جمله خودشان کلاه را بر سر خود گذاشتند و به شکلی این افراد را سامان داد که آقای جلالی متوجه نشدند

افراد پشت سر کلاه بر سر ندارند به نحوی که آقای جلالی به نفر که دست می‌داد آن نفر کلاه را از پشت سر دست به دست می‌کرد و به نفر بعدی می‌داد و نفر بعدی احترام نظامی که می‌گذاشتند از پشت سر به نفر بعدی می‌دادند و ده نفر همان‌جا با کلاه احترام نظامی کردند.

من نمی‌دانم آقای جلالی متوجه شدند یا خیر اما ایشان پایبند بودند که اگر فرمانده بالاتر بر روی این مسائل حساس است احترام نظامی را باید به درستی به عمل آورد. یک انسان چقدر باید خوب باشد که در اوج نگاه علمی کارهای نظامی را به درستی انجام دهد، زیرا افرادی که در کارهای علمی هستند حوصله کارهای نظامی و شوق و رق ایستادن را ندارند.

ما در وزارت سپاه بودیم و به ما درجه دادند و ده نفر درجه سرتیپ دومی گرفتیم، آقای فیروز آبادی و ترکان، که هر دو مرحوم شدند، روی سن بودند و اسم ده نفر را خواندند و از شب قبل هم گفتند می‌خواهید این‌جا بیایید باید قدم رو بدهید و احترام بگذارید و به درستی بایستید آقای فیروز آبادی می‌خواهد بر روی شانه‌هایتان درجه بگذارد.

ما این کار را بلد نبودیم و مقداری این کار را به شوخی گرفتیم. افرادی مانند مهندس برق و دکتری برق و بچه‌های وزارت دفاع بودند و افراد نظامی نبودند بلکه علمی و دانشگاهی بودند. این افراد با این‌که خیلی تمرین کرده بودند وقتی اسم‌ها را می‌خواندند تا روی سن بروند و در مقابل جمعیتی که در سالن نشسته بودند و قدم رو بروند و بر روی شانه‌هایشان چیزی بچسبانند، این قدر بی‌خیال و راحت راه می‌رفتند مانند این‌که در خیابان لاله‌زار پیاده‌روی می‌کنند. همه می‌خندیدند و این صحنه جوک شد.

وقتی همه درجه گرفتیم مرحوم آقای فیروز آبادی وقتی می‌خواستند صحبت کنند این قدر از شل و ول بودن ده نفر مسئول وزارت دفاع ناراحت بودند که صحبت خود را کنار گذاشتند و بر علیه آن ده نفر صحبت کردند. می‌گفتند این‌جا محیط نظامی است درست راه بروید، درست قدم رو انجام دهید. یک نفر تان شل و ول است و نفر بعدی دست تکان می‌دهد. علت این بود که آن افراد نظامی نبودند اما حسن آفا نظامی به معنای واقعی بودند و سلسله مراتب را به معنای واقعی قبول داشتند.

اولین موشک در مجموعه‌ای که بنده حضور داشتم موشک ۹ کیلومتری مینی کاتیوشا فجر ۱ بود و در مجموعه ما مجدد فجر ۳ ساخته شد. موشکی بود که ۵ کیلومتر به جلو می‌رفت و سر جنگی بالاتر و قدرت جنگی بالایی داشت. ما "اینپرو" کردیم، اصلاحات انجام دادیم، سبک کردیم تا ۷۰ کیلومتر هم رفت. مینی کاتیوشا ۱۰۷ میلیمتر بود (این عددها برای قطر است). کاتیوشا را از زمان طاغوت در کارخانه‌ای در پارچین با دستگاہایی می‌ساختند که ۱۲۲ میلیمتری بود اما وقتی موشک ۲۴۰ در آمد یک دفعه روی ۷۰ رفتیم و تولید انبوه انجام شد.

اولین محموله توان نظامی که از ایران به مبارزات فلسطین داده شد بنده مسئول آن مجموعه بودم و بخشی از این موشک‌ها را برای جنوب لبنان و فلسطین بردیم و به فلسطینی‌ها آموزش دادیم. بخش زیادی از این موشک‌ها را که در همین برد بود همان زمان دادیم فلسطین. همان مردمی که در حال حاضر مقاومت می‌کنند. طرف مقابل‌شان آمریکا است که پیشرفته‌ترین سلاح‌ها را دارد، اما آنها به خوبی مقاومت می‌کنند و می‌جنگند. صهیونیست‌ها در جنگ ضعیف هستند که کودک‌کشی می‌کنند. اخیراً هم تهدید به هسته‌ای کرده است، این همه دنیا را متهم می‌کنید و اکنون با کمال پرویی می‌گویید با بمب هسته‌ای غزه را می‌زنیم. در زیرزمین‌های فلسطین، که من چند ساعتی همراهشان بودم زمان ناهار دیس و سینی بزرگی آوردند و غذاهای عربی زیادی در آن سینی‌ها بود از جمله گوشت و بادمجان و حبوبات. همه دور هم نشستیم و شروع به ناهار خوردن کردیم. متوجه شدم که در جای جای این زیرزمین قفس پرنده قرار داده بودند و قناری در آنها بود و این قناری‌ها خیلی می‌خواندند.

من ابتدا تصور می‌کردم چون اهل ذوق هستند قناری در قفس گذاشتند که برایشان بخواند و حالشان خوب شود و همین حین که ناهار می‌خوردیم گفتم آفرین به ذوقی دارید و قناری‌ها خوب می‌خوانند. گفتند ما قناری‌ها را برای صدایشان این‌جا نگذاشته‌ایم. اینجا چون زیرزمین است، برخی مواقع هوا قطع می‌شود و تهویه‌ها خوب کار نمی‌کنند، لذا خطر تنفس پیش می‌آید. این حیوان چون ضعیف است مانند سنسور و حسگر عمل می‌کند، یعنی به محض اینکه هوا کم می‌شود این حیوان می‌میرد و پایش به هوا می‌رود و ما متوجه می‌شویم هوا نمی‌آید.

من وقتی اینستاگرام خود را راه اندازی کردم اولین پستی که به اشتراک گذاشتم زرد قناری نام دارد، زرد قناری نشات گرفته از فیلم سینمایی زرد قناری است و هیچ ارتباطی ندارد و این داستان را در آن پست تعریف کرده‌ام. این عمل در واقع مدیریت داشته‌ها می‌باشد، به جای اینکه سنسورهای گران بخرند قناری می‌گذارند و از صدا استفاده می‌کنند و هوا که کم شد قناری می‌افتد.

برگردیم به موضوع موشک. وقتی ما در فضای چند ده کیلومتر بودیم آقای مقدم با نگاه بلند خود موشک را به چند صد کیلومتر و چند هزار کیلومتر بردند، "اعلی الله مقامه". البته بقیه هم کمک کردند، اما شهید تهرانی مقدم پرچم دار و جلودار این کار بودند.

امروز یکی از جدی‌ترین توانمندی‌ها و ابزارهای که برای حفظ امنیت ملی مان در اختیار داریم توان موشکی ما است. آقای مقدم از ابتدا در بردهای کم شروع کرد و با نگاهی که داشتند در چند هزار کیلومتر بستند و ما امروز توان این کار را داریم، البته تا جایی که می‌دانم بیشتر از دو هزار کیلومتر نیاز نداریم و هر وقت لازم بشود و دکتترین دفاعی ما بر این قرار بگیرد که این رقم افزایش پیدا کند با توانمندی که ایجاد شده است حتما بردها می‌توانند به صورت کاملاً معناداری افزایش پیدا کنند.

همه این‌ها به دلیل روحیه انقلابی و جهادی و متکی به توانمندی‌های داخلی است. ما از کسی قرض نگرفتیم و حسن آقا جان خود را برای این کار گذاشتند.

*** حسن آقا چگونه شهید شدند؟**

- حسن آقا در شهریار و ملارد کنار کارخانه شماره ۲ ما که مواد ناریه ما بود، فعالیت می‌کردند و موشک‌ها آنجا به هم متصل می‌شدند. پرس‌های حسن آقا آنجا با فاصله از نیروی هوایی بودند.

ما برای تولیدات خودمان به این طرف می‌رفتیم و حسن آقا از سر باریکه انتهای روستا به پادگان خودشان می‌رفت. سالی را آماده کرده بودند و پرس‌های سنگین مواد ناریه که بسیار خطرناک است حسن آقا در کنار آن ایستاده بودند، یعنی سوخت جامد بسیار با ضریب بالا انجام می‌شد. فداکاری همین است که خود ایشان پای کار بودند و خودشان برای فرمول‌هایی که تعریف کردند کنار

پرس ماندند تا ببینند به درستی انجام می‌شود یا خیر.

نمی‌دانم آن‌جا چه اتفاقی افتاد، آیا جرعه‌ای زده شد یا پرس چگونه کار کرد که باعث به شهادت رسیدن ایشان شد. البته همه این‌ها در سیستم ما بادی است یعنی مسائل ایمنی در مواد ناریه خوب رعایت می‌شود و جرعه نباید آن‌جا می‌بوده، اما به هر دلیلی بود این اتفاق افتاد، چیزی از آن‌جا باقی نماند و همه چیز نابود شد. منتهی الیه غرب تهران در شهریار بود اما حتی شرق تهران صدای این انفجار شنیده شد. خداوند درجات ایشان را متعالی کند. آن‌چه برای کشور گذاشتند با فداکاری و علم و دانش و ایثار مایه امنیت مردم است.

مدیریت در بحران با کمترین امکانات یکی از جدی‌ترین بحث‌های مدیریتی است. به عنوان مثال با شخصیت آقای دهقان فداکار ملاقات کرده بودم و به ایشان جایزه دادم و در صفحات اینستاگرام بنده صحنه‌ای که به ایشان جایزه می‌دهم موجود است.

ریز علی خواجهی دهقان فداکار بود اما آن‌چه که از ریز علی خواجهی می‌شود برجسته کرد بالاتر از فداکاری اوست که همان مدیریت بحران است. فکرش کار کرد. یعنی وقتی دید کوه ریزش کرده و تاریکی شب است و قطار به سرعت در حال حرکت است و ممکن است با سرعت به کوه ریزش کرده برخورد کند و همه آدم‌های داخل قطار از بین بروند ایشان دیدند نه موبایلی است که به کسی خبر بدهد و تماس بگیرد و نه کسی آن‌جاست تا کمکی کند، تنها چیزی که داشت پیراهن تن او و فانوس در دست او بود. فکر ایشان بود که کار می‌کرد.

آیا اگر ضرغامی بود به عقل او چنین کاری می‌رسید؟ خیر. ما دنبال این بودیم با جایی هماهنگ کنیم و اطلاع دهیم که اتفاقی نیفتد، اما عقل و فکر این انسان اینقدر کار می‌کرد که پیراهن خود را در بی‌آورد و نفت را بر پیراهن خود بریزد و در آتش زدن پیراهن خود عجله نکند و صبر کند قطار نزدیک شود.

من با ایشان صحبت کردم و گفتند وقتی قطار ایستاد مردم فکر می‌کردند او مزاحم است و می‌گفتند اولین نفراتی که از قطار پیاده شدند نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده است، من را کتک مفصلی زدند و بعدا فهمیدند چه کار بزرگی کرده‌ام!

فکر او کار کرده و توانسته است کار بزرگی انجام دهد. آن چیزی که در نظام مدیریتی ما گمشده امروز ما است همین است. خیلی از مدیران ما وقتی امکاناتشان محدود و بحران ایجاد می‌شود نمی‌دانند مدیریت در بحران جزء خود مدیریت است و فکر می‌کنند حتما باید اعتبار و بودجه و مجوزشان درست باشد که با سلام و صلوات بخواهند قدمی بردارند و کاری انجام دهند.

این‌ها برای ما درس است. حسن آقای مقدم برای ما درس است. کارها را باید بزرگ ببینیم، همان طور که انقلاب ما انقلاب بزرگی بود و مردم ما مردم بزرگی هستند. روحیه‌ها اگر مانند شهید تهرانی مقدم باشد خیلی از مشکلات ما حل می‌شود.

*** حاج حسن زمانی که تست‌های موشکی را انجام می‌دادند در اکثر مواقع خانواده شهدا هم آن‌جا بودند، آیا تست‌ها را در حضور آن‌ها انجام می‌دادند؟ خیلی تصویر از ایشان داریم اولین کاری که انجام می‌دادند سجده می‌کردند و یا نماز شکر می‌خواندند. آیا این‌ها درست است؟**
- سجده و نماز شکرگزاری ایشان کاملا درست است. من بارها این موضوع را دیدم، اما این‌که خانواده شهدا را آن‌جا می‌بردند که حین تست کنارشان باشند من ندیده بودم، اما کسانی که نقل کرده‌اند حتما درست گفته‌اند چرا که به روحیه شهید مقدم می‌خورد.

*** در زمان سجده‌گذاری چه می‌شود که حاج حسن می‌گویند حواس‌تان باشد موشکی که ساخته شده را ما نساختیم و یا در مورد موشکی که به هدف برخورد می‌کرده می‌گفتند این موشک را ما به هدف نزده‌ایم و آن معنویت حاج حسن را نشان می‌دهد. شما چه فکت‌های دیگری از معنویات حاج حسن دارید.**

- شهید تهرانی مقدم شخصیت برجسته معنوی بودند. من نماز خواندن ایشان را یاد دارم. یعنی حسی که در نماز خواندن داشتند بسیار عمیق و با توجه بود. نماز اول وقت ایشان ترک نمی‌شد. در هر شرایطی نماز اول وقت‌شان را می‌خواندند، مانند زمین فوتبال، کوه و هر جا بودیم نماز اول وقت خود را می‌خواندند. کسی که نماز اول وقت می‌خواند خیلی جلو است و از برخی بزرگان هم شنیده‌ام

افرادی که نگران قیامت و قبر و آن دنیا هستند به نمازشان توجه کنند و اول وقت بخوانند نگران بقیه چیزها نباشند.

البته من به دلیل گرفتاری‌هایم خیلی نماز اول خواندن را رعایت نمی‌کنم اما حسن آقا مقید بودند و شخصیت کاملاً معنوی داشتند. اواخر عمرشان شنیده بودم که تصمیم داشتند به قله اورست بروند چون ایشان اکثر قله‌های بلند را رفته بودند. حتی در کوهنوردی از ما جلوتر بود و مطمئن بودم با روحیه‌ای که داشتند حتماً قله اورست را فتح می‌کردند توسلات و دعا و نماز شب ایشان نشان دهنده شخصیت معنوی ایشان بود و همین مسائل است که برکت می‌دهد.

*** روی مزار حاج حسن نوشته شده است این‌جا مکان کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند، با توجه به این شعار چقدر در مورد رژیم صهیونیستی و نابودی آن با شما صحبت می‌کردند؟**

- همیشه می‌گفت انگیزه‌اش نابودی رژیم صهیونیستی است. آخرین بار که حسن آقا را دیدم یک جایی با همدیگر شام می‌خوردیم با لحن همیشگی که داشتند به من اصرار می‌کردند وقت بگذار کاری انجام داده‌ام بیا بید ببینید. حتی چند بار چند نفر به من گفتند آقای مقدم یک کاری را پیگیری کردند اما شما برای دیدن این کار وقت نگذاشتید، اصرار زیاد کردند و گفتند شما بیا بید ببینید من این بار چه چیزی ساخته‌ام و چه توانمندی دارد.

این آخرین جمله‌ای بود که من از حسن آقا در ذهن دارم. اما به هر حال هر چیزی در چهارچوب سیاست‌های نظام و دستورات رهبری و راهبردهای کشور است. به هر حال انگیزه او این‌گونه بود.

من به یاد دارم که یک نفر از خلبان‌های فداکار دوران جنگ خیلی آدم محترمی بودند و در مانوری که من هم بودم بر روی عرشه کشتی بود و با فانتوم خود آن‌قدر سطح دریا آمد که ما فکر کردیم سقوط کردن، یعنی با کمترین فاصله روی سطح دریا قرار گرفت. درعکس این صحنه مشخص است.^۵

با فاصله‌ای که ما ایستادیم کاملاً پایین قرار دارد و از روی سطح آب عبور می‌کند. ما همه ترسیدیم، اما دور زد و مجدد بازگشت. وقتی پیاده شد و با یکدیگر شروع به صحبت کردیم گفت آرزوی من این است اگر بین ایران و رژیم

صهیونیستی درگیری شود من اولین فردی باشم که فانتوم خود را بردارم و از ارتفاع بسیار پایین بروم که رادارهایشان من را نگیرند و این توان را دارم که هر جایی را که بگویند، آنجا را بزنم. این نتیجه روحیه ارتشی‌ها و خلبان‌های جنگنده نیروی هوایی ما است. دفاع مقدس نشان داد که توانمندی این کشور خیلی زیاد است، در جایی که همه دنیا به صدام کمک می‌کردند و فکر می‌کردند کار تمام است اما نتوانستند.

از شهید شیرازی نقل می‌کنم و مکتوب هم شده است؛ وقتی عملیات انجام می‌دادند و باز می‌گشتند می‌گفتند به امام سلام برسانید و به امام بگویید چه چیزی این‌جا دارد می‌جنگد (شهید شیرازی خلبان بسیار ماهری بودند). می‌گفتند آنچه که می‌جنگد عقیده و اعتقاد و باور به شهادت و آرزوی شهادت است.

این‌ها نعمت‌هایی است که انقلاب به ما داده است، اما در چهارچوب مصلحت‌هایی است که رهبری تشخیص می‌دهند چه چیزی به نفع کشور است، ولی هر وقت شرایطی پیش بیاید که لازم باشد ما هر جایی در دنیا وارد جنگ بشویم توانمندی‌های ما به دلیل کارهای بزرگی که انجام شده است، مانند کارهای شهید تهرانی مقدم، خود را نشان می‌دهد. توانمندی‌هایی که رقیب ندارد چون توان حرفه‌ای و مهارت‌های رزمی و اعتقادی که در رزمندگان ما است در هیچ کجای دنیا نمی‌توانید پیدا کنید.

من از کارهای موشکی فاصله گرفته بودم و سال‌ها بود که در کارهای موشکی نبودم، یک روز در ملاقات حضرت آقا بودیم. چند نفر بودیم که مقابل دفتر رهبری با همدیگر صحبت می‌کردیم. یک موضوعی در ذهن من وجود داشت و می‌گفتم چگونه می‌شود یمن سلاح پیشرفته داشته باشد و می‌خواستیم از شهید سردار سلیمانی سوال بپرسم آیا این سلاح‌ها را شما به یمن دادید؟

شهید سلیمانی به من توضیح دادند و من را قانع کردند که این‌ها نتایج توانمندی‌های خودشان است. به من می‌گفتند شما باور نمی‌کنید اما از شما که دورانی در کارهای موشکی بودید قوی‌تر و فهمیده‌تر و پا به رکاب‌تر هستند. همه موشک‌هایی که به رژیم می‌زنند خودشان می‌سازند. در واقع وقتی راه باز می‌شود هر کسی هر جایی هست کارهایی انجام می‌دهد که کسی باور نمی‌کند.

آهنگی که خانم جولیا پتروس خواندند من در صفحه اینستاگرام خود به اشتراک نهادم. ایشان خواننده مسیحی لبنانی هستند که طرفدار مقاومت هستند. سید حسن نصرالله از این خانم در جنگ ۳۳ روزه تقدیر و تشکر کردند. شهید سلیمانی هم ویدیویی دارند که از این خانم و کار ارزشمندشان تجلیل می‌کند.

باید بدانیم راجع به چه شخصیتی حرف می‌زنیم. اخیراً هم یک ویدیو در صفحه خود گذاشته‌ام که در مورد مقاومت می‌خواند و جمعیت زیادی هم آن‌جا حضور دارند و آن‌قدر هیجان‌زده هستند که وقتی یک کلمه می‌گوید بقیه سالن با رقص نور و برنامه‌های کنسرت و موسیقی همه همراهی می‌کنند و می‌خوانند. یک جمله‌ای را مرتب تکرار می‌کند و می‌گوید "الحق سلاحی و مقاوم" حق سلاح من است و مقاومت می‌کنم که ته حرف است، یعنی سلاح من حقانیت من است چه زمانی که با تیرکمان و سنگ نهضت انتفاضه شروع شد و چه اکنون که موشک دارند و رژیم صهیونیستی را با آن همه تجهیزات نظامی عاصی کرده‌اند.

من یک جمله بعد از گفتن الحق سلاحی و مقاوم خانم جولیا پتروس دارم این است که زرادخانه این سلاح هیچ‌گاه تمام نمی‌شود. در جنگ نگران هستند که مهمات انبار تمام بشود. الان رژیم صهیونیستی می‌گوید اگر سلاح‌های مقاومت تمام شد ما این کار را انجام می‌دهیم و تهدید می‌کنند، در صورتی که این زرادخانه تمامی ندارد، این زرادخانه همیشگی است و آیات قرآن هم همین را به ما می‌گوید، وقتی حرف شما حق بود و گفتید الحق سلاحی و مقاوم یعنی سلاح تو حق است، زرادخانه این سلاح هیچ وقت خالی نمی‌شود.

*** چگونه بعد از سمت‌هایی که داشتید و بعد از دوران دبیرستان مجدداً در بحث موشکی با حاج حسن بودید. به طور خلاصه در این مورد بفرمایید.**

- من برندی دارم که می‌گویم یک استکان چای با این شخص، به طور مثال؛ با برخی‌ها صبحانه می‌خوریم و در صفحه خود می‌نویسم، در صبحانه با حسین کروبوی، راجع به فتنه هم صحبت می‌کنیم. لذا برخی اوقات که با دوستان هستیم می‌بینند ما چای می‌خوریم آن‌ها هم چای می‌خورند و فیلم‌شان هم همان شکل پخش می‌شود. جزء پروتکل ما است و بی احترامی هم نیست.

ما در دوره دبیرستان ۴ سال شبانه روز با یکدیگر بودیم و با همدیگر در اوج جوانی که داشتیم زندگی می‌کردیم. عملاً بعد از پیروزی انقلاب و شروع جنگ فاصله زیاد نبود. البته من بخش زیادی از عمر خود را در لانه جاسوسی گذراندم. در سال ۵۸ لانه جاسوسی را اشغال کردیم و در سال ۵۹ جنگ شروع شد و بخش زیادی از عمر من حداقل یک سال حضورم در سفارت سابق آمریکا بود. در نهایت جنگ شروع شد و بعد از جنگ وارد سیستم ماموریت‌های مختلف نظامی شدم و حسن آقا هم عضو سپاه بودند. همدیگر را می‌دیدیم و رفاقت قدیمی هم داشتیم. به بهانه‌های مختلف همدیگر را می‌دیدیم.

گاهی اوقات برنامه‌های ما ورزشی بود، اما از زمانی که من مسئولیت تولید صنایع موشکی را برعهده گرفتم همکاری ما با ایشان خیلی نزدیک شد. سالها با یکدیگر در تولید و تحقیق موشک و نمونه‌سازی و تست‌های موشکی همکاری خیلی نزدیکی داشتیم.

*** در دوران دبیرستان با شهید مقدم بودید. در آن دوره شخص شهید مقدم آرزویش برای آینده‌اش چه بود و پیش‌بینی هم دوره‌ای‌های شما چه بود؟ حسن تهرانی مقدم را فوتبالیست یا دکتر یا معلم یا مهندس می‌دیدید؟**

- در آن ۴ سال من چیز برجسته‌ای به ذهنم نمی‌آید، اما ظاهر و موهایی فروری خیلی زیادی که داشتند به گونه‌ای بود که اگر آن دوران می‌خواستند جذب سپاه شوند حتماً رد می‌شدند یعنی تیپ ایشان طوری بود که ظاهری موجه نداشتند. من هیچ چیز شعاری از حسن آقا در دوران دبیرستان از ایشان به یاد ندارم و فقط اخلاق و رفتار و صمیمیت و دوستی از ایشان دیدم.

هیچ وقت خاطره بد از او نداشتم جز این‌که با یکدیگر درس می‌خواندیم و سر جلسه امتحان با یکدیگر می‌رفتیم و به نوعی با یکدیگر زندگی می‌کردیم. من چهار سال با حسن آقا بزرگ شدم و هیچ چیز برجسته‌ای از ایشان ندیدم که به طور مثال بگویند اسلام پیروز شود یا اسرائیل را شکست بدهم. اما امام ما را زنده کردند، امام عدد یک مقابل همه صفرها بودند همه ما صفر بودیم و عدد یک مقابل همه صفرها آمد. این‌ها شعار نیستند.

من خودم را در سال ۵۶-۵۵ نگاه می‌کنم که چگونه بودم و در سال ۵۸

چگونه شدم. امام به ما شخصیت و هویت دادند. امام ما را از فرش تا عرش بردند، الان پسر من ۴۰ سال سن دارد اما وقتی صحبت می‌کند مادرش می‌گوید این بچه صحبت که می‌کند به او توجه کنید می‌گویم ۴۰ سال سن دارد بچه است؟ ما ۲۰ سال‌مان بود برای عالم و آدم نقشه می‌کشیدیم و برنامه داشتیم و مدیریت می‌کردیم. تمام این‌ها را امام به ما دادند. امام به ما هویت و شخصیت دادند.

امثال من و حسن آقای مقدم و خیلی افراد دیگر که با همدیگر گروهی در کلاس بودیم از جمله حسین محمدی- که در حال حاضر معاون دفتر بیت رهبری هستند. همه با یکدیگر هم محله و هم درس بودیم و هم چنین آقای کاتوزیان که بعدا نماینده مجلس شدند ما با همدیگر یک جمعی بودیم.

وقتی با امام آشنا و مقلد امام شدیم قبل پیروزی انقلاب بود، لذا وارد فضای انقلابی شدیم و کارهای انقلابی کردیم، منظور من از ۲۲ بهمن سال ۵۷ نیست بلکه از دورانی است که با امام آشنا شدیم و به ما هویت دادند، آدم‌ها فرق کردند و روحیه‌ها هم فرق کرد. امام همه را زنده کرد.

مہلا»
ویژہ برنامہ ماہ محرم



استودیو «مہلا»، ۲۹/۰۴/۱۴۰۲

صاف می‌رویم سر اصل موضوع، امروز مسئله اصلی کشور امر به معروف و نهی از منکر است. به جای اینکه این عنوان، جامعه را متحد و منسجم کند و جلو ببرد به دلیل بعضی رفتارها نتیجه عکس داشته است. من شخصاً آدمی ایدئولوژیکی هستم و افتخار من این است که هر چه بلدم از شهید مطهری بلدم. خدا همسر بزرگوار ایشان را بیمارزد که هر سال اصرار داشت که من به مجالس رسمی این‌ها بروم و از مطهری بگویم و بارها به من می‌گفت این تعبیری که شما راجع به همسر من می‌گویید، من جای دیگری نشنیده‌ام و می‌آیم که حرف‌های جدید از شما بشنوم.

خانم بزرگوار بودند، سال اولی است که از فوت ایشان می‌گذرد و یادی نکنیم از همسر بزرگوار شهید مطهری، اساس قیام امام حسین امر به معروف و نهی از منکر است یعنی شهید مطهری می‌گوید اگر تفاوتی بین واقعیت و چیزی که نویسنده کتاب شهید جاوید گفت، وجود دارد؛ چون قبل از انقلاب زمانی کتاب شهید جاوید مسئله‌ای برای کشور شد.

نویسنده این کتاب کلاً معتقد بود که قیام امام حسین (ع) برای گرفتن حکومت بود، البته با تمام توضیحات مثبت و ملاک اصلی نامه‌هایی بود که امام حسین برای ما نوشتند. نامه‌هایی که امضاهایی نجومی داشت؛ برای اینکه شما بیا و حکومت را به دست بگیر و ما با تو هستیم. مولف کتاب مجبور بود در جاهایی از مسیری که امام حسین می‌داند که به کجا می‌رود و به شهادت می‌رسد را منکر شود.

لذا برخی از علما و مراجع وقت، انتقاداتی کردند و گفتند که شما علم امام را منکر می‌شوید. آقای مطهری زیاد روی این نمی‌ایستد و این را در صحبت‌هایش

می‌گوید. آقای مطهری معتقد است کل حرکت امام امر به معروف و نهی از منکر بود و به مرتبه‌ای رسید که به تعبیر من جز زیر میز زدن برای بساط یزید هیچ راه دیگری نمانده بود. برخی مواقع راه‌ها بسته می‌شود و باید بزیند زیر میز. لذا امام در طول مسیری که می‌آید می‌داند که شهید می‌شود.

شهید مطهری در کتاب «عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی» و در «تحریفات عاشورا» (که من به بچه‌های مخاطب پیشنهاد می‌کنم حتماً این دو کتاب را بخوانند چون برای امروز لازم است که این‌ها را بدانند و بفهمند.) این‌ها را می‌گوید. امام می‌رود برای شهادت و برای امر به معروف و نهی از منکر.

آنچه که ما امروز نشان می‌دهیم متأسفانه بخش زیادی از صاحبان تریبون و برخی از رفتارها آن نیست که امام حسین (ع) می‌گوید. اشکال این است و متأسفانه آنقدر مرحله نازلی از امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که اساساً قیام امام حسین و همه این سر و صداها و فریادها و آیین‌ها که برای برپاداری این اصل است، فراموش می‌شود.

امروز وقتی به یک جوان می‌گویید که امام حسین (ع) برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد به دلیل تصویری که از امر به معروف دارد، به دلش نمی‌چسبد. ما باید این را اصلاح کنیم. بزرگان ما و صاحبان اندیشه ما باید این را اصلاح کنند.

بزرگترین امر به معروف و نهی از منکر برخورد با اصحاب قدرت و ثروت است متأسفانه اصحاب قدرت و ثروت چون با هم تقاطع پیدا می‌کنند به تعبیر مقام معظم رهبری تبدیل به اژدهای هفت سری می‌شوند که به این راحتی نمی‌شود با آنها مقابله کرد. آنها به راحتی تریبون دارند و قدرت دارند و به مسائلی می‌کشاند که در درجه کمتری از اهمیت است. این بحث ما در مورد امام حسین (ع) است.

البته امام در مورد شهادت هم صحبت می‌کنند. جمله‌ای می‌گویم برخی به این دلیل، استدلال کتاب شهید جاوید را قبول کردند که می‌گفتند طبق آیه قرآن کسی نمی‌تواند عمداً خود را به مرگ بیاندازد یعنی بدانند انتهای این راه مرگ

است و عمداً برود و خود را به کشتن بدهد. حضرت امیر جمله بسیار زیبا و صریحی دارد و مرگ و زندگی را تعریف می‌کند.

این پاسخی به کتاب شهید جاوید است. «إِنَّ الْحَيَاةَ» یعنی حیات را توضیح می‌دهد «وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» یعنی حیات واقعی در مرگی است که شما سرافراز و سربلند هستید. این تعبیر جالبی است زندگی در مرگ است با این حساب شهادت مرگی است که چون شما قاهرید عین زندگی است. امام آمد تا با این حرکت و با این درسی که در این مسیر می‌دهد جامعه را هدایت کند و دین واقعی را نشان دهد.

این جمله معروف است که آقا دین ندارید، اشکال ندارد، بابا مرد باشید. «عالم متهتک» و «جاهل متنسک» داریم. امام خمینی (ره) فرمود: «پیامبر می‌فرماید کمر من را این دو طایفه شکسته‌اند.» من چند وقت پیش نوشتم که وقتی جوان بودم نمی‌فهمیدم امام چه می‌گوید معنی این کلمه‌ها را نفهمیده‌ام ولی امروز خوب می‌فهمم. دور و برمان را نگاه کنید خیلی هستند. برخی از این‌ها عالم هم نیستند حیف از عالم که به یکی از این‌ها گفتم. شما بگویید عالمی ولی متهتکی. جاهل متهتک است.

ما شخصیت‌های هیبریدی داریم. عالم هم نیستند. اگر یک ذره سواد داشته باشد حرف زدنش بسیار فرق می‌کند. گفتم حالا که شما فهمیدید ما چه می‌گوییم، خب حالا حرفتان را اصلاح کنید. دین ندارید، لباس روحانیت به تن دارید؛ حداقل مرد باشید. همان مردهایی که در کوچه پس کوچه‌های قبل از انقلاب هزار کار خلاف می‌کردند اما نزدیک مراسم امام حسین (ع) که می‌رسید تعطیل می‌کردند. مرامی داشتند. فرهنگ ناملموس ما چند هزار ساله است. کارهای خوبی داشتیم.

انقلاب که شد خود من جوان اول انقلاب بودم با همه اعتقاداتی که امروز دارم ولی برخی از آن کارها را کم رنگ کردیم. گفتیم چیزهای خیلی خوبی به جایش می‌آوریم. اینها در تفکر دینی ما بودند ولی آدم‌هایی پیدا نشدند که اینها را درست ترجمه کنند. امام فرمایشات مهمی دارد رهبر انقلاب فرمایشات مهمی دارد. رهبری در فرمایشات اخیر خود دوباره در مورد لسان قم مفصلاً صحبت کردند.

چند روز پیش هم صحبت کردند و دو ماه پیش هم من گفتم لسان قم؛ خیلی فحش خوردم. کی می‌خواهیم «أَنْظُرَ إِلَى مَا قَالَ» را عنایت کنیم و «أَنْظُرَ مِنْ قَالَ» را کنار بگذاریم. اگر رهبری نمی‌فرمودند؛ حرف ضرغامی غلط بود؟! برخی از امام جمعه‌های ما فقط بلد هستند که وقتی رهبری فرمایشاتی می‌کنند روی کاغذ بنویسند و همان را دوباره می‌خوانند.

من مطلع هستم که حضرت آقا از این اتفاق ناراحت است یعنی اگر پایش بیفتد نزدیکان آقا به من منتقل می‌کنند که نگاه آقا چیست. خب من مطلبی گفتم بروید این را تبیین کنید. با مثال‌های مختلف و با زبان‌های مختلف برای جوان‌ها و نوجوان‌ها تبیین کنید.

شما با لسان قم با جوان‌ها ترجمه می‌کنید و فحش می‌خورید. شوخی که امروز است این است که شما به امر فرمایش رهبری عمل می‌کنید. یک بار گفتم، بلد نیستید حرف بزیند، مترجم بگیرید. راحت مترجم بگیرید. مترجم نمی‌گیرید، کسی که بلد است و به همان زبان حرف می‌زند مزاحمش نشوید. تکفیرش نکنید.

*** باید با این افراد چه کرد؟**

- باید به رفتار امام حسین(ع) عمل کرد مقاومت، مقاومت، نترسیدن، دنبال رزومه نرفتن. خیلی‌ها به من می‌گویند همه حرف‌هایت درست است. می‌گویم شما هم بگو. می‌گوید شما بگو.

*** هزینه پرداخت نمی‌کنند.**

- هزینه پرداخت نمی‌کنند، دنبال رزومه‌ایم.

*** منافع زیاد شده است.**

- دنبال رزومه‌ایم. اگر دو، سه بار به من ندا می‌دهند (این صبحانه‌هایی که می‌خورید یکی‌اش هم توفیق داشتیم کاش پیش ما بود و دید و بازدیدی که پس می‌دهیم.) پیش ایکس و ایگرگ حرف زده‌ای و دیگر نمی‌شود برای ریاست جمهوری به شما اعتماد کرد.

*** برای گفت و گو؟**

- نمی‌شود اعتماد کرد.

* یعنی شما به دلیل صبحانه‌ها تأیید صلاحیت نشده‌اید؟

- حتما یکی‌اش همین بود. بعدها به من گفتند، در آن مقطع به من نگفتند. اشکالی ندارد. چند وقت پیش یکی به من گفت این حرف‌هایی که می‌زنید؛ شما می‌خواهید دوباره وارد انتخابات بشوید. برایش نوشتم تا خیال‌اش راحت شود و منتشرش کردند. گفتم من ضرغامی هرگز دیگر نمی‌خواهم شورای نگهبان در مورد من قضاوت کند. اصولاً من نمی‌خواهم آن‌ها راجع به من قضاوت کنند، پس معلوم است که من هیچ وقت نمی‌آیم و در هیچ سطحی.

* صلاحیت این را ندارند که در مورد شما قضاوت کنند؟

- من فرمایش شما را این‌طور نمی‌گویم، من می‌گویم بضاعت اینکه برای کار بزرگی مثل ریاست جمهوری که تشخیص بدهند، آدم‌ها باید چه بضاعت‌های واقعی داشته باشند که به این صحنه بیایند را ندارند. یعنی شاخص‌های آن‌ها کوچک است.

من در مورد سپنتا در یزد یک جمله‌ای گفته بودم. می‌دانم یکی از آقایان راجع به این ناراحت است. من از زرتشتی‌ها دفاع کردم و گفتم ایشان به انتخابات آمده و با قوانین جمهوری اسلامی رأی آورده است. حالا که رأی آورده است، طبق آیات قران می‌گوییم؛ شما نمی‌توانید بیاوید و می‌خواهیم به رأی مردم پشت پا بزنیم. من موضع گرفتم. من هفته قبل به یزد رفتم. در مسیر اردکان پرستشگاهی به نام «چک چک» دارند که منطقه معنوی آن‌ها است و آن را بسیار پاک و سالم نگه داشته‌اند.

حجاب و عفاف در بالاترین سطح‌اش در همین معبد «چک چک» است که باید ۱۵۰ پله بالا بروید. می‌روید و قطرات آبی می‌آید که همین چکه چکه است که یزدی‌ها به آن می‌گویند «چک چک».

دو هزار سال است که این قطرات می‌آید و برای این‌ها معنویت دارد. موبد آن‌ها می‌آید و توضیح می‌دهد لباس و حجاب دارند. اوستا را باز کردند و برای من خواندند. اعتکاف دارند و سه روز در سال آنجا بیتوته می‌کنند و دعا می‌خوانند آنجا تابلویی آهنی از زمان‌های قدیم نصب شده که نشان می‌دهد حجاب باید کامل رعایت شود و هر گونه بی‌حجابی ممنوع است.

به ما گفتند فکر نکنید این را در دوران جدید زده‌ایم که بگوییم حجاب واجب است، ببینید که تابلو چقدر رنگ و رو رفته و کهنه است. اعتقاد دارند. ما می‌خواستیم تله‌کابین بزیم ولی مخالفت کردند، با اینکه اگر تله‌کابین می‌زدیم، آنجا خیلی رونق می‌گرفت. گفتند ما نمی‌خواهیم پای آدم‌های ناباب باز شود و بی‌حجابی و بی‌عفتی بیاید. خیلی خوب بودند. آن‌ها، حجاب نیاکان ما هستند.

* دین و ایمانشان چطور بود؟

آن‌که به ظاهر است، نظافت و پاکی و دعا و اخلاق و... و آنچه که به آیینشان مربوط می‌شود را در صفحه‌ام نوشته‌ام. در فرودگاه یک روحانی آمد و وقتی آمدم با او دست بدهم با من دست نداد گفت من استاد درجه یک حوزه علمیه تهران هستم. شما به عنوان وزیر بسیار کار اشتباهی کردید که به محل زرتشتی‌ها رفتید. شما شأن وزیر را پایین آوردید. تا من آمدم به ایشان توضیح بدهم ایشان حتی با من دست هم نداد در پارکینگ فرودگاه تهران باز با ایشان صحبت کردم آنجا چند جوان بودند که چنان برخوردی با او داشتند که رفت و حتی نایستاد تا من جوابش را بدهم. اگر یک ربع دیگر می‌ایستاد، بد می‌شد.

روحانی باید حرمت خودش را حفظ کند. من به ایشان گفتم که حاج آقا هیچ اشکالی ندارد، اینجا یک منطقه گردشگری است و من هم وزیر گردشگری هستم و رفتم و از نزدیک دیدم و بسیار پاک بودند و این طرز امر به معروف شما است اینجا به من در مقابل این جمع؟! گفت شما نمی‌دانید و دو سه بار به من گفت من استاد حوزه هستم. گفتم ببخشید استاد را زیاد نگویند، امام می‌گوید من طلبه‌ای بیش نیستم. آنقدر می‌گویند استاد؛ آدم که به خودش نمی‌گوید استاد.

به حدیثی اشاره کرد و بعد گفت اتفاقاً با کسی که علناً فسقی انجام می‌دهد، حکم این است که شما هم در علن محکم جلوی او بایستید و با غیض با او برخورد کنید. گفتم دست شما درد نکند. این است؟! گفتم شما می‌دانید که این اثر ندارد؟ شما کتاب‌های آقای مطهری را خوانده‌اید؟ گفت من به شما می‌گویم اثر دارد و التماس دعا و خداحافظ و قربه‌الی الله و... این است که کار درست نمی‌شود.

* یک مکتب فکری دارند.

- درست نمی‌شود. تخصص من ارتباطات است. سال‌ها در صدا و سیما، گل لگد نکرده‌ایم و کار رسانه کرده‌ایم. امر به معروف و نهی از منکر از جنس

ارتباطات است. یعنی جنس رابطه اجتماعی است. ارتباط موفق باید دریافت شود و موجب تغییر رفتار شود. من برخی مواقع برای روحانیون صحبت می‌کنم و می‌گویم خدا و کیلی برخی مواقع که این طور حرف می‌زنید طرف مقابل متوجه می‌شود؟ اصلاً می‌فهمد شما چه می‌گویید. اگر فهمید اصلاً موجب تغییر رفتار می‌شود؟ خودتان قضاوت کنید؟

*** اصلاً ما بلد هستیم با نسل جدید صحبت کنیم؟**

- ارتباطش قطع است. یکی از مشکلات ما این است. وقتی می‌گوییم رسانه، برخی بحث را می‌برند روی صدا و سیما ولی کلاً دوستانی که رسانه‌های رسمی را در کشور مدیریت می‌کنند، ارتباط این رسانه‌ها با بخش زیادی از نسل جدید قطع شده است. خودشان هم در جلسات می‌گویند یک بار گفتم در اغتشاشات اخیر چند توییت زد و این همه جنجال علیه من به خاطر این توییت‌ها است که بعدها بسیاری از این‌ها راه رهبری با صراحت بیشتر از من فرمودند.

دوستانی با این جوان‌ها گفت‌وگو کردند؛ اول یکی از مقامات عالی رتبه اطلاعات با من صحبت کرد و من یادداشت کردم اخیراً هم یکی از مقامات بالای سیاسی به حسب مسئولیت‌اش با چند صد نفر از این‌ها صحبت کرده بود. اولی تا ۹۰ درصد در ذهن من است و دومی تا ۷۰ درصد به من می‌گفت فلانی ما اصلاً نمی‌فهمیم این‌ها چه می‌گویند. یعنی با جوان‌های بازداشتی قبل از آزادیشان صحبت کرده بودند. ما آزاد کردیم و کار بسیار خوبی شد.

رهبری لطف کردند؛ وقتی ۴۰ هزار تا را آزاد کردیم، یعنی ۴۰ هزار تا را گرفته و برده‌ایم. اینها می‌گفتند ما که نمی‌فهمیم این‌ها چه می‌گویند و این‌ها هم نمی‌فهمند ما چه می‌گوییم؟! این خطر کجاست؟ این خطر اینجا است که وقتی حسین پویانفر نوحه امام حسین می‌خواند و با لسان این‌ها حرف می‌زند چهار نفر نگویند تو اون‌جور حرف بزنی که من می‌گویم. یک شاقول و تراز در دستشان بگیرند. به خدا شاقول و تراز خیلی خوب است ولی در مهندسی، برای کار با گچ و آجر به درد می‌خورد نه در مسائل اجتماعی و فرهنگی.

در مسائل اجتماعی ذره‌بین سم است. نانو تکنولوژی که در فیزیک و علم ساینس غوغا می‌کند، در مسائل اجتماعی باید ماکرو دید. عده‌ای استاد این هستند که همه

حرف‌ها را بگیرند مثل همین حرف‌هایی که ما الآن با هم می‌زنیم و بعد تکه کوچکی از آن را می‌گیرند. از این رو وقتی من در مورد آقای مطهری حرف می‌زنم می‌گویم آقای مطهری نقد مردانه می‌کرد. مرد بود در نقد.

نقد مردانه دو ویژگی دارد وقتی کسی را نقد می‌کنید خدا و کیلی همه حرف‌هایش را بزیند. آقای مطهری وقتی می‌خواهد تفکری را نقد کند آنقدر این تفکر را جامع و کامل می‌آورد که منتقدان به آن تفکر، سوادشان به این‌ها نمی‌رسد و کنار می‌روند و کتاب مطهری را می‌خوانند تا ببینند چه می‌گویند.

سوادشان آنقدر نیست، ولی شهید مطهری همه حرف‌های آن‌ها را می‌زد. بعد که حرف‌ها را زد، نقد مردانه می‌کند با استدلال، نه با هوجبی بازی بلکه با نقد با استدلال حرف می‌زند. ما نقد مولف می‌کنیم نه نقد اثر؛ یکی از گرفتاری‌های ما این است. قبل از اینکه بگوییم این چه مطلبی است، می‌گوییم ای بابا فلانی گفته! آن را که می‌دانید کیست؟ پرونده دارد! و تمام شد و اصلاً نمی‌گویند چه گفت!

مفاوت حرف زدن شجاعت می‌خواهد؛ آقا در مورد تحول حرف‌های خیلی خوبی دارند آقا می‌گویند، تحول حتمی است. تحول در جوامع اتفاق می‌افتد، شما باید خودتان تحول را مدیریت کنید. نمی‌توانید جلوی تحول بایستید.

رهبری بهترین صحبت‌ها را در مورد تحول کرده‌اند. می‌خواهید صحبت‌های رهبری را بگویید مشکل پیدا می‌کند. حالا که باید تحول را بپذیرید و بخواهید مدیریت‌اش کنید و بگویید حالا با این باید چه کاری بکنیم؛ در آن شرایط خط‌کشی‌ها شروع می‌شود.

اجازه بدهید خودم را آسیب‌شناسی کنم وقتی در جلسات راجع به موضوعی بحث می‌شود آدم‌ها به طور طبیعی دچار خود سانسوری هستند چون بعد می‌گویند فلانی این را گفت و آن هم این را گفت و بعد فرد می‌خواهد پست بالاتری بگیرد. به همین راحتی و اصلاً چیز پیچیده‌ای نیست.

ما در مختار سکانسی داریم که بسیار قشنگ است. مختار بسیار پر محتوا است، چند وقت پیش یکی به قصه موسیقی و تک‌خوانی زن و... گیر داده بود. بحث من این نیست من بحث‌های آقا در مورد موسیقی را دارم و جزوه کتاب را تکثیر کرده‌ام.

* خیلی جنگیدید تا آن را بخش کنید.

- ما در تیتراژ مختار تک‌خوانی خانم داریم. این خلاف شرع نیست و یکی از بهترین کارهای هنری در مختار، تیتراژ مختار است و لالایی خواندن این خانم که در بوشهر برای خود، یکی از فرهنگ‌های ناملموس است که ثبت ملی شده است. مختار سکانسی دارد که می‌خواهد محمد حنفیه را که عبدالله ابن زبیر او را در حصر گذاشته و در کنار کعبه محصور است تا به وسیله او مختار دستگیر شود، را نجات دهد. به دنبال یکی از سردارانش می‌فرستد او در گرفتن کوفه به آن‌ها کمک کرده بود و می‌گوید فلانی نیست؟ من نمی‌بینمش و می‌روند و پیدایش می‌کنند و می‌آید. این دیالوگ بسیار جالب است.

مختار می‌خواهد مأموریتی فوق‌محرمانه و سخت به او بدهد که به دل دشمن برود و محمد حنفیه را بردارد و بیرون بیاورد و در این مأموریت موفق می‌شود. به او می‌گوید تو کجا هستی؟ نمی‌بینمت! او می‌گوید من همیشه هستم.

هر وقت شما به مسجد می‌روید و بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید من همان‌جا زیر منبر هستم. می‌گوید من تو را نمی‌بینم و جواب می‌دهد من پشت ستون نشسته‌ام تا تو مرا نبینی. می‌پرسد چرا؟ می‌گوید من به این دلیل پشت ستون نشسته‌ام که فکر نکنی اگر زیر منبر نشسته‌ام و آن جلو آمده‌ام خودم را نشان بدهم تا تو بگویی این هم پستی می‌خواهد و عمداً به آن پشت می‌روم، من همه حرف‌های تو را می‌شنوم.

خدا و کیلی امروز در بخش عظیمی از نظام مدیریتی ما اینطور عمل می‌شود یا همه به دنبال رزومه‌سازی هستیم. وقتی به دنبال رزومه‌سازی هستیم چشمانمان را می‌بندیم. این همان چیزی است که امام حسین زد زیر میز. اگر امام حسین می‌خواست سازش کند که همه چیز برایش فراهم بود. عده‌ای باید وقتی جلوی آینه می‌روند از خودشان خجالت نکشند. می‌خواهید حرف حق بزنید هی چرتکه می‌اندازید که الان من را استیضاح می‌کنند و سوال می‌کنند و عزل می‌کنند.

آقای رئیسی گاهی با من تماس می‌گیرد، ایشان در تفکرات آدم روشنی است. می‌گوید امروز آن زنگ زد، دیروز این زنگ زد. خود من هم می‌دانم جواب‌اش چیست؛ گفته‌ام آقای ضرغامی امر به معروف و نهی از منکر را قبول دارد سخنرانی و مطلب دارد.

کسی در جای مهمی گفته بود آقای ضرغامی ضرورت دین را منکر شده و من هم اطلاعیه‌ای دادم و گفتم این حرف‌های من و مقالات من است. و در جلسه رسمی گفته بود کسی که ضرورت دین را منکر می‌شود نجس است و اگر اینجا بیاید و آب بخورد باید دهنمان را آب بکشیم! یعنی اگر من ضرغامی به جایی رفتم و آب خوردم آن‌ها باید دهانشان را آب بکشند.

* یاد کنیم از خانم سهیلا خواجه خواننده لالایی، دو نفر هستند. خانم سهیلا خواجه می‌خوانند و یک نفر هم از دنیا رفته است. به عنوان کسی که در جامعه حضور دارد، ما در امور اقتصادی تحریم هستیم و سختی‌هایش را می‌بینیم ولی به نظر من، ما در فرهنگ دچار خود تحریمی هستیم ما آثار بسیار زیبایی در پلت فرم‌ها می‌بینیم مثلاً «زخم کاری» و «پوست شیر» و «خاتون» و «جیران» و... که شاید در جاهایی خطوط قرمز را رد کنند، چه می‌شود که، نمی‌توانیم از این‌ها استفاده کنیم. چه باید بکنیم؟ کجای راه را اشتباه رفتیم؟ شما هشتک خوبی دارید که بقیه مسئولان ندارند و می‌نویسید. ما کجا را اشتباه رفتیم؟

- من همه سریال‌هایی را که شما نام بردید، دیده‌ام؛ برخی‌هایشان را یادداشت زده‌ام حتی برای «رهایم کن» که اشکالات متعددی دارد، برجستگی‌هایی دیده‌ام و اعلام کرده‌ام. با استاندارد رسمی صدا و سیما این‌ها نمی‌خوانند و من می‌خواهم از مدیران صدا و سیما دفاع کنم.

من اعتقادی دارم که به زبان مهندسی می‌گویم. تلورانس رسانه ملی بسته‌تر از همه رسانه‌ها است، به دلایل مختلف و فقط بحث‌های دینی نیست. بحث‌های قومیتی و لهجه‌ها هم مطرح است. مثلاً شما به طنز لهجه‌ای را می‌گویید این اگر در صدا و سیما پخش شود ممکن است زمینه مسائل امنیتی و اجتماعی جدی را برای کشور فراهم کند. ولی وقتی به سینما می‌آید حساسیت‌ها کاهش پیدا می‌کند می‌گویند فیلمی پخش شده و همه می‌خندند و احساس اهانت نمی‌کنند.

تلورانس سینما باید بازتر از تلورانس صدا و سیما باشد و تلورانس فضای مجازی هم به مراتب بازتر از تلورانس سینما و به طریقه اولی صدا و سیما باید باشد. چون کسی که دائم با گوشی‌اش بازی می‌کند همه چیز را در اختیار دارد.

حتی پلتفرم‌های داخلی چون من عضو فضای مجازی هستم و زیاد گزارش می‌آید. شما در روبیکا و مجموعه‌های نظام هستید ولی در همان‌جا هم بسیاری از تصاویر و فیلم‌ها می‌تواند رد و بدل شود که با چهارچوب صدا و سیما و سینما نمی‌خواند.

فضا، فضای مجازی است و می‌آید. پس من می‌خواهم مقداری زیادی از این مسئله را توجیه کنم که صدا و سیما چاره ندارد اما یک بحث هم با مخاطبان سختگیر صدا و سیما دارم چون آن‌ها تأثیر زیادی بر نحوه مدیریت دارند.

وقتی شهاب حسینی، سریال شهید بابایی شوق پرواز را کار کرد در مراسمی که دور میز نشسته بودیم و من از اول تجلیل می‌کردم، فکر می‌کردم برای شهید بابایی چه جمله‌ای می‌تواند خوب باشد که شهاب یک دقیقه حرف زد و من به او گفتم هر چه من فکر می‌کردم، نمی‌توانستم بهتر از جمله تو بگویم. چقدر با اعتقاد و با تواضع و با هنرمندی؛ دو جمله گفت که شهید بابایی کیست و نسبت خود او با شهید بابایی چیست؟!

خانم افسانه بایگان هم یک متن خیلی خوب خواند به همان خوبی که هنگامه قاضیانی در جشنواره فجر خواند و من در سال آخر از او در صدا و سیما تجلیل کردم و در روز زن او را خواستم. و اخیراً شنیدم که خداحافظی هم کرده‌اند. شبکه خانگی چون مقداری دست‌آش بازتر است توانست سریال‌های خیلی خوبی بسازد مثلاً «خاتون» را من یادداشت زدم و کار بسیار خوبی بود البته سریال‌های بد هم بود.

* بسیاری می‌گفتند «خاتون» زمینه‌گذار اعتراضات است آیا این طور بود؟

- نخیر اصلاً این‌طور نیست خود من وقتی به صدا و سیما آمدم بسیاری از فیلم‌هایی که ممنوع شده بود را پخش کردم. من در آرشیو را باز کردم پدیده دوره من در شش ماه اول این بود که هر تصویری ممنوع پخش بود، آزاد اعلام کردم. از دفاعیات خسرو گلسرخی که فقط یکبار پخش شد چون صاف می‌ایستد و می‌گوید من مارکسیست لنینیست هستم و می‌گفتند این که نمی‌شود و گفتم این جمله را در تیزراش بگذارید. خاطره‌ای می‌گویم؛ خیلی‌ها به من گفتند این خسرو گلسرخی را نگذار انقلاب می‌شود دوباره و همه می‌گویند بین صدا و

سیما دست چه کسانی افتاده است.

من با آقای رحیم‌پور ازغدی صحبت کردم و گفتم خسرو گل‌سرخ‌ی در دفاعیات‌اش از حضرت علی (ع) و از امام حسین (ع) می‌گوید و همه‌اش این‌ها است، مارکیست بودن این‌ها باسمه‌ای است، این‌ها فکر نمی‌کردند دین آنقدر ظرفیت مبارزه داشته باشد، اشتباه کردند، جوان بودند، حالا که به دادگاه آمده جز این‌که بگوید الگوی من امام حسین (ع) و حضرت علی (ع) است چیزی ندارد. به آقای رحیم‌پور گفتم حاضری ۵ دقیقه حرف‌هایی را که من می‌زنم بگویی؟ و هر دو را با هم پخش کنیم. آمد و گفت و آن شب می‌خواستم ریسک کنم و این دو را با هم پخش کنم؛ هر دو را پخش کردم. آقای مطهری کتاب خوبی با عنوان «علل گرایش به مادی‌گری» دارد چه می‌شود که جوان ما کمونیست می‌شود؟ همه کمونیست را کوبیدند.

آقای مطهری حرفش این بود که حکمت گمشده امروز ما است، حدیث مشهوری از پیامبر است که می‌فرمایند: «مدارا اساس حکمت است»، وقتی ما حکمت را می‌پذیریم باید مدارا کنیم، مدارا جزئی از حکمت و حکمرانی است، (ما به جای این که برای اداره مردم دین حداقلی قائل شویم به جای این که وقتی می‌خواهیم مردم را اداره کنیم، دین حداقلی داشته باشیم، برای خودمان که می‌خواهیم جا نماز آب بکشیم دین حداکثری بگذاریم، عکس این عمل اتفاق افتاده است.

خودمان به هزار توجیه، دین حداقلی داریم، برای مردم دین حداکثری قائل هستیم). رعایت اضعف معمولین را زیر منبر آخوندها آموخته‌ایم، اضعف معمولین به چه معناست؟ آن کس که پیر است و کمرش راست نمی‌شود، امام باید مانند او بلند شود که آن هم همراه شود؛ اما الآن عکس این عمل است.

به طور مثال؛ ضرغامی می‌گوید در خانه این آهنگ را گوش می‌دهم، مهم این است که من مشکلی ندارم و منحرف نمی‌شوم و حتی سریالی هم می‌بینم و اینترنت هم می‌بینم و چند تصویر بد هم نمایش می‌دهد اما به مردم که می‌رسیم دین حداکثری قائل می‌شویم، من دارم می‌گویم چه اتفاقی افتاده است، من نمی‌گویم همه آن‌ها را هم، در رسانه‌های عمومی خودمان نمایش دهیم و از

داخل قلم و کاغذ در دست بگیرند کسانی که پای صحبت‌های شما نشسته‌اند، ببینند از کجا‌های صحبت‌های ما می‌توان ایراد گرفت.

در شبکه‌های خانگی دستتان باز است اما صدا و سیما دستش باز نیست (در دفاع از مدیران صدا و سیما) اما در مورد مردم، آن‌هایی که سخت‌گیری می‌کنند، چون به شبکه خانگی هم خیلی انتقاد می‌کنند و یک جا‌هایی هم انتقاد به شبکه خانگی وارد است اما من می‌گویم وقتی سریال «رهایم کن» که بیشترین اشکال و خط قرمزها را شکسته است که مضمون آن این‌گونه است که مردی به زنی دلبسته است و آن زن از فرزنددی که سندروم داون دارد، پرستاری می‌کند اما عاشق هم هستند و با یکدیگر می‌خواهند ازدواج کنند و رابطه شکل گرفته است، برادر مرد می‌آید و رابطه عاشقانه‌ای بینشان شکل می‌گیرد که عشق مثلی تمیز نام دارد، برخی اوقات ما کارهایی انجام می‌دادیم می‌گفتند «عشق مثلی» است، اما ما می‌گفتیم سریال را درست نگاه کنید، عشق مثلی نیست.

اما در «رهایم کن» عشق مثلی تمیز وجود دارد، کاری به اشکالات آن ندارم، تمیز به این معنا که به واقع عشق مثلی است که منفی و غلط را نمایش می‌دهد، نمی‌توان توجیه کرد چون من مخالف عشق مثلی هستم اما وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که قهرمان فیلم آقای تنابنده تمام زندگی‌اش فرزندش است.

من تا به الآن سریالی به این قوت راجع به سندروم داون ندیده‌ام. هم آقای تنابنده به نقش روح داده‌اند و هم آن پسر خیلی خوب بازی کرده، این مرد به زن بی‌توجهی کرده است و آن برادر ناخلف آمده و با این زن رابطه برقرار کرده است و در آخر سکانسی است که درد دل‌هایشان را می‌گویند در واقع زن می‌گوید تو هیچ وقت به من فکر نکردی به همین دلیل حرف‌های عاشقانه برادرت روی من تأثیر گذاشت و تو فقط حواست به پسر ت بود و سکانس دیگری هم دارد که برادرش به این زن می‌گوید: «فرق است بین کسی که عاشقانه تو را دوست دارد با کسی که به تو نیاز دارد.» من شنیدم خانم بازیگر از این جمله خوششان آمده و در صفحه شخصی خودشان این جمله را به کار برده‌اند، (آن نیاز داشتن عشق بیچه را دارد) اما باید بدانند این آسیب در کنارش است.

نکته خوب دیگر فیلم این بود که وقتی می‌خواست برای انتقام گرفتن اقدام

کند، آن کسی که همیشه می‌گفت باید از خشونت دوری کرد و با عشق کارها را پیش برد به این مضمون در ذهن من نشسته است «اگر عشق مایه امیدواری در زندگی است که آدم امید به زندگی داشته باشد وقتی عشق کنار می‌رود کینه جای او را می‌گیرد. آن کینه باید باشد تا تو زنده بمانی». یعنی این کینه است که تو را زنده نگه می‌دارد.

ما باید خیلی مواظب باشیم کینه را درون خود زیاد نکنیم، می‌توانیم جمع کنیم و باید هم کنیم، دم آن بچه‌هایی که کف خیابان می‌آیند و شهید می‌شوند گرم باشد من خودم یک عمر جزو آن بچه‌ها بوده‌ام، حواس مان باشد حالا که شرایط تغییر کرده است کینه افزایش نیابد، این موضوع را بعضی‌ها حواسشان نیست، کینه وقتی اضافه و جمع شد به مرحله‌ای می‌رسد که ما به آن «کمانش» می‌گوییم «کمانش» مانند خط‌کش پلاستیکی می‌ماند که دو طرف را فشار می‌دهد و چیزی مشخص نیست و این انرژی اضافه می‌شود و ناگهان پانچ می‌کند و بریده می‌شود، در مسائل اجتماعی هم به همین شکل است حواسمان باشد آن‌جایی که می‌توانیم حداقل در حرف زدن مان مراقب باشیم، ما در حرف زدن مان مراقب این کینه هستیم؟

رابطه من با خانم هنگامه قاضیانی رابطه خیلی خوبی است، وقتی ایشان را دستگیر کردند و بعد آزاد شدند با او تماس گرفتم، گفتم چرا شما را دستگیر کردند؟ شما اصلاً این‌گونه نیستید؟ گفتم بیااید و به من توضیح بدهید، یک روز بعد از ظهر در آخر وقت آمدند، به ۴ ساعت کشید که من فکر کردم فقط ۵ دقیقه شده است.

من وظیفه داشتم، خلاصه این ۴ ساعت را به خیلی از بزرگان منتقل کنم. این حرف‌ها را این‌جا نباید بگویم، اما اگر در یک خط بخواهم بگویم چه اتفاقی افتاد، ایشان به من گفتند آقای ضرغامی شما که من را می‌شناسید من با خیلی از دیگرانی که الان متهم هستند متفاوت هستم که راست می‌گویند و اصلاً از جنس آن‌ها نیستند، حرف‌هایش در جشنواره فجر و سمینار ما ماندگار است، آدم با سواد و سالمی هستند و برای خودشان کسی هستند، ایشان می‌گویند در اغتشاشات اتفاقاتی افتاد و من چند توثیت زدم و یک توثیت من اشتباه بود، ناگهان دیدم یک

مقام قضایی مصاحبه کردند و گفتند این خانم و خانم دیگری را برای این توثیق احضار می‌کنیم و فردا باید به دادگاه بیایند، به من گفت، وقتی گفتند باید به دادگاه بیایند و صحبت از احضار من شد حال من بد شد و دیگر نفهمیدم چه کاری انجام می‌دهم و از خانه بیرون آمدم و به میدان رفتم روسری از سر برداشتم و یک ویدئو گذاشتم من دیگر حجاب را قبول ندارم و بعد از این که ویدئو را ضبط کردم روسری را سر کردم و به منزل رفتم.

ایشان گفتند من به حجاب اعتقاد دارم و توضیح دادند که لج من را درآوردند و فکر کردند من از آن‌ها می‌ترسم، گفتم از لحظه‌ای که در منزل‌تان را زدند چه کسی به داخل منزل‌تان آمد و چه گفتند و کجا را گشتند و تا سوار ماشین شدنشان و جلو و عقب نشستشان و چه کسی در کنار‌تان بود و تا زمانی که به زندان رفتید و دو تا دختر بچه‌ای که آن‌جا بودند اول نفهمیده بودند این همان خانم بازیگر است اما بعداً که متوجه شدند خوشحال بودند و دوست داشتند با او سلفی بگیرند و به زندان آمدند که با هنگامه قاضیانی عکس بگیرند و تا زمانی که از زندان آزاد شدند و از بازجوها تعریف می‌کردند و در نهایت گفتند آقای ضرغامی این‌ها هم بچه‌های خیلی خوبی هستند من که الآن بیرون آمده‌ام دلم برای آن‌ها تنگ شده است.

حرف من به همه دوستان‌مان این است که کینه این مواقع کجا جا دارد؟ من یک شخصیت امنیتی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هستم که این حرف را می‌گویم. آن شبی که می‌خواستند این هل‌هله را نشان دهند (فتنه ۸۸) وقتی فکر کردم دیدم لازم است من این کار را انجام بدهم و این خطی که خط دشمن است، بساط امام حسین را آتش می‌زند؛ خیلی از امنیتی‌ها مخالف بودند و گفتند حتماً نشان داده نشود اما من تشخیص دادم که باید نشان داده شود که این حرکت به آتش زدن دستگاه امام حسین می‌رسد، مردم مقداری هوشیار باشید و چند روز بعد حادثه ۹ دی شکل گرفت.

لحظاتی پیش که با بچه‌های شما شربت می‌خوردیم، یک نفر از بچه‌ها در مورد پلمپ کردن گفتند و من گفتم: واحد پلمپ را پاس کرده‌ام چون همیشه مراکز اقامتی ما را پلمپ می‌کنند و دائم از پلمپ کردن می‌گویم و آقای وحیدی

وزیر کشور کنار دست من در دولت هستند و می‌گویند آقای ضرغامی هر دفعه شما به پلمپ ایراد می‌گیرید، بچه‌های شورای حجاب ما گلابه می‌کنند که آقای ضرغامی همیشه اعتراض می‌کند و تیغ ما را کند می‌کند.

من به ایشان گفتم حرف من این است که گاهی پلمپ این‌گونه است که در مغازه‌ای را می‌بندید مانند مغازه خودت که اتفاقی نمی‌افتد و به تعبیری آسمان به زمین نمی‌رسد اما اگر هتل ۵ ستاره خانه بروجردی‌ها را در کاشان که کلی رزرو خارجی دارد را بستید و آن‌جا دعوا شکل گرفت، این مهم است، من گفتم طرف چمدان در دست دارد و در خیابان‌های کاشان می‌چرخد بلکه یک دری به روی او باز شود.

پلمپ مغازه یک چیز است اما پلمپ دهان چیز دیگری است، خدا رحمت کند مرحوم کشاورز را در فیلم سینمایی «مادر» که پر از دیالوگ است و خداوند رحمت کند مرحوم فریمه فرجامی (اولین نشستی که با خانه سینما داشتم وقتی معاون سینمایی شدم. ایشان آخر نشسته بودند و اجازه برای صحبت کردن گرفتند و گفتند آقای ضرغامی ما از شما چیزی نمی‌خواهیم فقط تکلیف ما را روشن کنید و بفرمایید قانون ما چه چیزی است؟

نه به ما قانون و نه آئین‌نامه می‌گویند، ما یک فیلم‌بازی می‌کنیم و نصف فیلم را حذف می‌کنند.) چقدر پاکی در خانم بازیگر است، وقتی فیلم را ساختیم، نصف فیلم را حذف نکنید. اتفاقاً یکی از چیزهایی که مبنای دفترچه سیاست‌های من شد که بعدها هم دچار چالش شدیم، اما البته اصل آن لازم بود چون نمی‌شد سرمایه‌ها هدر برود و بعد همه فیلم را حذف کنیم که یکی از آن‌ها صحبت خانم فریمه فرجامی در فیلم «مادر» بود، البته آقای تارخ هم مرحوم شدند خدا رحمت‌شان کند، آن‌جا کشاورز در حرف‌های لاتی که می‌زند، می‌گوید «دهن مهن کُلون مُولون» یعنی بزن برو.

به طور مثال؛ من به مشهد رفتم که آن‌جا کروکودیل پرورش می‌دادند، آن‌جا یک بچه کروکودیل به ما دادند که یک متر طول داشت و دهان او را بسته بودند و مقابل دوربین‌ها من گفتم می‌دانید چرا من این قدر راحت کروکودیل را بغل کرده‌ام؟ چون دهانش بسته است این اگر دهانش باز شود دهان همه ما را

می‌بندد که با او در حال عکس گرفتن هستیم، لطفاً پلمپ نکنید.

نظریه آزاد اندیشی، نظریه ضد پلمپ کردن دهان است. وقتی پلمپ را بر می‌دارند دهان خیلی افراد را می‌بندید به همین دلیل پلمپ می‌کنند.

*** با انسان‌ها و طرز فکرهای مختلف شما می‌نشستید و آن صبحانه‌های معروف را در برنامه‌هایتان داشتید، آیا خروجی داشت؟ چرا این کار را انجام می‌دادید؟**

- اول این که عشقم می‌کشید، من وقتی فرزندانم کاری انجام می‌دادند، می‌پرسیدم فاطمه چرا این کار را انجام دادی؟ می‌گفت عشقم می‌کشید، من می‌گفتم بابا بگو چرا این کار را انجام دادی؟ اما بعدها فهمیدم عشقم کشید یک پاسخ کامل است، عشق خود من این است و خودم دوست دارم، وقتی من فیلم «تنگسیر» را می‌بینم و خوشم می‌آید چون خیلی به روحیات من می‌خورد حالا ممکن است حاشیه داشته باشد و کسی ممکن است اسم فیلم را نیاورد ولی من که نگاه می‌کنم لذت می‌برم.

در مورد مسعود کیمیایی، از همان افرادی است که با من صبحانه خورده است مانند «تنگسیر» و «قیصر» هستیم، اگر ده تا سینمای دینی ساخته شده باشد، یکی از آن‌ها را مسعود کیمیایی ساخته است، فیلم «سفر سنگ» از جمله فیلم‌هایی بود که ممنوع بود و من نشان دادم و وقتی نشان دادم همه تعجب کردند که یک فیلم و این قدر المان انقلاب و دین و ارزش‌ها و نمادها و آئین‌های دینی و قصه و کشف داشته باشد، فیلم «سفر سنگ» یکی از بهترین فیلم‌هایی است که ساخته شده است و کار مسعود کیمیایی است. (البته قبل از انقلاب هم ساخته شده بود) یک بار که با من صبحانه می‌خوردند بر سر موضوعی درد و دل کردیم و به من گفتند آدمی که می‌تواند گریه کند یعنی هنوز خیلی چیزها را دارد، اگر هنوز می‌توانی گریه کنی خیالت راحت باشد و من به او گفتم آقای کیمیایی آدمی که می‌تواند برای امام حسین گریه کند، همه چیز دارد.

سفینه حسین أسرع و اوسع است، چند وقت پیش جایی بودیم، یکی از شخصیت‌ها از قول یکی از علمای بزرگ به من گفتند؛ شخصی با استدلال می‌گوید تنها راه خلاصی آن دنیا امام حسین است، آقای بهرام بیضایی هم راجع

به امام حسین حرف می‌زنند، من کم‌ترین صحبت به استواری بهرام بیضایی راجع به امام حسین را در همین «روز واقعه» دیدم، در سکانس‌های آخر وقتی می‌گوید: «تو چه دیدی؟»

حقیقت را پاره پاره روی زمین دیدم، حقیقت را بر سر نیزه‌ها دیدم، تمام حجت مسلمانی من حسین بن علی است.» من هر بار به عمق این حرف فکر می‌کنم می‌بینم چقدر زیبا گفته‌اند، بنده با آقای بیضایی زاویه دارم و او هم با من زاویه دارند، چه کسی گفته روز قیامت آدم‌ها و عمل‌شان است، بالاتر از آن، آدم‌ها با صفات‌شان هستند، این جمله مربوط به آقای فاطمی‌نیا از علمای بزرگ است که اخیراً مرحوم شدند، گفتند: «آدم‌ها را حتی آن دنیا به اعمال‌شان نگاه نمی‌کنند با صفات‌شان می‌سنجند.» چقدر صفت دارید؟ اگر چه عملت کم بوده است.

این امام حسین آقای بیضایی و آقای اولاع است. آن صبحانه‌ها را اگر بپرسید فایده داشت یا خیر برای خود من فایده داشت که قرائت خود آدم‌هایی که من نسبت به آن‌ها پیش ذهنیتی دارم، بینم خود آن‌ها چه قرائتی می‌کنند، من سال ۸۸ مدیریت کرده‌ام و الان می‌خواهم بگویم آقای عطریان‌فر و آقای ابطحی شما که آن موقع دستگیر شدید و زندان بودیم شما هم برای من قرائت کنید، چه شده است؟

حتماً قرائت عطریان‌فر و ابطحی برای من خوب است، من به عنوان مسئول سطح بالای کشور در این اوضاع باید قرائت آن‌ها را هم بفهمم (مخلص بچه‌های سیاسی و اطلاعاتی کشور هم هستیم) اما قرائت آن‌ها هم برای من ضرغامی که رسانه‌ای هستم و جامعه‌شناسی را در عمل فهمیده‌ام که چه می‌باشد، خیلی مهم است، که بدانم چه می‌گویند.

بعضی‌ها را خدمت حضرت آقا منتقل می‌کردیم آقا دستور می‌دادند و این خیلی خوب بود، یک نمونه در مورد حاج غلام کویتی‌پور که مورد بی‌حرمتی قرار گرفتند، پرسیدم از ایشان چرا ناراحت هستید؟ می‌گوید من گفتم شخصی از بازیگران چرا آمده سر مرز ایران با پدرش دیدار کرده است. اگر وارد ایران می‌شدند چه اتفاقی می‌افتاد؟ ایشان را از قطار پیاده می‌کنند، من به ایشان گفتم حاج غلام شما خود قطار هستید چه کسی شما را پیاده می‌کند؟ حاج غلام کویتی‌پور که اثر «محمد نبودی بینی» او در یاد ما ماندگار شده.

گزارشی راجع به ایران از بی بی سی دیدم که درباره تاریخ موسیقی ایران بود، آن کسانی که کارشناس بودند می گفتند موسیقی این فراز و نشیبها را دارد و به دوران جنگ که رسید چیزی به نام اثر «محمد نبودی ببینی» مدخلی در تاریخ موسیقی ایران است.

آن‌ها این را می گفتند، چقدر جوان‌ها با این اثر رفتند و به شهادت رسیدند. نوشتند، گفتند، داش غلام را فراموش کنید، ملک مطیعی را خدا رحمت کند که این نقش را بازی کردند من گفتم داش غلام را فراموش کنید، ببینید حاج غلام کویتی پور چه کسی هستند؟ بعداً شنیدم که حضرت آقا از ایشان دلجویی کردند و خود ایشان به من گفتند، آقا وقتی از حاج غلام کویتی پور درست در این شرایط که حمله می شود، دلجویی می کنند چه معنایی دارد؟ من گزارشی خدمت رهبری نداده بودم اما آقا در خبرها دیده بودند.

*** تلخ است اما من می بینم و می دانم که عده‌ای هستند آقا را در منافع خودشان می خواهند، به گونه‌ای تحلیل می کنند که منافع خودشان تأمین بشود.**

- به همین دلیل من بارها گفته‌ام که من متنفرم از گفتن، از آقا اجازه، آن‌هایی که این را می گویند، نه همه آن آدم‌ها، بلکه بخش قابل توجهی از آن‌ها هم که دائم می گویند آقا اجازه اتفاقاً، به آقا اجازه در عمل پایبند نیستند و آنقدر سوال می کنند که محکومات آقا به کنار می رود و متشابهات را می گیرند و این قدر بلد هستند در جلسات این متشابهات را رنگ و لعاب بدهند که آدم گمان می کند همین الان آقا تلفنی به این آقا گفته‌اند همین است که شما می گوئید و جز این نیست! من وقتی از منوچهر آتشی به عنوان چهره‌های ماندگار تجلیل کردم، (منوچهر آتشی عضو کانون نویسندگان بود که به طور کل همه ضد انقلاب هستند)، من در جشنواره از ایشان تجلیل کردم و ۲۴ ساعت بعد فوت کردند! حملات سنگین به من شد که چرا از منوچهر آتشی تجلیل کردید؟

البته من می دانستم روحیات منوچهر آتشی چیست و به کجا رسیده است، آقای مهاجرانی نقلی داشتند که می گفتند: «کانون نویسندگان وقتی من وزیر بودم گفتند به من مجوز بدهید کانون ما رسمی بشود و من گفتم باشد مجوز می دهم؛

بروید اساس نامه بنویسید و بیاورید که من به شما مجوز بدهم، گفت رفتند و مدت‌ها طول کشید و پرسیدم چرا اساس نامه نیاوردید؟

گفتند ما همان اول که خواستیم بالای اساس نامه به نام خدا بنویسیم بین مان اختلاف شد که بنویسم یا نه» منوچهر آتشی در چنین جماعتی بودند اما وقتی بالای سن آمدند خیلی مریض بودند، کاغذی قبل از برنامه به من دادند و گفتند آقای ضرغامی من خیلی حال بد است و دارم برای جراحی و پیوند کلیه به بیمارستان سینا می‌روم چون امشب پیوند کلیه دارم ممکن است نتوانم بیایم.

من این کاغذ را به شما می‌دهم که اگر نیامدم به حساب بی احترامی از کردن نگذارید، آن کاغذ را من می‌دهم شما در صفحه خود قرار دهید، خیلی از مدعیان دیگر حاضر هستند برای جمهوری اسلامی این‌گونه صحبت کنند؟ من یک بار خدمت آقا این کار را توضیح دادم و آقا از انجام این کار راضی بودند، حالا صد نفر دیگر راضی نباشند چه می‌شود؟

من نمی‌خواهم بگویم تمام کارهای من صحبت‌های آقا است، البته که آقا به من اشکال هم گرفتند، راجع به برخی موضوعات در دورانی که من مسئول بودم با حضرت آقا بحث کردیم و من آن زمان نیروی فکری بودم و خدمت آقا توضیح می‌دادم که برخی اوقات آقا عرایض من را قبول می‌کردند و یک بار هم در فرمایشات‌شان به دانشجویها، شخص آقا فرمودند (برخی اوقات هم می‌فرمودند) این درست نیست و من مطلب شما را خواندم و قبول ندارم و می‌رفتیم آن‌گونه که آقا می‌فرمودند عمل می‌کردیم.

همه چیز روشن است اما برخی‌ها خیلی پیچیده می‌کنند و می‌گویند ما جایی بودیم آقا یک جمله گفتند، نه من اما الان آن‌هایی که شمشیرزن یک آقا هستند، آقا خیلی وقت‌ها با آن‌ها برخورد می‌کند و می‌گویند موضع‌تان تند بود یا این مطلب‌تان تند بود.

من دوازده پیش با حسین قدیانی ناهار خوردم، حسین قدیانی اهل قلم است و فرزند شهید است، یک برنند در ادبیات ما هستند و کارهای بزرگی انجام داده‌اند، تأییداتی که آقا برای حسین دارد برای هیچ کس ندارد، آقا را حضرت ماه نام می‌برند، حسین چه بر سرش آمده است که الان حسین این‌گونه می‌نویسد! شأن

و قلمش برای خودش محفوظ است.

من می‌گویم چرا هیچ آدم شجاعی نیست، گاهی اوقات من می‌گویم جای مطهری خالی است، مطهری ریشه‌یابی و مسئله‌یابی می‌کردند، ما الان چنین افرادی نداریم، کدام یکی از بزرگان ما جرأت می‌کند محکم راجع به حسین قدیانی چند جمله خوب بگوید و صحبت کند، همه دنبال زندگی خودشان هستند، بعضی اوقات می‌گویم «بعضی بزرگان ما به دنبال سمپاتاشان هستند.» می‌گویند ما موقعیتی که داریم و ما را تحویل می‌گیرند و چند دهه در موقعیت هستیم و تریبون رسمی که داریم را نمی‌خواهیم از دست بدهیم.

من در نماز جمعه یک جمله گفتم، «نظام معادل آدم‌ها نیست.» من در نماز جمعه‌ها سالیانه دو بار حداقل سخنرانی داشتم، سیزده آبان سخنرانی داشتم و برای شهید مطهری هم صحبت داشتم، من یک بار اتفاقی افتاده بود و این گفته را که «نظام معادل آدم‌ها نیست» را تطبیق به یکی از بزرگان دادم، که گفتند، ضرغامی داشت این شخص را می‌کوید، چون یکی از آقایان گفته بود به این شخص انتقاد زیاد نکنید و انتقاد به این شخص انتقاد به نظام است، اصلاً این‌گونه نیست، چه کسی چنین حرفی را گفته است؟ امام که گفتند: «حفظ نظام از اوجب واجبات است.»

*** آقا در سخنرانی جدید حرف امام را تغییر دادند و فرمودند «ایمان مردم از اوجب واجبات است.»**

- حضرت آقا بارها گفته‌اند از جمهوری اسلامی ویژگی‌هایی گرفته می‌شود که تبدیل به کاریکاتوری یا پاکستان می‌شود، نظام معادل آدم‌ها نیست، الان ۵ الی ۶ سال است که از این حرف من گذشته است، در نماز جمعه‌ها ممنوع‌المنبر شده‌ام، الحمدلله خدارو شکر می‌کنم عمر من را این قدر طولانی کردند که فضای مجازی آمد نه برای من بلکه برای تمام اهل فکر که وقتی می‌خواهند حرف بزنند، نگاه نکنند ببینند جمهوری اسلامی کجا به آن‌ها این قدر تریبون می‌دهد. یک جمله راجع به حاج قاسم بگویم، من افتخارم همنشینی با حاجی بود، به خصوص زمانی که مسئولیت داشتم و قبل از آن هم با حاج قاسم همنشینی داشتم و بعد از آن هم همین‌طور، ایشان شورایی داشتند مشورت سیاسی و اجتماعی به

ایشان می‌دادند ما ۵ الی ۶ نفر بودیم که همدیگر را ملاقات می‌کردیم، حاجی همان آدمی بودند که بعداً زیاد گفته شد که می‌گفتند همه با هم باشیم، مانند این که این روزها و اغتشاشات را می‌دیدند که این‌ها دخترها و بچه‌های ما هستند این‌ها را سوا نکنید، آن بدحجاب هم بچه خود ما است، آن هم تربیت شده خود ما است.

دو نگاه وجود دارد یک نگاه می‌گویید، بزیند این دختر را نابود کنید و نگاه دیگر می‌گویید، من از شما متنفرم و نگاه دیگری می‌گویید، این دختر هم فرزند خودمان است پس بچه چه کسی است؟ موضع حاجی همان‌هایی بود که اعلام کردند و در مواضع دیگر هم که با یکدیگر گپ می‌زدیم همان‌هایی بود که اعلام شد، در جمع‌هایی که دلی بود، بسیار مشورت‌پذیر بودند و در جمع‌هایی که دلی نبود خیر مشورت‌پذیر نبودند.

به طور مثال؛ اگر در شورای امنیت بحث می‌کردیم و احساس می‌کردند یک سری افرادی به دنبال چیزهای دیگری هستند خیلی محکم دعوا می‌کردند؛ به نوعی بود که به متراکه می‌کشید و شوخی هم نداشتند و بحث‌های جدی می‌کردند که من چند مورد از آن‌ها را شاهد بودم، اما وقتی دلی حرف می‌زدیم خیلی پذیرش خوبی داشتند و این خیلی خوب بود.

من در جلسه آخری که با ایشان داشتم دیر آمدم؛ چند نفر دور میز در دفتر ایشان ناهار می‌خوردیم ناهار را روی میز گذاشته بودند که جوجه‌کباب بود و ۶ الی ۷ نفر هم از جمله آقای صفار و رحیم‌پور ازغدی، آقای احمدیانی و ... بودند که ما چند نفر مشورت سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ای به حاج قاسم می‌دادیم و جلسات خیلی خوبی بودند.

یک بار به ما یک سکه پاداش دادند و آقای رحیم‌پور می‌گفتند من آن سکه را به عنوان تبرک به منزل‌مان بردم و مشکلات زیادی داشتم که همان روز در بازار، سکه را نقد و خرج کردم، وارد جلسه که شدم عذرخواهی می‌کردم و می‌خواستم جلوی در بنشینم و اصرار کردند، دیدند من داخل نمی‌آیم ایشان از جایشان بلند شدند و جلوی در آمدند و با من روبوسی کردند و من را بغل کردند و به اجبار دست من را کشیدند و بالا بردند، من دیر آمده بودم و تقریباً همه

ناهارشان را میل کرده بودند.

حاج قاسم من را به بالا بردند و من را کنار خود جای دادند و اصرار کردند همه چیز را مقابل من چیدند و من شروع به خوردن ناهار کردم و ایشان هم کنار من بودند و همین‌طور که ناهار می‌خوردم صحبت می‌کردند، دنیا این‌گونه است. هر چه فکر می‌کنم که ای کاش من فاشق و چنگال را کنار می‌گذاشتم و یک دل سیر او را نگاه می‌کردم اگر که می‌دانستم آخرین ملاقات من با او است، قدر هم را باید بدانیم این قدر تخریب و دشمن‌سازی کردن بد است.

همه ما زیر یک خیمه هستیم، امام آمدند به ما آبرو دادند و همه را زیر یک خیمه بردند، آن‌هایی که این تفکر را دارند حتی حاج قاسم را هم قبول ندارند، وقتی از مکتب حاج قاسم نام می‌برید اصلاً چیزی به نام مکتب حاج قاسم را هم قبول ندارند من با برخی از این‌ها حرف زدم، می‌گویند حاج قاسم فرمانده جنگ بود و .. در بحث‌های فکری آدم‌هایی که نام دارند، مدنظر هستند، در بحث‌های فکری حاج قاسم برای ما ملاک نیست و حتماً غلط است، ما احساسی نیستیم اما حاج قاسم یک آدم جامع‌نگری بودند که خداوند آن مقام را به ایشان دادند، آن تشیع پاک را به ایشان دادند و آن اتفاقات نشان می‌دهد که آن آدم معمولی نیست.

حضرت آقا هم بالاترین جملات را گفتند، ما می‌گوییم حاجی در رفتارشان می‌گویند که این‌گونه عمل کنید و بعد می‌گوییم در بحث‌های فکری با حاج قاسم کاری نداریم او یک فرمانده نظامی بود.

من فکر می‌کنم یکی از کارهایی که بر عهده همه متفکرین ما است این است که مکتب حاج قاسم را تبیین کنند و خاطرات را جمع کنند به چند آدم بی طرف بدهند و این‌ها را جمع‌بندی و آنالیز کنند. مکتب حاج قاسم ما را نجات می‌دهد، نمونه عملی حضرت امام و فرمایشان رهبر انقلاب است.

حاجی وقتی به نمونه عملی می‌رسیدند محکم عمل می‌کردند و در آن تخلف هم بود و ممکن بود بخشی از پولی در جایی هدر برود اما وقتی تصمیم می‌گرفتند همان‌جا عمل می‌کردند، امروز یکی از مشکلات ما در کشور که من مرتباً در حرف‌هایم می‌گویم این است که «نظام اداری پوسیده ما نمی‌گذارد

کاری انجام بگیرد.» یک قدم می‌خواهید بردارید نظام اداری و دستگاه‌های نظارتی و دستگاه‌های دیگری که موضوع را نمی‌دانند و فقط آماده هستند برای شما پرونده بسازند، کار را متوقف می‌کنند، خیلی از کارهای خوب الان متوقف است، وقتی به شخصی می‌گوییم چرا این کار را انجام نمی‌دهید، می‌گوید اگر این کار را انجام بدهم فردا من را می‌گیرند و می‌برند، حاج قاسم چون می‌دانستند کسی جرأت ندارد وارد حریم او بشود در کار خود موفق بود، همین شیوه و مکتب حاج قاسم را بگیرید و مدیریت کنید.

ما در کشور ده نفر داریم که به آن‌ها اعتماد داشته باشیم که دزد نیستند و پول در جیب خود نمی‌گذارند و یا یک دلار بر نمی‌دارند و همه چیز زندگی‌شان مشخص است، مدیران با سابقه هستند می‌توانیم به آن‌ها اعتماد کنیم و بگوییم این کار را راه بیاندازید، هنوز نتوانستیم این کار را انجام دهیم.

*** حاج قاسم آستین خود را بالا می‌زدند و موضوعی را رفع می‌کردند و بر می‌گشتند. حاج آقا شما می‌نویسید «اشتباهات من» الان اگر به عقب بازگردید کدام اشتباهات را انجام نمی‌دهید؟**

- یکی از نمایندگان مجلس این اشتباه را کردند. پشت تریبون می‌روند می‌گویند آقای ضرغامی شما به جای آن‌که وقت بگذارید و توییت بنویسید بروید به گردشگری برسید، خیال می‌کند من از صبح تا شب در حال توییت نوشتن هستم، من از صبح تا شب کارم را انجام می‌دهم.

من وقتی به سفر استانی می‌روم ساعت ۴ صبح بیدار می‌شوم تا ۱۲ شب با نماینده‌ها در استان بازرسی می‌کنم به گونه‌ای که نماینده‌های شهر از پا در می‌آیند، روحیه من این است و لذت می‌برم و اصلاً هم خسته نمی‌شوم، بنابراین کار خود را انجام می‌دهم، اگر جایی در مسیر می‌روم و توییتی به ذهنم می‌آید توییت را در صفحه خود می‌زنم.

من دو روز پیش به جنوب یزد رفتم هیچ وزیر میراث تا به الان به جنوب یزد سفر نکرده است، از یزد که به خاتم و مروست و ... می‌روید فقط ۵۰۰ کیلومتر مسیر رفت و برگشت است. تمام بدن در ماشین به حالت ویریه در می‌آید، فرصت می‌کنم، کارهایم را راه می‌اندازم و چیزی هم به ذهنم می‌آید، می‌نویسم. من

دسترسی به این برنامه‌ها دارم و یادداشت می‌نویسم و دکتر طاهرپور هم همیشه در صحبت‌ها تشکر می‌کنند؛ در آن‌جا هم دنبال کننده‌ها خوب هستند و ارتباط با داخلی‌ها دارم و خارجی هم فعلاً دارم و باید حرف بزنم، در میان خارجی‌ها هم، مخاطب من در میان آن‌ها هستند.

اگر آقای مطهری محلل را می‌خواهد توضیح بدهد به زن روز می‌رود؛ اگر مطهری امروز بودند تکفیرش کرده بودند، آقای مطهری در کثیف‌ترین مجله وقت، مقاله می‌نویسند وقتی از او علت را جویا می‌شوند می‌گوید: «مخاطب محلل که زیر منبر من در مسجد نیست این مخاطب در آنجا است.» برخی اوقات چیزهایی از انقلاب می‌گویم اما آن‌قدر فحش می‌شنوم که نگویند.

به طور مثال در دوازده فروردین نوشتم «جمهوری اسلامی ایران مبارک، ما آمدیم که بمانیم و بدانند که نمی‌رویم.» هزار و هشتصد کامنت، تمام پدر و مادر من را یاد کردند و این قدر این کار لذت داشت که من روی یک عده را کم کردم که فکر کردند جمهوری اسلامی آمده که برود، جمهوری اسلامی کجا می‌خواهد برود؟ جمهوری اسلامی آمده که بماند حالا شما می‌خواهید ناراحت باشید.

در اغتشاشات فکر کردند جمهوری اسلامی رفته و هورا کشیدند و چند نفر دور هم نشستند و شورای اپوزوسیون را تشکیل دادند و ۳ ماه چنان همدیگر را زدند که خود طرفدارانشان گفتند اگر این هستید که کشور دارد اداره می‌شود، چه برسد به منافقین، ما با جمهوری اسلامی هستیم و آمدیم بمانیم که نوکری مردم را کنیم.

اشتباهات من این است اگر آن موقع به جای آن‌که وقت خود را برای بعضی بگذارم که دو ساعت به آن‌ها توضیح بدهم که زنگ بزنند بگویند خبر ما را اول بگذارید و بعد که خبرشان دوم شد با من دعوا کنند و من احترام بگذارم در حالی که لازم نبود، اگر عقل امروز را داشتم به آن تلفن‌ها پاسخ نمی‌دادم و آن وقت را روی محیط زیست و گردشگری و نیازهای آموزشی مردم می‌گذاشتم، اما خود من اگر وقت بگذارم و متمرکز شوم خیلی تفاوت دارد، وقت من را آن کارها گرفتند.

* شما کسی را در دوره خود ممنوع‌التصویر کردید؟ یک نفر برایتان توئیت گذاشته بود وقتی سر قبر نشسته بودید و در حال فاتحه خواندن بودید.

- اگر منظورتان آقای شجریان است، برخی اوقات می‌گویند در مورد اردشیر بابکان یک جمله‌ای بگویید، من به شوخی می‌گویم خدا رحمتشان کند، می‌گویند آدم خوبی بود مردم حرف زیاد می‌زنند، من به شوخی این جمله را می‌گویم و بعد توضیح می‌دهم که اردشیر بابکان چه کسی است، وقتی سر مزار فردوسی می‌روید مرحوم آقای شجریان در همان مسیر است و من بر سر مزار ایشان رفتم و تنها بودم؛ نگذاشتم کسی همراه من بیاید و فاتحه خواندم، فاتحه خواندن سر قبر اموات هم نیاز به اجازه ندارد، بعضی‌ها یک جوری صحبت می‌کنند مانند این‌که موقع فاتحه خواندن باید اجازه کسب کنیم!

مرحوم آقای شجریان یک بار خیلی محترمانه به من نامه نوشتند و از من خواستند آثارشان را از صدا و سیما پخش نکنم، من زیر نامه ایشان نوشتم عین درخواست جناب آقای شجریان انجام شود.

*** ن‌گفتید این آدم الان شاید احساساتی باشد ناز ایشان را بخرد؟**

- چون بعداً راجع به اثر «رینا» ایشان توقعاتی را مطرح کردند اگر ایشان به من می‌گفتند یا یادداشتی می‌زدند و می‌گفتند من چنین چیزی گفته‌ام اما راجع به «رینا» من این موضوع مطرح نباشد، من وظیفه داشتم به درخواست ایشان عمل کنم، آن دوران قابل بررسی بود.

خدا رحمت کند ایشان را به خاطر خیلی چیزها از جمله؛ کار بسیار خوب ایشان «بشنوید ای سرود جانبازان» که یکی از بهترین کارهای ایشان است من تحت مدیریت خودم روی این اثر تصویرگذاری کردم و خیلی چیز خوبی شد البته «مرغ سحر» را هم دوست دارم اما «بشنوید ای سرود جانبازان» برای شجریان چیز دیگری بود و من فکر می‌کنم با تمام وجودشان این سرود را خواندند.

در حوادث ۸۸ به خارج رفتند و آن تصویرها با شبکه بی بی سی از ایشان گرفته شد و خیلی از ایشان اطلاعات گرفتند و پخش کردند؛ در آن اتفاقاتی که در آن مقطع افتاد بچه‌های ما در خبر ۲۰:۳۰ چون در مورد اتفاقات روشنگری می‌کردند؛ راجع به ایشان ساختند (اولین بار است این موضوع را بیان می‌کنم)؛ قبل از این‌که پخش شود، گفته بودم ابتدا بیاورید من بینم وقتی دیدم گفتم به هیچ وجه متعرض آقای شجریان نشوید، ایشان هنرمند هستند و به خارج رفته‌اند و این

اتفاقات افتاده است، صبر کنید و اجازه پخش آن فیلم را هرگز ندادم و کاملاً به خاطر خدماتی که ایشان به خصوص بعد از انقلاب کرده بود.

من می‌ترسم فردا ما را در خاک گذاشتند، به شخصی بگویند بروید بر سر قبر این فرد فاتحه بخوانید بگویند من بر سر قبر ضرغامی فاتحه نمی‌خوانم.

*** خیلی از هنرمندان از سال قبل تا الان این اتفاقات برایشان افتاد، جو آنها را گرفت و تصاویری از آنها پخش شد و مورد حمله‌های رسانه‌ای قرار گرفتند، باید با آنها چگونه برخورد کرد؟**

- این‌ها همه متعلق به ما هستند، تمام چهره‌های هنری کشور متعلق به ما هستند، سرمایه ما هستند، هر رسانه‌ای هر چقدر نیروی جدید تربیت کند تبدیل به یک چهره یا سلبریتی و سرمایه می‌شود.

اتفاقاً باید مراقب باشیم ده سال آینده همین افرادی که امروز پرورش می‌دهیم همان‌ها باشند. من تعبیری دارم که می‌گویم «ریزش رویش‌ها» این تعبیر متعلق به من است. حضرت آقا می‌فرمایند «اگر ما ریزش داریم، داریم اما در مقابل آن رویش هم داریم»

من اعتقاد دیگری دارم ضمن این‌که این مطلب کاملاً درست است، مراقب رویش‌ها بشویم که رویش‌ها هم مرتب دچار ریزش نشود. اگر من راجع به حسین قدیانی صحبت می‌کنم یک نفر است اما مهم است راجع به چه کسی حرف می‌زنیم، چهره‌ها و سلبریتی‌ها سرمایه نظام و متعلق به نظام هستند، اتفاقاتی افتاد و برخی‌هایشان اشتباه تصمیم گرفتند.

من وقتی با آن‌ها ملاقات می‌کنم به آن‌ها می‌گویم خیلی اشتباه کردید این چه طرز صحبت کردن است؟ وقتی می‌خواهید انتقاد کنید، چارچوبی دارد و چون من را قبول دارند برخی اوقات به آن‌ها می‌گویم، باید این اشخاص را نگه داریم چون این‌ها متعلق به همین کشور هستند. امیدوارم یک روز همه این‌ها باشند؛ پشتوانه هنر ما هستند. ما باید روی این چیزها تفاهم ملی پیدا کنیم.

*** از امروز به ۱۴۰۰ سال قبل بازگردیم، ۵ دقیقه به جنگ مانده است یک طرف لشکر عمر بن سعد و یک طرف لشکر امام حسین است، یک بلندی است شما فرصت دارید چند دقیقه با لشکر دشمن صحبت کنید، چه می‌گویید؟**

- اولاً نمی دانم اگر من آنجا بودم با اعتقادی که الآن به امام حسین دارم آنجا هم محکم از حسین علیه یزید دفاع می کردم من این را نمی دانم، من بعد از قضایای فتنه به بعضی آقایان گفتم بیاید حرف بزنید، می گفتند بگذارید چند روز بگذرد ببینیم چه می شود؟

می گفتم اگر اوضاع درست بشود دیگر صحبت ما به درد نمی خورد. اگر سلیمان بن صرد خزاعی بعداً با ۴ هزار نفر آمدند و آن گونه به شهادت رسیدند؛ خوب است که به شهادت رسیدند اما دیگر شهدای ۷۲ تن نیستند و نمی دانیم چه می شود. اگر آن موقع بودیم فرض بگذاریم که همین طور بودیم. من به یاد «حر» افتادم، چرا که «حر» مقابل حق ماند اما فرصت پیدا کرد و بازگشت. به «حر» فرصت داده شد و بازگشت، امروز ما فرصت می دهیم اگر کسی گیر کرد بگوییم بازگرد؛ ما استاد فرصت سوزی هستیم فرصت بدهید، دیگر بالاتر از این که آب را بر روی بچه های امام حسین بستند؟ * «حر» صحنه جنگ را رقم زد اما امام به او فرصت دادند. با دخترهایمان امروز باید چه کار کنیم؟

- ما فرصت نمی دهیم. شاید به آن ها می گفتیم مقداری فکر کنید که ۱۵۰۰ سال دیگر این جماعت اربعین میلیونی از همه دنیا می آید که گردشگران در آن مانده اند و همه شما می روید و نابود می شوید اما این ها می مانند و ماندنی هستند، اگر می توانستیم با جماعتی که دُهل می زدند که صدای ابی عبدالله را نشوند، ما جز این حرفی نداشتیم اما این خود ما هم درس است که به امروز که نگاه می کنیم می توانیم خودمان را در جبهه حق نگاه داریم؟

در جبهه حق ماندن سخت است، همه چیز را بفهمیم و لسان قوم را داشته باشیم و با جوانان حرف بزنیم و دامن خود را جدا نکنیم و به دور از تنزه طلبی و تقدس معابی، به میدان بیاییم و فحش بخوریم اما برای جمهوری اسلامی کار کنیم و برای امام و نظام کار کنیم که این موضوع سخت است؛ انشالله خداوند پاداش ما را عاقبت خوب در دنیا قرار دهد.

* می دانم اهل تحقیق و مطالعه هستید، کدام صحنه کربلا برایتان تلخ است؟ اگر به مهندس ضرغامی اجازه دهند یکی از پرده های کربلا را در تاریخ پاک کنند، کدام است؟

- نمی‌شود، تنهایی امام در آن لحظات آخر از همه سخت‌تر است، آن «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» که امام می‌گویند و دیگر هیچ‌کس اطرافش نمانده است، همان سخت است.

آن شعری که آقای کوثری در محضر امام می‌خوانند خیلی به من چسبید، آن «آهی» که می‌گوید همه چیز است، «آه از آن ساعتی که با تن چاک چاک نهادی ای تشنه لب صورت خود را به خاک» آن تنهایی امام و آن لحظه‌ای که می‌گوید حداقل وقتی به سمت خیمه‌ها می‌آیید دین داشته باشید، معلوم نیست اگر پرده کنار برود و بخواهیم ببینیم زنده بمانیم، اصلاً قابل تحمل نیست اما اتفاق افتاده است.

* دوست دارید در خیمه امام حسین از کسی یاد کنید؟

- من همکاری داشتم که ۳۰ سال رانندگی من را انجام می‌دادند که حاج ماشالله هم‌تیمان نام دارند، خیلی آدم خوبی بودند و ۳۰ سال شب و روز با من بودند و آن قدر که من با او بودم با خانواده خود نبودم، خیلی آدم خوبی بودند و یک سال پیش دچار کانسر شدند، خیلی اذیت شدند، از دنیا رفتند و من خیلی به او مدیون هستم و انشالله ثوابی از کارتان به روح مرحوم حاج ماشالله برسد.

* از هنرمندان چه کسانی هستند؟

- از هنرمندان بخواهم بگویم، مرحوم یدالله صمدی، خیلی کارگردان بزرگی بودند و قدر ایشان شناخته نشد، چند کار بزرگ انجام دادند، در مراسم ختم ایشان هم شرکت کردم. هم کارهای تاریخی و هم اجتماعی انجام دادند و بسیار انسان شریفی بودند، آذری زبان بودند وقتی می‌خواستند کار ترکی در برنامه خود انجام دهد کولاک می‌کردند، ضمن این‌که بسیار با خدا و خدمتگذار و با سواد و بدون حاشیه بودند. یکی از کارگردان‌های بزرگ این کشور بودند.

همه خوب هستند و بودند و همه خدمت کردند، با بازیگران بزرگ با همه آن‌ها خاطره دارم، از جمله آقای انتظامی، مشایخی، کشاورز، داود رشیدی، نصیریان، محمد علی فردین، هر کسی با نیتی در این کشور کار کرده است. خداوند رحمت‌شان کند.

به افق فلسطین مقاومت



شبهه افق، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

* آقای دکتر سلام عرض می‌کنم خیلی خوش آمدید.

- سلام علیکم، عرض احترام به حضرتعالی و همکاران خوبتان و مخاطبین عزیز که بیننده این برنامه خوب هستند.

* تبعات توثیق شما هنوز ادامه دارد رجوع به خانم جولیا پتروس.

- همان‌طور که سرودی خوانده شد که «الحق السلاحي» نام داشت حق سلاح است و زرادخانه آن هیچ وقت تمام شدنی نیست، شاید جمله این خواننده مسیحی لبنانی که در دوران مقاومت بخصوص مقاومت تاریخی ۳۳ روزه خیلی نقش آفرینی کرد و گفت اگر یک مرد در دنیا باشد سید حسن نصرالله است و سرودهای انقلابی خیلی خوبی را اجرا کردند، این سرود ایشان یک سرود ویژه است.

خیلی افراد با این سرود همراهی کردند و باعث انسجام و وحدتی حول کار هنری شد و برخی‌ها هم که اقلیت محدودی بودند فکر کردند این کار درست نبوده و به حاشیه بردند، در حالی که خواندن زن بر اساس فتوای رهبر معظم انقلاب در مورد موسیقی تنها شرط آن «اضلال عن سبیل الله» من در افق رسانه سازمان صدا و سیما یک بار این مورد را برای همکاران تشریح کردم، «اضلال عن سبیل الله» هم توضیحات مفصلی دارد و تشخیص آن با عرف است و هیچ تبصره دیگری ندارد.

لذا اگر یک خانم خوانندگی می‌کند اگر آن مصادیق در آن نباشد مشکل شرعی ندارد کما این که ما در تیتراژ سریال مختار از خانم مرثیه خوان ارزشمند بوشهری استفاده کردیم که خیلی موثر بود.

***البته این خوانندگی با آن خوانندگی متفاوت است اما شما می‌فرمایید**

که «اضلال عن سبیل الله» موضوع را رفع می‌کند؟

- بله، این خانم بیانیه، انقلابی و حماسی می‌خواند و جمعیت با او همراهی می‌کنند. «الحق سلاحی» سلاح آن حقانیت است، برخی‌ها می‌گویند حماس که می‌جنگد آیا سلاح او تمام می‌شود؟ طرح چنین سوالی غلط است، آن زمان که انتفاضه شروع شد با سنگ جنگیدند تا اکنون که با موشک و پهپاد و سلاح‌های پیشرفته‌تر، رژیم صهیونیستی را به زانو در آوردند و تا ادامه اما مهم این است این ذرات خانه چون حقانیت است تمام شدنی نیست.

حماسه غزه دستاوردهای مهمی داشت که انسجام و همگرایی بسیار گسترده‌ای در سطح جهانی ایجاد کرد، یعنی امروز دنیا همگرا شده است و اصلاً این‌گونه نبود، با کارهای رسانه‌ای که صهیونیست‌ها در طی سال‌ها انجام دادند به راحتی نمی‌شد آن‌ها را در حوزه رسانه و افکار عمومی در کنج قرار داد، اما امروز این اتفاق افتاده است، یعنی در قلب اروپا راهپیمایی‌هایی که می‌شود مانند راهپیمایی‌های لندن که دوربین حرکت می‌کند و این جمعیت مانند راهپیمایی‌های ایران تمام شدنی نیست، وقتی دنیا حول موضوعی مانده غزه منسجم می‌شود و وحدت ایجاد می‌شود، چرا ما در ایران این کار را مایه وحدت اقشارمان قرار ندهیم.

یکی از کارهای خوبی که این برنامه انجام داد این بود که تلاش کرد و در حدی که می‌توانست چهره‌ها و سلايق مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به برنامه دعوت کرد، طبیعی است که حرف‌های خودشان را دارند و هیچ اشکالی ندارد به هر حال رسانه ملی است، وقتی این‌جا می‌آیند و حول غزه وحدت می‌کنند و صحبت می‌کنند این کار خیلی ارزش دارد و می‌تواند الگویی باشد که ما آن را حفظ کنیم اما برخی‌ها خیال می‌کنند اگر آدم مخالف از تریبون زنده استفاده کند و چند کلمه حرف بزند بعداً چکار کنیم؟

اصلاً این‌گونه نیست اتفاقاً وقتی شرایط فراهم می‌شود، ما نباید از آدم‌ها بترسیم و همین‌طور آدم‌ها را نباید از خودشان بترسانیم، مشکل ما این است که برخی آدم‌ها از خودشان می‌ترسند، این که شما الگویی حول موضوع مهمی مانند غزه و مقاومت تشکیل دهید که در دنیا وحدت ایجاد کرده است در این برنامه کار

شما خوب بوده و جای تشکر دارد.

* وقتی می‌پرسیم این گرانیگاهی که خارج از مرزهای ایران قرار گرفته است چطور می‌توانیم در پایگاه داخلی کشور، این اتحاد را شکل دهیم، دوستان نظرات مختلفی داشتند اما نظر شما چیست؟ راجع به فلسطین اتحاد و انسجامی در کشور به وجود آمده است. دلیل این انسجام خارج از مرزها است و اگر بخواهیم به داخل کشور منتقل کنیم چه بایسته‌هایی دارد؟

- حتماً ما موضوعات متعددی داریم که مسئله مردم است و اگر به درستی موضوع انتخاب بشود ای بسا که خیلی بهتر از غزه بتواند مایه انسجام ملی بشود، من الان می‌توانم برای شما مثال بزنم اما نمی‌خواهم وارد مثال‌ها شوم.

مهم تحمل همدیگر است و مهم این است که زبان غیر را به رسمیت بشناسیم برخی اوقات آدمی با زبان خود حرف می‌زند و حال ما بد می‌شود، باید عادت کنیم حال ما بد نشود، این که رهبری معظم مرتباً بر لسان قوم تأکید می‌کنند و البته من هم سال‌ها است که در مورد لسان قوم مطلب می‌نویسم و حرف می‌زنم، لسان قوم یعنی این که طرف شما که می‌خواهد حرف شما را بشنود و عمل کند ابتدا با شما رابطه برقرار کند و بفهمد اما وقتی نفهمید و ارتباط برقرار نکرد مانند این می‌ماند که با فردی انگلیسی زبان، فارسی حرف بزنید.

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی می‌خواست قوم خود را دعوت کند یک شب با ستاره پرست‌ها زندگی کرد و آن‌ها هم فکر کردند ابراهیم ستاره پرست شده است، به تعبیر ما هنرمندان با آن‌ها فالوده خورد و مانند خودشان رفتار کرد البته در آیات قرآن آمده است که او ستاره پرست نشد اما وانمود کرد که حرف آن‌ها را گوش کرده است اما صبح که شد گفت ستاره که افول کرد خدا که نمی‌تواند افول کند و شب دوم با ماه پرست‌ها و شب سوم با خورشید پرست‌ها و وقتی سه روز این اتفاق افتاد به آن‌ها گفت خدایی را بپرستید که افول نکند.

اگر حضرت ابراهیم در عصر و دوره ما بود و می‌خواست یک شب با ستاره پرست‌ها فالوده بخورد که دو شب دیگر بتواند آن‌ها را هدایت کند، دستگاه‌های نظارتی ما چنان پرونده‌ای برای حضرت می‌بستند که نبوت خود را کاملاً فراموش کند، گرفتاری ما این است، یعنی آن افرادی که بلد نیستند ترجمه کنند. هر چقدر

رهبری می‌فرمایند با مردم با زبان خودشان صحبت کنید اما این‌ها مترجم می‌خواهند، وقتی با مردم مترجم دارید می‌توانید با مردم ارتباط برقرار کنید. غزه مبدأ تاریخ شد یعنی جنبش‌های انقلابی به قبل و بعد از غزه تقسیم می‌شوند البته اکنون جبهه مقاومت گسترده‌تر است و از کرانه باختری و حزب الله و انصار الله یمن تا آحاد مردم در سراسر دنیا، اگر در نظر بگیرید جبهه مقاومت الان خیلی گسترده است، اما غزه درخشید و حماسه غزه مبدأ تاریخ جنبش‌های انقلابی است.

ما موردی به نام «حجاب معاصرت» داریم، معاصرت یعنی هم عصر بودن که این هم عصر بودن حجاب می‌آورد چون در دوره ما انجام می‌شود اگر هزار معجزه هم رخ بدهد متوجه معجزه نخواهیم شد، این یک حجاب است و اگر ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال گذشت بعداً متوجه می‌شوند که چه بود و چه اتفاقی افتاد، ما امروز متوجه نمی‌شویم غزه چه چیزی است، «و ما ادراک مع الغزه».

آن‌طور که بزرگان برای ما تفسیر کردند قرآن آیه مشهور سوره مبارکه ضحی است که شهید مطهری تفسیر می‌کند و بعد از انقطاع وحی که بحث جالبی در قرآن است، وقتی مجدد وحی نازل می‌شود آیه‌اش این است «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى» یک تفسیر این است که آخرت تو بهتر از دنیای تو است که خطاب به پیامبر اکرم می‌فرمایند اما شهید مطهری تعبیر ظریف‌تری دارند و می‌گویند منظور از آخرت دنیای آخرت نیست، هر کاری ابتدای آن سخت است اما اگر وارد آن کار شدید آخر آن آسان می‌شود یعنی آخرت در این جا به معنای عاقبت و انجام کار است.

در سوره مبارکه بلد هم داریم " (و هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ) نجدین یعنی راه سنگلاخ، شهید مطهری می‌فرمایند "انسان به راه سنگلاخ می‌افتد یا ابتدای راه سنگلاخ است و بعد هموار می‌شود یا اگر ابتدای کار به دنبال راحتی بود بعد از آن دچار سنگلاخ می‌شود، بنابراین بهتر است که انسان ابتدا سختی‌ها را تحمل کند اما به دنبال آن آسانی می‌آید.

سوره ضحی آیه ۴: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى» و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشأ دنیا است.

سوره بلد آیه ۱۰: **وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ**: و او را به راه خیر و شرش هدایت نمودیم.

غزه حتما موفق است، غزه الگوی همه دنیا خواهد شد، امروز اسرائیل در غزه سرگردان است و با تانک‌ها وارد شده و کودکان را می‌کشد، اما هیچ برتری نظامی پیدا نمی‌کند، افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل به بایگانی تاریخ سپرده شد که امروز دنیا آن را صحنه می‌گذارد، هم به لحاظ اطلاعاتی و هم به لحاظ نظامی و هم رسانه‌ای افکار عمومی اسرائیل همه این‌ها را باخته است. رهبر معظم فرمودند: «ضربه‌ای که خورده قابل ترمیم نیست.» به این معنا است چرا که اسرائیل مانند گذشته نخواهد شد و به سمت آن انحلال نهایی پیش می‌رود.

وظیفه من چون اکنون گردشگری است، لازم است بگویم: گردشگری که یکی از محل‌های درآمد رژیم صهیونیستی بود به کل نابود شده است و کارشناسان می‌گویند هیچ وقت گردشگری اسرائیل رونق نخواهد گرفت، این قدر که وزیر گردشگری عصبانی شد و اعلام کرد ما هسته‌ای می‌زنیم، چقدر دنیا الان بی‌صاحب است و مدعیان حقوق بشر چقدر نظاره‌گر بدترین شکست حقوق اولیه انسان‌ها هستند که اسرائیل می‌گوید: ما شما را با بمب هسته‌ای می‌زنیم، این امر نشان‌دهنده این است که اسرائیل از هم پاشیده شده است.

من در توثیق امروز اعلام کردم امشب به این جا می‌آیم و نوشتم مقاومت یک انتخاب نیست بلکه ضرورت است، در هر حوزه‌ای که وارد شوید عواقب زیان‌بار سازش به مراتب بیشتر از برخی هزینه‌هایی است که در مورد مقاومت است.

مقاومت، آینده دارد اما سازش هیچی ندارد. انشاءالله ملتی که امروز الگوی مردم دنیا هستند تاریخ‌سازی انجام دهند که به سمت مدینه فاضله انسانیت جلو بروند.

*** شاید کمتر کسی بداند که جناب‌عالی در حوزه موشکی هم فعالیت داشتید، آن زمان ابوالمشاغل نبودید.**

- ما هیچ وقت ابوالمشاغل نبودیم و به ابوالمشاغل‌ها احترام می‌گذاریم، برخی اوقات می‌گویم اگر ابوالمشاغل‌ها نباشند ما چه خاکی بر سر بریزیم؟ از کجا این تعداد مدیر پیدا کنیم؟

* آن دوران فقط موشکی بودید؟

- در دوران جنگ مسئول موشکی بودم و اولین محصول موشکی که موشک مینی کاتیوشا ۱۰۷ میلیمتری بود با تولید انبوه راه‌اندازی کردیم و به تدریج راکت‌های دیگر را تولید کردیم، از جمله کارهایی که ما انجام دادیم؛ راکت فجر ۳ یا ۲۴۰ میلیمتری بود، با اصلاحی که بعداً انجام دادیم سر جنگی را کمتر کردیم تا ۷۰ کیلومتر رفت و اولین مأموریت من این بود که این موشک را به فلسطین بردم. رهبر معظم انقلاب فرمودند ما کمک کردیم ما هر جا مظلومی باشد کمک می‌کنیم، به حزب الله شیعه و به حماس و ... کمک می‌کنیم، بنده به عنوان مسئول تولید این موشک‌ها به منطقه رفتم، هم برای حزب الله و هم برای فلسطینی‌ها، همین زیرزمینی‌هایی که در حال حاضر در آن می‌جنگند، بنده مدتی را داخل این زیر زمین‌ها رفتم.

پستی من در اینستاگرام تحت عنوان زرد قناری دارم که متعلق به ۷ سال قبل است، کلاس آموزش برای این افراد گذاشتم از جمله آموزش استفاده از موشک و ویژگی‌هایش و خیلی هم کلاس‌های موفق بود، در زیرزمین‌ها قفسه‌هایی را دیدم که در آن‌ها قناری گذاشته بودند، به فرمانده‌شان گفتم شما خیلی اهل ذوق و هنر هستید این‌جا کار نظامی انجام می‌دهید و قناری‌ها هم برای شما می‌خوانند، گفتند خیر این قناری‌ها برای خواندن نیستند بلکه جریان هوا که کم می‌شود به تعبیر مهندس‌ها مانند سنسور یا حسگر عمل می‌کنند، وقتی مقداری جریان هوا کم می‌شود این پرنده نمی‌خواند و می‌میرد و وقتی پرنده بمیرد ما متوجه می‌شویم که جریان هوا دچار اشکال شده است.

من یک بار از شهید سلیمانی سوال پرسیدم موشک‌هایی که بچه‌های یمن دارند و در رژه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند، خودشان می‌سازند یا ما آن‌ها را دادیم (البته زمانی که مسئول بودم پرسیدم) شهید سلیمانی گفتند باور کنید بچه‌های یمن از بچه‌های ما ایرانی‌ها بسیار با استعدادتر هستند و همه این موشک‌ها و سلاح‌ها کار خودشان است و مجدداً تأکید کردند و گفتند بدانید این موشک‌ها را خود بچه‌های یمنی تولید می‌کنند و در رژه‌ها می‌آورند، این خط و توانمندی امروز گسترش پیدا کرده است.

در مورد شروع حماسه غزه برخی‌ها دنبال این بودند که بگویند ایران در جریان نبوده است یا این‌که بگویند رهبری در جریان بوده یا نبوده است و به نحوی می‌خواستند نسبت دهند، ما حمایت‌مان را از آن‌ها خیلی صریح داریم و همیشه هم گفته‌ایم اما ارزش کار نظامی گردان‌های قسام و این مجاهدین پرافتخار بشریت امروز این بود که عملیات را که شروع کردند، هیچ کسی اطلاع نداشت و به لحاظ اطلاعاتی فوق‌العاده عمل کردند یعنی با سوالاتی که آن مقطع کردم، باید حدود ۱۰۰۰ نفر با هم هماهنگ می‌شدند تا این عملیات گسترده را انجام دهند.

در ایران هیچ کس مطلع نبود، رهبر معظم انقلاب از این مسئله مطلع نبودند و من این حرف را از روی خبر می‌گویم. فردای آن روز که این اتفاق افتاده بود از رهبری پرسیده بودند، جریان خبرهایی که منتشر شده مبنی بر حمله حماس به اسرائیل چیست و خدمت ایشان گزارش دادند، این امر نشان می‌دهد که عملیات اطلاعاتی قوی انجام دادند چون نقطه قوت رژیم صهیونیستی کارهای اطلاعاتی آن‌ها است، هزار نفر با هم هماهنگ شدند اما اسرائیلی‌ها متوجه نشدند، توانمندی نظامی و همکاری و ... این انقلاب رفته است و این حقانیت دنیا را گرفته است.

خاطره‌ای از سید عباس موسوی در این رابطه بگویم. ایشان همراه سید حسن و چند نفر از رهبران حزب الله دورانی که من رئیس موشکی سپاه بودم مهمان من بودند و به کارخانه ما در شهریار آمدند، این بیابان را از صفر ساختیم و به کارخانه تولید موشک تبدیل کردیم، کنار آن پادگان نیروی هوایی بود که حسن مقدم در آن پادگان بود که وقتی آن اتفاق افتاد آن‌جا بودند.

ما صبح قرار داشتیم، یک ساعت دیر کردند و ما هم معطل بودیم وقتی ماشین‌ها آمدند من جلوی در رفتم و سلام و احوالپرسی کردم و از ایشان پرسیدم حاج آقا چرا یک ساعت دیر کردید؟ گفتند ما جلوی در هتل آماده بودیم (سخنرانی معروفی آقا کردند و فرمودند این ماشین‌های آخرین مدل و آخرین سیستم چیست که زیر پای روحانیت است؟ آقا با این ماشین‌های آخرین مدل برخورد کرده بودند و شب در تلویزیون آن مصاحبه پخش شده بود و سید عباس دیده بودند) ماشین‌های هتل هم بنز بودند و وقتی جلوی در هتل رفته بودند،

سید عباس و همراهان او را سوار کنند، سوار نشده بودند و به من گفتند بنرها بروند و ماشین معمولی خودتان بیاید، من به ایشان گفتم شما مهمان و خارجی هستید، شما مستثنی هستید، فرمایش آقا شامل حال شما نمی‌شود، گفتند خیر ما هم روحانی و مطیع فرمان رهبری هستیم، لذا یک ساعت معطل مانده بودند که ماشین عادی بیاید. این اعتقاد و ایمان است که سید عباس با شهادت حماسی می‌روند و سیدحسن که جای ایشان می‌نشینند، امروز سید حسن افتخار همه مبارزان دنیا هستند.

*** اگر بخواهید فردا صبح با یکی از سران مقاومت صبحانه بخورید چه کسی را انتخاب می‌کنید؟**

من با آقای اسماعیل هنیه، مفصل صحبت داشتم، شهید سلیمانی تماس گرفت و گفت هنیه ایران آمدند و می‌خواهم بازدید مفصلی از صدا و سیما کنند به من گفتند حتماً ایشان را تحویل بگیرید و برای ایشان وقت بگذارید، من پایین ساختمان شیشه‌ای رفتم برای استقبال از ایشان، چند ساعتی کنار هم بودیم. خدا رحمت کند رمضان عبدالله هم که رئیس جهاد اسلامی بودند ایشان هم به صدا و سیما آمدند و البته خالد مشعل هم آمدند اما از بزرگان مقاومت اگر بخواهم یک نفر را بینم فرمانده گردان‌های قسام است آرزو دارم کنار ایشان بنشینم و چند کلامی با ایشان صحبت کنم.

نشست صمیمانه خبرنگاران مأموریت‌های وزارتخانه



سعد آباد، ۱۱/۱۰/۱۴۰۲

محسن هاشمی روزنامه جمهوری: ضمن عرض سلام خدمت جناب مهندس مهندس سیدعزت الله ضرغامی ارادت داریم.

سیدعزت الله ضرغامی: آگهی های شما قطع شده این روزها؟

هاشمی روزنامه جمهوری: بله آقای مهندس، متأسفانه به اصطلاح نان یک عده کثیری دارد قطع می شود.

سیدعزت الله ضرغامی: به هر حال علیه ما هر چه بنویسید، ما موافقیم آگهی شما اضافه هم شود.

محسن هاشمی روزنامه جمهوری: شما همیشه لطف دارید واقعاً ما از سعه صدر و وسعت نظر جنابعالی از اینکه واقعاً خودتان یک شخصیت رسانه ای هستید، ما شما را فقط با این برند می شناسیم که جنابعالی رسانه ای هستید. ممنونیم واقعاً، این را از ته قلب هم می پذیریم و به حاج آقای مهاجری انتقال می دهیم.

تبریک عرض می کنیم میلاد پیش رو حضرت خانم فاطمه زهرا(س) را به همه و همکاران خانم که در جمع حاضر هستید، برای آنها آرزوی سلامتی داریم همیشه به عنوان یک مادر در عرصه رسانه بدرخشند، ان شاءالله؛ ما این آرزو را برایشان داریم.

جناب مهندس به هر حال من هم خوشحالم از اینکه بالاخره این آرزوی ما و این وعده موعود عملی شد چون ما از دو سال قبل از جنابعالی می خواستیم که این نشست برگزار شود. حالا جنابعالی به دلیل درگیری های شغلی، سفرهای استانی، سفرهای فرامرزی، سفرهای هیئت دولت و ... که دارید مهیا نشد، از آنجا

که جنابعالی خودتان به عنوان رسانه هستید اصلاً شاید بهتر باشد بگوییم آقای ضرغامی رسانه، چون مردم شما را به چشم رسانه می شناسند، ما از آن روز اولی که جنابعالی تشریف آورده بودید، فکر کنم به مناسبت روز خبرنگار بود که داخل ساختمان وزارتخانه از جنابعالی خواستیم نشست برگزار کنید، جنابعالی هم فرمودید که من در قزوین در جمع رسانه ها یک نشست خبری داشتم.

خب قزوین به هر حال منطقه بومی گسترده جغرافیاییش و پراکنش رسانه ایش محدودیتی دارد. آنچه که اینجا این دوستان می توانند به شما کمک کنند در خصوص انعکاس و بازخورد اخبار میراثی، گردشگری و صنایع دستی، مشکلات ریز و درشتی که هست؛ چالش هایی که بعضاً شما داری با مجلس در امر جذب اعتبارات، مشکلاتی که در دولت هست، ما هم خبر داریم که هست، جنابعالی شاید به هر حال به تنهایی نتوانید از پشش بریاید و واقعاً خدمات شایان و قابل توجهی می شود.

در تمام استان ها در زمینه سرمایه گذاری، جذب سرمایه گزاران خارجی برای ساخت ابنیه، اماکن و مراکز اقامتی پذیرایی کارهای زیادی دارد انجام می شود، ولی می خواهم این را عرض کنم اگر از بازاری رسانه ای و از مکانیزم پتانسیل و ظرفیت ملی رسانه هایی که در پایتخت هستند استفاده نشود؛ مثل کسی می ماند که در میدان انقلاب یا میدان فردوسی در کیوسک پلیس نشسته، یک حرف حقی دارد، یک نکته حقی دارد، می خواهد آن را بزند آن را بیان بکند ولی در داخل این اتاق شیشه ای در کیوسک نشسته مدام فریاد می زند، عابرین هم از کنارش عبور می کنند، چون این قابل انتقال و قابل انعکاس به بیرون نیست، به افکار عمومی و احساس عمومی انتقال پیدا نمی کند، کسی متوجه حرف حق آن فرد نمی شود، وزیر، وکیل و هر شخصیتی نیاز دارد از این ظرفیت و پتانسیل رسانه ها استفاده کند. این که ما مدام می گوییم جناب مهندس به هر مناسبتی، به هر دلیلی این دوستان را به جمع بپذیرید، ما هم افتخارمان است آنچه در توان داریم انجام بدهیم. اما سوال پایانی، جنابعالی اخیراً فرمودید که سی و چند کشور حذف روایت شدند و چند میلیون هم گردشگر خارجی در کشور داشتیم، در بازه زمانی ۹ ماه گذشته؛ می خواهم اگر امکان دارد توضیحات مبسوط تری بفرمایید، متشکر می شوم.

سیدعزت الله ضرغامی: چشم، خیلی ممنونم آقای هاشمی.

مهدی برازنده روزنامه کیهان: سلام مهندس من هم تبریک عرض می‌کنم ولادت حضرت زهرا را به شما و همه بانوان جمع. تشکر می‌کنم که این جلسه را تدارک دیدید، عرض خاصی ندارم، بعنوان کوچکترین عضو جمع و با توجه به اینکه تجربه کمی هم در این حوزه دارم سعی می‌کنم که استفاده کنم از صحبت شما و دوستان.

سیدعزت الله ضرغامی: شما سنتان هم فکر می‌کنم اجمالاً کمتر از بقیه است.

مهدی برازنده روزنامه کیهان: بله ۲۷ سال

محمدحسن انصاری نشریه راه بلد: عرض ادب، خیلی خوشحالم من بارها شاید گله‌ای کردم که آقای مهندس تا الان یک نشست خبری در حوزه گردشگری نداشتند. شما با خبرنگاران حوزه گردشگری نشست خبری در این دو سال نداشتید. یک بار یک نشست خبری داشتید که آن هم منتهی شد به بحث میراثی.

من یک خواهشی دارم از شما که در حوزه گردشگری؛ حتماً با خبرنگاران حوزه گردشگری هم یک نشستی بگذارید، چون صمیمانه است. اصلاً نمی‌دانم باید چه سوالی بپرسم، ولی یک مطلبی را بگویم و رد شوم از ماجرا، آقای مهندس یک احساسی وجود دارد که بعضی قضایا در حوزه گردشگری یا در حوزه میراث، یک بن بستی دارد؛ یعنی اصلاً نباید به آن پرداخته شود و اصولاً شما هم چون آدم رسانه‌ای هستید و دوستان اطراف هم رسانه‌ای هستند خیلی حرفه‌ای قضیه را هدایتش می‌کنید و برای ما باز می‌ماند و شما از آن رد می‌شوید.

امسال بعد از یک سال یواش یواش صدای خیلی از ما بچه‌هایی که در رسانه خصوصی هستیم (قبل از اینکه رسانه‌ای باشیم فعال گردشگری بودیم یعنی تحصیلاتمان گردشگری است، حالا کار رسانه‌ای هم می‌کنیم. یعنی ما آن دغدغه فعال گردشگری را هم داریم، رسانه که پول ندارد آنجا پول در می‌آوریم و خرج رسانه می‌کنیم.) در آمده، بحث هشدار سفری است که روی سایت‌های وزارت امور خارجه بعضی کشورهای دنیا است، لاف‌الان خیلی از آژانس‌ها و خیلی از فعالان را درگیر کرده است که مثلاً اگر قرار است ما امسال برویم نمایشگاه فیتو برای چی برویم، ما داریم در کشوری نمایشگاه می‌گذاریم بعد هم می‌خواهیم

چهار تا کشور اروپایی را ببینیم، ولی آنها این همه هشدار سفر گذاشته‌اند. این هشدار سفر فقط یک هشدار معمولی نیست. گردشگر که می‌خواهد بیاید وقتی هشدار سفر وزارت امور خارجه‌اش را دارد، شرکت‌های بیمه، بیمه‌اش نمی‌کنند. اروپایی‌ها و غربی‌ها مثل ما با بیمه رفتار نمی‌کنند که مثلاً بیمه ماشین‌مان تمام می‌شود، یک ماه بیمه‌اش نمی‌کنیم تا تصادف می‌کنیم، بعد می‌رویم دنبال یکی می‌گردیم که بیمه نداشته باشد، کارگزاران این بیمه را انجام نمی‌دهند. شرکت‌هایی که باید بیمه سفر انجام بدهند این کار را نمی‌کنند. من قبل از اینکه بیایم هم دوباره با بچه‌های آژانس‌هایی که ورودی کار هستند هم چک کرده‌ام، به مشکل بیمه برخورد می‌کنند. همه اینها ثبت شده. بازار جدید اصلاً بد نیست، خیلی هم خوب است، روسیه خوب است، چین خوب است. حالا اینا همه دغدغه‌های خودشان را دارند.

یک گردشگر چینی آب از دستش نمی‌چکد به این راحتی‌ها، اروپایی‌ها سود بالایی در گردشگری برای ما داشتند. بعضی کشورها در اروپا این هشدار سفر را که می‌گذارند بعضی کشورهای دیگر از آنها وام گیرند، یعنی نگاه می‌کنند ببینند فرانسه گفته، آلمان گفته، سوئد گفته، کانادا گفته، خب آقا یک ذره رعایت کنیم، این سد شده در ماجرا.

من همه اینها را گفتم که بگویم این قضیه شش ماه است چه به لحاظ رسانه‌ای چه به لحاظ جلسات متعدد با بخش‌های مختلف معاونت گردشگری گفته شده، اما به نظر می‌آید که اصلاً رد می‌شویم از اینها، یعنی یک بن بستی وجود دارد که مثلاً شاید نمی‌گویند ولی ته جمله انگار این است که نمی‌توانیم فعلاً، این کار وزارت امور خارجه است که باید رایزنی اتفاق بیفتد، سفیر انگلیس در ایران می‌آید ویدئو می‌سازد از درست کردن کباب ایرانی بعد وزارت امور خارجه کشورش روی سایتش می‌گوید به ایران سفر نکنید، فرهنگ ما را معرفی می‌کند، دو سه تا ویدئو مرتبط با فرهنگ ما ساخته ولی از آن طرف می‌آید روی سایت هشدار سفر می‌گذارد، لول چهار هم می‌گذارد. این یک بن بستی است. من نمی‌دانم یا یکی بیاید بگوید آقا اصلاً ورود نکنید، مثل تحریم می‌ماند نمی‌توانیم کاری انجام دهیم اصلاً دنبالش نروید.

سیدعزت الله ضرغامی: یک عکس نوشته خوب در مورد این موضوع بزنید، حرف خوبی است.

محمدحسن انصاری نشریه راه بلد: حتماً. اصلاً در موردش پادکست ساخته‌ایم.

سیدعزت الله ضرغامی: آن پیرمرد رشتی هم دیدید که یک ویدئو گذاشت، من نداشتم آقای امیر عبداللهیان برایم فرستاد فکر کردم یک موضوع خیلی مهمی است. روی واتساپ دیدم که این ویدئوهای این سفیر انگلیس که دارد با آهنگ این آقا می‌رقصد، بعد به قول شما از آن طرف سیستمش «نو تراول» می‌کند، این ازش یک عکس نوشته خوبی در می‌آید. من توصیه به سکوت نمی‌کنم هر چه در این حوزه‌ها بیان کنید خوب است.

محمدحسن انصاری نشریه راه بلد: انگار یک کسی به ما گفته آقا بشنوید ولی نشدنی است اصلاً. متشکرم.

سیدعزت الله ضرغامی: من از روزنامه اطلاعات ممنونم شاید اگر نگوییم تنها روزنامه، یک خورده احتیاط کنیم، روزنامه‌ای است که بدون حب و بغض، بدون نگاه سیاسی، اخبار مربوط به حوزه میراث فرهنگی را مشخصاً و گردشگری و ... خیلی خوب منعکس می‌کند. من تشکر کردم از مدیر مسئول محترمشان، به آقای دارابی گفتم از ایشان تشکر کند. گزارشات مفصل و خیلی خوبی را می‌زنید. بقیه هم البته همینطور هستند. جای تشکر دارد.

منوچهر دین پرست روزنامه اطلاعات: محبت دارید آقای ضرغامی، به هر حال خود من هم چون به حوزه میراث علاقه دارم، علاقه‌ای از گذشته و از دوران نوجوانی بوده است. دائماً این اخبار را رصد می‌کنم. سعی می‌کنیم به اندازه وسع خودمان انتقال بدهیم، راستش را بخواهید دیروز که به من گفتند امروز جلسه است، ترجیح دادم اصلاً هیچ پرسشی طرح نکنم چون بالاخره آن چیزهایی که ما می‌خواهیم بگوییم شما می‌دانید، آن چیزهایی هم که شما می‌خواهید بگویید بخشی را ما می‌دانیم، خیلی چیزهای عجیب و غریبی نیست.

من راستش را بخواهید یک چندتا موردی را نوشتم که حالا یک جور یادآوری، تذکر یا هر چیزی را که شما از آن یاد می‌کنید؛ شاید در این مدتی که شما در وزارتخانه مشغول شدید با آن آشنا باشید. این نکته‌ای که الان این دوستان

راجب به گردشگری و این‌طور مسائل مطرح کردند خب واقعاً یک بحث جدی است، بچه‌های که پایشان را از ایران بیرون بگذارند می‌فهمند که واقعاً بحث ایران‌هراسی جدی است، ایران را اصلاً با عراق اشتباه می‌گیرند.

اصلاً یک چیز جالب است آدم متوجه می‌شود خودتان هم حتماً خبر دارید، خب اخبار دقیق‌تر هست. من می‌خواستم این موضوع را بگویم اگر برای وزارتخانه امکانش باشد به هر حال خودتان سال‌ها در مقام مدیریت یک سازمان بسیار بزرگ رسانه‌ای بودید تجربه‌اش را دارید، از ظرفیت بچه‌هایی که در حوزه رسانه یا مدیا مشغول بودند، استفاده شود.

برای انتقال به هر حال تولید محتوا به زبان‌های دیگر، تولید محتواهای واقعی، اگر ما الآن می‌گوییم گردشگر چینی و روسی و آذربایجانی و ... این‌ها بخواهند بیایند، نیازمند تولید محتوای واقعی هستند که از سمت داخل انجام شود، ما فارسی می‌نویسیم بعد برای خودمان خوب است، برای فارسی‌نویس‌ها، یعنی چیز عجیب و غریبی نیست، آن را خودمان هم خبر داریم، خیلی چیزها را می‌دانیم، اگر تولید محتوا انجام بدهیم، وزارتخانه هم اگر بتواند یک حالت پشتیبان باشد و از این ماجرا یک حمایتی شود به زبان‌های دیگر خیلی خوب است. چون من خودم تجربه‌ای که در چند تا از سفرهای خارجی داشتم دیدم که واقعاً خیلی تولید محتواها ضعیف هستند.

بعضی کشورهای اطراف هم که می‌روی می‌بینی خیلی از این موضوع‌هایی که دارند مربوط به ایران است، یعنی اشیاء ایرانی در موزه‌های جاهای مختلف. من خاطرم هست سال‌ها قبل که رفته بودم روسیه آنجا یک موزه‌ای بود به نام موزه ملل شرق، خیلی از اشیائی که آنجا بود به نام ملل شرق گذاشته بودند مال ایران بود، انگار کاشیکاری پامنار را برداشته بود، برده بود. نسخه خطی نمی‌دانم کتابخانه مجلس را برداشته بود برده بود به نام ملل شرق.

این‌ها انگار مال ایران است، یک نکته‌ای که می‌خواستم به آن اشاره کنم شما و همکاران و مدیران در این چند وقت که خیلی تأکید کردید، بحث فرهنگ‌سازی در حوزه میراث و بحث سواد میراثی است، روی این سواد میراثی باید خیلی کار شود و نشر آن و گسترش آن در سطوح مختلف نیازمند به هر حال

یک کار خیلی جدی است، اگر بشود این قضیه را خیلی بیشتر از این، یعنی ادبیاتش چه ادبیات مکتوبش چه رسانه‌ایش گسترش پیدا بکند، خیلی جاها با این مسئله بیشتر آشنا شوند من بیشتر نظرم این است که روی کودکان و نوجوانان بیشتر تمرکز شود، الان خیلی از بچه‌ها من چون خودم دو تا بچه نوجوان دارم، خیلی بازخورد فرهنگی را از بچه‌های خودم می‌گیرم، مثلاً به آنها می‌گویم در کلاس شما کسی هست که مثلاً بگویند در ایام عید کجا رفتند، مثلاً اسم جاهای مختلف را می‌گویند، دریغ از مثلاً یک جای فرهنگی و تاریخی، بعد یک روز به یکی از بچه‌هایم گفتم بچه‌های کلاس شما اصلاً اینجاها را می‌بینند، گفت بابا خیالت را راحت کنم کسی این جور جاها نمی‌رود، فقط ما هستیم که می‌رویم. انگار فقط تو بیکاری داری ما رو برمی‌داری می‌بری به این مکان‌ها، کسی تمایلی ندارد ببینید، آن سواد نیست، خب این نیازمند یک کار فرهنگی است که حالا باید با دستگاه‌های مختلف، نهادهای مختلف کانون پرورشی، آموزش و پرورش این کار را انجام داد. می‌دانم جاهایی دارد کار می‌شود ولی یک شتابی می‌خواهد. یک همت خیلی جدی‌تر، تلاش جدی‌تر می‌خواهد، من دیروز به خبری را دیدم شما رفته بودید شهرستانک، بعد از به قول مورخ‌ها از زمان شاه شهید تا الان شما اولین وزیر هستید که رفتید.

سیدعزت الله ضرغامی: دیروز من در هیئت دولت که توضیح دادم همه مشتاق شدند بروند ببینند آقای بهادری به من می‌گفت چون شما خیلی خوب توصیف می‌کنید همه علاقه‌مند شدیم برویم، آنجا دو تا ساختمان است، یکی برای خود شاه است، بخاطر اینکه بدانید انقلاب چیز خوبی بوده و هست، سه ماه در سال ناصرالدین آنجا می‌رفته، سه ماه می‌رفتند به آنجا همه چیز به رویش بسته می‌شده، خطاطی می‌کرده عکس می‌انداختند. نستعلیقش هم خوب بوده. یک ساختمانش هم برای ۱۲۰ تا همسرش، یعنی با خودش ۱۲۰ همسر می‌برد.

منوچهر دین پرست روزنامه اطلاعات: حضور شما به عنوان وزیر در این جور مکان‌ها باعث یک شتاب می‌شود، من حرف‌ها و نکته‌هایی که شما می‌گویید در جاهای مختلف رصد می‌کنم بعضاً یادداشت می‌کنم، خیلی وقت پیش شما رفته بودید تئاتر. صحبت از تئاتر شهر شد الان بنای میراثی جمهوری

اسلامی دقیقاً کجاست؟

سید عزت الله ضرغامی: ساختیم ولی خراب کردیم، حتماً خیانتی بوده که کسی آمده، در همان توئیت هم نوشتم، در زمان پهلوی این معماری تئاتر شهر است. زمان جمهوری اسلامی مجتمع ولیعصر است، فضا را آنجا خراب کردند. هیچ زیبایی هم آنجا ندارد برای همین مسجد تاجیکستان را مجبور شدند بزنند. بعضی‌ها گفتند که آقا شما رفتی تاجیکستان داری سرویس بهداشتی آن را به رخ ما می‌کشی، فقط سرویس بهداشتی آن نیست. مسجد اگر ساختند یعنی وقتی می‌روید روح و روانتان تازه می‌شود، خوب یاد بگیریم دیگر. درست می‌گویید خیلی ممنون.

منوچهر دین پرست روزنامه اطلاعات: به هر حال تأثیری که می‌تواند روی پروژه کودکان و نوجوانان داشته باشد ان‌شالله تا قبل از اینکه دولت به پایان برسد یک جهش جدی یک اتفاقی که واقعاً روی ریل حرکت بیفتد که نسل جوان بتواند ببیند.

آن تویییتی که پارسال زده بودید، در این ماجرای اعتراضات گفتید که آن بازجو می‌گفت که نه شما زبان ما را متوجه می‌شوید نه ما زبان شما را، این یک واقعیتی است روی بحث رسانه‌ای هم باید یک اتفاق بیفتد به هر حال از شما ممنونم و تشکر می‌کنم، ان‌شالله موفق و پیروز باشید.

سید عزت الله ضرغامی: من یک پیشنهادهای برای همه رسانه‌ها، یعنی برای هر رسانه‌ای پیشنهاد خاص دارم که می‌شود یک موضوعی که خودشان هم علاقمند بودند، هر چند وقت یک بار یک موضوع را مشخص می‌کنیم با یک رسانه خاص گفتگو می‌کنیم که انتشار درستی هم داشته باشیم خیلی ممنون. بعضی اوقات پیگیری بعضی موضوعات را می‌کنم دیروز در دولت، من بالای سر چهار تا وزیر رفتم از هر چهار تا یک دستور گرفتم برای همان شهرستانک، یعنی آقای بذر پاش لطف کردند، دستور دادند در حاشیه درخواست من چهار تا نامه کتبی آوردند که هفت کیلومتر از آن راه که برف هم آمده و خیلی خطرناک است، تعریض بشود.

آقای محرابیان لطف کردند و گفتند از آنجایی که شهرستانک برقش قطع شده

تیر برق بکوبند تا برق به آنجا برود، آقای اوجی دستور دادند که گاز آنجا را ادامه بدهند برسد به همان‌جا، آقای ضارب‌پور هم چون سی درصد هم گران کردند، سرحال بود ایشان هم دستور داد که یک دکل کوچیکی بزنند چون آنجا اصلاً تلفن و موبایل نمی‌گیرد، من روش‌های مدیریتم را می‌خواهم بدانید این‌ها را در سخنرانی‌ها خیلی نمی‌شود گفت.

آنجا دیدم زیرساخت‌هایش جدی است سرمایه‌گذار ۶۰ میلیارد تومان خرج کرده، حالا حالاها هم باید خرج کند، زیرساخت‌هایش مشکل دارد، با این توضیحی که در دولت داد شد، چهار تا وزیر دستور دادند که زیر ساخت‌هایش حل شود، خیلی ممنونم آقای دین پرست.

الهام گوران خبرگزاری صداوسیما: آقای وزیر دوستان همه گلایه دارند که دسترسی به شما سخت است. شما نشست خبری نمی‌گذارید گلایه من با شما این است که نه رفتی با شما داریم و نه آمدی، شما اصلاً به صدا و سیما تشریف نمی‌آورید یک بار آمدید در بخش‌های مختلف خبری. واقعاً این گله شخص من نیست این گلایه مدیران هم هست ما دو برنامه گفتگو محور زنده داریم، صفحه اول، گفتگوی ویژه خبری.

شما یک بار صفحه اول تشریف آوردید، آقای دارابی هیچ کدامشان روز موزه‌ها تشریف نی‌آوردند، روز خبرنگار روز گردشگری، ثبت‌های ملی داشتیم در این مدت که ثبت‌های جهانی از این دولت می‌گذرد.

همه پیشنهادها را رد کردید هم شما و هم آقای دارابی، فقط دو بار خانم جلالی را فرستادید برای شب یلدای امسال و صنایع دستی، واقعاً از این فرصت استفاده کنید، خواهش می‌کنم روز خبرنگاری که گذشت فکر می‌کنم شما تنها وزیری بودید که تشریف نی‌آوردید خبرگزاری صداوسیما، آنجا تقریباً یک هفته‌ای خیلی پرشور و هیاهو بود متأسفانه ما هیچ مهمانی نداشتیم نمی‌دانم چقدر پیگیر هستید، احتمالاً گزارشاتش را در هیئت دولت دیدید، همه وزرا تشریف می‌آوردند، محفل هم صمیمانه بود هم حرفه‌ای متأسفانه ما شما را نداشتیم.

می‌خواستیم بگویم این موضوع را واقعاً جدی بگیرید، حالا برای رویدادهای آینده. مسئله بعدی که من انتقاد دارم، دو دوره هست که جشنواره چند رسانه‌ای

میراث فرهنگی را برگزار می‌کنید، چون من یک جاهایی بالاخره اظهار نظر کردم می‌دانم که به گوش شما هم می‌رسد، خواستم به خودتان بگویم برگزاری جشنواره به آن شکل واقعاً نمی‌دانم وزارت میراث فرهنگی چطور اصلاً برای برگزاری آن مجوز می‌گیرد.

به هر حال برگزاری جشنواره یک مجوز خاصی دارد حالا حتماً این کار از مجاری خودش انجام می‌شود، اگر بخواهیم خیلی قانونی به آن نگاه کنیم، اما موضوعی که هست این است که به هر حال شما یک بودجه‌ای دارید که باید برای آموزش بگذارید، لابد دارید از همان مسیر این کار را می‌کنید، اما خروجی آن جشنواره واقعاً چی هست، درحالی که ما جشنواره‌های معتبر سینمایی داریم در این کشور مثل فیلم فجر، سینما حقیقت که هفته پیش تمام شد، میدان بازی که ما باید ببینیم، وزارتخانه را باید ببینیم، امسال ما در جشنواره سینما حقیقت دست کم دو تا فیلم میراث فرهنگی و باستان شناسی داشتیم که من فقط همان دو فیلم را رفتم، کار آقای مظاهری پور و آقای آفریده، حتی در حد یک لوح تقدیر؛ حوزه میراث فرهنگی در این زمینه بازی بازی نکرد، جایی که بیشتر هم دیده می‌شود و تشویقی برای سایر تولیدکنندگان در این عرصه است، من می‌خواستم به این موضوع از یک منظر دیگر نگاه کنید که برگزاری این جشنواره‌ها یک خروجی داشته باشد.

سیدعزت الله ضرغامی: کاملاً همه نکات درست و وارد است. تشکر میکنم از انتقادهایتان.

نسرین بیگ پور خبرگزار صداوسیما: آقای مهندس سلام وقتتون بخیر امروز ما صبحمان را با این پست اینستاگرامی شما، «تحول «واگعی» بود» شروع کردیم همه بچه‌ها گوش‌شان را گرفته بوند دستشان.

سیدعزت الله ضرغامی: من چنین توییتی را نزدم.

نسرین بیگ پور خبرگزار صداوسیما: مرسی از وقتی که گذاشتید آقای ضرغامی بزرگوار، شما نسبت به وزرای قبلی گردشگری خیلی متفاوت‌تر عمل کردید، سعی کردید با عام مردم ارتباط برقرار کنید، در حوزه گردشگری توانستید از نگاه مردم و از نگاه رسانه‌ای یک خورده شفاف‌تر و ملموس‌تر نگاه کنید، اما

در حوزه تولید محتوا از شما درخواستی دارم، همان‌طور که همکارمان فرمودند در خصوص موضوع ایران‌هراسی، معاونان شما سفرهای خارجه که می‌روند با یک تیم رسانه‌ای همراه شوند.

قرار است از آنجا تصویری ارسال شود به اینجا، اما در این زمینه موفق نبودند. خودتان پاکستان هم رفته بودید خود خبرنگار صداوسیما هم که آنجا حضور داشت، خوب حالا این‌ها خبرنگار محلی هم هستند، چه خبرنگاری که از دفتر نمایندگی می‌آید مثل سفر آقای دارابی به روسیه، چه خبرنگار محلی آنجا، آنها یک چیزی فرمالیته می‌زنند حالا این محتوی به صداوسیما برود یا نه، پخش بشود یا نه.

در مورد این موضوع یک فکری کنید، شما جلسه‌ای با رایزن‌های فرهنگی داشتید، رایزن‌های فرهنگی بعد از سفیر یک کار مهمتری که می‌توانند انجام دهند بحث همین ایران‌هراسی است. ما همیشه شنیده‌ایم که رایزن‌ها راحت‌ترین شغل را دارند، برای معرفی ایران به کشورهای خارجی هیچ‌کاری نمی‌کنند.

در خصوص همکاری استان‌ها نیز به اداره کل میراث فرهنگی در استان‌ها یک ابلاغیه داده شود. اول اگر می‌خواهید گردشگری را شروع کنید از تهران باید شروع کنید، اول به ایران باید برسید بعد دنیا را بروید ببینید، خوب این همکاری استان‌ها را می‌طلبند برای تولید محتوا، به طور مثال الان پلیس راه می‌آید و می‌گوید چرا مردم می‌آیند ۱۰ تا ۱۵ ساعت در مسیر تهران - شمال صبر می‌کنند بروند شمال را ببینند اما این مسیر را نمی‌روند تا شهرکرد و گیلان غرب، خوب آنجا که زیرساختی آماده نیست.

حالا اگر آماده باشد، باید تصاویری از آنجا دیده شود، الان حال صداوسیما را که دارید می‌بینید خوب نیست. در حوزه گردشگری ما یک آقای جواد قاره‌ای را داریم که در حوزه گردشگری مستندسازی می‌کند، آن هم یک برهه‌ای دارد، حالا نمی‌دانم من شنیده بودم که شما دارید تلاش می‌کنید که شبکه گردشگری راه‌اندازی کنید، حالا این چقدر صحت دارد؟ در حوزه گردشگری ما فیلم‌سازی نداریم، برنامه‌سازی نداریم. ممنون از شما.

سید عزت الله ضرغامی: همه نکاتت درست است، از همکاری خیلی صادقانه

و دلسوزی که دارید و گزارش‌هایی که می‌دهید تشکر می‌کنم. من به دلیلی کمتر صحبت می‌کنم برای این است که صحبت‌های من قابل پخش نیست دیگر غزه که شبکه افق بود خیلی اصرار کردند، وقتی من رفتم قرار بود یک ساعت صحبت کنم.

اولین جمله‌ای که من در مورد جولیا پتراس گفتم، گفتند روی آنتن با آن جمع ارتباط داریم فیلم داریم، آخرش گفتم که می‌شود به من بگویید من چند دقیقه وقت دارم، آقای جبلی به ایشان گفته بود که چند روز پیش اصرار می‌کرد که شما چرا نمی‌آیید، گفتم می‌آیم، گفت فقط من خواهش می‌کنم در مورد جولیا پتراس صحبت نکنید. گفتم خودتان سوال پرسیدید و بعضی مواقع گزارشات من، یعنی حرف‌هایی که می‌زنم و مصاحبه‌هایی که می‌کنم با شابلون صداوسیما تطبیق ندارد. یک علتی که من نمی‌آیم چون ادبیات و نگاه انتقادی خودم را دارم. حالا می‌تواند یکی از خروجی‌های این جلسه این باشد که ما موضوع انتخاب کنیم و آنجا‌هایی که لازم است من هم می‌آیم. چشم.

مریم اطمینانی رسانه میراث باشی: سلام و درود خیلی ممنون که الوعدۀ وفا کردید و این نشست را گذاشتید، پیرو صحبت‌های خانم گوران من می‌خواستم بگویم چند روز پیش به رشت سفر کردیم، حالا درست است که خیلی نتوانستیم جایی را ببینیم، البته اولین سفر من هم به استان گیلان بود، ماجرا اینجاست که من در استان‌ها گیلان و اردبیل را تا حالا ندیده‌ام.

سیدعزت الله ضرغامی: جدی می‌گویید، تا حالا گیلان نرفته‌اید؟

مریم اطمینانی رسانه میراث باشی: نرفته بودم، من تشکر می‌کنم یک فرصت خوبی بود که ما با جمع دوستان حرفه‌ای مجازی آشنا بشویم، یعنی کسانی که تولید محتوا می‌کردند به معنای واقعی کلمه تولید محتوا می‌کردند، یعنی دنبال سلب‌ریتی و اینفلوئنسر نبودند، این‌ها آدم‌هایی بودند که واقعاً مدیاهای خیلی خوبی می‌ساختند، ای کاش این را گوشه ذهنتان داشته باشید که این آرشیو اگر که در حوزه روابط عمومی تکمیل شد، یک جوری از آن حفاظت کنید و برای دوره‌های بعدی بگذارید.

ما در دوره‌ی آقای مشایی یک سری عکاس حرفه‌ای آوردیم اینجا که از همه

جا عکاسی می‌کردند، یعنی شاید اگر عکس‌های آن‌ها را می‌خواستیم همین الان بگذاریم باز هم فرصتی برای گذاشتنشان نبود؛ ولی این آرشیو غیب شده، علت غیب شدن هم این است که هر وزیر و رئیس که بیاید این داستان ادامه پیدا می‌کند اما از یک منظری این موضوع خیلی مهم است، اگر برای آن اثر یک اتفاقی بیفتد مثل بم عکس‌ها به ما خیلی کمک می‌کنند، یا فیلم‌هایی که ما الان می‌توانیم با پهپاد بگیریم.

بنابراین بیشتر از اینکه به تولید محتوا فکر کنیم که خیلی مهم است، به آرشیو هم فکر کنیم، چون این‌ها خودش یک گنجینه‌ای است که باقی می‌ماند. در حوزه سینما حقیقت، با خانم گوران کاملاً موافقم.

من به شخصه منتظر بودم که شما بیایید، چون از این کارهای غافلگیرانه زیاد انجام می‌دهید، شما خیلی مردمی می‌آیید و مینشینید و یکی دو تا از این فیلم‌ها را می‌بینید.

اگر امکان‌پذیر باشد ما هم موزه فرش هم موزه ملی و هم سالن وزارتخانه را داریم، به نظرم فیلم‌هایی که در سینما حقیقت به معرض دید گذاشته می‌شود یک بخشی همان بخشی است که شما خیلی دغدغه‌اش را دارید.

میراث ناملموس، یعنی من آنجا فیلمی را دیدم که داشت نشان می‌داد که در سیستان و بلوچستان ما آدم‌هایی را داریم که از روی ردپای آدم‌هایی که در طوفان گم شده‌اند آنها را پیدا می‌کنند، خب این خودش یک نوع فنی است که در میراث ناملموس قرار می‌گیرد.

من درخواستم این است که بخشی از این آثار سینمای حقیقت را حالا چه در حوزه محیط زیست که باعث می‌شود میراث طبیعی ما، چه میراث ناملموس فیلمی که آقای آفریده و آقای مظاهری‌پور تولید کرده‌اند در وزارتخانه نمایش بدهیم، حالا ما امکاناتی داریم که نمایش بدهیم، با مرکز گسترش یا هر جایی این موضوع را ادامه بدهیم.

موضوع بعدی که خودتان هم می‌دانید روی آن خیلی حساس هستیم، موضوع حفاری میراث است. عزت الله ضرغامی جزو تیزهوش‌ترین وزیرانی و شخصیت‌های سیاسی این مملکت است که من می‌شناسمش. نه یک توییتش را

و نه آن متلک‌هایی که می‌اندازد به بیراه نزنده است، تکلیف من با آقای مهندس ضرغامی مشخص است و احترامی هم که برایشان قائل هستم باز شخصی است. بر اساس تجربیات خودم است.

من همچنان فکر می‌کنم به نوعی شما شیخ الوزرای این دولت هستید و ما خب یک انتظارات دیگری داشتیم و داریم، اینکه من بگویم آقا مهندس سیدعزت الله ضرغامی با گنج‌یاب و حفار است که نیست. دنبال پول جمع کردن هم که نیست. اما یک مسئله‌ای اینجا هست آقای مهندس سیدعزت الله ضرغامی چه قوی می‌دهد چه تضمینی می‌دهد که اگر از اینجا رفت وزیر و رئیس بعدی که آمد همین آدم‌هایی که آمدند و شما گذاشتیدشان سر کار، من همین را می‌گویم، یعنی آنها آمده‌اند درخواست داده‌اند، شما هی گفتید نه، ولش کن بگذارید برود حفر کند تا جاننش در آید.

خب اینها سال ۹۴ آن موقع که آقای سلطانی فر این داستان گنج بوده تا همین الان. آن موقع بیست تن بود بعد شد چند تن الان شده نود و چند تن، گنج دوره پهلوی هم باید بگویم پهلوی که خودش در سوئیس بزرگ شده عقلش ناقص بوده نمی‌داند که اگر گنجی هم داشته باشد ببرد بگذارد بانک سوئیس که هیچ کس نتواند بخورد، می‌آورد و می‌برد چهار گوشه‌ای ایران دفنش کند، ما الان با یک مصیبت بزرگی روبرو شدیم.

شما قدر قدرتی، ما یک آقای مشایی داشتیم که قدر قدرت بود تمام شد، رسید به آقای ضرغامی در این میان همه متوسط الحال بودند، می‌شود شما به من بگویید که بعد از رفتن شما، ما یک وزیر قدر قدرت داریم که بتواند جلوی همه هیئت دولت، دستگاه‌های نظام و ... بایستد و بگوید که آقا نه این نیست، اینجوری و اونجوریه.

این چیزی که شما خواستید اینطوری ردش کنید، داره تبدیل می‌شود برای ما به یک مصیبت. الان نمونه‌اش اینکه این‌طوری که نیاوران را دارند می‌کنند ما بخوریم به قنات، پی این‌ها متزلزل است خب دیوار کاخ می‌آید پایین. هیچی دیگر عین جگر زلیخا، کاخ نیاوران را چهل تیکه کنید تا مثلاً این اتفاق بیفتد. مورد دیگر تفویض اختیار به استان‌ها است، یک اتفاقی دارد میفتد، الان مدیر

پایگاه‌های شما دچار بحران‌های خیلی بزرگی شدند، این در مورد گلستان بوده، الان در مورد پایگاه بسطام هم اتفاق افتاده است. مدیر استانی شما به خودش اجازه می‌دهد برود مدیر پایگاه را عزل کند. کریم‌زاده مدیر پایگاه بسطام را عزل کردند. **سیدعزت الله ضرغامی**: خیلی ممنونم خانم نکاتون خیلی کارشناسی بود.

محمد باریکانی روزنامه همشهری: اول جلسه که گفتین که با دوستان نشست داریم پرسیدم آیا قرار است آقای ضرغامی از این مسند بلند شوند که با ما نشست گذاشتند، چون خاطر من هست اوایل که آمده بودید چند سال پیش یک نشست با ما گذاشتید و الان من گفتم شاید آخر کار است که دوباره با ما نشست گذاشتید. حالا نمی‌دانم بعدها مشخص می‌شود ماجرا چیست.

شما صحبت کردید در مورد اینکه شما هی دنبال مدیران می‌دوید حالا هیئت دولت با معاونان و وزرا که این چی شد و آن چی شد، این امضا را بگیرد و آن امضا را بگیرد. من یاد خودمان افتادم که ما هم دنبال مدیران و معاونان شما می‌دویم که این چی شد و آن چی شد و هیچکس جواب ما را نمی‌دهد متأسفانه یا خوشبختانه من یک خورده همدردی کردم با شما.

من به عنوان خبرنگاری که در خبرگزاری کار می‌کنم و حوزه تخصصیم خوشبختانه یا بدبختانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است و هر روز باید در این سه حوزه یک مطلب تولیدی داشته باشم دقیقاً دو ساعت از روز من برای زنگ زدن و هماهنگ کردن می‌رود. استان زنگ می‌زنم اول باید تایید بشوم که من خبرنگار هستم و باید زمان بگذرد که تاییدیه من بیاید و بعد از آن باید زنگ بزنی که فلان مدیر یا فلان باستان شناس تاییدمان بکند که می‌توانیم با او صحبت بکنیم و آنکه تایید شد، یک پروسه طولانی شروع می‌شود که صحبت‌های او را بگیریم و... یعنی یک خبر و یک گزارش ما یک هفته و نیم طول می‌کشد تا من بتوانم یک خبر در حوزه تخصصیم تهیه بکنم.

یک طوری شده که من ترجیح می‌دهم بروم حوزه کتاب، رسانه و اندیشه را بگیرم که بخواهم جایگزین این بکنم تا بتوانم روزی یک تولیدی داشته باشم و این یعنی جایگاه میراث و گردشگری خبرگزاری من کاهش پیدا می‌کند و دیگر آن خبرها نخواهد بود. دوستان به بحث سفر اشاره کردند من چون تخصصی این

سه حوزه را کار می‌کنم و هر روز هم داریم در موردشان خبر می‌گذاریم. دوستان حوزه گردشگری ما می‌گویند می‌خواهیم روی حوزه چین و روسیه فوکوس کنیم بازارها را داریم تغییر می‌دهیم خوب این تغییر بازار چقدر می‌تواند برای ما درآمد داشته باشد صرف اینکه ما عدد بدهیم ۴ میلیون گردشگر وارد کشور شده است چه فایده‌ای دارد؟

ما می‌گوییم ارزآوری، ما می‌گوییم حوزه صادرات، گردشگر چینی می‌گوید من دنبال مجموعه و سفری به ایران هستم که روزی ۱۵ دلار برای من هزینه داشته باشد. گردشگر اروپایی داشتیم سال ۹۶ برای ما حداقل ۱۲۰۰ دلار درآمد داشت الان کدام یک از گردشگرهای ما برای ما آنقدر درآمد دارند.

از عراق و افغانستان و پاکستان هر کسی دارد می‌آید گردشگر زیارتی است، آنها هتل نمی‌روند مهمان‌پذیر نمی‌روند، اقامتگاه مجوزدار ما می‌روند، زائر سرا حسینه و اقامتگاه غیرمجاز و ماجرای که خودتان می‌دانید. سفر از سبدها هم خارج شده است. حتی نمی‌گوییم قشر دهک‌های پایین یا دهک‌های متوسط خبرگزارهای این حوزه حتی با خانواده‌هایشان نمی‌توانند سفر کنند. شاید فقط سفرهای شخصی بتوانیم برویم و حالا هر کس اگر جایی خودش داشته باشد بتواند آنجا اقامت داشته باشد.

بله سفر نه تنها از حوزه عموم جامعه خارج شده است حتی از سبدهای ما که از خبرگزاران این حوزه هستیم خارج شده است. میراثمان را که دیگر نگوییم برایتان. حوزه باستان‌شناسی که من تخصصی دارم رویش کار می‌کنم نگوییم برایتان. از یک طرف می‌گوییم روستا باید جابجا بشود از یک طرف می‌بینیم مصوبه آمده است که خط فاضلاب آنجا کشیده شود یعنی چی یعنی تثبیت روستا این یعنی یک بام و دو هوا بودن، مدیران استان یک جور کار می‌کنند، مدیران ستادی یک جور دیگر کار می‌کنند و به ما یک جور دیگر خبر می‌دهند. ما الان این وسط باید چه کار کنیم، حرف مدیر را بپذیریم حرف باستان‌شناس را بپذیریم، حرف افراد محلی را بپذیریم، چه کار کنیم، آن مدیری که آنجا نشسته است باید پاسخگو باشد و به ما جواب بدهد و جواب درست بدهد ولی ما نمی‌توانیم جواب درست را از آنها بگیریم.

سید عزت الله ضرغامی: ممنونم خیلی نکات خوبی بود تذکرات خوبی بود بخش اول را که ارتباط همکاران ما است برای پیگیری سوالات شما یک طراحی جدید انجام دهید. بعضی‌ها وضعیتشان خوب است، می‌توانند سریع پاسخ‌هایشان را پیدا کنند.

من یکی از جاهایی که فعال برخورد می‌کنم با خبرنگاران حیات دولت است. یکی از خبرنگارهای بسیار خوب خانم عالم‌پناه است خیلی چیزهایی که دیگران و خیلی از خبرگزاری‌های رسمی نمی‌توانند، خانم عالم‌پناه گزارش تهیه می‌کند. مطلب را می‌گوید، تیتیر خوب می‌زند. بعضی مواقع هم که چیزی می‌گوییم و می‌فهمیم ممکن است ناجور شود سریعاً زنگ می‌زنیم و اطلاع می‌دهیم.

آقای باریکانی من بعضی گزارش‌های شما را که گزارش‌های خوب و با عدد و رقم و تحقیقی هست، پیش آمده حداقل دو بار خوانده‌ام. اگر درست گفته باشم شاید یکی از آنها مربوط به آماری بود راجع به وان ترکیه. من گزارش شما را دیدم خوب است و در دولت و جاهای دیگر که وقت مطالعه پیدا می‌کنم اینها را می‌خوانم. معمولاً گزارشات تحقیقی شما با عدد و رقم و منصفانه است، از شما تشکر می‌کنم.

محمد باریکانی روزنامه همشهری: آقای مهندس حقیقتاً من خود را در جایگاهی نمی‌بینم که به شما بگویم چه کار بکنید و چه کار نکنید، اصولاً اگر بتوانم می‌نویسم این‌ها را و شما اگر بخواهید می‌خوانید و تصمیم‌گیری می‌کنید، منتها چون نشست صمیمی است اگر اجازه دهید از این حالت خشک خارج شویم یک مقداری ما درد خودمان را به شما بگوییم، خوب شما جلسات متعددی با تورگردان‌ها با فعالان گردشگری با راهنماها، هتل‌دارها برگزار کردید، به دانشان رسیدید. جاهایی من تماس می‌گیرم می‌گویند چنین تصمیماتی گرفتند و دشمنان گرم و دستشان درد نکند، صنف رسانه حوزه میراث گردشگری و صنایع دستی حقیقتش با مشکل روبه‌رو است.

من چند پیشنهاد داشتم که می‌خواستم به شما بدهم، ما بچه‌ها می‌نشینیم و جلوی شما اینجا صحبت می‌کنیم، توی رودریاستی هیچی از مسائل صنفی خودمان به شما نمی‌گوییم بعد که از این در بیرون می‌رویم می‌گوییم که ول

کن بایا، آمد نشست اینجا یک نمایشی اجرا بشود و برود، ما آمده ایم اینجا یک ساعتی وقتمان تلف بشود. هیچ کدام از بچه ها صحبت نمی کنند در مورد این مسائل، نمی دانم حالا دلیلش چی هست. من سری قبل هم در موزه ملی یک سری از مسائل را خیلی کوتاه با شما در میان گذاشتم

حوزه رسانه میراث گردشگری بر خلاف آن تصویری که هست، برخلاف این نمایشی که حالا ما و دوستانمان داریم نشان می دهیم، بدون تعارف به شما بگویم یک زمانی لینک خبرگزاری مهر را من می دیدم ایلنا را می دیدم، فارس را می دیدم، ایسنا را می دیدم، این ها روزی ۱۵ تا ۲۰ تا خبر تولید می کردند.

چهار گزارش به دربخور تولید می کردند، الان که این لینک ها را من رصد می کنم می بینم مثلاً در روز شاید یکی دو تا خبر کار کرده اند، آن هم خبرهایی که بچه های روابط عمومی زحمت می کشند و می فرستند، این واقعاً خطرناک و دردناک است برای این حوزه و ببینید من که این حرف را دارم به شما می زنم الان فکر می کنم سال پانزدهم و شانزدهم است که در این حوزه فعالیت دارم، بچه های دیگر فکر می کنم ۲۰ سال را پر کردند، چند تا درخواست داشتم از شما یکی اینکه اگر امکان دارد کمک کنید ما یک کانون حرفه ای یا یک تشکل حرفه ای داشته باشیم، به بچه های حوزه میراث، خبرگزاران حوزه میراث مثل ورزشی نویس ها عکاس های ورزشی، مثل اقتصادی نویس ها مثل شهری نویس ها. ببینید هر دولتی که می آید و تمام می شود هر وزیری که می آید و دوره اش تمام می شود، رسانه ها بر اساس آن زوایایی که با آن وزیر دارند بر اساس آن ملاحظاتی که دارند جریان رسانه ای این حوزه را ضعیف می کنند یک جایی نیاز ببینند سیاسی باشد آن را قوی می کنند و این حوزه آسیب می بیند.

شما خودتان اهل رسانه و هستید کاملاً متوجه می شوید، ما این انسجام را نداریم. آقای وزیر و هر کس دیگری می تواند به راحتی از ما سوء استفاده کند، بدون تعارف به شما بگویم به خاطر اینکه ما یک جمعیتی نمی توانیم تشکیل بدهیم و توی این جمع بشینیم و بگوییم که آقا الان این آشوراده را دارید واگذار می کنید، بعد از این چالش ۱۰ ساله که اتفاق افتاده است باید چه باشد که محیط زیستش مراعات بشود. بچه های میراث را به راحتی بازی می دهند برای اینکه

ما تیمی نیستیم که به راحتی بشینیم با هم گپ بزیم و مسائل را مطرح کنیم فرصتش را نداریم و اصلاً جایش را نداریم.

پیشنهاد من این است که شما کمک بکنید به ما که بتوانیم یک تشکیلی نمی دانم یک جمععی حرفه‌ای در قالب حوزه رسانه‌ای میراث تشکیل بدهیم. خانم دیار خاطرشان هست آقای سلطانی فر که مطبوعاتی بودند یک روز من را خواست و گفت آقا بیایید این را زیر مجموعه ارشاد تشکیل دهید خودشان پیشنهاد دادند. گفت ما خبرنگاران خارجی را آورده‌ایم و این کار را کرده‌ایم، شما را آوردیم و این کار را می‌خواهیم بکنیم و نمی‌دانم ورزش‌نویسان را آورده‌ایم و این کار را کرده‌ایم، گفتم حوزه ما، حوزه تخصصی است ما اصلاً زیر مجموعه وزارت میراث تعریف می‌شویم، این کار را نکردیم و اشتباه هم کردیم.

خواستم از شما این کمک کنید به ما ما این تشکل را تشکیل دهیم، در قالبش ما می‌توانیم مثلاً یک تعاونی تشکیل دهیم، به داد این بچه‌ها برسیم می‌توانیم یک تعاونی تشکیل بدیم این بچه‌ها بعضی اوقات وام یا چیزی می‌خواهند، بتوانیم بتوانیم در قالب آن تعاونی به آنها کمک بکنیم.

سیدعزت الله ضرغامی: شما فکر می‌کنید این کار اگر انجام بشود رونق بیشتری پیدا می‌کند.

محمد باریکانی روزنامه همشهری: قطعاً همینطور است، ببینید رسانه‌ها هر طور بخواهند با ما برخورد می‌کنند به طور مثال از شما خوششان نمی‌آید و می‌گوید خبرهای این حوزه بایکوت. می‌گویم آقا تخته جمشید. می‌گوید ول کن آقا بایکوت. خب این آسیب می‌زند به جریان رسانه. این حوزه به موقع هست شما را می‌خواهد بزند، می‌گوییم آقا ضرغامی این را گفته است. می‌گوید برو بزن الان وقت انتخابات هم هست بزن لت و پارش کن، خوب اینکه نمی‌شود جریان رسانه‌ای تخصصی.

سیدعزت الله ضرغامی: این تشکل چه کمکی می‌کند؟

محمد باریکانی روزنامه همشهری: من فکر می‌کنم بله به عنوان یک «ان جی او» می‌تواند انسجام کامل در حوزه میراث ایجاد کند. در حوزه جریان رسانه‌ای مثال می‌زنم یک خبرنگاری را بازداشت می‌کنند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران

بیانیه می‌دهد، مثل کاری که برای خانم محمدی کرد. مثلاً فلان شهرداری یا فلان استاندار تصمیم می‌گیرد بافت تاریخی شیراز را نابود کند، شما هم توانتان تا یک حدی است، از رسانه کمک می‌خواهید، این انجمن می‌تواند در قالب یک بیانیه خیلی سخت و محکم پیش‌تازی بکند در این ماجرا.

دوماً می‌تواند به داد‌صنفش برسد. ما می‌توانیم یک تعاونی بزنیم در قالب این انجمن، می‌توانیم یک صندوق تشکیل بدهیم، آقای مهندس این بچه‌هایی که می‌بینید شاید با حداقل حقوق دارند کار می‌کنند، هشت تومان یا ده تومان برای یک خانواده‌ای که زن و بچه دارد. خودتان دستتان توی کار است و می‌دانید با مردم برخورد دارید، این پول‌ها اصلاً خنده دار است.

من بعد از پانزده سال با بچه‌های اقتصادی صحبت می‌کردم، گفتم بهزاد بین من چه آدم ابله‌ای بودم پانزده سال عمرم را گذاشتم در این حوزه، اگر در حوزه بورس کار می‌کردم الان میلیاردی بودم. می‌خواهم بگویم این حوزه برای ما که چیزی نداشته است. موضوع دیگر این که رسانه مستقلاً که آگهی ندارد، اگر در قالب آگهی‌ها می‌توانید به آن‌ها کمک بکنید، بتوانند سرپا شوند.

سیدعزت الله ضرغامی: چشم. خیلی ممنون استفاده کردیم.

اشکان بروج رسانه قطب نما: بحث تشکل رسانه‌ای را ما مطرح کردیم

ولی خب فکر کنم الان دیگر وقتش هست که روی این موضوع خیلی جدی بشویم، حالا من یک سری راهکارهای دیگری برای این موضوع در دوره‌های قبلی و کشورهای مختلف دیدم که گفتم به شما اطلاع بدهم، چون ما هرچه برای ایران آوردیم هی می‌گفتند نمی‌دانیم، قبول نمی‌کنیم، من الان با وزارت گردشگری ابوظبی و تایلند کار می‌کنم، روی هوا ما را می‌برند، حیف است واقعاً.

یکی از بحث‌ها همین بود که بودجه کارهای تحقیقاتی را می‌دهند به رسانه‌ها، ما اینجا کلی پژوهشگر قوی داریم. من از دانشگاه چیزی ندیدم دربیاید، من خودم علامه درس خواندم گردشگری هم خوندم ولی بچه‌های خبرنگار چنان پژوهش‌هایی انجام می‌دهند که آمار و ارقام و خروجی‌هایشان بسیار تأثیرگذارتر است تا امور صنعت، داریم با بودجه‌های شخصی کار می‌کنیم خود من به شخصه به عنوان رسانه مستقل از خودم مایه گذاشته‌ام. بحث سفرهای رسانه‌ای (در

این بیست سالی که من دارم کار می‌کنم) در دوره های قبلی خیلی قوی بود، هم حال جماعت خوب بود هم واقعاً از آن خروجی در می‌آمد که حالا تقریباً نابود شده است.

این که خود شما بعنوان رسانه عمل می‌کنید خوب است ولی رسانه داری یک چیز دیگر است. واقعاً این که رسانه‌ها را بتوانید پوشش دهید و حمایت کنید داستان دیگری است، من حداقل در دوره شما این داستان را اصلاً ندیده‌ام. من یک سوال هم داشتم واقعاً در دوره شما تحول صورت گرفته یا نه؟ چون شعار امسال تحول بود و دو تا از عوامل اصلی تحول یکی «ای سی تی» است، دیگری آموزش است. من در داستان آقای ضرغامی هیچ برنامه‌ای ندیدم، در آموزش گروه‌های مختلف هنوز که هنوز است دروسی تدریس می‌شود برای راهنمایان که سال ۶۰ انجام می‌شده، ما هنوز یک عنوان جدید برای کار فعالان گردشگری نداریم، کسانی که دارند کار می‌کنند یا راهنما هستند یا مدیر فنی یا بند الف یا بند ب، برای استارت‌آپ‌ها هیچ آموزشی برایشان نبوده است.

سال‌های پیش من «یوان دابلو» دوره می‌گذاشتم و وزارتخانه ما را دعوت می‌کرد و ما می‌رفتیم و با دانش روز دنیا آشنا می‌شدیم الان دیگر هیچ اتفاقی نیفتاده است. «یوان دابلو» اسپانسر می‌شود، بودجه می‌گذارد برای کارهای تحقیقاتی کارهای آموزشی، ما هیچ کاری نکردیم در ایران. واقعاً خیلی حیف است که ما اصلاً سمت هیچ تحولی نرفتیم در حالی که شعار امسال برای گردشگری این موضوع بود. خیلی گردشگری را گوشه رینگ گذاشتید آنقدری که در برنامه‌ها، حتی در برنامه ۳۰ اردیبهشت ما آمدیم وسط میراثی‌ها حرف‌های گردشگری زدیم. یک ذره بیشتر ما را دوست داشته باشید.

سیدعزت الله ضرغامی: خیلی ممنون استفاده کردیم. نکات خوبی فرمودید.

جوواد محرمی روزنامه جوان: عرض سلام خدمت شما آقای مهندس. دو موردی که من به نظرم می‌رسد در مورد میراث یکی بحث مرمت‌های غیراصولی است که گریبان میراث را گرفته است. مرمت غیراصولی مسجد شیخ لطف الله خیلی برای من تعجب انگیز بود. مگر چقدر دارایی داریم که نگاه میراث فرهنگی کشور این‌گونه است. آدم مواجه می‌شود با عباراتی مثل پیمانکار، مثلاً کار را

سپردیم دست پیمانکار. عبارت پیمانکاری را در مباحثی مثل آسفالت کاری و این جور چیزها به کار می برد نه بحث تخصصی مثل مرمت آثار باستانی.

به نظر می رسد نگاه ها جدی نیست و آن حساسیت هایی که باید وجود داشته باشد در بحث ترمیم و مرمت آثار وجود ندارد، می خواستم یک توضیحی شما بفرمایید چون فقط مسجد شیخ لطف الله نیست، جاهای دیگر هم بوده که این اتفاق افتاده، اینکه برون سپاری شود و بسپاریم به بخش خصوصی و به پیمانکار بگوییم که شما برو انجام بده بعد هم معلوم شود ناظر درست و حسابی نداشته این خاطر مردم را آزرده می کند.

دیگر بحثی که اول هم خودتان فرمودید بحث بناهای دوره جمهوری اسلامی است، الان ببینید دوره جمهوری اسلامی بدترین دوران در حیطة معماری است، من فکر می کنم شما با رهبر انقلاب صحبت بکنید روی این مسئله اذعان داشته باشند. شما در بحث آشفتگی معماری چقدر ورود کردید، مثلاً آمدیم برج میلاد را ساختیم، شما ببینید هر بنایی که ساخته می شود یک مشکلی دارد.

شما ساختمان مجلس شورای اسلامی ما را ببینید آن چیزی که در دوران پهلوی ساخته شده به دوران اسلامی خیلی نزدیک تر است حالا پهلوی خیلی ادعای اسلامی بودن ندارد ولی شما این بنای میدان آزادی را ببینید کاملاً مبتنی بر المان های اسلامی ساخته شده است ولی جمهوری اسلامی می آید هرم می سازد در مجلس بهارستان، یک هرمی می سازد که ربطی به معماری ما ندارد، این ها را باید شما ورود کنید بالاخره یک تأثیری بگذارید. همین برج میلاد را شما ببینید اصلاً یک برج بی هویتی که اصلاً ظاهرش را آدم نگاه می کند ناراحت کننده است به نظرم میراث فرهنگی وظیفه دارد در این مباحث ورود بکند و یک اتفاقی بیفتد ان شاء الله.

سیدعزت الله ضرغامی: خیلی ممنونم، خیلی نکات درستی را گفتید، یک خورده در مورد این اوضاع سعی مان را کردیم، نمی دانم حرف های ما را دیدید یا نه با فرهیختگان بحث مفصلی داشتم و پیشنهادهایی که به ذهنم رسید گفتم ولی توصیه های شما، توصیه های بسیار درستی است، خیلی ممنون.

روزنامه جوان هم روزنامه خوبی است یعنی یک اصول گرایی دارد، در جریان اصول گرایی یکی از روزنامه های که واقعاً نوگرایی دارد و حرف های تحولی می زند

روزنامه جوان است جای تشکر دارد ان‌شاءالله خودتان هم همکاری بیشتری داشته باشید که به این موضوعات وارد شویم.

آناهید خذیر خبرگزاری ایبنا: خیلی ممنون از دعوت شما، خوشحالم که در این جمع هستم من سال‌ها حوزه کتاب را در حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کار می‌کردم ولی الان سؤالی که برای خودم خیلی مهم است ثبت جهانی جشن سده است. جشن سده یک جشن ملی است، دوستانم به من می‌گویند اگر این جشن ملی است، چقدر قرار است این جشن در سطح ملی برگزار شود.

سیدعزت الله ضرغامی: شما بروید جلسه مسئولان از صد نفر پرسید که جشن سده چیست اگر یک نفر توانست بگوید که جشن سده چیست؟ خودم هم زیاد نمی‌دانستم بعد از اینکه تصویب شد یک خورده فهمیدم، بعد از ثبت جهانی بیشتر مطالعه کردم، نه مطالعه ظاهری، تعمق کردم دیدم سده خیلی ظرفیت پردازش دارد، یعنی اگر خوب با آن برخورد شود؛ به لحاظ کشاورزی، به لحاظ نعمت و جایگاه آتش و زمان بندی جغرافیایی آنقدر نکته در این جشن سده هست، منتهی ما آدم‌هایی می‌خواهیم که اهل تحلیل و پردازش باشند.

بعضی‌ها خیال می‌کنند این جشن آتش پرست‌ها و زرتشت‌ها و ... بوده، می‌گویند آقا ولش کن، ما اسلامی‌ها را می‌خواهیم، درحالی که وقتی برایشان باز می‌شود، می‌بینند چقدر ظرفیت دارد. می‌خواهم از فرصت استفاده کنم چون همه رسانه‌ها هستند، از الان روی جشن سده کار کنیم خیلی ظرفیت‌های خوبی دارد.

آناهید خذیر خبرگزاری ایبنا: برای همه خیلی جالب است چون جشنی است که ۱۰ بهمن برگزار می‌شود است و می‌توانیم یک کم مردم را شادتر کنیم.

سیدعزت الله ضرغامی: ببینید اگر کسی نگوید آقا با دهه فجر و این‌ها تلاقی می‌کند و آن را تحت شعاع قرار می‌دهد، از الان بگویید در راستای پرداختن به دهه فجر، آماده‌سازی برای ورود به دهه فجر، یا ده بار دهه فجر بگویید که کسی گیر ندهد، بعد بگویید حالا ۱۰ بهمن از سده شروع می‌کنیم می‌رسیم به دهه فجر راهش هم این است.

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: عرض سلام و خسته نباشید دارم. تشکر می‌کنم بابت جلسه صمیمانه‌ای که برگزار کردید. عرضم را کوتاه می‌کنم چون

دوستان زیادی هستند که همچنان می‌خواهند صحبت نکنند، فقط امیدوارم که این جلسه خروجی داشته باشد. ما جلسه پرتالهاب‌تری را با آقای دارابی داشتیم که خیلی پرشورتر و منتقدانه‌تر بود ولی تهنش هیچی نبود، یعنی خروجی خاصی نداشت و به سرانجامی هم نرسید.

من امیدوارم با توجه به پیشنهادهاتی که بعضی از دوستان دارند در نهایت به یک خروجی برسیم و شما را گاهی به این شکل ببینیم چون بعضی از مباحث را شاید نشود در رسانه‌ها مطرح کرد، شما بهتر می‌دانید که تیغ سانسور چقدر قوی‌تر شده و ما به سختی داریم اخبار میراث فرهنگی و گردشگری را منتشر می‌کنیم، نمونه‌اش همین لغو ویزای شما، ما یک انتقاد ساده نمی‌توانیم به طرح شما داشته باشیم، مثلاً می‌آیم ایران را با عربستان مقایسه کنیم کل گزارش را حذف می‌کنند و می‌گویند به شما برمی‌خورد، به آقای رئیسی برمی‌خورد.

سیدعزت الله ضرغامی: شما انجام بدهید چه مشکلی برای نقد به این مسئله دارید؟ یعنی مدیریت خبرگزاری به شما اشکال می‌گیرد؟

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: فکر می‌کنم فضای رسانه‌ای به طور کل به همین شکل باشد.

سیدعزت الله ضرغامی: بالاخره ما یک خورده جهت‌گیری فکری‌مان ممکن است با دوستان متفاوت باشد، راهش این است که به آقای میثمی بگویید، ما کاملاً موافق هستیم. وقتی بحث کارشناسی و مبتنی بر اطلاعات باشد، هر جور نقد و پیشنهاد را می‌پذیریم، این را حل می‌کنیم برای شما.

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: اتفاقاً من یکی از درخواست‌هایم همین بود، این یک جمع کوچک شده‌ای از حوزه کاری ما است، خیلی‌ها هم جسته و گریخته دارند کار می‌کنند. مسئله این است، چون حمایتی وجود ندارد و سیستم مدیریت کشور به گونه‌ای است که انتقاد را بر نمی‌تابد، طبیعتاً این صفحه‌ها هم حذف می‌شود و کوچک‌تر می‌شود.

عرض دیگری که داشتم واکنش وزرات میراث فرهنگی و بطور کل مدیران است که یا دیرنگام است در برابر اتفاقات یا اینکه اصلاً واکنشی وجود ندارد، مصداقش همان جزیره آشوراده است، شما سکوت کردید، اتفاقاتی که برای

توریست‌ها افتاد، شما سکوت کردید، یعنی یا شما واکنشی ندارید یا واکنش‌هایتان خیلی دیر هنگام است.

سیدعزت الله ضرغامی: کدام اتفاق آشوراده رو می‌گویید؟

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: دعوایی که بین مدیر کل و...

سیدعزت الله ضرغامی: آن که ظرف دو ساعت عذرخواهی کردند.

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: عذرخواهی که دیگر فایده‌ای ندارد، دعوا شده، کتک‌کاری شده، یعنی انتظار می‌رفت شما با توجه به شخصیتی که دارید یک واکنش دیگری داشته باشید. گفتند شما برخوردی داشتید. برخوردتان حداقل اطلاع داده شود.

نکنه دیگری که می‌خواستم بگویم در ادامه واکنش‌های مدیران شما همین سعدآباد، اتفاقاتی که می‌افتد مدیران شما تا موضوع به بی بی سی و ایران اینترنشنال کشیده نشود خودشان را ملزم به پاسخگویی نمی‌دانند، وقتی هم که جواب می‌دهند در واقع دارند جواب آنها را می‌دهند، نمی‌آیند مسئله را حل کنند. ما در مورد برج طغرل هم همین مسئله را داشتیم، در مورد درختان سعدآباد همین مسئله را داشتیم، صورت مسئله پیگیری نمی‌شود، جواب من رسانه‌ای که دارم در ایران می‌نویسم و حواسم به هزارتا چیز هست داده نمی‌شود، جواب یکی دیگر داده می‌شود، بعد تازه اصل ماجرا هم نیست آخرش هم یقه من را می‌گیرند که چرا خبرت رفت بی بی سی کار شد برای تو باید پرونده امنیتی تشکیل بدهیم، برای تو باید فلان کنیم، تو را باید احضار کنیم. یک همچین چیزی هست، حالا این داستان حمایت که می‌گویید حله، بروید به مدیرتان بگویید که فلان است. من نمی‌دانم که چطور می‌خواهید حلش کنید. شما یا باید مدیرهایتان را ملزم کنید به موقع و دقیق و درست به من خبرنگار جواب بدهند، چون من واسط شما و مردم هستم. مسئله این است که شما ما را از خودتان نمی‌دانید، همیشه ما را مقابل خودتان می‌دانید.

سیدعزت الله ضرغامی: دومی درست نیست ولی اولی درست بود. نگاه ما

باید به شما همین باشد که می‌گویید. مثلاً دیروز در دولت، آقای زارع پور انتقاد شدیدی کرد به باشگاه خبرنگاران. گفتند که ما ۳۰ درصد اضافه کردیم یک خبری

باشگاه زد گفت که این بسته‌ها سه برابر است، بعد که خیلی پیگیری کردیم و اصرار کردیم اصلاح کرد و نوشت ۲/۷ که حالا او ادعا می‌کرد که اصلاً چنین چیزی نیست و این خبر دروغ است. آن روز هم که استاندارها بودند، بخشی از آنها اعتراض می‌کردند به همین گرانی اینترنت. گفتند نزدیک انتخابات است و این گرانی اینترنت روی انتخابات اثر می‌گذارد، خیلی مردم معترض هستند یکی از بحث‌های امروز در جلسه مشترک دولت و استاندارها همین بود.

بینید یک موقع‌هایی هست که یک خبری کلاً خلاف زده می‌شود، بخصوص جایی که مربوط به نظام است، بالاخره آن‌ها هم توقعشان این است، رسانه‌هایی که برای حکومت است و باید اول خبر درست را کار کنند، خلاف می‌زنند و بعد یک فضای خیلی سنگینی درست می‌شود، مشکل این است دیگر، وقتی یک خبری خلاف می‌رود؛ من حالا کلمه بهتری پیدا نمی‌کنم، می‌خواهم بهداشتی باشد، دیگر هر کاری کنید، توضیح بدهید، جمع نمی‌شود، نمی‌دانم ملت ما اینجور هستند، ملت ایران اینجوری هستند که عشق خبر منفی دارند. هرچی شما توضیح دهید، می‌گویند نه آقا مثلاً همان است.

بینید الان شما در مورد چای دیش در دولت بارها بحث شده است، وزارت جهاد را ملزم کردند جواب بدهد. وزارت جهاد جواب داده. در یک جلسه که همه مسئولان بودند وقتی دیدم همه انتقاد می‌کنند به آنها گفتم شما توضیحات وزارت جهاد کشاورزی را خوانده‌اید، هیچ کس ندیده بود در حالی که منتشر شده بود همه گفتند آقا ۳/۵ میلیارد دلار ارز، شما می‌دانید که این به من ربطی ندارد حوزه من که نیست، من هم سخنگوی دولت که نیستم، اما باید انصاف را رعایت کنم که آقا این مثلاً ارز ترجیحی نیست، این مثلاً چقدر ماشین‌آلات است.

این‌ها را همین‌طور که می‌گویید مسئله روشن‌تر می‌شود که داریم در مورد چه صحبت می‌کنیم اما وقتی که گفتم ۳/۵ میلیارد دلار، می‌گویند آقا با این می‌شد مثلاً دو تا کاخ خلیفه در دبی ساخت، یا با این می‌شد تمام بازنشسته‌ها را فلان کرد، خبر منفی اگر نادرست باشد وقتی که می‌آید جمع‌کردنش خیلی سخت است. بعد خود شما که توضیح می‌دهید حل نمی‌شود، بعد هم جریان‌های سیاسی هستند؛ یعنی فقط هم ضدانقلاب و دشمن و جریان‌های

سیاسی دوست دارند رقیب را بزنند، خب می آیند بدتر هم ادامه می دهند. من فکر می کنم اگر شما؛ در مورد ایسنا مشخصاً می گویم، اخبار و اطلاعاتتان درست باشد از نظر من هیچ خط قرمزی برای تحلیل ها و گزارش ها و انتقادهای شما نیست، این را در دولت هم صحبت می کنم اگر لازم باشد. در دولت گفتند آقای باریکانی، گفتند دوستان دیگر، من در دولت یک صحبتی در مورد این بحث رسانه ای انجام می دهم.

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: این که شما می فرمایید که کسی واقعاً باور نمی کند، همین خبر چای دیش یک هفته بعد از اینکه جنجال شد، توضیح دادند. داستان وزارتخانه شما هم اینطوری است، یک اتفاقی که می افتد، مثلاً ما آقای دارابی را پیدا نمی کنیم. مثلاً یک اثری ثبت شده یا رد شده، حالا با هزار پیغام و پسخام باید ایشان را پیدا کنیم که بینم قضیه چه بوده.

سیدعزت الله ضرغامی: از آقای میثمی خواهش می کنم که با دوستان یک راه حلی برای این پیدا کنند. این حرف کاملاً درست است.

بینید اولین کسی که سوال می پرسد من هستم، هیچ کس هم به اندازه آقای علوی رک و سریع و صادق نیست، روحیه ایشان اینطوری است، نمی تواند یک مطلب را غیر از آن چیزی که اعتقاد دارد و می بیند بگوید، می گوید آقا در دوره ما که من را گذاشتید اینجا سه تا درخت «خشکه گیری» می افتد روی سر یکی می میرد، اینجا هم روال دارد، شرکتی هست که همیشه این کارها را کرده است؛ صورت جلسه می کنند وقتی درختی دارد می افتد خب یکی ممکن است بمیرد، آن درخت را می کنند، اصلاً همیشه اینطور بوده، حالا خبر که می پیچد، فشار که می آید، شهرداری می آید و می گوید آقا باید اجازه می گرفتید، می گویم خب حالا چرا اجازه؟ خود اینجا این کار را می کرده اند، گفتیم خیلی خب اجازه نگرفتیم هر برخوردی لازم است انجام دهید، خود آن ها می گویند درست است. بعد تحت فشار رسانه ها آقای مثلاً چمران می گوید چشم، شما که فشار می آورید ما می رویم شکایت می کنیم، خیلی خب حالا شکایت می کنند چه اتفاقی می افتد؟ من هر دفعه میرم شمال به استاندارها زنگ میزنم و می گویم آقا هر جا در مسیرها می روم درخت ها را می برند و ساخت و ساز می کنند آخرین بار

با وزیر و با استاندار گیلان در حد داد و بیداد، گفتم من در مصاحبه‌هایم این را می‌گویم، شما گردنه حیران بروید، سابق لذت می‌بردید وقتی می‌پیچیدید، الان که می‌پیچید همه را کنده‌اند و ویلاسازی کرده‌اند، هیچ کس نمی‌آید آنجا بگوید چرا جنگل‌ها همه از بین رفته، چرا درخت‌ها را بریده‌اند.

پرونده را می‌دهند به یک آقای بازپرس می‌افتد دست یک بچه‌ای حالا من تکلیف آن را بعداً روشن می‌کنم، آن آدم حالا می‌خواهد خودی نشان بدهد، می‌گوید آقا من یکی یکی احضار می‌کنم. آقا ایشان توضیح داده است ایشان را احضار می‌کند، کار را ول می‌کند می‌رود توضیح می‌دهد، معاون وزارتخانه را احضار می‌کنند، بابا معاون هزارتا کار دارد اصلاً در جریان این موضوع نیست، می‌گوید نه ایشان بیاید توضیح بدهد، بعد می‌گوید من خودم فردا صبح می‌آیم آنجا ببینم چه شده، حالا جوان است خواسته سعدآباد را هم ببیند.

می‌خواهم شما بدانید موضوع تبدیل به چه چیزی می‌شود. این آقا می‌آید اینجا دست به کمرش می‌زند بعد به این‌ها می‌گوید که این وزیر شما یک فحش بد به من می‌دهد، گفتم صورت جلسه کنند، امضا هم کنند، عجله ندارم الان با ایشان برخورد کنم، این معلوم است از یک جای دیگر ناراحت است از این چند تا توییت ایشان می‌گوید این وزیر شما که این حرف‌ها را می‌زند نمی‌تواند مثلاً کاخ سعدآباد خودش را اداره کند، آقا به شما چه ربطی دارد شما بیا این سه تا درخت را تحقیق کن، شما چه کار به این دارید که این وزیر قبلش چی گفته، بعدش چی گفته، بعد می‌گوید نه من شش ماه به شما زندانی می‌دهم.

سمیه حسن لو خبرگزاری ایسنا: آقای ضرغامی مشکل شما این است که مدیریت رسانه بلد نیستید، شما رفتار رسانه ای صدا و سیما را بردید در میراث. صدا و سیما مونولوگه، ما عادت داشتیم به دیالوگ با ...

سیدعزت الله ضرغامی: بگذارید عرضم تمام شود، اصلاً بحث خودم نیست، اشتباه نکنید، این بحثی که الان مطرح می‌کنند در مورد کل جریان دولت است، من می‌گویم این کار را برای شما انجام می‌دهم، ببینید وقتی که یک خبری خارج از مجرایش یک چیز دیگر شد آن وقت؛ (این تجربه را بدانید ربطی به

صدا و سیما ندارد)، محل عرض اندام است، ببینید من با قوه قضائیه کم در نیفتادم، پلمپ‌هایی که شما دیدید برای کاشان، سه بار دادستان کل به دادستان کاشان می‌گوید درش را باز کن، پلمپ را باز کن، می‌گوید نمی‌کنم تازه روی دورافتاده، چند تا مثلاً جوان هستند، بچه‌های تندروری حزب‌اللهی، می‌گویم باز نکنیا، تا این رئیس نیومده جلو دوربین و تعهد نداده، مثل این مجرم‌ها هستند مثل مجرم‌های منافقین که می‌آمدند جلوی دوربین می‌گفتند آقا بگو ازش این را خواسته بود. من گفتم آقا رئیس هتل ما یک آبرویی دارد، یک جایگاهی دارد شما باید کاغذ جلوی‌ش بگذارید که بگوید من غلط کردم، عذرخواهی می‌کنم قول می‌دهم دیگر تکرار نشود!؟

گفتم هرگز نمی‌تواند قول بدهد، دوباره یک خانم بی‌حجاب آنجا می‌آید، اگر قول بدهد بی‌خود قول داده است. خودم به ایشان گفتم نرو من این را حل می‌کنم حرف دادستان را گوش نمی‌کرد، البته با کار رسانه‌ای که شما می‌گویید، با همین کار رسانه‌ای حل کردید. شما می‌دانید چند روز که خیر یک توریست برزیلی آمده (هنوز وزرات امور خارجه خودش را تطبیق نداده با این سی تا ویزاها)، آمده اینجا گفتن ویزایت کجاست؟ گفته ندارم، گفتن خب باید ویزا داشته باشی، گردشگر برزیلی یک خانمی بوده از داخل کیفش مصاحبه من را درآورده گفته آقا شما مگر اعلام نکردید؟

ما برای تقویت گردشگری رفتیم این کار را کردیم. می‌خواهم بگویم که اینجوری است، آن وقت کار می‌افتد دست یک کسانی که اصلاً کاری با آن درخت ندارند، دنبال عقده‌گشایی‌های خودشان هستند. این گوشه ذهنشان باشد، منتهی من عرضم این است، هر جا که شما مبتنی بر یک اطلاعات صحیح کاری انجام بدهید برای دولت، من خودم مدافع هستم، آنجایی هم که می‌گویید خودتان توضیح نمی‌دهید، من الان پذیرفتم و معتقدم که کوچکترین مطلبی که احساس می‌شود که به قول شما «اینترنشنال» و «بی بی سی» می‌خواهند کار کنند (الان دستورش را به آقای میثمی دادم)، زودتر باید خودمان روشن کنیم، قبل از اینکه دیگران برای ما روایت کنند خودمان باید روایت درست کنیم.

مرضیه موسوی روزنامه شهروند: می‌خواستم در مورد همین موضوع صحبت بکنم دوستان اشاره‌های خیلی خوبی کردند، ما خبرنگاران تخصصی حوزه در واقع

بخشی از خانواده میراث فرهنگی و گردشگری به شمار می‌رویم، در این تغییر و تحولاتی که این یکی دو سال اخیر رخ داد، اتفاقی که در رسانه ما افتاد این بود که گفتند در راستای تزیق امید و انگیزه و نشاط، گردشگری را از زیر مجموعه فرهنگی و اجتماعی خارج می‌کنیم و به آن یک صفحه اختصاص می‌دهیم، به خاطر اینکه یک خورده جریان پرنشاط‌تر و پرتحرک‌تری را وارد رسانه بکنیم. هفته اول به من گفتند که شما دبیر صفحه گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی هستید، خلاصه قبول کردیم. از روی خبرها گزارش می‌گرفتیم.

هفته قبل جلسه گذاشتن گفتند که شما میراث فرهنگی را فراموش کنید، دوز نا امیدیش خیلی زیاد است، وقت خودتان را بگذارید روی گردشگری، چند وقت گذشته و حقیقتش این است که حال و هوای گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی در این کشور آنقدر خراب است که من احتمال می‌دهم کلاً حذفش بکنند. این را از این جهت می‌گویم که اگر حال صنعت گردشگری در کشور ما خوب بود ما البته تلاش می‌کنیم در مورد اینکه نقاط قوت را بخواهیم بازتاب بدهیم یا مثلاً اگر تسهیلات و امکاناتی هست و دولت تازه آن را ایجاد کرده در حوزه گردشگری، راجب آن یک گزارشی تهیه بکنیم ولی تهش با فعال‌های گردشگری که صحبت می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم، این قدمی که الان برداشته شده خوب است دستشان درد نکند ولی یک حفره‌ای و یک چاله‌ای این وسط هست که به ما اجازه نمی‌دهد به استفاده از این امکانات و تسهیلات برسیم، یعنی اول زیر ساخت‌های مسیر باید فراهم شود.

ما در سال‌های گذشته توانستیم پرونده‌هایمان را ثبت جهانی کنیم، خیلی اتفاقات خوبی افتاد ولی ثبت جهانی شدن به تنهایی کافی نیست ما باید این بخش‌هایی که ثبت جهانی شده را معرفی کنیم، کار ما معرفی و شناساندن فضاهای داخل کشور است ولی این در بیرون از کشور هم اگر شناخته شود قطعاً خیلی کمک می‌کند.

سید عزت الله ضرغامی: کاملاً درست است. خیلی ممنون تشکر می‌کنم.

سعید فتوحی میراث باشی: سلام وقت بخیر آقای ضرغامی ما یک نشست صمیمانه‌ای با آقای دارابی داشتیم. در آن نشست ما بحث تخریب تپه‌های باستانی و بناهای تاریخی را مطرح کردیم، بعد از آن نشست دو تا تپه باستانی در استان تهران

صاف شد. البته امیدواریم حالا بعد از این نشست دوباره اتفاقات بدی نیفتد برای تپه‌ها. یک موضوعی که هست ما دسترسی به لیست تپه‌های باستانی استان تهران و لیست بناهای ثبتی نداریم، این را فکر می‌کنم یک سالی می‌شود که بچه‌های خبرنگار همه پیگیر هستند. در تمام استان‌ها، خبرنگارها به تمام بناها دسترسی دارند به جز استان تهران. ما الان یک سال هست که پیگیری می‌کنیم، دستمان هم به جایی اصلاً نمی‌رسد. این را من از شما درخواست می‌کنم. ما خبرنگار هستیم و حق‌مان است که لیست این بناها را داشته باشیم. خواهش می‌کنم که این لیست را به ما برسانید.

سیدعزت الله ضرغامی: یعنی لیست بناهای ثبت ملی استان تهران را ندارید؟

سعید فتوحی میراث باشی: نداریم، فکر نمی‌کنم هیچ خبرنگاری در اینجا داشته باشد.

سیدعزت الله ضرغامی: این را پیگیری بفرمایید، همه‌اش مضبوط است و همش چاپ شده، شما در اینترنت بزنید ثبت ملی، همه این‌ها هست.

سعید فتوحی میراث باشی: نداریم آقای ضرغامی. من یک نکته‌ای را اضافه کنم، بناهایی که تخریب شد خیلی جاها، متأسفانه قدرت دهیار و بخشدار از قدرت وزارت بیشتر است. بخشدار و رامین دستور می‌دهد دو سوم تپه باستانی خواه تخریب شود، اداره کل میراث فرهنگی تهران هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد، هیچ واکنشی نمی‌تواند نشان بدهد، قدرت بخشدار آنجا بیشتر است. دو سوم تپه صاف شده تپه‌ای که کاوش نشده است و هنوز مشخص نیست اصلاً برای چه دوره‌ای است. این تپه صاف شده است و ما همه تلاش کردیم که شماره پرونده ثبتی آن را پیدا کنیم و واقعاً برای ما سخت است. این را من از شما درخواست دارم، ما از همه ارگان‌ها و از همه اداره‌ها پیگیری کرده‌ایم.

سعیده اسدیان خبرگزاری برنا: سلام عرض می‌کنم آقای ضرغامی ممنون از این نشستی که برگزار کردید، در مورد تئاتر شهر که الان خیلی دارد سر و صدا می‌کند هنوز یک موضع رسمی از سوی وزارتخانه نداشته‌ایم، یک حریمی گذاشته‌اند حالا این وسط شهرداری می‌خواهد پولی که دارد درمی‌آورد تکان نخورد و به جایش می‌خواهد بیاید حریم بکشد، وزارتخانه هم هیچ موضع‌گیری نکرده است. من با دو تا از مدیران سابق تئاتر شهر هم که صحبت کردم، می‌گفتند

که ما خودمان هم ناراحتیم از این موضوع و چون طرح‌های قبلی که برایمان آورده بودند خیلی متفاوت‌تر از این بود، اصلاً یک چیز نامعلومی است، نه اندازه ارتفعا ش مشخص است و نه اینکه معلوم است از چه جنسی قرار است باشد، ما هم چشم دوختیم به این که آقای ضرغامی چه می‌گویند و موضع‌گیری وزارتخانه چه هست.

بحث دوم این‌که در خیلی از مراسم ویژه وزارتخانه مثل رویداد اردبیل، برنامه رشت، جشن یلدا ما حضور نداریم حالا اینکه رسانه‌های خارجی با این دلیل که برد وسیع‌تری دارند و به معرفی ظرفیت‌های ایران می‌پردازند در این برنامه‌ها دعوت می‌شوند. اوکی اما الان خیلی از مردم در خود ایران هستند که حتی نمی‌دانند شهر رشت، شهر خلاق خوراک است، به نظرم باید اول یک معرفی برای مردم داخل کشور داشته باشیم و بعد برویم سراغ مردم خارج از کشور، اینکه حالا چرا رسانه‌های داخلی دعوت نمی‌شود را من هنوز نمی‌دانم در هفته پژوهش شما در مراسم افتتاحیه و هم اختتامیه حضور داشتید، از شما به عنوان مدیری که کلاً نسبت به وزرای قبل انتظار داشتیم که در هفته پژوهش یک مقدار متفاوت‌تر عمل کنید و این حالت ویتروینی کار، یک مقدار بشکند.

من نمی‌دانم این ناهماهنگی‌ها حالا بین پژوهشگاه میراث فرهنگی بود یا وزارتخانه که در مهمترین برنامه‌ای که به نظر من در هفته پژوهش برگزار شد، برنامه‌های غار هستیجان بود که از آقای دارابی هم دعوت شد، این‌که به چه دلیلی نیامدند من نمی‌دانم ولی به نظرم مهمترین برنامه‌ای بود که ای کاش یکی از مسئولان وزارت از معاونان شما یا خود شما حضور داشتید و صحبت‌هایی که آنجا شد را در مورد غار هستیجان (غاری که ۷۰ سال از آن بی‌خبر بودیم و الان بدون حفاظت رها شده است) را می‌شنیدید. ما انتظار داشتیم که حداقل وزارتخانه بعد از اینکه این موضوع مطرح شد موضع‌گیری کند بگوید در مورد حفاظت این غار قرار است چه کار کند که ما چیزی ندیدیم به غیر از یک گزارش معرفی غار که این هم اگر لطف کنید یک پیگیری کنید.

در مورد برندینگ می‌بینید ما در حوزه صنایع دستی و گردشگری و میراث فرهنگی هیچ برندینگ نداریم. آقای ضرغامی در این مدتی هم که شما آمده‌اید به رغم شعارها و وعده‌هایی که داده شده حتی در حوزه صنایع دستی، فکر

می‌کنم الان دیگر وقتش است که خانم جلالی یک آسی رو کنند و بگویند که ما این کار را کرده‌ایم. من قزوین، اصفهان و کاشان رفتم سر زدم ما یک صنایع دستی که المان آن شهر باشد، هنوز نداریم. من رفتم اصفهان کل بازارها را گشتم یک المان که نشان دهد این برای صنایع دستی و مال خود اصفهان است نداریم. قزوین رفتم و گشتم یک کارگاه موج بافی پیدا کردم یا کاشان را که شهر جهانی نساجی شده کلاً ۵ کارگاه در شهر باقی مانده است.

بله صنایع دستی تنوع دارد ولی اصلاً در این حوزه کار ویژه‌ای نشده که ما بخواهیم روی آن مانور بدهیم، ببینید ما می‌ریم خرید می‌کنیم ولی هنوز لایه شمشبای مشکی می‌پیچند به ما می‌دهند، می‌گویند این صنایع دستی، بردارید ببرید یا در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، مونالیزا دارد موزه لوور را روی انگشتش می‌چرخاند، آن وقت ما این همه آثار داریم، یک برندینگ را نتوانستیم به سرانجام برسانیم.

روسیه یک پل بازشونده دارد این همه گردشگر جذب می‌کند، ما سردر باغ ملی داریم و خیلی راحت می‌توانیم صبح به صبح طی یک مراسمی یک موسیقی بگذاریم و آن را باز کنیم و بعد از ظهر ببندیم، الان چند وقت است سردر باغ ملی بسته شده است. این‌ها چیزهایی هست که اصلاً هیچ پیگیری نشده و هیچ موضع‌گیری هم از طرف وزارتخانه ما ندیدیم.

سیدعزت الله ضرغامی: خیلی ممنون خانم اسدیان، تشکر از فرمایشات خوبتان.

زهرا کشوری روزنامه ایران: سلام عرض می‌کنم خدمت آقای ضرغامی و دوستان دیگری که هستند. آقای ضرغامی من همیشه به صریح اللهجه بودن معروف ولی خدا را شاهد می‌گیرم در ۲۲ سال گذشته هرگز حب و بغضم را در کارم دخالت ندادم، برای همین است امروز در روزنامه ایران دارم همان چیز را می‌نویسم که زمان دولت قبل نوشته‌ام و همه دوستانی که با سابقه من را آشنا هستند، می‌دانند که همیشه همین کار را کردم پس آن چیزی که دارم اینجا به شما می‌گویم، هم شما و هم دوستان روابط عمومی می‌توانند دو نگاه به آن داشته باشید، یک خبرنگاری که حب و بغضش را دارد نشان می‌دهد نه یک خبرنگاری که ۲۲ سال است که دارد کار انجام می‌دهد و بر اساس آنچه که تجربه‌اش است دارد این‌ها را می‌گوید، غلط و درستش را هم اصلاً من نمی‌گویم؛ (ما از این موضوع که حالا می‌گویند پی آن به تن من هم چسبیده است)

شما چون آدم کتابخوانی هستید و خیلی هم فان با همه، من از رمان بر باد رفته شروع می‌کنم یک جایی اسکارلت اوهارا به وست بعد از اینکه ازدواج خواستگار خواهر و داماد را به کشتن می‌دهد می‌گوید مردم الان در مورد من چه فکری می‌کنند، می‌گوید تو ناراحت نیستی از اینکه چه کار کردی، تو ناراحت از این هستی که مردم در مورد تو چه فکری می‌کنند. البته لحن و کلامش خیلی تندتر از این است که در شأن ما نیست، عذرخواهی می‌کنم به او می‌گوید که تو مثل قاتلی هستی که آدم کشته‌ای ناراحت از این نیستی که آدم کشته‌ای ناراحت از این هستی که چرا حالا مردم می‌خواهند که تو را مجازات بکنند. در مثال می‌گوید جای مناقشه نیست.

من عذرخواهی می‌کنم گاهی اوقات ما یک کاری را می‌کنیم یا یک کاری را انجام نمی‌دهیم من رسانه می‌آیم و می‌نویسمش، رسانه‌های خارجی فارسی زبان اصلاً من با نگاه سیاسی آنها کاری ندارم، نگاه سیاسی به موضوع میراث و محیط زیست که من در آن کار می‌کنم ظلم است، خیلی ظلم است. من هیچ وقت این نگاه را در کارم وارد نکرده‌ام ولی آن رسانه می‌آید درباره‌اش می‌نویسد، ما ناراحت از این نیستیم که فلان جا تخریب شده است، ناراحت از این هستیم که چرا بی بی سی خبر را رفته است، به من چه که چرا بی بی سی رفته است، بی بی سی پولش را دارد می‌دهد این کار را بکند.

آقای علوی در دنیا درخت قطع کردن رسم دارد، شما روابط عمومی دارید، قبل از آن اعلام کنید من سه عدد درخت را به دلیل خشک شدن و جلوگیری از صدمه به گردشگر می‌خواهم قطع کنم، تمام شد رفت. نه من چیزی می‌نویسم و نه به بی بی سی می‌رسد آقای علوی شما رفتار تان حرفه‌ای نبوده است، موضوع من اینجا نه آقای علوی است نه آقای ضرغامی و نه خانم کشوری است، نشسته‌ایم اینجا و هدف داریم، بگذارید درباره‌اش صحبت کنیم. دعوای باشد برای جلسات رسمی، شما دست به اطلاعیه زدن هم خوب است برای خبرهای بعدی.

سید عزت الله ضرغامی: بگذارید اینطوری صحبت بکنیم این‌ها خوب است، اصلاً ما سرمان درد می‌کند برای اینطور حرف زدن، همین فرمان بروید جلو.

زهرا کشوری روزنامه ایران: آقای ضرغامی شما از صدا و سیما آمده‌اید، من هیچ وقت در خبرهایم نوشته‌ام اتوبوسی و یک عده انتخاب شده از صدا و سیما آمدند، من به عنوان رسانه حتی اگر حب و بغضی هم داشته باشم باید پشت این در بگذارم که حب و بغض نداشتم که اگر داشته باشم هم توان مدیریتم را دارم که بگذارم پشت در، اگر در همه برنامه‌های وزارت ما نیایم و شما بهترین کارگردان را بیاورید بنشانید اینجا وقتی محتوا را نمی‌شناسد جواب نخواهد داد. شما یک جشنواره میراث فرهنگی برگزار کردید، بیشتر بچه‌ها بیشتر داورها از صدا و سیما بودند. ما میرکریمی را داریم که موفق بوده که من همیشه می‌گویم بیابان‌ها را میر کریمی با دو فیلم معرفی کرده است. یزد را میرکریمی معرفی کرده است ولی چند تا از این‌ها، کار بلد هستند.

ما گاهی اوقات فکر می‌کنیم اینستاگرام کافی است، شما واقعاً فکر می‌کنید اینستاگرام جای رسانه را برایتان گرفته است، محتوا را به طور مثال من می‌شناسم، شما اگر کل آدم‌هایی که فالوورهای بالایی دارند بیاورید بنشانید در میراث فرهنگی تا وقتی آن آدم نداند محوطه چی هست تا نداند تاریخ و عصر آهن چی هست، هرگز و هرگز موفق نخواهید شد محتوا تولید نکنید.

شما الان آمار بیاورید که چقدر از شاخ‌های اینستاگرام را آورده‌ایم، چند تا پست اینستاگرامی زدید، بباید بنشینید اینجا و با هم صحبت کنیم ببینیم چه چیزی تولید کرده‌اند، چند تا از ویدئوهایی که شما ساخته‌اید اگر خبرنگار خارجی آورده‌اید که خیلی خوب است، چند تا از آنها وایرال شده است. اینستاگرام من یک میلیون فالوور داشته باشد اما من ندانم که باید درباره‌اش چه بگویم و قلاب را به کجا بیندازم که شرط نیست.

همین سفر رشت خیلی جالب است، بدون اینکه من بدانم زنگ زده بودند روزنامه ایران که عکاس را ببرند و خبرنگارش خبر نداشت من با یک دوستی صحبت کردم، گفت که حالا ما هزینه نداریم برای خبرنگار داخلی، هزینه‌اش چی هست؟ یک اتوبوس که بچه‌ها را ببرد رشت، کل هزینه همین است، من اصلاً با آن کاری ندارم. خبرنگار خارجی مگر مثل خبرنگار ایسنا می‌داند محوطه چی هست یا اینکه ما چندتا برنامه خبرنگارهای خارجی را برده‌ایم و بعد او تصویر گرفته است، تصویر در این حجم؟ تصویری که دارد می‌رود چه می‌خواهد بگوید؟

مثلاً یک تصویری را چه می‌دانم از مسجد صورتی شیراز بگیرند، چند بار می‌خواهد مخاطب را بکشانند؟ شما اصل را گذاشته‌اید، ارزش افزوده را گذاشته‌اید، آن چیزی که در این دو سال ما دیدیم، شما رسانه‌های رسمی را حذف کرده‌اید. من همین الان نمی‌دانم چرا اینجا نشستیم، می‌توانستید بچه‌های اینستاگرام را صدا بزنید که در همه برنامه‌های شما هستند، وقتی آنها به شما جواب می‌دهند ما را صدا نزنید. وقتی ظرف برای شما مهم است نه مظرّف ما را صدا نزنید. همان‌ها را هم در این جلسه صدا بزنید. شما محتوا را فراموش کرده‌اید و دیده شدن را بدون اینکه پایدار باشد پذیرفته‌اید. این برای سازمان و برای حوزه‌ای مثل میراث مانند سم است. خیلی ممنون که گوش دادید.

سید عزت الله ضرغامی: من یک خبر خوش به شما بدهم که قرار نیست من حرف بزنم و پاسخ دهم، قرار است فقط گوش بدهم و به رغم اینکه ممکن است وظیفه باشد که یک خورده اطلاع رسانی کنم، اجازه بدهید این کار را نکنم که همه صحبت کنند، باز یک وقت دیگری من خدمت شما صحبت می‌کنم.

فاطمه کریمی خبرگزاری مهر: سلام خسته نباشید، انتظاری که ما از آقای عزت الله ضرغامی داشتیم، زمانی که خواستید بیایید در وزارتخانه این نبودش که الان می‌بینید، شما را خیلی قدرتمندتر می‌دیدیم و فکر می‌کردیم که باید اتفاقات مهمی بیفتد و خوشحال بودیم از این قضیه، اجازه بدهید در مدتی که باقی مانده که شما روی صندلی وزارتخانه بنشینید آن تصور برای ما بماند.

من از شما سوالم این است تا این لحظه آس آقای ضرغامی در این حوزه چی بوده است؟ معاون گردشگری که حالا مثلاً استاد دانشگاه بوده، واقعاً آس چی بوده؟ خانم جلالی یا آقای دارابی؟ چه اتفاقی در این چند وقته افتاده که ما بگوییم که بله ما امیدوار می‌شویم به ادامه‌اش این را برای ما توضیح بدهید، این که در واقع ما از شما تا به حال چند تا صحبت شنیده‌ایم، به هر حال شما سخنرانی کرده‌اید و یک صحبتی کرده‌اید به خصوص در حیات هیئت دولت، حواشی ایجاد کرده، شما خودتان چون اهل رسانه هستید می‌دانید که این موضوع رسانه‌ای می‌شود و حواشی خواهد داشت، باز هم این موضوع را تکرار می‌کنیم ما مشکلی نداریم بابت این قضیه، ما ترسمان از این هست که ترکش به حوزه این وزارتخانه بخورد و یک جاهایی واقعاً دست شماها را تنگ بکند.

برای این حوزه، کما اینکه ما قبلاً هم این وزارتخانه را می‌دیدیم با حواشی و سخنرانی‌هایی که می‌کردند در دوره آقای احمدی نژاد چه اتفاقاتی افتاد. شما بارها موضوعی را فرموده‌اید که من نمی‌توانم خیلی حرف‌ها را بزنم، من می‌دانم شما اگر حرفی می‌زنید، تیکه‌ای می‌اندازید به کسی، یک پشت صحنه‌ای دارد، یک اتفاقی افتاده است ولی ما از آن بی‌خبر هستیم. الان که نشست صمیمانه است هیچ کدامان هم چیزی ننوشته‌ایم تا الان، می‌شود برایمان یک خورده این موضوع را بازتر بکنید تا ما بدانیم دغدغه‌های شما چی هست ما بیشتر همراه شما بشویم.

به خدا ما شما را دوست داریم، چرا شما ما را دوست ندارید، ما خیلی خبرنگارهای خوبی هستیم، نمی‌دانم چرا شما فکر می‌کنید ما خبرنگارهای بدی هستیم، ما آنقدر که پشت شماها بودیم به خدا پشت دولت‌های قبلی نبوده‌ایم، البته که واقعاً یک سری‌هایش هم از دست همین مدیران خبرگزاری و سردبیران بوده است، نمی‌توانیم یک چیزهایی را بنویسیم، خدا را شکر می‌کنم که یک اینستاگرامی چیزی هست که ما بتوانیم آنجا یک خورده ناخنک بزنیم. دست شما درد نکند آقای ضرغامی شما این همه آمدید و رفتید سعدآباد، هر دفعه خبر دادند فلان روز تعطیل شد به خاطر میزبانی از رئیس‌جمهور دیگر خسته شدیم از بس این تیتراژ زدیم، یعنی این قضیه غیر قابل حل است؟

سیدعزت الله ضرغامی: من می‌خواهم جواب ندهم، جواب بدهم وقت شما گرفته می‌شود ببینید در گردشگری شما مخالف جاهل نادان دارید، من در صدا و سیما بودم می‌رفتم در جلسات رسمی می‌گفتند خانمی که اخبار می‌گوید باید حذف شود، اسمشان را هم خواستید به شما می‌گویم. آن تفکر در گردشگری به مراتب بیشتر از آنچه که در صدا و سیما بودم هست، لذا من حرفم این است اگر در یک جایی ما شمشیر می‌زنیم، با یک عده مقابله می‌کنیم.

گردشگری برای این است که مردم شاد شوند، (من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید، هان قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید) آقا یک عده احساس می‌کنند در قفس هستند، گرفتارند. می‌بینید یکی می‌رود در یک آپارتمان ۵۰ متری، سر و صدای همسایه‌ها داغانش می‌کند، هیچ امکاناتی ندارد، حقوقش نمی‌رسد، خودش را در قفس می‌بیند. یک جا گفتند شما منظورت حکومت است، گفتم نه من منظورم

همه آدم‌ها است، رفتار شخصی آدم‌هاست، می‌گوید قسم را حداقل ببر در باغ، من در قسم ولی بگذار من زیبایی‌های باغ را ببینم حرف بدی است.

وقتی من راجع به شادی حرف می‌زنم، گردش، خرید غیر از این است که مردم را شاد می‌کند؟ آقا یک عده نمی‌خواهند مردم شاد شوند، اولین کسی که از این پیرمرد رشتی تو بازار دفاع کرد، من به عنوان فولکلر از او دفاع کردم. دیشب نگاه کردم دیدم حالا رفته دارد لب کارون آغاسی را می‌خواند، اون دختر خانم هست مو فرفری، دارد می‌زند، اصلاً یک تیم شدند، اصلاً اهل لب کارون خواندن نبود، ما چرا می‌آییم ممنوعش می‌کنیم، صفحه اینستاگرامش را می‌بندیم که حالا بالای یک میلیون نفر تو صف هستند، تمام عروسی‌ها در نوبت هستند، ایشان برود، اولین کسی بودم که تقییح کرد این را در همان جلسه پژوهش‌ها.

من در حاشیه حرف‌هایم مثال که زدم گفتم این یک چیز دیگه‌ای است، این پیرمرد رشتی دارد یک نماهنگ رشتی می‌خواند، اصلاً نمی‌رقصید، کی رفته این را تعطیل کرده کی با این‌ها برخورد کرده. چرا شما ترکش‌هایی که به من می‌خورد که می‌خواهم موانع را از پیش پای شما بردارم نمایم جلوی من چندتا از این ترکش‌ها به شما بخورد؟ من برای کی دارم راه باز می‌کنم؟

آقا کسی که میره گردشگری، کسی که میره توی محیط تفریحی می‌خواد لذت ببرد، موسیقی به طور جدی جزو کار ماست، از این ۱۷ اثری که که قبل از ما ثبت شده ۵ مورد موسیقی است، درسته زمان ما یک مورد دیگر هم اضافه شد، یعنی شد ۶ اثر. من وقتی می‌گویم راجع به موسیقی نمی‌فهمید، الان در مراکز بزرگمان مثلاً تخت جمشید من کلی الان تقاضا دارم که شخصیت‌های ملی بیایند کنسرت بگذارند. آن کاری که آقای سالار عقیلی در ارگ بم کرد، نزدیک ۲۰ هزار نفر بودند یک مورد منکراتی یا یک مورد امنیتی پیدا نشد.

خب یک عده با شادی مردم مخالفند می‌روند می‌گردند چیزی پیدا کنند. همین الان یک عکاس مغرض اینجا باشد، می‌تواند از یک زاویه‌ای عکس بگیرد و بعد برود بگوید آقا ببینید مثلاً آدم‌ها چه جوری هستند، از اینها زیاد است، این‌ها باید بروند خودشان را به طیب نشان بدهند، این‌ها قدرتمندند. همه بحث‌های من مرتبط با حوزه میراث فرهنگی و گردشگری است، هیچ چیز اضافه‌تر نیست.

موضوع خوبی را مطرح کردید من حاضرم با خود شما یک قراری بگذارم، تمام توییت‌ها و صفحه ویدئوی من را بیاورید یکی را نشان بدهید که این مرتبط با کار ما نباشد مرتبط با اهداف ما نباشد من می‌پذیرم. من الان وزیر این حوزه‌ام، خیلی حرف باید بزنم، به خصوص بعد از اغتشاشات، خیلی حرف‌ها باید می‌زد، نمی‌زنم، گفتم که این پنج درصد از حرف‌های من هم نیست که می‌زنم. در این یک سال خیلی حرف‌ها را باید می‌زدم بابا ما اصلاً با نسل جوانمان که جامعه آماری ما است در بخش میراث ارتباطی نداریم، اصلاً نمی‌توانیم با شما حرف بزنیم، اصلاً ما را به رسمیت نمی‌شناسند، اصلاً نمی‌خواهند ما را ببینند، نمی‌خواهند حرف ما را بشنوند.

رئیس سازمان صدا و سیما وقتی که در اغتشاشات دو بار من از ایشان شنیدم که سوال می‌کنند چرا شما دو تا برنامه خوب و تأثیرگذار نساختید، رئیس صدا و سیما می‌گوید که آقا من خیلی ساختم، اونمی که باید ببیند، نمی‌بیند. آن کسی که می‌رود پلمپ می‌کند در کاشان حرف آقای منتظری را هم گوش نمی‌کند، شما باید بیایید لب پله حیاط بایستید و به او تذکر بدهید.

گردشگر خارجی (آلمانی) در خیابون ساکش دستش است می‌خواهد برود آنجا، بسته است. حالا یک عده خیال می‌کنند ما برخورد مثلاً سیاسی خاص داریم می‌کنیم نه باید راه باز شود. من آماده‌ام که شما یک بار اسکن کنید حرف‌های من را، یکی از جان گذشته بیاید و بگوید آقا من از این ترکش‌ها نمی‌ترسم و بیاید در میدان حرفش را بزند.

دیروز آقای دارابی راجع به حجاب به من پیغامی داد، می‌گوید من هیئت معروفی رفتم اسم هم برد، آنها خیلی به من محبت دارند گفتند به آقای ضرغامی پیغام بدهید که شما راجع به حجاب یک خورده دقیق‌تر صحبت کنید شما را به عنوان مخالف حجاب دارند نشان می‌دهند، شما اهل روضه هستید. گفتم سلام برسانید و بگویید چشم، اما یک جمله پیدا کنند که من مخالف حجاب هستم، من کجا مخالف حجاب بودم.

من دانشگاه شریف بعد از اغتشاشات که کسی جرأت نمی‌کرد آنجا برود، رفتم. وزیر کشور آمد به من گفت هر دانشگاهی می‌خواهی بروی برو ولی دانشگاه شریف نرو چون آنجا ایستاده‌اند کف حیاط دارند بدترین فحش‌ها

را می‌دهند. گفتم من اگر برم، میرم دانشگاه شریف. الان راه باز شده بقیه هم دارند می‌روند، مشکلی نیست، آن موقع کسی نمی‌رفت. دیدند من پیاده بدون محافظ که البته محافظ ندارم؛ قاطی دانشجویها از در وارد شدم و گفتم بچه‌ها سالن کجاست؟ با همین بچه‌ها رفتیم سمت سالن همه آمدند نشستند، باهاشون حرف زد، خیلی فرق کرد.

خبرنگار صدا و سیما هم بود، فکرمی‌کنم خانم بیک پور شما هم بودید، یک خبر از ما نرفتند. مصاحبه کردند با من، ندیدم آخرش چی شد. آن‌هایی که دارند می‌گویند حجاب، فکر می‌کنند اگر حجاب چندتا دختر بچه از سرشان برداشته شد، نظام فرو می‌ریزد، نه نظام فرو نمی‌ریزد. کما این که الان در خیابان کلی بی‌حجاب هست، نظام فرو ریخته؟ اصلاً نظام را کسی می‌تواند از دست روحانیت در بیاورد؟ عمراً. متنها من اینجوری نگفتم، من بهداشتی گفتم رعایت شما را کردم، بهداشتی گفتم، همین جمله من را گرفتن گفتند ضرغامی می‌گوید که آقا هیچ اشکال نداره همه بی‌حجاب بیایند، کی ما این حرف را زدیم؟

آن وقت می‌آیند می‌گویند آقا فلان‌جا در حافظیه. یکی از برخوردهای تندم در حافظیه بود، استاندار آنقدر ترسید، من زنگ زدیم بگویم آقای ایمانی چرا آنقدر می‌ترسی؟ حافظیه شناسنامه شیراز است بزن تو دهن آدمی که آمده آنجا برایت مشکل درست کند. اون خانم مدیر ما، به مقامات عالی گفتم همه با او برخورد کردند، بعد من آزادشان کردم. غلط کرده چنین حکمی داده است.

بالاخره مملکت یک صاحبی دارد به چه اجازه‌ای با خانمی که رئیس حافظیه است، چنین برخوردی می‌کنید. من در آن جلسه قضایی که تشکیل شد، گفتم این شخصیت جهانی دارد من نمی‌دانم کی هست، ولی کسی که رئیس حافظیه است این همه خارجی می‌آید، این شخصیت جهانی دارد. مگر شما می‌توانید او را دستگیر کنید، بعد که پیگیری کردم با خود خانم صحبت کردم تشویقش کردم هدیه به او دادم، گفتم جزئیات را به من بگویید. جزئیات را من نمی‌توانم علنی کنم، یک جای دیگر دستبند زدند به این خانم، حق ندارند دستبند بزنند، آدم به یک چهره فرهنگی دستبند می‌زند؟ ببینید ما با یک چنین جماعتی روبه رو هستیم.

فاطمیما کریمی خیر گزارى مهر: آیا با وزیر کشور این‌ها را در میان گذاشته‌اید؟

سیدعزت الله ضرغامی: مفصل. اصلاً بحث داریم. ببینید راه باید برای ایران باستان باز شود، من از مجلس شروع کردم در آن رای اعتمادم، اصلاً ایران باستان را به رسمیت نمی‌شناسند. یک بخش سخت نظام، شما که بهتر از من باید می‌دانید، می‌گویید چه کاری انجام شده من نمی‌خواهم گزارش کار بدهم، یک بعد تحول این است که من دو ساله دارم صحبت می‌کنم و راه باز شده که حالا فلان آخوند هم می‌آید از داریوش و کوروش صحبت می‌کند. دیگر الان راه باز شده است.

اینها می‌گویند میراث فرهنگی بعد از اسلام مهم است، بابا قبل از اسلام هم مهم است. خانم گوران توجه می‌کنید قبل از اسلام هم مهم است. در یک مجلس مهمی بود، به شخصی گفتم بگذارید من حرف آخر را به شما بزنم، آنقدری که به نام اسلام، بنی‌امیه و بنی‌عباس جنایت کردند، پادشاهان قبل از اسلام جنایت کرده‌اند یا نه؟ جواب بده به من؟ دید جوابی ندارد، آن ظلمی که این‌ها به ائمه ما و اهل بیت کردند، داریوش و کوروش و شاهپور به ائمه آن اهانت‌ها را نکردند. نماینده زرتشتی‌ها زنگ زد از دفاعی که من از آنها کردم تشکر کرد. متنها اطلاع رسانی نکردم.

ببینید نگاه‌ها را نسبت به گردشگری باید عوض کنیم. من رفتم اردبیل، بعد از اردبیل ۲۰۲۴، خطیب مشهورش در یک جمعیت زیاد علیه من صحبت می‌کند، ویدئواش وایرال شد؛ می‌گوید آقایان دولت برای چی وزیر گردشگری را فرستاده‌اید اینجا؟ شما باید وزیر کار می‌فرستادید. اینجا ما مشکل اشتغال داریم، مشکل کار داریم، وزیر کار باید می‌آمد نه وزیر گردشگری که بیاید راجع به فلان صحبت بکنند. اینقدر نمی‌فهمد که وزیر گردشگری دارد می‌آید کار تولید بکند. مگر گردشگری اشتغال نیست، مگر گردشگری یک فعالیتی نیست که اولین نتیجه‌اش اشتغال است.

شما از سرویس بهداشتی بگویید، شما گفتید آس‌هابت را بگو، آس‌هایم را هم می‌گوییم. یک دفترچه به شما می‌دهیم ۱۲۰ تا از کارهای مان را در آن نوشتیم یک نگاهی بکنید اما شما سرویس بهداشتی که مسئله اصلی ما در کشور است در آن نیست. خانم راهنما در کاخ گلستان به من می‌گوید تیمی از خارج آورده بودم، بردشان جایی، مشکل دستشویی داشتند، دستشویی نبود، یک مسجد پیدا کردیم،

خوشحال شدیم، رفتیم داخل مسجد خادم مسجد با کلی فحش آمد بیرون همه را پرت کرد از مسجد بیرون، گفت شما نجس هستید.

حالا من یک روز یک تویت می‌زنم می‌گویم گردشگر نجس نیست. حالا ما دنبال سرویس بهداشتی هستیم. الان که با شما صحبت می‌کنم ۱۰ درصدش را ساماندهی کردیم. من راضی‌ام روزانه گزارش می‌گیرم، ستاد گذاشتیم هر جا می‌روم در مسیر پیاده می‌شوم مدیرکل را صدا می‌کنم، ساعت ۲ نیمه شب می‌آید، می‌گویم این تابلو سرویس بهداشتی شهر کجاست؟ یک تابلو ۲ متری آبی رنگ طراحی کردیم روی آن نوشته شده سرویس بهداشتی (WC) که هر جا بروید آن را می‌بینید، این تابلوها مال ما است.

۸۰۰ سرویس بهداشتی شناسایی کرده‌ایم. مردم از یک جایی رد می‌شوند نمی‌دانند دستشویی کجا است؟ می‌خواهند استفاده کنند یکی شیلنگ ندارد، یکی چراغ ندارد. برای هر استانی یک میلیارد پول گرفتم. استان آذربایجان شرقی می‌گوید آقای ضرغامی یک میلیارد را به من دادی ولی من تا امروز ۱۲ میلیارد هزینه کرده‌ام. رفتم سراغ مسئولان گفتم این یک میلیارد دست گرمی است، این کار پول می‌خواهد. من نامه نوشتم به رهبری هنوز خبری نکردم. یک ماه پیش از رهبری خواستم یک دستور جدی به نهادهای زیرمجموعه خودشان بدهند، ایشان دستور کتبی داد.

اول صحبتیم به ایشان نوشتیم، آقا شما ۱۰۰۰ سال است در حوزه‌های علمیه در باب طهارت دارید درس می‌دهید، صدها آیت‌الله، مرجع تقلید پرورش یافته‌اند، در حوزه‌های علمیه بیشترین حجم تعالیم در باب طهارت و صلات است. به آقا نوشتیم و گفتم جمهوری اسلامی در طول این ۴۴ سال برای باب طهارت برای باب صلات در جاده‌هایی که مردم می‌روند مسافرت یک قدم برنداشته است.

خانمی دست بچه اش را می‌گیرد بدو بدو در این بیابون دستشویی پیدا نمی‌کند دنبال یک بوته، طهارتش باطل می‌شود. بعد نماز هم نمی‌تواند بخواند، نمازخونه پیدا نمی‌کنیم. رئیس دفتر رهبری به من گفتند که آقا دستور خوبی برای شما دادند خود ایشان خندید به من گفت این نامه کلاً راجع به دستشویی‌ها بود فکر نمی‌کردم آقا در این جایگاه زیر این نامه بنویسند.

من عذر می‌خواهم با این کلمه می‌گویم، زیر تویتهای من کامنت‌ها را بخوانید یکی در میان نوشتند آقای ضرغامی شما که مسئول مستراح‌های کشور هستید دیگر حرف نزنید، این را چسبانند به من. مهم است؟ اصلاً مهم نیست، افتخار می‌کنم. مردم باید بدانند که می‌دانند. همین است اگر کسی بخواهد کار کند نگاه نمی‌کند ببیند این چه می‌گوید، آن یکی چه می‌گوید.

کاری که اعتقاد دارید را باید بکنید. سرویس‌های بهداشتی را من می‌دانم واقعاً مهم است. یک نامه خدمت رهبری نوشتم شاه عباس ۴۰۰ سال پیش هزارتا کاروانسرا ساخت هنوز هم دارند کار می‌کنند. ما برای این کاروانسراها قرارداد می‌بندیم. در جمهوری اسلامی چه کار کردیم توانستیم هزار تا سرویس بهداشتی برای مردم بسازیم؟ خیلی از کارها زمین مانده است و باید بجنگید تاراه را باز کنید.

تحول ابتدا در فکر است، فکر خیلی‌ها را باید عوض کنید. آقای شریعتمداری کیهان بارها به من می‌گوید قبل از اینکه شما بیایید خیلی‌ها گردشگری برایشان اصلاً مهم نبود، اصلاً نمی‌دانستند چنین چیزی وجود دارد، این کلمه اصلاً در ذهنشان نبود، همین‌طور میراث فرهنگی؛ از وقتی شما آمدید و دارید این حرف‌ها را می‌زنید تازه این موضوع سوژه شده است. پس ببینید ترکشش به جایی نمی‌خورد اتفاقاً ترکش‌ها یک جای دیگری می‌خورد، راه دارد باز می‌شود، شما باید به ما کمک کنید.

بعضی مواقع شما مرا تحریک کردید که حرف بزنم من گاهی اوقات می‌بینم یک آدمی که نمی‌فهمد و درک درستی ندارد، فکر می‌کند باید ما برویم بافت تاریخی را بولدوزر بیندازیم صاف کنیم.

مثلاً در قم که من ویدیوش را در حضور آقای رئیسی گذاشتم، آقای امیرآبادی همین فکر را می‌کرد چون رأی هم می‌گیرد، می‌خواهد آن بافت را صاف کند که ساخت و ساز کند، خیلی هم زورش زیاد است، استعفا داد و ثبت نام کرد ولی پریروز اعلام کرد که دیگر در انتخابات نمی‌آید، خیلی هم آدم خوبی است، رفیق ما هم بوده، از نظر سیاسی با من هم عقیده است. می‌روند می‌گویند این کار را نمی‌کنید، استیضاح می‌کنیم آخرین نفری که به من گفت استیضاح می‌کنیم،

خیلی محترمانه رفت جلو حرفهایش را زد، دید من راه نمی‌دهم این دومی را دیگر اسمش را نمی‌برم تا گفت استیضاح، گفتم مگر نمی‌خواهی استیضاح کنی، همین الان برو تو مگر نمی‌دانی من عاشق استیضاح هستم، اصلاً نماینده باورش نشد، گفتم اصلاً من عاشق آن تریبون مجلس هستم. گفت اینجوری است پس من دیگر با شما حرفی ندارم.

نماینده یکی از مراکز استان‌ها بود، اسبابش را جمع کرد بدون خداحافظی از اتاق من رفت بیرون، دو روز بعد استیضاحش را پس گرفت، دید من از آن آدم‌هایی نیستم که بگویند استیضاح می‌کنیم بگویم برو بافت را خراب کن. چون داریم راحت حرف می‌زنیم، بحث صمیمانه است اگر می‌بینید که چند نفر می‌خواهند استیضاح کنند موارد استیضاح مشخص است به حوزه گردشگری و میراث فرهنگی مربوط می‌شود، به جای اینکه بیاید و دفاع کنید، من خیلی عذر می‌خواهم به دفاع شما اصلاً نیاز ندارم چون شما ممکن است آسیب پذیر باشید، من آسیب پذیر نیستم.

بعضی موقع آدم‌هایی می‌خواهند از من دفاع کنند می‌گویم آقا تا از من دفاع کنید حالتان را می‌گیرند، نکنید تورو خدا ولی با من کاری نمی‌تواند بکنند، اما سوال من از شما این است، بعضی دوستان عکس نوشت می‌زنند، تیتزش این است، استیضاح ضرغامی در اولویت مجلس کلید خورد، ضرغامی به زودی استیضاح می‌شود، ضرغامی به زودی می‌رود، نمی‌گوید که اگر اینطور است حالا برای چه دارد استیضاح می‌شود؟ من برای چی استیضاح می‌شوم؟

به خاطر شما دارم استیضاح می‌شوم و شما را صاحب ریگ ته جوی می‌دانم به قول خانم کشوری خوب به جای اینکه بگویید آقا ایشان حرف خوبی زد و ما پشتیبانی می‌کنیم، به خاطر حفظ هویت خودتان نه به خاطر من، هیچ کدامتان این کار را نمی‌کنید، یعنی فکر نمی‌کنید باید این کار را بکنید، تقصیری ندارید یک نفر نمی‌آید بگوید ضرغامی برای چی داری استیضاح می‌شوی؟ مقاومت در مقابل این مسئله درست است.

اولین کسی که این استیضاح را کلید زد آقای امیرآبادی بود. آمد در برنامه زنده

تلویزیون وسط حرفش از من صحبت کرد همان موقع بود که ما مسئله بافت را برایش حل نکرده بودیم. من این را گفتم چون یک خورده حساس شدم که این جمع که با بقیه فرق می‌کند اگر نفهمد که توییت‌های من چه هست این اشکال از من است، هر جا دیدید که یک چیزی دارد برای شما هزینه ایجاد می‌کند و مشکلی از شما حل نمی‌کند حتماً به من بگویید، من اصلاح می‌کنم.

مرجان حاجی رحیمی رادیو تهران: سلام آقای ضرغامی من چند نکته را فقط فهرست‌وار بگویم، در راستای سخنان آقای فتوحی در مورد استان تهران، برنامه امروز در مورد حصارکشی تئاتر شهر است. من اصلاً هیچ کدام از مسئولان استان تهران را برای پاسخگویی پیدا نکردم یعنی اصلاً انگار یک همچین چیزی و یک همچین اداره‌ای اینجا وجود ندارد.

سیدعزت الله ضرغامی: اعتراض تان در مورد تهران و تئاتر شهر وارد است.

مرجان حاجی رحیمی رادیو تهران: مسئله بعدی اینکه ما اصلاً نمی‌خواهیم شما در رأس ترکش‌ها باشید به نظر من مدیران استان‌های شما یک مقدار قوی‌تر انتخاب بشوند و از مقوله میراث فرهنگی سر در بیاورند، من چیزی که شنیدم شما انگار خیلی تحت فشار هستید، برای انتخاب این مدیران (این هم به ضرر شماست هم به ضرر مملکت و هم به ضرر آینده) اگر یک کم شجاع باشند و اینکه در مورد آن چیزی که مسئولیت دارند، اشراف داشته باشند قاعدتاً یک مقدار از ترکش‌ها به سمت شما کمتر می‌شود.

ما اصلاً نمی‌توانیم با آنها صحبت کنیم، یعنی اصلاً دسترسی به آنها نداریم. با توجه به اینکه حالا بیشتر از دو دهه است که خبرنگار این حوزه هستیم این مدیران تخصص ندارند چون اگر کسی تخصص داشته باشد، اشراف داشته باشد، قاعدتاً جواب می‌دهند. ما اصلاً با یک بن‌بستی در مدیران چه حالا وزارتخانه و چه استان‌ها مواجه هستیم.

یک نکته دیگر در مورد دستورالعمل فیلمبرداری در اماکن تاریخی است. ما دستورالعمل‌های خاصی داریم بعد متوجه می‌شویم که یک آقای کارگردانی می‌آید در کاخ سعدآباد، من از روی صفحه یکی از بازدید کنندگان کاخ سعدآباد متوجه شدم که اینجا دارند فیلمبرداری انجام می‌دهند، در صورتی که انگار نه انگار یک چنین اتفاقاتی در کاخ سعدآباد رخ می‌دهد، خب ما موارد بسیار زیادی

داشتیم در سال‌های گذشته آسیب‌های زیادی به خاطر این فیلمبرداری‌ها به کاخ‌ها وارد شد، تقاضا دارم که اولاً اطلاع‌رسانی بشود.

الان آقای علوی فرمودند که از آن درخت می‌توانید دیدن کنید. الان چه لوکیشن باشد و چه فیلمبرداری تمام شده باشد، اگر بشود ما برویم از آن کاخی که فیلمبرداری پروین اعتصامی که حالا هیچ ربطی هم به کاخ سعدآباد ندارد؛ دیدن داشته باشیم خوب می‌شود، حداقلش این است که دو، سه خبرنگاری که خودتان انتخاب می‌کنید بیایند، ببینند تا وضعیت این قدر در ابهام نباشد. این ابهام شایعه ایجاد می‌کند. وقتی شایعه باشد یک کلاغ، چهل کلاغ می‌شود و دیگر نمی‌شود جمعش کرد.

صحبت آخر که در حوزه مسئولیت شما نیست ولی خوب به خاطر فعالیت شما در شبکه ایکس و شبکه اینستاگرام خواهش می‌کنم که در هیئت دولت حداقل مطرح کنید، موضوع فیلترینگ است، یک مقدار کمتر شود که ما بتوانیم راحت‌تر ارتباط داشته باشیم.

سید عزت‌الله ضرغامی: چون عضو شورای مجازی هستم، من اظهار نظر نمی‌کنم چون به صراحت نظرم را در مورد فیلترینگ در شورای مجازی مطرح می‌کنم، بعضی از دوستان هم خوششان نمی‌آید، ولی بیرون که می‌آیم هیچی نمی‌گوییم به خاطر اینکه عضو آن شورا هستم و می‌گویند اگر چیزی هست برو آنجا حل کن.

آخرین جلسه شوخی کردم گفتم آقا فیلترینگ جوک شده، همه «وی پی ان» دارند، الان بچه‌ها و جوان‌ها یاد گرفته‌اند خودشان «وی پی ان» تولید می‌کنند و می‌فروشند بعد گفتم بعضی از این گردشگرهای ما می‌آیند، بدبخت‌ها می‌خواهند ارتباط برقرار کنند می‌روند توی هتل بعد آنجا به آنها می‌گویند آقا ما به شما فیلترشکن می‌دهیم. کلی مخ آنها را می‌زنند و فیلترشکن می‌اندازند، بعد طرف می‌بیند کیفیتش پایین است دوباره مراجعه می‌کند.

من به شوخی در جلسه گفتم که ما در دفاع از حقوق مصرف‌کننده دنبال این هستیم که ببینیم که چه کسی به این‌ها «وی پی ان» خراب انداخته برویم یقه‌اش را بگیریم و بگوییم آقا تو که این را انداختی چرا انقدر جوک شده، البته من چون جزو مسئولان هستم با صداقت و صراحت بگویم از فیلترشکن استفاده نمی‌کنم

چون شماره ما وزرا همه باز است و مشکلی نیست، صداقت از این بالاتر؟!

فاطمه رهبر یزدی خبرنگار معاونت صنایع دستی: عرض سلام دارم خدمت شما بزرگوار و همینطور افرادی که من از سنین پایین فقط توثیتهایشان را دنبال می‌کردم و خیلی علاقه داشتم یک روزی از نزدیک بینمشان من الان به عنوان کسی که هم کارمنده و اجازه داره از وزارتخانه انتقاد کند و استوری بگذارد و خود آقای وزیر همیشه می‌دیدند، هیچکس تا الان به من نگفت که شما به عنوان یک کارمند حق ندارید که استوری بگذارید یا حرفه‌ای نیست یا کار درستی نیست که انتقاد کنی. من تشکر می‌کنم به خاطر این آزادی بیان.

چند تا موضوع هست که خیلی سریع می‌گویم. من به عنوان یک یزدی چون خودم را نماینده یزد می‌دانم در خصوص مرمت‌ها می‌بینم، مرمت بنای قاجاری تبدیل شده به بنای صفوی، یعنی بنایی که قاجاری است به خاطر ارزش افزوده تبدیلش کرده‌اند به بنای صفوی و معاونان هم با خبر هستند. کاش در این حوزه یک ذره بیشتر توجه کنید و به آن‌ها بگویید. من اعتقاد دارم انتصاب معاون میراث فرهنگی از مدیرکل هم مهم‌تر است.

مورد بعدی می‌گویند که آقای مهندس به شدت با صنایع دستی فاصله دارند یعنی این چیزی هست که حالا گفته می‌شود هم در جمع تخصصی و هم در جمع عام و اینکه صنایع دستی نشست تخصصی با شما نداشته است. من طبق پیگیری‌هایی انجام دادم، شما با صادرکننده‌ها یکی دو تا جلسه خوب داشتید اما هنرمندان هنوز موفق نشده‌اند که با شما نشست داشته باشند، من چون در کمپین‌ها و جلسات مختلفی می‌روم و این موضوع نقل می‌شود، خواستم بدانید که آنها علاقمند هستند و مطالبه دارند با شما دیدار داشته باشند و حرف بزنند، حتی یک نفر با این ادبیات گفت که گردشگری‌ها لول شان بالاتر است، به خاطر همین آقای مهندس با ما جلسه نمی‌گذارند چون فکر می‌کنند لول صنایع دستی پایین‌تر است.

من از آقای دکتر ساری یک چیزی را یاد گرفته‌ام، یک روز انتهای یکی از آن میزهایی که جلسه بود، نشسته بودند و نرفتند آن سر میز بشینند، پذیرایی از همان انتها شروع شد صحبت‌ها از همان انتها شروع شد، تمرکز جمع به انتها رفت و دوربین‌ها به همان سمت چرخید و آنجا بود که من یاد گرفتم آن آدم مهم است که به آن جمع اهمیت می‌دهد، یعنی اگر شما بنشینید کنار یک آدم معمولی، یک کارگر معمولی،

این شما هستید که دارید به آن آدم اهمیت و ارزش می‌دهید.

هر چه بیشتر در جمع صنایع دستی و آدم‌هایی که حالا خودشان را شاید حتی مهم ندانند قرار بگیرید شما هستید که دارید لول صنایع دستی را بالا می‌برید. این تقاضای قلبی من است چون در حال حاضر در این حوزه هستم و احساس می‌کنم باید بیشتر از صنایع دستی حرف بزنم.

سیدعزت الله ضرغامی: خیلی ممنونم کار خوبی کردید، ممنونم از حضور فعال و سازنده شما در فضای رسانه‌ای.

لیلا ضامنی خبرگزاری شبستان: سلام عرض می‌کنم خدمت شما آقای مهندس. خسته نباشید. دغدغه‌های خبرنگاران را همه دوستان خدمت شما عرض کردند، حالا من چون حوزه‌ام مسجد است، داده مسجد را برایتان مطرح می‌کنم. یک مسجد تاریخی معیرالمالک جزو مساجد تاریخی بازمانده از دوره قاجار است. این مسجد نیاز به مرمت دارد، با دوستانی که در مورد این مسجد صحبت کردیم، گفتند یک بخشی از آن مثل اینکه تخریب شده است و درخواست داشتند وزارت میراث فرهنگی بودجه‌ای برای بازسازی بدهد. من می‌خواستم دغدغه دوستان را خدمت شما بگویم. بخشی از آن متعلق به اوقاف است. مثل اینکه بخشی از آن مدرسه و حوزه علمیه بود که دیگر کار نمی‌کند، فقط همان بخش مسجد همچنان فعال است. یک بخشی هم بازسازی کرده‌اند ولی هنوز یک سری مشکلات دارد که بودجه ندارند. ممنون می‌شوم پیگیری کنید.

سیدعزت الله ضرغامی: من هم با آقای خاموشی صحبت می‌کنم و هم خودمان پیگیری می‌کنیم.

علیرضا نوری رادیو فرهنگ: عرض ادب دارم خدمت شما و سپاسگذارم از جلسه‌ای که تشکیل شده است. سال‌های طولانی است که در حوزه وزارت میراث فرهنگی در خدمت عزیزان هستم. شبکه فرهنگ که فکر کنم در رسانه ملی نزدیک‌ترین سنخیت را می‌تواند به حوزه مأموریت‌ها و فعالیت‌های میراث فرهنگی داشته باشد.

یک برنامه ویژه هم به اسم هفته اقلیم داریم که یک روز در هفته به طور خاص به حوزه میراث فرهنگی می‌پردازد، به هر حال الان که در این سه حوزه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری فعالیت می‌کنم ذایقه مردم به بحث

بوم‌گردی دارد افزایش پیدا می‌کند، لذا باید وزارتخانه، مدیران و مسئولان استفاده کنند، مردم حاضر هستند سختی‌های راه را تجربه کنند و بروند داخل فضای بکر با یک معماری خاص یا یک موقعیت خاصی چون ما خودمان رفتیم و واقعاً تعجب هم کردیم. جایی بود که رفتن برای ما بسیار سخت بود، یکی از این سازمان‌ها ما را برده بود. آنجا گفتند مردم می‌آیند و ما اصلاً وقت‌هایمان پر است، برای ما خیلی تعجب‌آور بود که این مسیر به این سختی در این کوه و کمر مردم حاضر هستند بیایند و هزینه کنند. یک بحثی که داریم این است در بحث بوم‌گردی عمده چیزی که از طرف دولت اتفاق می‌افتد بحث تسهیلات است، من بعضاً با بعضی از آن‌ها صحبت می‌کنم، یک تسهیلاتی می‌دهند و می‌گویند ما کمک کردیم بوم‌گردی توسعه پیدا کند اما یک پیوستی در حوزه صنایع دستی یا حتی میراث فرهنگی ندارد که مثلاً از ظرفیت بوم‌گردی‌ها خود وزارتخانه در حوزه صنایع دستی و میراث فرهنگی استفاده کند.

پیوستی ندارد که این اقامتگاه‌هایی که الان اشخاص می‌آیند آنها را احیا می‌کنند، وزارتخانه بیاورد و راهنمایی کند، امکانات در اختیارشان بگذارد، کارشناسان خود را بفرستد آنجا راهنمایی‌شان بکنند، در واقع بتوانند مطابق با آن الگوهای فرهنگی و تاریخی خودمان حتی امکانات در اختیار آن‌ها بگذارند و یک مشاوره تخصصی در این خصوص به آنها داده شود. در واقع از مجموعه‌های تاریخی‌مان هم در آن مجموعه استفاده شود، در نوع معماری و نوع ساخت بناهای‌شان و اقلام و اشیائی که قرار است آنجا به کار بگیرند ویرینی بگذارید، به نظر من حیف است از این فرصتی که الان ذائقه مردم خیلی خوب شده برای استفاده از بوم‌گردی‌ها استفاده شود، برنامه خاصی من ندیدم حالا حداقل جاهایی که ما رفته‌ایم، در این زمینه نمی‌دانم واقعاً وزارتخانه ورود داشته است یا نه؟

حمیدرضا تاجی دبیر فرهنگی خبرگزاری فارس: عرضم به حضورتان که هیچ نکته خاصی نمی‌توانم بگویم چون خبرنگار این حوزه نیستم. فقط چون دوستان امر کردند، من خدمت رسیدم با این مهندسی که شما کردید دست دست کردم که این دو تا نکته‌ای که می‌خواهم بگویم را کسی نگوید چون نفر آخر شدم، خداروشکر که نگفتند، با توجه به اینکه فصل بودجه نزدیک است و شما

صحبت کرده بودید در مورد نگهداری اثر تاریخی روزی سی هزار تومان، فکر می‌کنم چنین چیزی گفته بودید، آیا اتفاق خاصی می‌افتد در این بودجه؟ شما چقدر توانستید تلاش بکنید که این ...

سیدعزت الله ضرغامی: نه نمی‌افتد.

حمیدرضا تاجی دبیر فرهنگی خبرگزاری فارس: خب خدا روشکر. بعد از آن خواهشی که داشتیم این است که زبان فارسی به عنوان یک میراث فرهنگی در این حوزه هم بیشتر به قولی فعال شویم. چون دوستان دغدغه صنفشان را گفتند نظر من این است، یارانه سفر را در دولت، شما پیگیری کنید که بیاید در سبد معیشتی.

سیدعزت الله ضرغامی: ما از شما ممنونیم.

حمیدرضا تاجی دبیر فرهنگی خبرگزاری فارس: من یک نکته‌ای را یادم آمد، دیروز در صحبتی کردند که اسامی شهرها در ورودی شهر نباید به لاتین نوشته شود، یعنی هیچ شهری ورودیش به لاتین نباشد و دستور اکید دادند مثل اینکه معاونت فرهنگی پیگیر بشوند که مانع این اتفاق باشند در ورودی شهرها.

داود نخکوب نیاسری خبرگزاری ایرنا: من دو نکته و یک پیشنهاد را مطرح می‌کنم. موضوع هوش مصنوعی و متاورس که چالش اصلی کشور به خصوص در حوزه گردشگری است، انتظارم این است که در وزارتخانه هم در سطح دولت بتوانید مطرح بکنید و از همین الان برنامه‌ریزی شود که آسیب نباشد برای صنعت گردشگران.

نکته دوم در مورد اوراسیا است که اتفاق خیلی خوبی در کشور افتاده است، نکته‌اش این است که آیا در مورد تعرفه سرچ یا تعرفه ترجیحی در حوزه صنایع دستی و بازار گردشگری به این موضوع فکر شده است. من در حوزه صنایع دستی خیلی جستجو کردم که با مسئولان یا کارشناسان صنایع دستی صحبت کنم، هیچ شفافی در این حوزه وجود نداشت. پیشنهادم این است که حتماً برای پایان هفته فیلم ویلای ساحلی را ببینید، چالش‌ها و آسیب‌های سفر به شمال و خانواده‌هایی که در اقامتگاه‌های غیرمجاز حضور دارند.

سیدحسین علوی آزاد مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد: بسم الله

الرحمن الرحيم. من در مورد لوکیشن پروین اعتصامی یک توضیحی بدهم، آقای میثمی عزیز که مدیر روابط عمومی وزارتخانه هستند بهتر استحضار دارند که روزانه در اماکن میراثی کل کشور، صدها نقطه در حال تصویربرداری است، در همین سعدآباد روزانه دهها تصویربرداری انجام می شود، برای این هم دستورالعمل وجود دارد. اینها را تیم صلاح می داند که اعلام بکنند یا نه، ما نباید اعلام بکنیم که این تیم اینجا تصویربرداری دارد، برای ما مسئولیت حقوقی دارد، عمارت علی خان والی که گفتید هیچ ربطی به پروین ندارد، خواهش می کنم یک مقدار بیشتر کنید، امارت علی خان والی متعلق به اواخر دوران قاجار و ابتدای پهلوی است، خانه پروین شده است. بهترین قابها از سعدآباد گرفته شده است، ان شاءالله وقتی به سینما آمد، ملاحظه کنید، خواهید دید که چه پرزنتیشنی از سعدآباد صورت گرفته است. من تقاضا می کنم که اگر می بینید یک جایی آسیبی خدایی نکرده رسیده، این را به من اطلاع دهید، اشکالی ندارد، ما می رویم و برخورد می کنیم، ولی من این را به شما عرض می کنم خود من در مورد ابنیه و اشیاء تاریخی نهایت پروتکل های دولتی را رعایت کردم.

سیدعزت الله ضرغامی: شما کاخ گلستان را تا وقتی جیران آقای فتحی نیامد، اصلاً

کسی نمی شناخت، حالا کاخ گلستان را که خیلی ها می شناسند، به خاطر سریال جیران است. خوب من از همه شما ممنونم خیلی جلسه خوبی بود من پشیمان هستم از اینکه جلسه را چرا زودتر تشکیل ندادم. باید حداقل یک سال قبل این جلسه را تشکیل می دادم، ان شاءالله این جلسه را ادامه می دهیم. این جلسه با سایر جلسات رسانه ای که من با آن مواجه هستم کاملاً فرق می کند به دلیل اینکه همه هم کارشناس هستند و هم دلسوز و صاحب تجربه، ان شاءالله این جلسه را ادامه می دهیم، جاهای دیگر می توانیم این جلسه را بگذاریم که از فرصت استفاده بشود.

دوستان ببینید مطالبی که گفته شد، مطالب بسیار خوبی بود، من از هر کدام از دوستان نکاتی را ضبط کردم که استفاده می کنم بعضی ها به صورت سوال مطرح کردند. من اگر بخواهم سوالها را جواب بدهم دیگر اصلاً وقتی باقی نمی ماند. یعنی جلسه کشش بیشتر از این ندارد. از این که پاسخ نمی دهم عذرخواهی می کنم، ان شاءالله جلسات بعد یک خورده شما به ما بگویید که ما چه کاری

انجام بدهیم یعنی بگویید اگر جای ما بودید، چیکار می کردید.

من چند روز پیش یک روزنامه اقتصادی مشهور دیدم تیتراژ و چیزی در مورد من گفته است خواندم بینم حرف کارشناسی دارد، راجع به مرمت و ابنیه تاریخی بود، دیدم کل حرفش این است که فلانی شما که پول ندارید این بناها را تعمیر و مرمت کنید خب اینها را واگذار کنید به بخش خصوصی که آنها بیایند و مرمت کنند، هیچ چیز جدیدی برای ما نداشت، الان چیکار کنیم؟ بناهای تاریخی را بفروشیم و تحویل بدهیم؟ مواردی را که صندوق ما انجام می دهد با هزار و یک ملاحظه است که فردا می گویند این مورد نفیس است، آن یکی می گوید نفیس نیست، ما این حساسیتها را داریم.

آقای علوی مدیر خیلی خوب ما هستند، از ایشان هم تشکر می کنم میزبان این جلسه بودند، در مورد همین سه درخت، من حرف خانم کشوری را قبول می کنم این حرف خوبی است، اگر خاطرتان باشد چند وقت پیش در قم تجمعی علیه من اعلام کردند، ۱۰ نفر بودند، عکس هایش هم اومد، از آقای رئیسی خواسته بودند که من را عزل کنند، تجمع اعلام کردند. من خواستم به این تجمع پیام بدهم، بعد دیدم که ۱۰ تا ۱۵ نفر بیشتر نیستند، تقریباً خانوادگی بود یعنی ۳ یا ۴ نفر خانم بودند، ۲، ۳ تا هم روحانی، من منصرف شدم چون در آن حد نبود.

آقای علوی به من پیشنهاد می کرد می گفت شما در صفحه خودتان این را منعکس کنید، یعنی حرفهای اینها و عکس هایشان را بزنید، بگذارید معلوم شود که این جور چیزها دیگر همراهی ندارد، من قبول نکردم به دلایلی گفتم بگذارید اینها هم بیایند شعار بدهند، حرفشان را بزنند، بگویند چه کسی باید برود، چه کسی باید بماند اینکه خانم کشوری به شما پیشنهاد می کند، شما اگر سه تا درخت خشکیده شده است، جلوگیری می کنید تو سر کسی بخورد و فردا باید جواب بدهید.

یادتان باشد هیچ چیزی به اندازه نفس انسان و جان آدمی مهم نیست، حتماً جان آن آدم شریف است و برتری دارد به همه این چیزها، همه ما قبول داریم، هیچ کسی نیست این را قبول نداشته باشد که آن کار درست است، اما اگر ایشان پیشنهاد می کنند فریاد بزنید، همه رسانهها را ما دعوت می کنیم فردا بیایند اینجا و بگوییم ما می خواهیم سه تا درخت با این مشخصات را قطع کنیم، به نظر من

این خوب است. هر چیزی که شبهه ایجاد می‌کند با صدای بلند باید توضیح دهید، حالا ممکن است موضوع با موضوع متفاوت باشد ولی اصل پیشنهاد درست است، من خودم طرفدار این رفتار هستم.

خواهش‌م این است برای جلسه بعد، شما مشکلات ما را الان می‌دانید، برای اینکه سی و پنج هزار بنای ثبتی و یک میلیون غیر ثبتی تکلیفش روشن شود پول نیست، حالا ما خیرین را جمع کردیم، خودتان هم آمدید یواش یواش داریم دستشان را می‌گیریم می‌بریم بالای سر این بناها، هر روز هم من پیگیری می‌کنم که آقا آن شب آنقدر خالی بستی، گفتمی من فلان می‌کنم بهمان می‌کنم. رسانه را خدا داده برای اینکه راه باز کنیم، الان ما مشکل داریم در این حوزه، بیایید راه حل ارائه بدهید در گردشگری و صنایع دستی، از آقای میثمی تشکر می‌کنیم که زحمت این برنامه را کشیدند از مدیریت کاخ موزه تشکر می‌کنیم و ممنونیم از شما.

صبحانه ایرانی صنایع دستی



۱۴۰۲/۱۱/۱۵

به مناسبت دهه فجر میزبان جناب آقای ضرغامی وزیر محترم گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی هستیم.

سلام جناب آقای ضرغامی

سلام خدمت شما و کلیه هموطنان عزیز و تشکر می‌کنم از این‌که قابل دانستید و بنده را دعوت کردید.

موافق هستید دستی برای موفقیت تیم ملی کشور عزیزمان بزنیم.

دل مردم را شاد و خوش کردند. خانم شریفی مقدم به اعتقاد من مردم نیاز به دلخوشی دارند. ما بچه که بودیم تلویزیون نداشتیم و با وجودی که بسیار علاقه به تلویزیون داشتیم اما پدرم تا زمان انقلاب تلویزیون نخرید. به فوتبال علاقه زیادی داشتیم، سرکوجه ما یک قهوه‌خانه‌ای بود که تلویزیون داشت و ما برای دیدن فوتبال‌ها به اونجا می‌رفتیم و از پشت شیشه فوتبال می‌دیدیم.

اجازه دارم بپرسم طرفدار کدام تیم بودید؟

ما طرفدار تیم ملی بودیم ولی فکر می‌کنم به دلیل آبی بودن رنگ آسمان، نوه‌ها طرفدار تیم آبی هستند. مانند دریا.

زمانی که زمستان‌ها از پشت شیشه قهوه‌خانه برای دیدن تلویزیون می‌رفتیم، شیشه‌ها بخار می‌کردند و به سختی می‌توانستیم ببینیم. در این قهوه‌خانه لوطی بود که وقتی می‌دید بچه‌ها برای دیدن تلویزیون تا این حد اذیت هستند با دستمال که در جیب خود داشت شیشه را تمیز می‌کرد و دوباره به داخل قهوه‌خانه می‌رفت. اون زمان خیلی حال ما بچه‌ها با این کار خوب می‌شد طوری که من هنوز بعد از گذشت سال‌ها همیشه دعا می‌کنم که اگر زنده هستند خدا حفظشان کند و اگر از دنیا رفته‌اند خدا رحمتشان کند. ایشان با این کار دل ما را

خوش می‌کرد.

باید بدانیم که دل‌خوش کردن نیاز به پول و ثروت و بودجه و اعتبار ندارد. در آن زمان او به سادگی و تنها با یک دستمال دل ما بچه‌ها را خوش می‌کرد. متأسفانه ما این روزها بلد نیستیم تا دلی را خوش کنیم حتی گاهی دلخوشی‌ها را از یکدیگر می‌گیریم مانند اینکه با هم مسابقه داریم تا دلخوشی‌ها را از یکدیگر و از مردم بگیریم. دیشب من خودم نیمه اول که به اتمام رسید فکر می‌کردم که ژاپن برنده خواهد شد. حتی من به همراه تعدادی از دوستان مشغول خوردن ناهار شدیم اما در نیمه دوم دیدیم که غیرت و اعتماد به نفس بازیکنان تیم ایران به نوعی کولاکی به پا کرده و در نهایت باعث خوش کردن دل مردم شدند.

انشالله که بتوانند خوش بدرخشند

جناب ضرغامی لطفاً از پروژه‌های دهه فجر بفرماید

هیات دولت برای تمام وزرا تکلیف کردند که باید در برنامه صدا و سیما شرکت کنید و در رابطه با کارها گزارش بدهید و من خدمت شما و مردم رسیدم تا گزارش دهم. برنامه صبحانه ایرانی هم فضای خودمانی و فوق العاده‌ای دارد. شما در دوران قبل از وزارت، صبحانه‌های معروفی داشتید و صبحانه می‌دادین. در حال حاضر دیگر جلسات صبحانه برگزار نمی‌کنید؟!

بله البته هنوز هم داریم اما رسانه‌ای و خبری نمی‌کنیم زیرا باعث حاشیه می‌شود. صبحانه‌های من فراجناحی هستند اما معروف به صبحانه‌های سیاسی شدند در صورتی که نه تنها سیاسی نبودند بلکه فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی بود زیرا حتی برخی از شخصیت‌های امنیتی در آن حضور داشتند.

البته برخی از شخصیت‌های سیاسی هم حضور داشتند. البته برای این کار هزینه زیادی هم پرداخت شد اما بسیار حال خوبی را فراهم می‌کرد زیرا زمانی که انسان با قرائت‌های مختلفی آشنا می‌شود قضاوت‌هایش تنظیم می‌شود که همین موضوع مشکل کشور ما است.

متأسفانه ما تنها یک قرائت را می‌شنویم. فقط یک نفر جلوی ما حاضر می‌شود و به ما گزارش می‌دهد. بخصوص در بخش امنیتی بیشتر شاهد این موضوع هستیم. بعد با شنیدن همان گزارش تصمیم می‌گیریم در صورتی که واقعا اینگونه نیست. به طور مثال وقتی متهم مطالبی را روایت می‌کند گاهی احساس

می‌کنیم که نه تنها حق با او است بلکه باید او را تشویق هم کرد.

به طور مثال در مورد صادق بوقی گفتم در صورتی که ۲۲ بهمن این کار را انجام می‌داد همه او را تشویق می‌کردند که با این کار باعث شادی مردم شده در صورتی که الان که در بازار ماهی فروش‌ها این کار را انجام داده با او برخورد کرده و او را دستگیر می‌کنیم و یا صفحه او را می‌بندیم. البته در حال حاضر مشکل حل شده و ایشان بسیار هم مخاطب دارند.

صبحانه سیاسی که شما هم نمونه آن را در برنامه خود دارید سیاسی نیست. سعی کنید تا افراد مختلفی را به برنامه خود دعوت کنید. انسان‌های مختلف در عرصه‌های مختلف مانند ورزش، فرهنگ، سیاست صحبت‌های خود را می‌کنند که این صحبت‌ها قطعاً برای فرهنگ و اجتماع لازم می‌باشد.

در نهایت قرار است ما به شما گزارش کار بدهیم. من در سه حوزه گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی مشغول به فعالیت هستم که هر سه حوزه برای کشور بسیار مهم هستند. البته وزارتخانه ما تازه تاسیس است و لایحه آن را به تازگی به مجلس دادیم و احتمالاً تایید آن به مجلس بعد خواهد رسید.

به دلیل اینکه در رابطه با گردشگری و میراث فرهنگی زیاد صحبت کرده‌ام، با اجازه در رابطه با صنایع دستی بیشتر صحبت می‌کنم. البته قبل از هر چیز باید نکته‌ای را یادآوری کنم که انقلاب مانند مسابقه دو امدادی است.

از ابتدا انقلاب هر شخصی در حوزه‌ای مدیریتی داشته و کمی از مسیر را طی کرده و سپس این وظیفه را به نفر بعدی محول کرده است. پس باید به تمامی این افراد احترام گذاشت و از تمامی این افراد سپاسگزاری کرد.

زمانی که ما ادعا می‌کنیم که ۴۵ سال از انقلاب اسلامی گذشته و ما دستاوردهای زیادی را بدست آورده‌ایم قطعاً دولت‌ها و رئیس‌جمهورهای زیادی در پشت این دستاوردها بوده، کار کرده و زحمت کشیده‌اند.

برخی بیشتر و برخی کمتر اما در کل همه زحمت کشیده‌اند حتی فردی که در این مسیر تست ناموفقی داشته. در واقع تست ناموفق این فرد هم می‌تواند به مدیران بعدی کمک کند تا بدانند که این مسیر به جواب درست نمی‌رسد پس باید راه دیگری انتخاب شود.

شما معمولاً بدگذشتگان را نمی‌گویید!

بله زیرا دیگران هم در مورد ما قضاوت می‌کنند. ما باید این موضوع را جزئی از فرهنگ خود نماییم. ما ۵ رییس جمهور داشتیم که هر کدام به نوبه خود به این کشور خدمت کرده‌اند. من گاهی از هر رییس جمهور یک ویژگی خاص که از سایرین بهتر بوده، را بدون هیچ لکنت زبانی می‌گویم زیرا داشتن انصاف بسیار خوب است.

دیگران هم در مورد ما قضاوت می‌کنند بنابراین اگر من گزارشی را ارائه می‌کنم، دیگران زحمت کشیده‌اند و کار را انجام داده‌اند و پیشرفت‌هایی در آن زمینه داشته‌اند و حال نوبت ما می‌باشد مانند دیواری که آجرچینی می‌شود و حال که نوبت ما رسیده ما هم باید چند آجری را بر روی آن دیوار قرار دهیم.

صنایع دستی متشکل از هنرهای سنتی و صنایع دستی می‌باشد. من مدت زیادی با هنرمندان مختلفی کار کردم و باید بگویم هیچ هنری به اندازه هنرهای سنتی ما همگرایی با فرهنگ، سبک زندگی، تمدن ایرانی، دین و رفتار را ندارد. این موضوع بسیار مهمی می‌باشد.

دامنه هنرهای سنتی بسیار وسیع است به طوری که در حال حاضر که من این گزارش را خدمت شما می‌دهم، یک میلیون و دویست هزار نفر ما در کشور فعال صنایع دستی داریم. ششصد هزار نفر دارای کارت و پرونده بوده و با ما ارتباط دارند و رسمی هستند و ششصد هزار نفر هم به صورت رسمی نیستند اما به طور کامل شناخته شده هستند و ما با آنها هم در ارتباط هستیم.

آیا واقعا این تعداد همان یک میلیون و دویست نفر است؟ خیر زیرا هر شخصی در خانه خود یک کار صنایع دستی انجام می‌دهد. در واقع شعار ما "هر خانه یک کارگاه" است. در واقع صنایع دستی خانوادگی است زیرا پدر، مادر و حتی بچه‌ها کار می‌کنند البته نباید این موضوع را با کودک کار اشتباه گرفت. کودک کار آن کودکی است که در خیابان‌ها مشغول به کار هستند و به نوعی برای کشور گرفتاری‌هایی را ایجاد می‌کنند. یک کودک در یک خانواده روستایی و یا حتی شهری یک رشته را آموخته و در آن زمینه مهارت کسب کرده. این کار حتما باید از کودکی انجام شود.

در نشستی که اخیرا همراه با فعالان اقتصادی خدمت رهبر معظم انقلاب داشتیم، در غرفه خودمان چند مورد خاص را آورده بودیم. یکی از این افراد محمد طاهار بود

که یکی از بهترین بافنده‌های ما در زمینه منسوجات سنتی می‌باشد. انواع منسوجات سنتی را با کمک‌دار و لوازم مخصوص می‌بافد و بسیار هم کارهای فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهد. ایشان بسیار مورد تقدح حضرت آقا هم قرار گرفتند.

دایره هنر بسیار گسترده است و باید این موضوع را در نظر بگیریم که هنر همگرا است. حتی اگر ما نگرش و تفکری سیاسی هم داشته باشیم، در مقابل موضوع یکسان‌سازی فرهنگی باید بایستیم. من به چند مورد در داخل پراتنز باید اشاره کنم، زمانی کمونیست‌ها قصد انجام یکسان‌سازی را داشتند که با شکست مواجه شدند، غربی‌ها هم سعی در انجام یکسان‌سازی داشتند.

کشورهایی مانند کشور ما که دارای فرهنگ قوی است توان ایستادن در مقابل یکسان‌سازی را دارند کما اینکه در مقابل این موضوع ایستاده‌ایم. من به بسیاری از دوستان و اطرافیان خود هم توصیه می‌کنم سعی در انجام یکسان‌سازی نداشته باشید. مناسفانه برخی از دوستان ما قربه الی الله تلاش فراوانی در انجام این کار دارند و سعی می‌کنند تا تمام افراد را وادار کنند تا به گونه‌ای زندگی کنند و حرف بزنند که شاقول آنها اینطور نشان می‌دهد. این روش و این کار کاملاً اشتباه است همانطور که در دنیا نیز با شکست مواجه شده.

تفاوت‌های فرهنگی نقطه قوت ما است. قرآن نیز این تفاوت را به رسمیت شناخته است اما به دلیل آنکه اقتضای برنامه شما نیست من به آن اشاره نمی‌کنم. پس باید بدانیم که در هنرهای سنتی و صنایع دستی این تنوع بزرگ وجود دارد. در دنیا ۴۰۰ رشته صنایع دستی داریم که ۲۹۹ رشته از این مجموعه مربوط به کشور ما می‌باشد. حتی در برخی از حوزه‌ها ما سرآمد دنیا هستیم و بالاترین موقعیت صنایع دستی را از لحاظ تنوع و کیفیت در جهان داریم البته هند نیز در کنار ما قرار می‌گیرد.

آقای ضرغامی آخرین باری که شما به بازار دور میدان نقش جهان اصفهان رفتید چه زمانی بوده؟

من زیاد به این بازار رفته‌ام اما سال قبل آخرین باری بود که تحت عنوان مصائب صنایع دستی به این بازار رفتم و ویدیویی هم در همین زمینه ارائه کردم. من هم آخرین بار پارسال به این شهر و این بازار رفتم که افراد تولیدکننده و فروشنده صنایع دستی بسیار ناراضی بودند. آنها از میزان کم فروش و ورود کالاهای

صنایع دستی چینی به بازار و قرارگیری این کالاها در کنار کالاهای ایرانی شکایت دارند. برخی از این کالاها به کالاهای ایرانی شباهت زیادی دارند تا حدی که اگر شناخت کافی نداشته باشیم با هم اشتباه می‌شوند.

در کل بسیار ناراضی و شاکی هستند. حتی داخل بازار که می‌رویم بسیاری از حجره‌ها و مغازه‌ها تعطیل هستند و مدعی هستند که صنایع دستی در اصفهان در حال زمین خوردن و از بین رفتن است.

در صورتی که به صفحه من مراجعه بفرمایید می‌بینید که صحبت شما را در رادیکال‌ترین وضعیت با عنوان مصائب صنایع دستی آورده‌ام زیرا به آنجا سفر کرده و از نزدیک تمامی مشکلات را دیده‌ام و با تک تک آنها گفتگو کرده‌ام.

اکنون نیز در گزارش کار به شما می‌گویم که نارضایتی که شما هم به آن اشاره می‌کنید و بسیاری از فعالان صنایع دستی نیز گرفتار هستند و بر همین اساس اصلاحاتی انجام شده را در این برنامه و در این گزارش خواهم گفت که دولت در این زمینه چه کارهایی انجام داده و چه کارها و برنامه‌های دیگری دارد.

در فیلمی که در اختیار شما قرار دادم و در سفرهایی که به نقاط مختلف داشتم در جریان تک تک مسائل قرار گرفته و سعی در حل آنها دارم.

۱- در این فیلم شاهد باغ دولت آباد یزد هستید که در کنار ۸ باغ دیگر به ثبت جهانی رسیده‌اند و در واقع به نوعی به تمام مردم دنیا تعلق دارد.
۲- کلیسای قره کلیسا در چالدران به همراه چندین کلیسای دیگر نیز به ثبت جهانی رسیده‌اند.

۳- در صورتی که هر ایرانی بخواهد با تمدن ایرانی خود بهتر و بیشتر آشنا شود باید یک بار به قنات بزرگ زارچ در یزد برود.

۴- کاخ اردشیر بابکان مربوط به دوره ساسانی بوده و از بناهای بسیار مهم می‌باشد.

۵- تخت سلیمان مجموعه‌ای از مهندسی و معماری ارزشمند پدران و نیاکان ما است.

۶- نظام آبی شوشتر یک شاهکار استثنایی بشری در حوزه هیدرولیک و شبکه آبرسانی هستیم.

۷- طاق کسری شاهکار بزرگ معماری و مهندسی ایرانی در شهر مدائن و ۴۰ کیلومتری بغداد قرار دارد.

۸- شهر دارابگرد که دارای قدمت و تاریخ کهن و ارزشمندی است. بخشی از تمدن

ایران و اسلام در این منطقه شکل گرفته است.

۹- قلعه فلک‌الافلاک به تنهایی نشان و نمادی از ایران بزرگ و تاریخ چند هزار ساله ایران می‌باشد.

۱۰- ارگ بلیقیس که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد بعد از ارگ بم مقام دوم بنای خشتی را دارد و به لحاظ تاریخی و تمدنی ارزش بسیار و ویژگی‌های خاصی دارد.

۱۱- خشایارشا که پسر داریوش بوده در زمان نوشتن کتیبه آن را کمی پایین‌تر از کتیبه اول نوشته که گفته می‌شود این موضوع به دلیل احترام و ارتباط پدر و پسر و بزرگتر و کوچکتر بودن، می‌باشد.

۱۲- بخش عظیمی از تاریخ پرافتخار ما، تاریخ چندهزار ساله در مسیر شیراز به کازرون قرار دارد.

۱۳- بازار بزرگ تبریز که بزرگترین بازار مسقف جهان می‌باشد که به دلیل وجود مشکلاتی به داخل بازار رفتیم و آنها را بررسی کرده و با بزرگان بازار و رؤسای صنوف در یکی از حجره‌ها جلسه گذاشتیم.

۱۴- مناره مربوط به ۱۰۰۰ سال پیش که قصد مرمت و بازسازی را داریم و به گفته مهندسان به گونه‌ای مهندسی و ساخته شده که متاسفانه بیم آن می‌رود در صورت بازسازی بنا تخریب شود.

۱۵- کبوترخانه فلاورجان که بسیار دیدنی و اعجاب‌انگیز است که ۵۰۰ سال پیش ساخته شده.

۱۶- پاسارگاد و مقبره کوروش که بر اساس سخنان و روایت‌ها، او اولین کسی است که تلاش کرد تا اقوام، قبیله‌ها و ملت‌ها را به وحدت برساند.

۱۷- موزه جواهرات ملی که مجموعه و تلفیقی بسیار ارزشمند از هنر ملی ما است. صرف‌نظر از رفتار پادشاهان که برای استفاده شخصی و سبک زندگی شاهانه سفارش برخی از این آثار با ارزش را می‌داند اما خود مجموعه بسیار ارزشمند و زیبا از هنر ایرانی می‌باشد.

- بخش‌هایی از حضور وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور آقای ضرغامی را دیدید.

من به هرجایی که سفر می‌کنم که در آن منطقه میراث فرهنگی وجود دارد، بخصوص آنهایی که به ثبت جهانی رسیده‌اند، خودم پلاتوهایی را می‌گویم و

به دلیل آنکه ما نگاه رسانه‌ای داریم مواردی را می‌بینیم که دیگران نمی‌بینند و مواردی را باید به مردم منتقل کنیم که دیگران متوجه آن نیستند. صفحات من چندصد پست دارد که در خدمت معرفی اماکن تاریخی و میراث فرهنگی هستند. من در این بخش در مورد صنایع دستی باید گزارشی را خدمت شما و خدمت بینندگان عزیز ارائه کنم. بعد از بررسی‌ها متوجه چند مشکل جدی شدیم.

نکته اول بیمه صنایع دستی هنرمندان می‌باشد که در حال حاضر با دستور آقای رییس‌جمهور، ده هزار نفر از فعالان حوزه صنایع دستی برای بیمه تامین اجتماعی هیچ مشکلی ندارند و کلیه مسائل این افراد حل شده و بیمه خواهد شد. حتی قالیباف‌ها که بسیار هم پیگیر بیمه خود بودند؟

این حوزه‌ای که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم شامل فرش و قالی‌بافان نمی‌شود زیرا فرش از صنایع دستی جدا شده است. لذا من خیلی به فرش نمی‌پردازم.

مگر فرش و قالی‌بافی جزو صنایع دستی محسوب نمی‌شود؟

در زمانی فرش و قالی‌بافی در حوزه صنعت قرار گرفت و زیرمجموعه وزارت صمت قرار گرفت و در همین دولت هم به من پیشنهاد شد که مجدد آن را به بخش صنایع دستی برگردانند و من نیز پذیرفتم اما تحت شرایطی، ولی به دلیل محقق نشدن آن شرایط فعلا این کار به نتیجه نرسیده.

در خصوص صنایع دستی ما بیمه ده هزار نفر را درست و اجرایی کردیم. بیمه روستایی را فعال و طی جلساتی تقویت شد. همچنین توافق کردیم که تا سطح ۸ که از لحاظ حقوق بازنشستگی سطح بالایی هم هست پرداخت شود. ۳۵ درصد فعالان صنایع دستی امروز در کشور افراد روستایی هستند اما کسانی که در شهرها هستند نیز می‌توانند از این بیمه استفاده کنند.

البته باید به این نکته توجه داشت که در صورت رونق تولید دیگر نیاز نیست که دولت مجبور به بیمه یک طرفه شود. بیمه‌ای که در حال حاضر انجام شده برای سال آینده ۱۶۸ میلیارد تومان ارزش دارد.

برای بیمه روستایی ۴۰ میلیارد تامین اعتبار شد. که در صورتی که تولید رونق بگیرد، تولیدکنندگان خود به بهترین نحو بیمه می‌کنند. مردم مغازه‌ها را می‌بینند که ظاهر شیک‌تری دارد اما در پشت مغازه دیدم که در بدترین حالت ممکن مشغول تولید هستند. این موضوع در مورد مغازه‌های نقش جهان است. اما در شهرهای

دیگر واقعا مصائب اینچنین وجود دارد. من به ۲۳۱ شهر سفر کردم که واقعا نیاز به بیمه دارند و مصائبی اینچنینی در حوزه صنایع دستی دارند که من سعی کردم تا حد ممکن آنها را حل کنم.

در صورتی که تولید تقویت شود مشکل بیمه هم حل خواهد شد و تولید زمانی تقویت می‌شود که زمینه فروش و بازاریابی در داخل و خارج فراهم شود. محصولات چینی در تمام دنیا هست به طور مثال من به همراه آقای احمدی‌نژاد به آمریکا رفتم و در مغازه‌ها که رفتم و قصد خرید کفش ورزشی داشتم مشاهده کردم که تمام محصولات تولید چین هستند.

بنابراین در صورتی که صادرات رونق داشته باشد بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. البته صادرات دارای چند مشکل است که یکی از آنها حذف پیمان‌سپاری ارزی است زیرا افرادی که کار صنایع دستی می‌کنند معمولا از وضعیت مالی ضعیفی برخوردار هستند و نمی‌توانند ضمانت‌های بالایی را بدهند و ما این را در دولت حذف کردیم و ضمانت‌نامه دیگری را تصویب کردیم برای شرکت در نمایشگاه‌ها و به آنها کمک کردیم تا صادرات در این زمینه رونق پیدا کند.

من اینجا از تریبون برنامه شما باید استفاده کنم و بگویم که این برنامه‌ها در حال انجام شدن به صورت قانونی است اما برای حل برخی از مشکلات باید زیر میز بزنیم. در واقع در جاهایی طوری میز را برای ما می‌چینند که به هر صورتی که قصد حرکت داریم، بن بست بوده و نمی‌توانیم.

آنجاست که باید بزنیم زیر میز و کنار بزنیم تا ببینیم چه راه‌حلی را می‌توانیم پیدا کنیم و چه مسیری را در پیش بگیریم. من در دولت گفتم که برای رونق صنایع دستی باید یک سال صادرکنندگان را آزاد بگذاریم. تا هر چقدر صنایع دستی داریم بار کامیون‌ها کرده و از کشور خارج کنند و نه مالیات و نه عوارض برای آن در نظر نگیرند. البته بر آن نظارت خواهیم کرد و آن را کنترل می‌کنیم. ولی باید آنها را آزاد گذاشت.

صادرکننده‌ای که در گوشه‌ای از دنیا مشتری پیدا کرده ما او را با سلسله مراتب اداری اذیت می‌کنیم. در نشستی که خدمت رهبری بودیم مجددا رهبری بر روی نظام ناکارآمد اداری تاکید و اشاره داشتند، که من سالها است معتقد هستم که مثل بختک بر روی کشور افتاده و همیشه نقد سیستم اداری را می‌کنم.

به طور مثال اگر بخواهیم یک بخشنامه کوچک را تاییدیه بگیریم وارد

بروکراسی اداری شده و اول باید به کمیسیون رفته و زمان زیادی می برد در صورتی که می خواهیم به سرعت تایید شود ولی می بینیم که در جلسه چندین نفر با یک بغل کارتابل از ارگان های مختلف آمده اند و تا طرح مطلب می کنیم هر کدام به نوعی نقدی به آن کرده و با دلایلی آن را رد می کنند به طوری که من خودم کاملاً منصرف می شوم از طرح موضوع مورد نظر و تصویب آن.

امروز کشور گرفتار این مورد است که باید به زیر میز زد. در حوزه صادرات در صورتی که موفق عمل کنیم و یک سال کلیه قوانین دست و پا گیر را کنار بگذاریم و بگذاریم هرکس هرچقدر می تواند صادر کند، کمی راه باز می شود. که البته فعلاً از طریق قانون در حال انجام این کار هستیم.

مسئله مهم بعدی بازارچه های داخلی هستند. در روزهای اول که من بر سر این پست آمدم و زمان کرونا بود پرسیدم که ما در این زمان در کجا بازارچه داریم که گفتند در بازار تهران بازارچه ای وجود دارد با ۳۰ غرفه که به دلیل کرونا تعطیل شده است. البته این به غیر از مغازه هایی است که در خیابان ها مانند خیابان استاد نجات الهی صنایع دستی را عرضه می کنند.

ما باید بازارچه های وسیعی داشته باشیم که از تمام ایران بتوانند بیایند. بنابراین اولین کاری که من انجام دادم این بود که باید تمام پایگاه هایی که متعلق به ما است و در سراسر کشور به چند صد پایگاه می رسد، باید تبدیل شود به مرکز فروش و عرضه صنایع دستی.

در عرضه صنایع دستی مشکلاتی را مطرح کردند از جمله اینکه در حریم ساختمان میراث فرهنگی نباید برخی از کارها را انجام داد و غیره که من به آنها گفتم هیچ مشکل قانونی نخواهد داشت و راه آن این است که از سازه های یک بار مصرف می توانید استفاده کنید و در هر زمان لازم شد می توان به سهولت آنها را جمع کرد و مداخلاتی به موضوع اصلی نخواهد داشت.

ما با بهزیستی، سازمان زندان ها و وزارتخانه ها صحبت کردیم و به گونه ای شد که تمام این ها در ساختمان های خود مراکزی را برای عرضه و فروش صنایع دستی ایجاد کنند. حتی ساختمان کوثر در صدا و سیما نیز برای مجموعه عرضه صنایع دستی در نظر گرفته شده است.

با دستور آقای رییس جمهور تمام فرمانداران موظف شدند در ورودی تمام

شهرها یک بازارچه دائمی صنایع دستی در نظر بگیرند که در همین لحظه برخی از شهرها اقدام کردند. من از استان هرمزگان تشکر می‌کنم زیرا این استان پیشگام شد زیرا در این استان وارد بسیاری از شهرها که می‌شوید بازارچه‌های بسیار شیک و زیبایی را بنا کردند و در حال تکمیل شدن هستند. در استان‌های دیگر هم مشغول هستند مانند استان زنجان که این مورد می‌تواند به عرضه کمک کند. اگر ممکنه از بحث صنایع دستی خارج شده و به برخی از سوالات گردشگری بپردازیم.

پس من فقط عنوان را در بخش صنایع دستی برای شما و بینندگان می‌خوانم:

فرایند ارزشیابی و صدور گواهی درجه هنری

کاربردی سازی صنایع دستی که بسیار مهم است تا از حالت تزئینی و نمایشی خارج شده و در زندگی مردم جای بگیرد. نوآوری در رنگ، تنوع، زیبایی، سبک زندگی جدید که گزارش آن نیز خدمت رهبری داده شده است.

گاز و برق تولیدکنندگان با نرخ خدماتی و ارزان قیمت محاسبه شود. بخش‌هایی از شهرک‌های صنعتی در اختیار صنایع دستی قرار بگیرد.

پرداخت وام تبصره ۱۸ که قبلاً به هیچ عنوان به صنایع دستی تعلق نمی‌گرفت. در حال حاضر، هزار میلیارد تومان در این دولت وام تبصره ۱۸ در اختیار فعالان صنایع دستی قرار گرفت.

انواع پلتفرم‌ها، اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارهای ترویجی به زبان‌های مختلف در اختیار صنایع دستی قرار گرفت. من چند تا از اینها را با خودم به برنامه شما آورده‌ام و خواهش می‌کنم از شما این است که اینها را پخش کنید.

ما باید آرام آرام چیزهایی را جایگزین کنیم به طور مثال ملبله‌کاری. امروزه جوانان که تازه ازدواج می‌کنند اکثراً نمی‌توانند به راحتی طلا تهیه نمایند ولی می‌توانند از ملبله‌کاری که کاری بسیار زیبا بر روی نقره است استفاده نمایند. نه تنها یکی از هنرهای ماست بلکه بسیار ارزان‌تر هم هست که ما در حال تقویت اینگونه بخش‌ها هستیم که گاهی فراموش شده‌اند.

در حال حاضر نقره کیلویی ۴۰ میلیون تومان است که در نهایت ارزش داشتن و قیمت بالا باز هم از طلا ارزان‌تر می‌باشد. می‌توانیم با فرهنگ‌سازی آرام آرام این نوع صنایع را جایگزین کرد.

با توجه به اینکه در حال نزدیک شدن به عید هستیم و بسیاری از مردم تمایل به سفر دارند اما هزینه‌های سفر برای بسیاری از افراد بالا است حتی اگر کسی بخواهد با وسیله نقلیه خود سفر نماید نیاز به گرفتن اقامتگاهی دارد که برای چند روز آن را اجاره نماید ولی هزینه آن بسیار زیاد است.

حتی چند وقت پیش یکی از خبرگزاری‌ها مقایسه‌ای انجام داده بود که ما الان نرخ‌هایی که در هتل‌های ایرانی داریم بسیار گران‌تر از هتل‌های بسیاری از کشورهای دیگر است. به طور مثال سفر یک خانواده ۴ نفره به کیش را با سفر همین خانواده به ترکیه را مقایسه کنیم کیش از ترکیه گران‌تر می‌شود. پارسال قرار بود دولت سفر کارت به مردم بدهد که نمی‌دانم داده شد یا خیر. در واقع سوال من اینجاست که چقدر بر روی نرخ‌گذاری هتل‌ها نظارت دارید.

نه تنها قیمت هتل‌ها بالاست بلکه از بابت تعداد هم از میزان گردشگران کمتر است. من نمی‌دانم که خانم شریفی مقدم به کدام هتل رفتند. البته بسیار کار خوبی می‌کنید که هتل‌های خوب تشریف می‌برید اما من به دلیل اینکه برخی از افراد این مقوله را با ترکیه مقایسه می‌کنند من در زمانی در صورت تمایل می‌توانم ترکیه را از این لحاظ برای شما آنالیز کنم. کشور ترکیه گردشگری را فهم کردند و کل نظام تجمیع شده برای گردشگری اما موضوع اینجاست که ما چقدر در ایران این توان را داریم.

آنالیزی که در این زمینه انجام می‌دهیم اگر شهری مثل آنتالیا را به آن شکل نخواهیم در کشور داشته باشیم و آن را کنار بگذاریم. باید در مورد افراد خارج از کشور صحبت کنیم. در حال حاضر ترکیه ۶ میلیون ترک خارج از کشور دارد که منبع بزرگی از درآمد توریسی آنها از طریق این افراد است. من در حال حاضر تلاش زیادی می‌کنم که مشکل ایرانیان خارج از کشور را حل کنم. این افراد از آمدن به کشور نگران هستند. اگر این افراد بتوانند برگردند، می‌توانند رونق زیادی به این صنعت در کشور بدهند.

در حال حاضر اگر آقای معین به کشور برگردند آیا کسی از ایشان دلیل برگشت را نمی‌پرسد؟

ما در حال حاضر ۳۳ کشور را برای ورود به کشور لغو رواید کردیم که یکی از کارهای بزرگ وزارت میراث و گردشگری بود. وزارت خارجه یک بار

زحمت کشید و خواست که با روسیه به همین توافق برسد اما متاسفانه در دولت به اندازه‌ای بحث حیثیت مطرح شد که به اتفاق آرا به جز رای من و آقای امیر عبدالهیان رد شد. ترکیه الان هشتاد و چند کشور را لغو روایت کرده است و کجا به حیثیت ترکیه خدشه‌ای وارد شد.

ما درها را می‌خواهیم باز کنیم تا گردشگران به کشور بیایند. اگر یک ایرانی نگران این موضوع باشد که اگر وارد کشور شود دستگیر می‌شود و یا می‌گویند جاسوس است و یا موارد دیگر، فضا را به طور کل خراب می‌کند و در نتیجه سایر افراد می‌ترسند که به ایران بیایند. که من به دنبال حل این مشکل هستم. اما هر زمان مطرح می‌شود دائم گفته می‌شود که فلان هنرپیشه قبل از انقلاب برگردد چه می‌شود. تعداد زیادی از مردم در کشور در رفت و آمد هستند، این فرد هم می‌تواند وارد شود. موضوع باز شدن درها است.

کل بودجه و اعتبارات گردشگری کشور ۱۰ میلیون دلار است البته با قیمت ۵۰ تومان. ترکیه فقط در سال ۲۰۱۴ و تنها برای بازاریابی صد و هشتاد و پنج میلیون دلار بودجه اختصاص داده است. من می‌توانم به راحتی حداقل ۱۰ عدد دیگر در رابطه با کشور ترکیه بگویم اما وقت برنامه اقتضا نمی‌کند.

من فکر می‌کنم در چند سال آینده عربستان جای ترکیه را در گردشگری می‌گیرد. من دیروز با سفیر عربستان ملاقات داشتم. البته اعداد و ارقامی که بیان می‌کنند خیلی واقعی نیست ولی به طور مثال برای معرفی کشور خود از افراد معروف مثل آقای مسی استفاده می‌کنند و ویدیویی می‌گیرند و چند میلیون دلار برای شوت این فرد پرداخت می‌کنند و ده‌ها برابر آن برای توزیع فیلم خرج می‌کنند و یا مالزی را می‌توانیم مثال بزنیم.

قبل از شروع برنامه بی‌بی‌سی یک تبلیغ مالزی را می‌بینیم که بسیار هم کوتاه است اما رقم‌های بسیار بالایی برای این قبیل تبلیغات پرداخت می‌کنند. ما نمی‌توانیم این هزینه‌ها را انجام دهیم و بودجه لازم را نداریم. ما باید اول روی فرهنگ خودمان کار کنیم. همین الان صادق بوقی یک کلیپ بسازد مردم بیشتر از تبلیغ مسی می‌بینند. قطر دو بیست میلیارد دلار برای بازی های جام جهانی هزینه کرد.

یکی از آژانس‌های معروف چند روز پیش من بود و ایشان می‌گفتند که

قطری‌ها او را دعوت کردند و از او خواستند که برای آنها گردشگر ببرد و من از آنها خواستم که بهترین هتل را به من نشان دهند. ظاهراً ایشان را به یک هتل پنج‌ستاره بردند که تنها بر روی صبحانه این هتل ۱۵۰ نوع غذا وجود داشت که ۵۰ دلار بود. این نشان می‌دهد که کسی قطر نمی‌رود.

البته از ما خواسته بود که برای آنها گردشگر ببریم و آن شرکت پیشنهاد داده بود که گردشگران ایرانی و قطری را با هم می‌برم. در جاده‌ها دیدنی‌ترین مکان‌های ما از جمله زیباترین غارها، زیباترین مناظر و ... متأسفانه جاهایی است که به آن دسترسی وجود ندارد.

علاقه‌مندان به این تاریخچه در پی صحبت‌هایی که شده بود نگران پاسارگاد شده بودند. قضیه آن دقیقاً چه بود؟

یکی از بزرگترین مشکلات ما در رسانه تقطیع مصاحبه‌ها است. من بعد از سفر شیراز و بیان مطالب در شورای اداری مشکلاتی را در آن بخش مطرح کردم در مورد خانه‌های مردم، زمین‌های مردم و ... که در حال حاضر من مشغول حل این مشکلات و مسائل هستم. به این صورت که به کشاورزی که در حریم آن منطقه قرار دارد و اجازه کشاورزی ندارد، زمین معوض واگذار می‌کنیم.

اگر در جایی ساختمان‌سازی شده بر فرض مثال کشاورزی و یا دامداری که طولی‌های در حریم دارد که درخواست ساخت اتاقی بر روی آن را دارد نیز اجازه این کار را نخواهد داشت. من رفتم در مسجد و مردم را جمع می‌کنم و مردم معترض را توجیه می‌کنم و سعی می‌کنم تا آنها را همراه کنم.

در مورد پاسارگاد ما مشکل چاه‌ها را داشتیم که بسیار هم قدیمی هستند اما باید مقدار آبی که کشیده می‌شود مشخص باشد یعنی در صورت داشتن کنتور می‌توان آن را کنترل کرد تا به بنا آسیب نرسد.

همین الان هم اگر به آن منطقه بروید می‌بینید که کارهای خوبی در آن منطقه انجام شده اما متأسفانه رسانه جور دیگری در این مورد صحبت می‌کند و اولین بار هم شبکه اینترنت‌نشانی در این باره صحبت کرد و تیکه‌ای از مصاحبه را جدا کردند و فعالان میراث فرهنگی بدین صورت نگران این بخش شدند در حالی که به هیچ وقت این اتفاق نخواهد افتاد اما متأسفانه تقطیع صحبت این مشکلات را ایجاد خواهد کرد.

برمودا مرور خاطرات



استودیو برنامه برمودا، ۲۰/۰۳/۱۴۰۳

تقدیم به لوطی در قهوه خانه

- نخستین بار است یک وزیر به برمودا می‌آید، راستش نگرانم، آن احترام کارمند و ریسی، نکند کل گفتگو را تحت‌الشعاع قرار دهد، یعنی راحت‌تر بگویم، اگر حتی گارد مصاحبه‌شونده، آقای وزیر، رییس سابق ما، باز باشد، برای من بیچاره کار سختی است گفتگویی که از آب و گل درآید، که درمی‌آید انشاءالله.

- آقای مهندس شما ماشاءالله بسیار خوش صحبت هستید و مصاحبه‌ای ۷ ساعته داشتید که به نوعی رکورد شکستید.

بله آقای امیرحسین ثابتی که مجری بسیار خوبی هم هستند، سوالاتشان را جمع‌آوری کرده بودند و یکجا پرسیدند، واقعا بعد از ۷ ساعت که سوالات تمام شد من تازه آماده بودم تا صحبت‌ها را ادامه دهم، ایشان خودشان چند قدمی زدند در میان صحبت‌ها تا شاید خستگی در کرده و به نوعی ورزشی کرده باشند و مجدد ادامه دادیم و من هنوز کاملا برای ادامه مصاحبه آمادگی داشتم، واقعا اون ۷ ساعت برای من رکورد است.

- مصاحبه با آقای حسین ده‌باشی چطور؟

فکر می‌کنم آن مصاحبه در حدود ۳ تا ۴ ساعت بود. البته رکورد من در پرسش و پاسخ دانشجویی مربوط به مصاحبه در دانشگاه امام صادق است که در آن زمان مسئول بودم و دعوت شدم و مصاحبه با بچه‌های دانشگاه امام صادق دقیقا پنج ساعت و نیم به طول انجامید، در واقع جلسه پرسش و پاسخ داشتیم.

- انشاءالله که مصاحبه ما هم مصاحبه خوبی باشد.

- با اجازه شما آقای مهندس، ویدیویی آماده کردم درباره حضرت عالی،

بینیم و بعد گفتگو را شروع کنیم

- فارغ التحصیل مهندسی عمران از دانشگاه امیرکبیر، رییس کارخانجات موشکی شهید حسن باقری، مردی که بیش از یک دهه سکandar سازمان صداوسیما بود، مهندس ضرغامی، برخی‌ها آنقدر با او خودمانی بودند که عمو عزت او را صدا می‌کردند و حالا ایشان مهمان ما هستند. مهندس ضرغامی که میان امور نظامی و فرهنگی در رفت و آمد بودند، سابقه معاونت امور سینمایی ارشاد و معاونت امور استان‌های صداوسیما را بر عهده داشتند و در کارنامه ایشان تاسیس شبکه‌های مختلف، ساخت سریال‌های مناسبی (پایتخت، برره، مختارنامه، یوسف پیامبر، کلاه پهلوی، مدارصفردرجه و در چشم باد) دیده می‌شود. مهندس ضرغامی زمانی که از صداوسیما رفتند، فضای مجازی و صبحانه خوردن برای ایشان مهم شد و در حال حاضر نیز در اطراف ایشان نام‌هایی آشنا از دوران مدیریت ایشان در صداوسیما حضور دارند. نام‌هایی که برخی‌ها می‌گویند: نشان‌دهنده آن است که برای آقای وزیر وفاداران اهمیت زیادی دارند.

شما در زمانی که در حوزه سیاسی سازمان بودید، گزارش‌های شما شکل متفاوتی داشت و همیشه مهمترین مسائل اجتماعی و سیاسی را به صورتی کاملاً متفاوت و باورپذیر منتقل می‌کردید. در حال حاضر نیز برنامه‌ای مورد نیاز مردم در حوزه اجتماعی و فرهنگی را اجرا می‌کنید که بسیار موفق هم می‌باشد.

- من با وزیر آقای ریسی مصاحبه را چطور باید شروع کنم، از مدل‌های کلیشه‌ای که وی در خانواده‌ای مذهبی دیده بر جهان گشود و یا...؟

من به روش‌های اجرایی و راهبردی جناب آقای ریسی، رییس جمهور محترم پایبند هستم و به همین دلیل هم بسیاری از موضوعی که به تصور من لازم است تا به عنوان یک شخصیت حقیقی نسبت به اتفاقات جامعه داشته باشم، اجمالاً ملاحظه ایشان را می‌کنم. آقای ریسی باید در میان تمام بخش‌های جامعه دارای جامعیت باشند. بعضاً امکان دارد که برخی از مواضع، ایشان را مورد انتقاد قرار دهد.

- شما محافظ هم ندارید یا امروز استثنا بدون محافظ تشریف آوردید و یا

راننده شما محافظ شما هم هست؟

خیر من محافظ قبول نکردم زیرا از نظر من نیازی به وجود محافظ نیست. وقتی از نظر من نیازی به محافظ نیست پس نیازی هم نیست که چندین آدم را همه جا به دنبال خود داشته باشم. محافظ باید برای کسی باشد که داشتن محافظ برای آنها ضرورت دارد.

- محافظ مخفی هم ندارید؟

خیر، مخفی و غیر آن ندارم.

- بقیه وزرا دارند پس چرا شما محافظی ندارید؟

حتما آنها احساس می‌کنند که داشتن محافظ ضرورت دارد. تجربه من نشان داده که با مردم و در کنار مردم بودن نه تنها بسیار مفید است بلکه هیچ خطری هم شما را تهدید نخواهد کرد. من سال‌هاست که بدون محافظ زندگی و کار می‌کنم و در مکان‌های بسیار شلوغ به صورت پیاده رفت و آمد دارم. مکان‌هایی همچون میدان اعدام، چهار راه سیروس و ... من به دستفروشان و دست دوم فروشان بسیار علاقه دارم چون معتقد هستم که در میان وسایل آنها، لوازم بسیار خوبی وجود دارد. لوازم دست دومی که توسط آنها به فروش می‌رسد برای من بسیار جالب هستند. در این مکان‌ها حتی برخی از افراد من را می‌شناسند.

- هیچ وقت توهین و یا کنایه به شما شده؟ برخورد مردم زمانی که شما را

می‌شناسند به چه صورت است؟

اصلا. مردم زمانی که می‌بینند که شخصیت‌ها و یا مدیران تا به این اندازه به آنها نزدیک است و به گونه‌ای در جمع و در کنار آنهاست، بسیار خوشحال شده و با او احساس نزدیکی می‌کنند. من در کنار مردم و با آنها هستم در صف نانوایی می‌ایستم، به افرادی که خارج صف هستند تذکر می‌دهم با وجود اینکه وزیر هستم مانند سایر افراد و مانند سایر مردم و در جواب می‌شنوم که صف چندتایی جداست و می‌توان یک عدد نان را خارج از صف و یا در صف جدا گرفت و ... در صف با مردم صحبت می‌کنم، با آنها در رابطه با مسائل مختلف بحث می‌کنم، در این حالت است که مردم حس نزدیکی کرده و احساس می‌کنند که مسئولین از خود آنها و با آنها هستند. این کار مزایای زیادی دارد. در این بین امکان دارد اتفاقاتی هم بیفتد، منافعی مسئولی را به شهادت برساند که در آن صورت فرد مسئول به توفیق شهادت نائل شده و البته یک حرکت مردمی ایجاد شده، این نهایت آن است.

صبحانه‌ای که برای من فراهم کردید بسیار خوب و عالی است. البته در زمان مسئولیت من مجالس صبحانه‌ای که برگزار می‌شد جنبه فرهنگی، اجتماعی داشت اما به صبحانه‌های سیاسی شهرت پیدا کرد.

شما خاطراتی دارید از زمان قبل از انقلاب که در آنها روایت از دعوای داخل کافه‌ها کردید، مگر شما در زمان قبل از انقلاب کافه می‌رفتید؟

من اصطلاحی دارم با عنوان زدن زیر میز، یعنی معتقد هستم که در مکان‌ها و زمان‌هایی راه‌حلی برای مشکل خود پیدا نمی‌کنید و کار طوری گره می‌خورد که به بن‌بست می‌خورید در واقع راهی به جز زدن زیر میز برای شما نمی‌ماند. زمانی یکی از مسئولین کشور که من ارادت خاصی هم نسبت به ایشان دارم به من گفت که این اصطلاح زدن زیر میز کلام خوب و درستی نیست. زمانی که دلیل آن را جویا شدم ایشان گفتند شاید شما ندانید چون به سن شما نمی‌خورد، در زمان قبل از انقلاب در کافه‌ها زمانی که فردی مست بود زیر میز می‌زد و کافه را برهم می‌ریخت به همین دلیل استفاده از این کلام و اصطلاح در شان شما نیست. من در پاسخ به ایشان گفتم: اتفاقاً من در همان کافه‌ای بودم که شما می‌فرمایید.

زمانی که من بچه بودم در محل زندگی ما یک طرف کوچه مسجد و در طرف دیگر مغازه فروش مشروبات الکلی و یا به اصطلاح عامیانه عرق‌فروشی بود. من از بچگی در مسجد بودم و شاید بتوانم بگویم در مسجد بزرگ شدم. قبل از رفتن به مدرسه من حتی مکبر مسجد بودم و این ارتباط تا زمان انقلاب نیز همچنان وجود داشت. یعنی ما می‌دیدیم که افرادی بخصوص در شب‌ها از این مغازه بیرون می‌آمدند و مست بودند، دعوا و داد و بیداد به راه می‌انداختند و ما هم که بچه بودیم و از سروصداها می‌دانستیم که کسانی در حال دعوا هستند، ما پشت در عرق‌فروشی می‌رفتیم، ایستاده و نگاه می‌کردیم. در این دعوها میز و صندلی‌هایی بود که به هوا پرتاب می‌شد و مانند این بود که ما هم به طور مجانی و بدون بلیط فیلم سینمایی می‌دیدیم.

به شخصی که از اصطلاح من انتقاد کرده بود، گفتم: در صورتی که زیر میز زدن کار بدی است، اولین کسی که زیر میز زدند امام بودند.

در مورد دلخوش کردن آدم‌ها باید بگویم که ما در آن زمان در خانه تلویزیون نداشتیم و پدر من هیچ‌وقت برای خانه تلویزیون نخریدند، سرکوچه ما هم عرق‌فروشی بود و هم یک قهوه‌خانه و ما با رفتن به سرکوچه و دیدن دعوها هم یک فیلم مجانی می‌دیدیم و هم از پشت شیشه قهوه‌خانه تلویزیون نگاه می‌کردیم بخصوص در زمان پخش فوتبال‌های حساس و مهم. هوا که سرد بود شیشه‌ها

بخار می‌کرد و ما برای دیدن تلویزیون خیلی اذیت می‌شدیم، در همین حال شاگرد قهوه‌خانه بیرون آمده فحاشی می‌کرد و با ما دعوا می‌کرد و ما را کتک می‌زد، ما پراکنده می‌شدیم اما معمولاً چون بازی حساس بود دوباره برمی‌گشتیم. گاهی از داخل این قهوه‌خانه یک لوطی بیرون می‌آمد و با کمک دستمال یزدی که در دست داشت، بخار شیشه را برای ما پاک می‌کرد و شاگرد قهوه‌خانه را دعوا می‌کرد که با ما کاری نداشته باشد تا ما بتوانیم فوتبال را ببینیم. اون لحظه که ایشان شیشه را برای ما پاک می‌کرد و شیشه تمیز و شفاف می‌شد مانند این بود که دنیا را به ما داده اند. این خاطره و خود ایشان در ذهن من مانده و در صورتی که مرحوم شده‌اند انشالله خداوند ایشان را رحمت کند و اگر زنده هستند خدا حفظشان کند.

در آن زمان پول یک استکان چایی در قهوه‌خانه ۲ ریال بود و به دو دلیل نمی‌توانستیم برای دیدن تلویزیون به داخل قهوه‌خانه برویم. اول اینکه پول نداشتیم که به بهانه چایی خوردن داخل قهوه‌خانه برویم و تلویزیون ببینیم و دوم اینکه پدر و مادر همیشه می‌گفتند که بچه‌ها نباید به قهوه‌خانه بروند.

- با توجه به اینکه پدر محترم شما کارمند شرکت نفت بودند چرا وضع مالی خوبی نداشتند؟

ما خانواده پرجمعیتی بودیم در ضمن اینکه حقوق کارگری به نسبت حقوق پایینی بود. ما ۹ خواهر و برادر بودیم و من فرزند هشتم خانواده هستم. البته ۲ نفر از فرزندان پدر من فوت کردند که در صورت زنده ماندن، ما ۱۱ خواهر و برادر می‌شدیم.

- آیا شما کبوتربازی هم می‌کردید؟

من خودم کبوتربازی نمی‌کردم اما کبوتربازها را دوست داشتم. در هر محله‌ای همیشه تعدادی کبوترباز یا به اصطلاح کفترباز وجود داشت. این افراد همیشه روحیات و اخلاق خاص خود را داشتند. کبوترها هم متفاوت بودند، برخی کبوترها غریب بودند و برخی دیگر آشنا، بعضی از آنها طوقی بودند.

- در حال حاضر هم انواع کبوترها را می‌شناسید؟

بله تا حدودی. حتی گاهی برای بازدیدها به بازار و یا محله‌ها می‌روم که می‌شنوم در آنجا کبوتر فروشی وجود دارد، می‌روم و آنها را برمی‌دارم و در دست می‌گیرم.

- آیا تا به حال کبوتری را جلد کرده‌اید؟
نه تا این اندازه وارد نبودم اما شناخت داشتم تا حدودی.

- آیا کبوتر بازها با یکدیگر دعوا هم می‌کردند؟

بله، زمانی که یک کبوتر غریب وارد محل می‌شد هر کدام از کفتر بازهای محل سعی می‌کردند که آن را به سمت خود بکشانند. روش کار آنها هم به این شکل بود که هر کدام کبوترهای جلد خود را می‌پراندند و مایک آن می‌دیدیم که مثلاً ۵ کبوتر جلد در اطراف این کبوتر در حال پرواز هستند مانند ضد هوایی و هوایماید دشمن، چون کبوترها نر و ماده هستند بعد از پرواز دور کبوتر تازه وارد می‌دیدیم که جذب یکی از کبوترهای اطراف خود می‌شد و با آن کبوتر بر روی پشت بام صاحب کبوتر می‌نشستند. در این زمان فرد کفتر باز سریع کبوتر را می‌گرفت و بال‌های آن را قیچی می‌کرد و در قفس می‌انداخت تا در فرصت مناسب کبوتر جدید را هم جلد خود کند. گاهی صاحب کبوتر تازه وارد از محل دیگری به دنبال کبوتر خود وارد محل می‌شد. در این زمان بود که می‌دیدیم فردی با ظاهر و طریقه پوشش آن زمان و بال‌حن لاتی مخصوص به خودش سراغ کبوتر گم شده خود را می‌گرفت و جالب بود همیشه کسی که کبوتر را گرفته بود زودتر از بقیه می‌گفت که کبوتر جدیدی در محل دیده نشده و ورود کبوتر را به محل کتمان می‌کرد. فرد تازه وارد که مطمئن بود کبوتر او به این محل آمده، فحاشی می‌کرد و مخاطب خود را کسی که کبوتر را گرفته قرار می‌داد. کسی که کبوتر را گرفته بود از لحن و کلام این فرد ناراحت می‌شد و در این زمان بود که دعوا و کتک‌کاری در محل شروع می‌شد. همیشه در آخر بزرگتری از محل دعوا را خاتمه داده و دو طرف را از هم جدا می‌کرد و حتی سیلی در گوش بچه محل خود می‌زد و فرد غریبه را راهی می‌کرد و قول می‌داد تا کبوتر را برای او پیدا کند. در نهایت کبوتر را گرفته و به صاحب اصلی برمی‌گرداند و گاهی شاهد این بودیم که این دو نفر که با هم دعوا کرده بودند تبدیل به دوستانی صمیمی می‌شدند.

جناب آقای نجف زاده متأسفانه امروزه دیگر آن افرادی را که میانه دعوا را می‌گرفت و اگر لازم می‌شد سیلی می‌زد و آنها نیز از او حرف شنوی داشتند و در آخر میانه‌داری می‌کرد.

ما همگی باید رفتارمان را اصلاح کنیم و باید بدانیم که همیشه با خشونت و رفتارهای جدی سلبی نمی‌توان مشکلات را حل کرد. ما باید صغار و کبار را وزن کنیم. ایرانی‌های قدیم این کار را به خوبی بلد بودند و انجام می‌دادند اما ما فاصله گرفتیم و این رفتارها را فراموش کردیم.

جناب مهندس پرسیدند که آیا پنیر پذیرایی شما پنیر پاستوریزه است؟ همچنین فرمودند که پنیر مورد علاقه ایشان پنیر تبریز و ليقوان است. من جناب آقای ولایتی را در جلالت به طور مرتب زیارت می‌کنم و همانطور که می‌دانید آقای دکتر ولایتی پزشک خوب و حاذقی هستند و ما معمولا در روزهای دوشنبه با هم صبحانه می‌خوریم و در مورد مواد غذایی صحبت می‌کنیم. ایشان در مورد مواد غذایی به من توصیه کردند که: همه چیز بخور اما کم بخور. حتی عسل هم که ماده‌ای شفافبخش است در صورتی که زیاد خورده شود فرد را بیمار می‌کند.

- شما به فیلم‌های سینمایی قبل از انقلاب هم تعلق خاطر دارد از جمله جناب مسعود کیمیایی، این علاقه شما به فیلم فارسی‌های قدیم نشأت گرفته از چیست و آیا علاقه شما به آقای مسعود کیمیایی و آثار ایشان مانند قیصر و گوزن‌ها به این دلیل است که کمک کرد تا مسیر شما به عنوان جوانان آن زمان برای انقلاب باز شود؟ یا دلیل دیگری برای این علاقه وجود دارد.

آقای کیمیایی یکی از کارگردان‌های کم‌نظیر و سرمایه ما است. امثال آقای کیمیایی سرمایه ملی ما هستند. حتی امکان دارد ایشان در جا و یا موقعیتی سخنی بگویند که من آن را قبول نداشته باشم، مهم نیست چون برعکس آن هم امکان دارد یعنی ممکن است من در جایی سخنی گفته باشم که مورد پسند و قبول ایشان نباشد. داستان فیلم‌ها و موسیقی فیلم‌های آقای کیمیایی مردمی است و این موضوع یکی از دلایل اصلی علاقه من به فیلم‌های ایشان است. حتی اولین موسیقی‌های پاپ مردمی را می‌توان در فیلم‌های آقای کیمیایی دید و شنید. فیلم‌های ایشان هم به مزاج ما جوانان به اصطلاح ته خط خیلی سازگار بود. ما با فیلم‌های ایشان زندگی کردیم.

- لوطی‌گری، مشت‌گری، انتقام، معرفت و چاقو همگی المان‌هایی هستند که مورد علاقه شما بود؟

بله، تمامی اینها المان‌هایی هستند که در این فیلم‌ها وجود داشت. این فیلم‌ها این رفتارها را نیز اقتضا می‌کرد.

- درحقیقت به نظر شما این فیلم‌ها به نوعی خواستگاه رفتارهای انقلابیون شد؟

اگر به طور مثال بخواهیم بگوییم، فیلم سفر سنگ آقای کیمیایی یکی از بهترین فیلم‌های انقلابی، دینی محسوب می‌شود.

این فیلم در سال ۱۳۵۶ ساخته شد و دارای داستان قوی می‌باشد وقتی این فیلم را پخش کردم همه مفاهیم دینی و انقلابی را دارا می‌باشد مخصوصاً در انتها فیلم که سنگ آسیاب که از بالای کوه به سمت پایین می‌آید و ساختمان سفید را تخریب می‌کند که مصداقی از کاخ سفید است و یا موارد بسیاری از این قبیل که در فیلم دیده نمی‌شود.

این فیلم پخش نمی‌شد و وقتی پیگیر شدیم، به این موارد رسیدیم می‌گویند دو بازیگر آن ضد انقلابی هستند مانند آقای رضا فاضلی که مجری برنامه ضد انقلابی هستند و خانم فرزانه تاییدی که دیگر از دنیا رفته‌اند. بنده این موضوع را قبول نداشتم و در نهایت این فیلم را پخش کردم.

نظر شما در مورد اینکه برخی از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند و باعث تشدید تنش‌ها شد چیست؟

سوال خوبی است. در کشورهایی که انقلاب شده بود آمریکا بسیار خوب این موضوع را تشدید می‌کرد و مدیریت می‌کرد.

به طور مثال آقای مورسی رئیس جمهور مصر وارد ایران شد با بسیار تکبر و غرور و رفتارهای زشت اما پس از انقلابی بزرگی که در مصر انجام شد خانم هیلاری کلینتون دو هفته نگذشته بود که رفت و آنجا را مدیریت کرد.

خانم هیلاری کلینتون وقتی از میدان تحریر سنبل انقلاب مصر بازدید کرد بسیار با تمسخر سخنرانی کرد و بنده نگران این بودم که این انقلاب برگردد پس دانشجویان برای مبارزه با آمریکا جز تسخیر سفارت آن راهی دیگر پیدا نکردند.

در ۴ دانشگاه صحبت‌هایی داشتیم و به طور کلی امام خمینی حرف‌های روشنی در مورد آمریکا زده بودند اما دولت موقت راه آمریکا را پیش گرفته بود. در نهایت در صحبت‌هایی که انجام شد به این موضوع رسیدیم که خطرناک است و حتی بعدها در سخنان امام هم نگرانی‌هایی دیده می‌شد.

امام در ابتدا از این قضایا مطلع نبودند بعد از مطلع شدن به نوعی می‌توان گفت انقلاب دوم را امام فرمودند.

خاطره جالبی از روزهایی که نظامی بودید دارید؟

زمانیکه در صنایع سپاه بودیم بخش تولید موشکی، اولین تولید موشک جمهوری اسلامی تولید موشک ۱۰۷ میلیمتری یا مینی کاتیوشا که دو متر ماکسیمم برد آن است و می‌تواند روی همین لانچرها یا پرتاب گرها، جیپ‌ها سوار شود، به نوعی مهمات عملیاتی محسوب می‌شد بنابراین سپاه تصمیم گرفت تا خودش تولید کند.

بنده مسئولیت این موضوع را داشتم در همین راستا کارخانجات شهید حسن باقری را راه‌اندازی کردیم تا این موشک را تولید کنیم. هم در این کارخانه تولید می‌شد و هم از ظرفیت تولیدات کشور استفاده می‌شد زیرا روزانه در حدود ۵ هزار تا تولید می‌شد.

این موشک در حدود ۱۷ قطعه دارد و از وسیع یک سازمان خارج است که به تنهایی تولید کند بنابراین نقشه داده می‌شد و بر اساس آن سایر کارخانه‌ها تولید می‌کردند و نظارت لازم روی آنها انجام می‌شد و در نهایت جمع‌آوری می‌کردیم. این کار یک کار بزرگ محسوب می‌شد که میانگین مدیران آن که بنده رئیس آن بودم ۲۶ الی ۲۷ سال بود. با توجه به اینکه دستگاه‌های نظارتی ما را اذیت نمی‌کردند بسیار کار خوبی بود تنها به یک ارگان پاسخگو بودیم که با توجه به اینکه موشک‌ها تولید می‌شد و مشکل جبهه حل می‌شد ما را حمایت می‌کردند. بعد از اینکار که به خوبی انجام گرفت سراغ پروژه‌های بعدی فجر ۲، فجر ۳ و موشک دیگری که ۱۵۰ کیلومتر برد داشت و بسیار موشک خوبی بود رفتیم. از کره شمالی و مستشارهای چینی و لیبی موشک‌هایی را می‌گرفتیم و در کارخانه باز می‌کردیم با توجه به اینکه مهندس‌های فوق‌العاده‌ای داشتیم تمام معادلات پروازی درآورده می‌شد و در نهایت ساخته می‌شد.

با جناب حسن مقدم که دوست دوره تحصیل بنده هستند و سرگرمی مشترک فوتبال داشتیم، آخرین باری که در کنار هم شام خوردیم به دلیل مشغله بالای بنده زیرا در سازمان بودم بندرت همدیگر را ملاقات کردیم. دوست مشترک ما جناب آقای شهسواری، شامی دادند بعد از شام جناب مقدم فرمودند موشکی ساخته شده که اسرائیل را راحت می‌زنیم. بنده باور نکردم زیرا گفتم چجوری با این فاصله

نقطه‌زنی می‌کنید؟ آیا راکت می‌زنید؟ ۵۰۰ تا زنید یکیش به مقصد بخوره. انسان‌هایی که در جایگاهی قرار می‌گیرند باید صلاحیت آن جایگاه را داشته باشند. در هر شغلی که هست فرقی ندارد نظامی و یا کامپیوتری و ... باید صلاحیت داشته باشد تا لطمه‌ای بکار نزند. اگر فردی بر بخشی توانایی دارد و در حرفه دیگری هم همینطور مانعی ندارد.

شما به معاونت سینمایی رفتید و در آن جایگاه آیا سیمرغی را جایجا کردید؟ بله. با کمال افتخار. بنده هیئت داوران بسیار خوبی را انتخاب می‌کردم و به نظر ایشان احترام می‌گذاشتم و واقعا در بحث کارشناسی دخالت نمی‌کردم. به همین دلیل زمانیکه تصمیم گرفته شد سیمرغ را به فیلم سینمایی به نام گبه به کارگردانی محسن مخمل‌باف بدهند، جناب آقای نادرزاده بحث مفصلی در هیئت داوران کردند که این فیلم شایسته این جایزه نمی‌باشد و تنها فردی که شایسته جایزه می‌باشد آقای فیلمبردار جناب آقای کلانی می‌باشد. بنده بسیار از فیلم گبه لذت می‌برم تصویربرداری عالی دارد.

آقای خسرو سینایی، خدا رحمتشان کند که که موافق جایزه سیمرغ گبه بودند و با آقای نادرزاده صحبتی کردند در نهایت تصمیم بر آن شد تا جایزه را به آقای مخمل‌باف بدهند. روزی که باید جایزه داده می‌شد آقای مخمل‌باف در اختتامیه حاضر نشدند تا جایزه را بگیرند و بنده این حرکت را به عنوان حرکتی اعتراضی برداشت کردم. اگر فردی سیمرغ جمهوری اسلامی را قبول ندارد ما به زور نمی‌توانیم این جایزه را به او بدهیم.

تا یک ساعت قبل از آغاز اهدا جوایز نیت ایشان مشخص شد و بنده جلسه اضطراری با هیئت داوران گذاشتم و یک بحث بسیار عالی انجام شد و به این جمع‌بندی رسیدیم، به فردی که قبول ندارد جایزه نمی‌دهیم.

شما برای اولین بار هشتک اشتباهات مدیریت من را راه انداختید. در اول هم بحث آدم برفی را فرمودید و آدم برفی را توقیف کردید.

هیچ‌کس نمی‌گوید بنده اشتباه کرده‌ام و این یک مشکل است. زمانی مدیر بوده‌ایم اشتباهی کرده‌ایم باید بگوییم اشتباه کردیم در کاری و این چیز بدی نیست. خیلی‌ها اعتراض کردند به این هشتک اما بنده گفتم به درستی گفته شده و باید کلمات در رسانه نفوذ کند. اگر اشتباهی شده است باید گفت.

آدم برفی بسیار فیلم خوبی بود هم بسیار خوش ساخت و هم پیام‌های ضد آمریکایی خوبی داشت. آقای محمدعلی زم رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بودند. در برخی مواقع حوزه هنری مذهبی می‌شود وزارت ارشاد روشن فکر در زمان ما این موضوع برعکس بود.

بنده به آقای زم گفتم آدم برفی چند سکانس دارد که رفتار فرهنگی نمی‌باشد خارج از اهنگ‌های کوچه بازاری که گذشت کردیم از آنها. در این فیلم اکبر عبدی زن می‌شود که خیلی‌ها مخالف بودند بنده مشکلی نداشتم، اما همراه با زن بودن ایشان سکانس‌هایی نشان داده می‌شد که با قوانین‌های نظارتی ما نمی‌خورد. وزیر ارشاد بسیار تاکید داشتند همه موازین باید رعایت شود.

رهبری توصیه‌ای کردند و از این فیلم تعریف کردند که نگذارید این فیلم جمع شود و مردم را محروم کنید البته فرمودند موازین را هم رعایت کنید. آقای میرسلیم بسیار در کار جدی هستند و گفتند کوتاهی در کار نکنید.

اگر بنده دانش امروز را داشتم می‌پذیرفتم آن چند ایراد در کار باشد اما فیلم آدم برفی در زمان من توقیف نشود.

شما در زمان خودتان نمای کلوزآپ از خانم‌ها را هم محدود کردید؟

بله در زمان خودم سیاست‌هایم را مکتوب و شفاف کردم. زیرا این موضوع بسیار سلیقه‌ای است.

الان نظرتان چیست؟

آن زمان اتفاقاتی در حال رخداد بود که برخی از خانم‌های بازیگری که چهره خاص یا زیبا داشتند بدون توجه به بازی‌هایشان تهیه‌کنندگان در تمام مدت زمان فیلم از چهره آرایش شده این خانم‌ها کلوزآپ می‌گرفتند. این موضوع باعث اهانت به هنرمندان واقعی و جایگاه زن شد.

کلوزآپ انواع خاصی دارد و با توجه به موضوع فیلم باید گرفته شود در جایی Long shot در جایی موارد دیگر اما کار به جایی رسید که تنها چهره خانم گرفته می‌شد بدون توجه به موضوع، حتی هنرمندان هم اعتراض داشتند.

خاطره‌ای دارم در زمان آقای احمدی‌نژاد که ایشان با وزیر اطلاعات مشاجره داشتند رهبری فرمودند وزیر اطلاعات باید حضور داشته باشند اما آقای احمدی‌نژاد مخالف بودند که چند روزی هم در خانه نشستند. من پیش ایشان رفتم

صحبت کردم و فردا ایشان در جلسه حضور پیدا کردند در نهایت بنده برای تمام حضار بستنی خریدم و همه با اشتیاق خوردن انگاری اولین بارشان است اما آقای احمدی نژاد نخوردند.

وارد بحث صدا و سیما شویم.

خواننده مورد علاقه شما چه کسی است؟

خواننده مورد علاقه بنده فرهاد است. بسیار زیبا، درست و مفاهیم عالی داشت. در زمانیکه رئیس سازمان شدم ممنوعیت‌ها را در زمان خودم برداشتم و بسیاری از قطعات ایشان را به صورت کلیپ در آوردم. از آقای فرجی بسیار تشکر می‌کنم زیرا یکی از کلیپ‌های معروف ایشان به نام یک شب مهتاب و با این‌ها زمستان را سر می‌کنم کلیپ کردند.

جناب عالی وزیر گردشگری هستید، آیا می‌توانند به ایران سفر کنند؟

امروز مردم دنیا با تصویری که در دولت آقای رئیسی انجام گرفت می‌توانند بدون ویزا به ایران بیایند.

این موضوع به گردشگری کمک می‌کند.

بله حتما. ما وقتی می‌گوییم ۳,۵ میلیارد انسان در دنیا بیایند حال یک ایرانی دلتنگ ایران یه سابقه‌ای دارد می‌خواهد بیاید مشکلی نیست.

به طور مثال برای سی و سه پل دلشان تنگ شده است.

شما سلبریتی‌ها را دعوت می‌کردید و جلسه می‌گذاشتید. این یک علاقه شخصی و یا وظیفه سازمانی بود؟

هر دو. بنده سلبریتی‌ها را دوست دارم. سلبریتی یک چهره است و سرمایه رسانه است. رسانه اگر می‌خواهد حرف خود را جایاندازد باید سلبریتی بسازد. شخصیتی پرورش پیدا کند تا به مرور معروف شود حرفی را جایاندازد این به معنا سلبریتی است.

در هنر و سینما و ... سلبریتی وجود دارد انسان‌هایی که مشهور می‌شوند، چهره می‌شوند. بنده در سینما و کارهای نمایشی ادای احترام می‌کنم زیرا یک عمر خاک صحنه را خورده‌اند و بسیار زحمت کشیده‌اند.

سلبریتی‌های استثنا هم وجود دارند که نباید چهره می‌شدند همیشه استثنا وجود دارد مانند بچه مسلمان‌هایی را داریم که برای اندکی پول بسیار ما را اذیت

می‌کنند که در نهایت ۱۰ برابر آن را در می‌آورند.

در زمانی فیلم کم آوردیم و بنده گفتم چندتا فیلم سریع بیاورید با وجود اینکه رایت آن‌ها هنوز خریداری نشده بود، یکی از آن‌ها فیلم آقای کیارستمی به نام طعم گیلاس بود. فردای پخش این فیلم؛ ایشان با بنده تماس گرفتند، بنده تصور کردم می‌خواهند بگویند که شما رایت این فیلم را نخریده‌اید اما برعکس ایشان تشکر کردند و گفتند که به دلیل اینکه به بنده احترام گذاشتید، (زیرا این فیلم زمانی در جشنواره بود و حاشیه‌هایی پیدا کرده بود) و پخش کردید کافی است و مبلغ حق رایت را نمی‌خواهم. ایشان بسیار ساده زیست بودند.

آقای مهندس آیا شما بر این عقیده هستید که باید بر طبع مخاطب طبابت کرد؟

بنده بر این عقیده هستم که دوگانه مخاطب و محتوا، دوگانه درستی نمی‌باشد. اگر محتوا را به درستی بتوانید انتقال بدهید که مخاطب ارتباط بگیرد لزوماً درست نیست این موضوع سخن رهبری نیز می‌باشد.

در جلسه‌ای رسمی رهبری فرمودند اگر فردی خواست و محتوای خاص و خوب را ارائه دهد اما نتوانست قالب خوب درست کند تعبیر بر این است که نسازد.

ارتباط موفق این است پیام فرستاده شده از طرف فرستنده هم مضمونی و هم فیزیکی به خوبی جذب شود و در شرط دوم باید باعث تغییر رفتار گیرنده شود. این تعبیر بسیار کلیدی است.

اگر شما پیامی بفرستید و گیرنده دریافت کند در راستا مصلحت گیرنده نباشد باید چه کرد؟

ایرادی ندارد. این همان لسان قوم است. یک زمانی شما با یک جوان، دانشمند و یا مهندس صحبت می‌کنید همه این افراد متفاوت هستند.

پس باید برای همه آنها برنامه داشت. شما در سال‌های اخیر در تلاش بودید که قشر خاکستری را جذب کنید.

بنده خودم قشر خاکستری هستم. افرادی که خود را قُبه نور می‌دانند که سایرین قشر خاکستری می‌گویند. اگر فردی تمام آرزویش این بود که ظلمات محض نباشد به خاکستری راضی می‌شود. دین ما این است، اخلاق و علما هم این را می‌گویند. یک سری افراد اصطلاحاتی آوردند.

شما در این عرصه تا جایی پیش رفتید که از آقای تتلو تقدیر کردید.
درست است.

توضیح می‌دهید؟

یک روز از خبرگزاری فارس با بنده تماس گرفتند که می‌خواهند از چند هنرمند تقدیر کنند و چون بنده هنرمندان را دوست دارم برای سخنرانی بروم. با وجود اینکه بنده سمتی نداشتم.

بنده رفتم و سخنرانی کردم فردی هم که کنار بنده بود جایزه‌ها را اهدا می‌کرد. این عکس‌ها را از این جمع منتشر کردند.

اول پاسخی ندادم. حکومت ما بر پایه دین است. بنده نمی‌توانم بگویم از تتلو برتر هستم، این سخن‌ها را نشر ندهید که چرا کنار هم ایستاده‌ایم. همه یکسان هستیم. آیا در زمان شما سانسور بیشتر شد یا کمتر شد؟ یک سری تجهیزاتی استفاده می‌شد که با گلدان بخشی را اصلاح را می‌کردید به جای سانسور.

با استفاده از روتوسکوپ یا روتوش انجام می‌شد. اگر لباسی نامانوس باشد می‌توان لباسی با توجه به لباس تن بازیگر طراحی کرد و ظاهر را مناسب جلوه داد. به طور مثال در زمین اسب‌سواری لباس فرد نامناسب است و در کنار اسب‌ها ایستاده خوب می‌توان نرده‌ای کشید و ظاهر را درست کرد.

این نرم افزار را از کجا خریداری کردید؟

ساخت ایران است شاید دنیا بتواند از ما بخرد. این موضوع باعث شد تا فیلم‌هایی که مردم نمی‌دیدند بتوانند ببینند و راضی شوند.

علاقه داشتید دوران مدیریتتان در صدا و سیما طولانی تر باشد؟

خیر. نهایتش ۱۰ سال است. بنده سالم وارد شدم اما وقتی خارج شدم به دلیل فشارها بسیاری از بیماری‌ها را گرفته بودم.

البته آن زمان فضا مجازی و ماهواره به آن صورت فعال نبودند.

مشکلات همیشه وجود دارد. گاهی برای یک دیالوگ با آقای جوادی آملی تماس می‌گرفتند که به طور مثال در مورد برزخ می‌خواهیم فلان جمله را در فیلم بگوییم آیا درست است یا خیر؟

ایشان که صحنه می‌گذاشتند این دیالوگ گفته می‌شد.

بعد از پایان کارتان در صدا و سیما مدتی در دفتر خودتان فعالیت می‌کردید به نوعی خانه‌نشینی می‌کردید یا زمان سکون می‌توان گفت. آنجا صبحانه‌های شما

با چهره‌های اجتماعی به صرف حلیم و سنگگ بسیار سر و صدا کرد.

بله. در دفتری که یک خانه قدیمی بود به من در پاستور اختصاص داده شده بود. البته در همان موقع دو مسئولیت از طرف رهبری داشتم عضو شورای انقلاب اسلامی و عضو شورای فضای مجازی، و در فضای مجازی در دفتر بنده جلسات مهمی را اداره می‌کردم.

آن صبحانه‌ها با چهره‌های متفاوتی بود و بسیار بار رسانه‌ای داشت و آیا واقعا به همدلی کمک می‌کرد؟ یا وظیفه سازمانی شما بود؟
یک آسیب‌شناسی از کشور دارم که باهم گفت و گو نمی‌کنیم وقتی اینکار انجام می‌شود سوءتفاهم‌ها برطرف می‌شود. این موضوع یک نکته مثبتی داشت و آن این موضوع بود که نگاه رهبری روی وحدت آشکار شد.
همانند ایشان که با دگراندیش‌ها همیشه گفت‌وگوهای دارند.

بنده این فرصت را غنیمت شمردم و با افرادی که حرف‌هایی برای گفتن داشتن تا موضوعاتشان را بازگو کنند جلساتی برگزار می‌کردم. حتی برخی از موضوعات را که بسیار منطقی بود انجام می‌دادم و یا به دفتر رهبری می‌بردم و اقدام شد و در نهایت باعث باز شدن مشکلات می‌شد.

آیا ممنوع‌الکارها هم می‌آمدند؟

بله و مشکل بسیاری از آن‌ها حل می‌شد.

آیا ممکن است زمانیکه دیگر سمت وزارت رانداشتید باز هم صبحانه‌ها راه بیافتد.

الان هم این موضوع ادامه دارد اما دیگر آنچنان رسانه‌ای نشده است. ملاحظه آقای رئیسی را می‌کنم. زیرا بلافاصله تلفن آقای رئیسی زنگ می‌خورد هرچند که ایشان منظور بنده را می‌دانند اما نمی‌خواهم اذیت شوند.

در برمودا که شرکت کرده‌اید آیا ممکن است نگران این باشید که تلفن آقای رئیسی زنگ بخورد؟

بله

ممکن است اگر مجدد وزیر نمی‌شدید این صبحانه‌ها به نهار و یا شام

تبدیل می‌شد؟

نهار و شام مبالغشان بالا است اما صبحانه قیمت مناسبی دارد.

در حال حاضر عضو شورای عالی فضای مجازی هستید در مورد فیلترینگ

شما نظر خودتان را می‌دهید؟

بله بنده نظر خودم را دارم و در جلسات صحبت‌های جدی می‌کنم. اگر عضو شورا هستم حرف خود در این برنامه نمی‌زنم در جلسات می‌زنم.

این موضوع سیم‌کارت گردشگران که فیلتر هم ندارد جدی است؟
حتما اقدام خواهد شد. برخی می‌گویند کاپیتولاسیون است چرا به گردشگران می‌دهیم به مردم نمی‌دهید؟

گردشگری آمده است عکسی گرفته و می‌خواهد برای خانواده خود بفرستد پس باید بتواند بفرستد.

حرف مردم این نیست که گردشگر نداشته باشد حرف آنها بر این است که مردم هم داشته باشند.

چند مورد که محدودیت برای گردشگری است بنده ۲۳، ۲۴ مورد را جدا کرده‌ام و به آقای رئیسی داده‌ام. زیرا اگر این موارد حل نشود گردشگر وارد کشور نمی‌شود.

ممکنه گردشگری ما روزی به ترکیه برسد که دیگر حسرت آنها را نخوریم.
ظرفیت گردشگری ما از همه دنیا بیشتر است.

پس چرا اوضاع به این گونه است؟

کم کم موانع حل می‌شود.

آیا واقعا گنج وجود دارد.

مردم گرفتار نیاز دارند و به این فکر هستند. اما واقعا چیزی وجود ندارد و بنا بر این است که این فلزیاب‌ها را هم معدوم کنیم زیرا واقعا جز گمراه کردن مردم خاصیت دیگری ندارند.

در مورد سرویس‌های بهداشتی بسیار صحبت می‌کنید که مهم است. نگران این موضوع نیستید که در افکار عمومی یکی از پررنگ‌ترین بازتاب‌ها شود.

کاری که خوب است نباید ترسید. در دنیا در این مورد فکر شده است و حتی روز جهانی وجود دارد.

شما به شعر علاقه دارید. شعری که همیشه زمزمه می‌کنید چیست؟

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید قفسم مرا برده به باغیو دلم شاد کنید

ملک الشعرا بهار

علاقه دارید که رئیس جمهور بشوید؟

خیر. هیچ وقت

گفتگو با خبرنگاران در حیاط دولت



اعتشاشات، راهبردهای نرم

در مورد تصویر منتشر شده جلسه‌ای با حضور برخی از مسئولان تحت عنوان شورای ملی گفت‌وگو اینو بگم که جلسات ثابت و مفیدی با دوستان از گرایش‌های سیاسی مختلف داریم که در این جلسات درباره موضوعات مختلف اجتماعی فرهنگی و سیاسی گفت‌وگو می‌کنیم.

به واسطه چنین گفتگوهای دیدگاه‌ها به هم نزدیک می‌شود و قرائت‌ها و روایت‌های مختلف درباره یک پدیده واحد برای تصمیم‌گیری درست به اشتراک گذاشته می‌شود.

همه باید با هم گفت‌وگو کنیم، چراکه گفت‌وگو بهترین راه برای حل مشکلات کشور است، من شنیده‌ام که رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه چنین جلساتی را دارند و با جریان‌های سیاسی مختلف گفت‌وگو می‌کنند. قطعاً این روند به نزدیک کردن افکار کمک می‌کند.

در مورد بررسی مسائل اخیر کشور در این جلسات که بیشتر حاضرین از مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند هم بگم که یکی از این جلسات با اغتشاشات همزمان شد که درباره آن هم گفت‌وگو کردیم. به نظر من بسیاری از راهبردهایی که در حوزه سخت وجود دارد، می‌تواند با راهبردهای نرم، تعدیل شود.

به دلیل اینکه در اجرای راهبردهای نرم کمتر کار می‌کنیم، سختی کار بر دوش دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی قرار می‌گیرد. همه وزرا و اعضای

هیات دولت بر اجرای راهبردهای نرم تأکید دارند. هرگونه برخوردهای غیرنرم که می‌تواند از حوزه نرم انجام بگیرد، کار را سخت‌تر می‌کند.

۱۴۰۱/۰۹/۰۹

بافت تاریخی شیراز

سلام خدایوت. به مورد رو بگم که با وجود شایعات و جوسازی‌هایی که بعضاً شناخته شده هستند و باید پاسخگوی تخریب‌های سال‌های گذشته باشند، هیچ‌گونه تخریبی در بافت تاریخی شیراز صورت نگرفته است. هم‌اکنون به دعوت وزارت میراث فرهنگی حدود ۵۰ نفر از اهالی رسانه در حال بازدید از بافت تاریخی شیراز هستند.

کار ما مرمت است نه تخریب. کار ما اصلاح تخریب‌های گذشته است. کار ما پاسخگو کردن کسانی است که در گذشته بافت‌های تاریخی را تخریب کردند. تلاش ما این است که مرمت و آماده‌سازی محیط‌ها به خصوص در خصوص محوطه‌ها، انجام شود.

۱۴۰۱/۱۱/۲۷

آواز خوانی زیر پل خواجه- سیم‌کارت ویژه گردشگری

سلام خدایوت در مورد ممنوعیت آوازخوانی زیر پل خواجه اصفهان، آواز خواندن تشویق هم دارد. کسی که آواز می‌خواند یعنی حالش خوب است. زمانی که سنم کمتر بود وقتی با موتور ۲ فرزندم را از نازی‌آباد جابجا می‌کردم برای اینکه این بچه‌ها که سن‌شان کم بود پشت موتور خوابشان نبرد من برای آنها آواز می‌خواندم و آنها جواب می‌دادند. وقتی جواب می‌دادند می‌فهمیدم که پشت موتور خوابشان نبرده که از پشت موتور بیفتند هر وقت جوابشان شل می‌شد معلوم شد که دارد خوابشان می‌برد. یکی از همکاران امور تربیتی ما در نازی‌آباد دیده بود که ضرغامی با موتور می‌رود و آواز می‌خواند رفته بود و در امور تربیتی تذکر داده بود که ضرغامی یکسری مشکلات دارد و روی موتور آواز می‌خواند و تصمیمی در مورد وی بگیرد.

من این را بعدها در صفحه اینستاگرامم نوشتم و گفتم هر کسی که آواز می‌خواند حتماً مشکل و نیازی دارد البته آن خبر تکذیب شد. خودم من زیر پل خواجه دو پست دارم که با کسانی که آواز می‌خواند، آواز خواندم و آنها را تشویق کردم. مردمی که می‌آیند و می‌بینند رودخانه خشک است باید دلخوشی داشته باشند، شب‌ها تار می‌زنند و فعلاً دلشان خوش است ما نباید این دلخوشی را از مردم بگیریم.

وزیر ارتباطات به خاطر سیم کارت‌هایی که به گردشگران خارجی داده می‌شود، خیلی مورد حمله قرار گرفت. باید این را بگویم که این پیشنهاد ما بود و پیگیر آن هم هستیم و باید از من انتقاد شود. باید حداقل خدمات و سرویس‌ها به گردشگرهای خارجی داده شود. نمی‌توانیم به گردشگری خارجی بگویم از بله و ای‌تا استفاده کن؛ او می‌خواهد از تهران با پاریس در ارتباط باشد.

از مهمترین نیازهای گردشگران خارجی که به کشور می‌آیند اینترنت و سکوهای خارجی است که مثل نان شب و هوا برای آنها لازم است. از وزیر ارتباطات خواستم که برای گردشگران خارجی امکانی فراهم کنند که آنها بتوانند با استفاده از سیم کارت‌های ویژه و استفاده از سکوهای بین‌المللی نیازشان را مرتفع کنند. به امید اینکه تولیدات داخلی و سکوهای داخلی ما چنین جایگاهی پیدا کند و در سطح جهانی فعال شود.

۱۴۰۱/۱۲/۱۰

لایحه اهداف و وظایف وزارت میراث فرهنگی - بلیط هوپا

سلام بچه‌ها خسته نباشید. لایحه اهداف و وظایف وزارت میراث فرهنگی توسط مجلس اعلام وصول شد، این لایحه مهم در ۱۰ ماده و ۷۷ بند بعد از یک سال کار مداوم صدها کارشناس و مدیر در جلسات متعدد جمع‌بندی شده و به تصویب هیئت‌وزیران رسیده بود.

از زمان تشکیل وزارتخانه قرار بود قانون این وزارت نوشته شود، چرا که پیش از این سه حوزه مأموریتی مستقل قانون داشتند اما حالا انسجام و تمرکز این سه حوزه در قانون دیده شده که این انسجام، نقش مهمی در پیشبرد اهداف این مجموعه دارد.

مأموریت‌های دستگاه‌های مختلف به صورت شفاف در این قانون آمده و از این طریق بسیاری از ابهاماتی که درباره مأموریت‌ها مطرح بود، حل شده است. در این قانون یگان حفاظت میراث فرهنگی به عنوان ضابط قضائی شناخته شده که نقش مهمی برای حفاظت از میراث فرهنگی و جلوگیری از تخلفات و قاچاق ایفا خواهد کرد. امید است مجلس شورای اسلامی با اولویت این لایحه را بررسی کند که قطعاً با نگاه نمایندگان این لایحه غنی‌تر خواهد شد.

بر اساس قانون وزارت میراث فرهنگی باید بر اساس تورم سالانه قیمت بلیت ورودی به محوطه‌های پایگاه‌های میراث فرهنگی همچون موزه‌ها افزایش یابد، در حال حاضر این ارقام بسیار پایین است. بعد از کارشناسی‌ها با ارسال این لایحه مخالفت کردیم چراکه احساس کردیم با توجه به شعار سال تا جایی که می‌توانیم از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کنیم.

بنابراین علیرغم آنکه هزینه‌های مرمت و نگهداری افزایش پیدا کرده و اعتبارات وزارتخانه محدود است، بر خلاف روند سال‌های گذشته قیمت بلیت ورودی موزه‌ها و مجموعه‌هایی که به وزارت میراث فرهنگی مربوط می‌شود افزایش پیدا نمی‌کند و بر اساس قیمت‌های سال گذشته خواهد بود.

تا آنجایی که من خبر دارم وزارت راه با افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت بلیط هواپیما مخالفت کرده. در صورت نیاز با وزیر راه جلسه خواهیم داشت تا قیمت‌ها متعادل شود.

به خاطر توجه به شعار سال و برای مهار تورم قیمت‌های بلیت باید کمترین افزایش را داشته باشد برای همین با افزایش آن مخالفت کردیم.

۱۴۰۲/۰۲/۲۰

آزادسازی سواحل - بازسازی ابنیه تاریخی - گردشگر خارجی

سلام خسته نباشید خدایقوت به همگی تون. تاکنون ۳۰ اثر تاریخی بازگشته است و در همین راستا مجسمه سنگ نگاره ساسانی به کشور بازگشت. به دنبال دستور رئیس جمهوری و اقدامات خوب دولت در خصوص آزادسازی سواحل که با موفقیت در کشور انجام شد، از جمله وظایف وزارت میراث فرهنگی

و گردشگری تهیه طرح‌های گردشگری سواحل بود که طرح‌های زیادی ارائه و بررسی شد، جمع‌بندی این شد که با توجه به تعدد دستگاه‌های صاحب نظر در حوزه گردشگری باید یک تصمیم گیرنده واحد در بخش گردشگری ایجاد شود. خوشبختانه در لایحه برنامه توسعه این مشکل حل شد و فرماندهی واحد به وزارت میراث فرهنگی واگذار شد. تشکیل شورایی در هر استان پیش‌بینی شده که بناسست استانداران ریاست این شورا و مدیران کل میراث فرهنگی استان‌ها دبیری این شورا بر عهده داشته باشند و میان همه دستگاه‌ها در هر استان، هماهنگی ایجاد کنند. این شورا می‌تواند حرف نهایی را در هر استان زده و مشکلات مطرح در حوزه میراث فرهنگی را رفع کند.

در خصوص بناهای تاریخی فرهنگی بر اساس گزارش‌هایی که دریافت کرده‌ایم، این بناها وضعیت خوبی ندارند. بنابراین در معاونت میراث فرهنگی، یک کارگروه ویژه ایجاد کردیم تا نظارت بر ابنیه تاریخی را بر عهده گرفته و به دستگاه‌های مستقر در آنها تذکر بدهد تا بر اساس قوانین موجود موظف به نگهداری و بازسازی ابنیه تاریخی با منابع خودشان باشند. دستگاه‌ها فکر می‌کنند باید با اعتبارات میراث اقدام به بازسازی کنند در حالی که اینگونه نیست و باید با منابع خود ابنیه تاریخی را بازسازی کنند.

درباره اشیای تاریخی که به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده این موضوع یک استراتژی در وزارت میراث فرهنگی است و آن را پیگیری می‌کنیم. در نشست سال گذشته که در عراق برگزار شد و ۱۰ کشور صاحب تمدن در آن حضور داشتند، پیشنهادی مطرح کردم و تصویب شد اشیای تاریخی کشورها که به صورت غیرقانونی خارج شده باید با فوریت به این کشورها برگردانده شود. درباره آمار ورود گردشگر به کشور در خرداد امسال علی‌رغم اغتشاشات سال گذشته اتفاق خوبی که رخ داد این بود که در دو ماه اول سال گذشته که قبل از اغتشاشات بود، افزایش ۵۵ درصدی گردشگر به کشور داشتیم. در خرداد امسال ۵۵۰ هزار گردشگر وارد کشور شد حال آنکه در دو ماه نخست امسال روی هم رفته ۸۵۰ هزار گردشگر خارجی به ایران آمد. هرچند که برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه اعلام کردند سفر به ایران ممنوع است و تمام تلاش خود را کردند که گردشگر به

ایران نیاید. حال خود فرانسه گرفتار این مسئله شده است و مکر و مکرر الله خود مکرون است و کشورشان گرفتار آشوب آتش سوزی و غارت شده است.

۱۴۰۲ / ۰۴ / ۱۴

عفاف و حجاب - بزرگترین پل معلق کشور - مصرف‌بترین - محدودیت ایرلاین ها

سلام خسته نباشید زیر آفتاب تابستونی. ماموریت جدید رییس جمهوری به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درباره ترویج و رفع موانع توسعه فرهنگ عفاف و حجاب است که اقدامات آن در حال انجام است.

از جمله وظایفی که برای اماکن متعلق به این وزارتخانه مشخص شده است، برگزاری نمایشگاه های عفاف و حجاب و فروشگاه‌هایی با این موضوع است.

یکی از مشکلات حجاب در کشور نبود پوشاک مناسب، ارزان قیمت و زیبا برای دختران جوان و زنان کشور است و این نقیصه، سالها ادامه داشته است.

در جلسه هیات دولت، گزارشی از نمایشگاه موفق نیاوران در حوزه حجاب اعلام و مشکلات حوزه حجاب راهم تشریح کردم و رییس جمهوری در این باره به وزیر صمت یادآور شد که عقب ماندگی حوزه حجاب باید جبران شود.

در حوزه پوشاک عفاف و حجاب باید به قیمت ارزان و کیفیت بالا توجه کرد، چادر مناسب قیمت بالایی دارد و امید است با پیگیری رییس جمهوری عقب ماندگی این حوزه حل شود.

در هفته‌های گذشته ۹ نمایشگاه در استان‌های مختلف کشور برگزار شده است، این رویکرد ادامه دارد و باید کارهای ایجابی را به درستی انجام دهیم تا به شرایط ایده آل مدنظر ملت اسلامی ایران برسیم.

درباره سفر رییس جمهوری به استان کهگیلویه و بویراحمد یک چیزی بگم که از آنجا که پیش از سفر رییس جمهوری، در این استان حضور داشتم و از شهرهای مختلف همراه نمایندگان مجلس بازدید شد، موفق به همراهی با رییس جمهوری نشدم.

اما پروژه‌هایی در این استان افتتاح شد که در نوع خود اهمیت بالایی دارد. به عنوان مثال چند طرح گردشگری به بهره برداری رسید که یکی از آنها پارک آبی با اشتغالزایی ۱۵۰ نفر بود.

کلنگ اجرا و ساخت بزرگترین پل معلق کشور در این استان زده شد تا همراه با تله کابین و زیپ لاین با سرمایه حدود هزار میلیارد به بهبود گردشگری این استان محروم کمک کند.

به هر میزان بتوانیم مراکز تفریحی و گردشگری را افزایش دهیم، در افزایش روحیه مردم تاثیر مضاعفی خواهد گذاشت و به رشد اقتصادی کشور کمک شایانی می کند البته باید مشکلات نظام اداری را در این راه رفع کرد.

مصرف بنزین در چندماه گذشته به ۱۲۷ میلیون لیتر در روز رسیده که رکورد استثنایی است. در حالی که ظرفیت تولید بنزین در کشور روزی ۱۱۰ میلیون لیتر است. گزارشی را وزیر نفت در جلسه هیات دولت ارائه داد که به دلیل افزایش سفرها و رونق گردشگری، مصرف بنزین بسیار بالا رفته است. اما یکی از دلایلی که مردم بیشتر از خودرو شخصی در سفرها استفاده می کنند، گران بودن قیمت بلیت هواپیما است

محدودیت ایرلاین های کشور سبب شده مردم بیشتر به سفر زمینی با خودرو روی آورند که میزان مصرف آن از میزان تولید بیشتر شده است. باید در موضوع ایرلاین ها سرمایه گذاری لازم انجام شود، در این حوزه مشکلات تحریمی وجود دارد ولی امید است هواپیماهای بیشتر و بهتری داشته باشیم.

۱۴۰۲ / ۰۴ / ۲۸

گاز مصرفی تاسیسات گردشگری و کارگاه های صنایع دستی

سلام سلام . به خبر بدم بهتون

اعمال نرخ گاز مصرفی برای کلیه تاسیسات گردشگری و کارگاه های صنایع دستی، از قانون جدید و نرخ جدید مستثنی شد.

یعنی با مجوز وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی اعمال نرخ گاز مصرفی که جدیداً تصویب شد، معاف شدیم و با همان نرخ گذشته عمل می شود که با استقبال خوبی همراه شد و تشکل های گردشگری بیانیه های مختلفی را جهت تشکر صادر کردند.

ما در عمر دو ساله دولت مردمی، ۹۰۰ پروژه بالغ بر ۲۱۰ هزار میلیارد در

حوزه گردشگری افتتاح کردیم و راهبرد اصلی دولت تکمیل پروژه‌های نیمه تمام است، ۲۵۸۰ پروژه با عددی حدود ۳۷۰ هزار میلیارد تومان در حال ساخت است که انشاءالله زمانی که به نتیجه برسد بیش از صد هزار نفر اشتغال برای آنها ایجاد خواهد شد.

الحمدالله با اقدامات متعددی که برای مصوبات مورد نیاز حوزه‌های کاری انجام می‌شود، انشاءالله آرام آرام مشکلات پیش پای توسعه حوزه‌های ماموریتی را برمی‌داریم.

۱۴۰۲/۰۶/۲۲

نرخ گاز مصرفی - پروژه های گردشگری - سیم کارت گردشگری

اعمال نرخ گاز مصرفی برای کلیه تاسیسات گردشگری و کارگاه‌های صنایع دستی، از قانون جدید و نرخ جدید مستثنی شد.

یعنی با مجوز وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی اعمال نرخ گاز مصرفی که جدیداً تصویب شد، معاف شدیم و با همان نرخ گذشته عمل می‌شود که با استقبال خوبی همراه شد و تشکل‌های گردشگری بیانیه‌های مختلفی را جهت تشکر صادر کردند.

ما در عمر دو ساله دولت مردمی، ۹۰۰ پروژه بالغ بر ۲۱۰ هزار میلیارد در حوزه گردشگری افتتاح کردیم و راهبرد اصلی دولت تکمیل پروژه‌های نیمه تمام است، ۲۵۸۰ پروژه با عددی حدود ۳۷۰ هزار میلیارد تومان در حال ساخت است که انشاءالله زمانی که به نتیجه برسد بیش از ۱۰۰ هزار نفر اشتغال برای آنها ایجاد خواهد شد.

الحمدالله با اقدامات متعددی که برای مصوبات مورد نیاز حوزه‌های کاری انجام می‌شود، انشاءالله آرام آرام مشکلات پیش پای توسعه حوزه‌های ماموریتی را برمی‌داریم.

درباره حضور رونالدو در ایران، برخی می‌گویند رونالدو به ایران بیایند تکلیف سیم کارتش چه می‌شود؟ فکر می‌کنند ما در جیب خود سیم کارت آزاد داریم به رفقای خود می‌دهیم. چنین امکانی نداریم فعلاً فقط به خبرنگاران چنین سیم کارتی داده‌ایم.

اگر رونالدو به ایران بیايد بايد سكو بله و ايتا را نصب کرده و با خانواده و دوستان خود تماس بگيرد و به آنها بگويد اين سكوها را نصب کنند و از آنها استفاده کند.

۱۴۰۲/۰۶/۲۷

لغو رواديد ۳۳ کشور

سلام تصويب شد. خبر مهمی دارم و تصويب شد. پيشنهاده وزارت ميراث فرهنگي، گردشگري و صنايع دستي و با همكاري وزارت امور خارجه، برای لغو رواديد ۳۳ کشور در هيأت دولت به تصويب رسيد و لغو يک طرفه رواديد با اولويت هايی که وزارتخانه مشخص کرده بود، امروز در دولت تاييد شد.

کشورهايی که برای لغو رواديد يک طرفه مورد تاييد هيأت دولت قرار گرفته اند شامل: ۱- جمهوری هند، ۲- فدراسيون روسيه (به صورت گروهی)، ۳- امارات متحده عربي، ۴- پادشاهی بحرين، ۵- پادشاهی عربستان، ۶- پادشاهی قطر، ۷- پادشاهی کويت، ۸- جمهوری لبنان، ۹- جمهوری ازبکستان، ۱۰- جمهوری قرقيزستان، ۱۱- جمهوری تاجيکستان، ۱۲- جمهوری تونس، ۱۳- جمهوری اسلامی موريتانی، ۱۴- جمهوری متحده تانزانيا، ۱۵- جمهوری زيمباوه، ۱۶- جمهوری موريس، ۱۷- جمهوری سيشل - ۱۸- جمهوری اندونزی، ۱۹- برونی دارالسلام، ۲۰- ژاپن، ۲۱- جمهوری سنگاپور، ۲۲- پادشاهی کامبوج، ۲۳- پادشاهی مالزی، ۲۴- جمهوری سوسياليستی ويتنام، ۲۵- جمهوری فدرال برزیل، ۲۶- جمهوری پرو، ۲۷- جمهوری کوبا، ۲۸- ايالات متحده مکزيک، ۲۹- جمهوری بوليواری ونزوئلا، ۳۰- فدراسيون بوسنی و هرزگوئين، ۳۱- جمهوری صربستان، ۳۲- جمهوری کرواسی و ۳۳- جمهوری بلاروس می شود.

دولت تصميم دارد درهاي کشورهای کشور را به روی دنيا باز کند. اين ديگر يک شعار نيست و عملی شده است و تصميم بسيار شجاعانه و مدبرانه ای بود که دولت گرفت. ما با مردم دنيا کار داريم و اين لغو يک طرفه رواديد در واقع حرف زدن با مردم دنياست.

جمهوری اسلامی نشان داد که آمادگی دارد درها را به روی مردم دنيا باز کند

و تسهیلات بیشتری برایشان فراهم کند تا مردم دنیا بتوانند به راحتی به کشور ما بیایند و از مزیت‌های آن استفاده کنند در کنار آن بسیاری از تبلیغات منفی، شایعات و ایران‌هراسی که امروز یکی از ترندهای نظام استکباری است، خنثی شود.

من روی گردشگری تاکید دارم چون نگاه ما این است که گردشگری حق همه مردم دنیا است و ایران به لحاظ تاریخی، طبیعت، اکوتوریسم، مردم مهمان نوازی و گردشگری سلامت از دیدنی‌ترین کشورهاست.

۱۴۰۲/۰۹/۲۲

آمار گردشگری ورودی-نمایشگاه بزرگ شکوه پارس در پکن

سلام. در مورد گردشگری بهتون بگم این هفته، آمار گردشگری در ۸ ماهه اول سال، ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بود که نسبت به سال قبل، ۴۸.۵ درصد افزایش داشته است.

بعد از ناآرامی‌های سال گذشته برخی پیش‌بینی می‌کردند که آمار گردشگر پایین بیاید که خوشبختانه شاهد افزایش آن بودیم. البته ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از این رقم مربوط به کشور آذربایجان است که متأسفانه مرزهای زمینی دو کشور هنوز باز نشده است که اقدامات لازم در حال انجام است.

اجازه خروج موقت ۲۱۱ شی تاریخی متعلق به دوران قبل اسلام و پس از اسلام برای نمایش در نمایشگاه بزرگ شکوه پارس در پکن داده شده است. این نمایشگاه در نشان دادن تمدن و میراث فرهنگی نقش خواهد داشت و در نمایشگاه متقابلی آثار چینی‌ها به نمایش گذاشته می‌شود.

۱۴۰۲/۰۹/۲۹

لغو روادید-ایران هراسی

سلام بچه‌ها خبر خوب دارم. امروز صبح جلسه کمیسیون سیاسی امنیتی دولت به ریاست وزیر کشور تشکیل شد، وزارت خارجه و دستگاه‌های اطلاعاتی همراهی خوبی با ما دارند و بخش مهمی از کشورهایی که خواستار لغو روادید بودند رای آوردند.

درباره برخی کشورها تصمیم‌گیری به جلسه بعدی موکول شد و وقتی جلسه تشکیل شد و جمع بندی شد، اسامی کشورها اعلام می‌شود. ضرورت گردشگری علی‌رغم مشکلات این است که باید افراد کشورهای دیگر به ایران بیایند تا تبلیغات ایران‌هراسی خنثی شود. امروز کشور منسجم و همراه است و توجیه لازم در این زمینه صورت گرفته است تا مردم دنیا بیایند و بروند. برای لغو متقابل روادید این کار در حوزه وزارت خارجه است اما آنچه ما دنبالش هستیم لغو روادید از سمت کشور ماست تا مردم همه کشورها به ایران بیایند.

۱۴۰۲/۰۸/۰۳

یلدا و چهارشنبه سوری - شناورهای تفریحی

سلام دوستان. در رابطه با مصوبه اخیر شورای عالی فرهنگی باید بگم که یلدا و چهارشنبه سوری هیچگاه تغییر پیدا نمی‌کند و تغییرپذیر هم نخواهد بود، از ابتدا بود و تا آخر هم خواهد بود، هم شب یلدا که امسال توسط وزارت فرهنگ میراث ثبت جهانی شد و هم چهارشنبه‌سوری نیز که مردم ما علاقه زیادی به آن دارند، باقی خواهد ماند.

آنچه که در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده فلسفه این دو شب را کمی توضیح داده است و موضوع بدی نیست.

در جلسه دولت با دستور آقای رئیس‌جمهوری ورود شناورهای تفریحی به کشور آزاد شد و به وزارت صمت دستور دادند که مانعی برای این کار وجود نداشته باشد. همین الان سرمایه‌گذاران در حوزه گردشگری دریایی هستند که قراردادهایی برای ورود شناورهای تفریحی بسته‌اند که کمبود آن بسیار در کشور دیده می‌شود. وزیر صمت همراهی خوبی با این مسئله خواهند داشت و اگر مواردی باشد که خودمان بتوانیم تولید کنیم یا کشتی‌هایی وارد شود که بعداً نمونه‌سازی شود ما استقبال می‌کنیم.

در خصوص مسائل اخیر موزه رشت با مدیر این موزه به دلیل بدسلیقگی که در برخورد با آثار تاریخی انجام داده بودند تذکر داده شد.

۱۴۰۲/۰۸/۲۴

بیمه فعالان صنایع دستی و راهنمایان گردشگری

سلام بچه ها، امروز در جلسه هیئت دولت درباره فعالان صنایع دستی و راهنمایان گردشگری بعد از گزارش جامعی که من از جلسه مشترک با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دادم، بحث خوبی صورت گرفت. با تصمیم آقای رئیس جمهور و دستور ایشان مشکلاتی که بر سر راه بیمه ۱۰ هزار نفر از فعالان صنایع دستی و راهنمایان گردشگری در طول این مدت وجود داشت، رفع شد و تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. برای سال آینده ۱۶۸ میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز است که مورد تأیید آقای رئیس جمهور قرار گرفت و برای دو ماه آینده هم حدود ۴۰ میلیارد تومان اعتبار لازم بود که با دستور ایشان این مسئله در جلسه امروز به تصویب رسید. خوشبختانه در دولت مردمی صندوق بیمه کشاورزان، روستاییان و عشایر که در وزارت تعاون فعالیت می‌کند، اقدامات خوبی در مورد بیمه این سه حوزه انجام داده است. ما بخش دیگری از فعالان صنایع دستی که در روستاها هستند را تحت پوشش صندوق بیمه قرار خواهیم داد.

۱۴۰۲/۱۰/۲۰

ایرانیان خارج از کشور

تشکری کنم از مواضع رئیس قوه قضاییه درباره باز بودن درهای کشورهای برای ورود ایرانیان خارج از کشور، متأسفانه به دلیل سوءتفاهم‌زادی که در سال‌های اخیر وجود داشته، آمدن ایرانی‌ها به داخل کشور با مشکلاتی همراه بوده است. ایرانیان خارج از کشور می‌توانند به سامانه طراحی شده مراجعه کنند و پس از اعلام، به ایران تشریف بیاورند. با این حال بعضی سوءتفاهمات و رفتارهایی که عموماً موردی است، اعتماد را از ایرانیانی که حق دارند به وطن خود بیایند سلب کرده است. باید اول درها به روی ایرانیان باز شود، متأسفانه هر وقت این بحث مطرح می‌شود، یک نفر می‌گوید اگر می‌خواهید درها را باز کنید، فلان هنرپیشه مشهور هم می‌خواهد بیاید؟ اگر آمد چه می‌شود؟ هیچی نمی‌شود! اصلاً قرار نیست چیزی بشود.

تصمیمات کلان کشور متأسفانه در گرو برخی برخوردهای موردی و مقطعی قرار می‌گیرد. قرار است درها به روی میلیون‌ها ایرانی باز شود تا با امنیت و به راحتی به داخل کشور بیایند.

درباره رعایت نشدن شان مردم ایران در برخی سفارت‌خانه‌های خارجی به خصوص سفارت چین این مورد به طور جدی در اداره نظارتی ما مطرح است. گزارش‌هایی که به ما می‌رسد، به خصوص از سامانه شکایاتی که داریم به دستگاه‌های مربوطه منعکس می‌کنیم. هرگونه برخورد ناشایست که با شان ایرانیان در تعارض باشد اگر توسط سفارت‌خانه‌ها صورت بگیرد ما منعکس و پیگیری می‌کنیم.

۱۴۰۲/۱۰/۲۷

ایکوم و ایکوموس - تقارن نوروز با ماه رمضان

سلام خسته نباشید. فردا ۳۰ فروردین روز جهانی بناها و محوطه‌های تاریخی است من تبریک می‌گویم به همه فعالان میراث فرهنگی، در روزهای گذشته جلسه کارشناسی خیلی خوبی در این حوزه برگزار شد و از فعالان این حیطه تجلیل شد. اخبار کذبی که منتشر شد که ایران از ایکوم و ایکوموس خارج شده، تکذیب می‌شود. در دولت مردمی فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه میراث فرهنگی به مراتب گسترده‌تر از گذشته ادامه دارد.

این دو حوزه ماهیت غیردولتی دارند و از سال‌ها قبل به همین دلیل پرداخت حق عضویت آن‌ها توسط افراد حقیقی صورت می‌گیرد، بر این اساس تنقیح جدیدی که در مورد قوانین انجام شد و اتفاقی که رقم خورد هیچ ربطی به ادامه یا عدم همکاری ما با این دو مجموعه ندارد.

بعضی‌ها اصلاً نمی‌دانند این‌ها چه هستند همین‌طور یک چیزی می‌شنوند، می‌گویند ببینید چه اتفاقی افتاد؟ ما از ایکوم و ایکوموس خارج شدیم، بعد می‌پرسیم که اصلاً می‌دانید این‌ها چه هستند؟ خوردنی است یا پوشیدنی؟ متوجه می‌شود که اصل موضوع را نمی‌دانند.

درخصوص آمار سفرهای نوروزی بگم که امسال به دلیل تقارن ایام گردشگری و نوروز با ماه مبارک رمضان تغییراتی در آمار بود به همین خاطر بازه زمانی که آمار

محاسبه شد به تعطیل تعطیلات عید فطر مقداری بیشتر در نظر گرفته شد.
آخرین آمار از ۲۴ اسفند سال گذشته تا ۲۴ فروردین امسال آمار این است که ۶۳ میلیون و ۶۴۷ هزار نفر اقامت/شب آمار گردشگران ما در تعطیلات نوروز است نسبت به سال گذشته ۱۹/۵ درصد رشد داشته است، توقع ما این بود که این آمار کمتر بود یا منفی شود و گردشگران در ماه های دیگر توزیع شوند.

۱۴۰۳/۰۱/۲۹

آیین نامه سرمایه گذاری حوزه گردشگری- شورای نگهبان تک نظری نکند

سلام به همگی. یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد این است که قوانین خوبی را تصویب می کنیم اما در رویه و روش ها همیشه مشکل داریم. سال هاست که این موضوع را به عنوان آسیب های قانون گذاری کشور مطرح می کنیم. آیین نامه مهمی درباره گردشگری تصویب شد که کار بسیار مفصلی است که با همکاری وزارت اقتصاد و در راستای تسهیل کسب و کار انجام شده است. موانع بسیاری برای سرمایه گذاران و فعالان حوزه گردشگری در رویه های گذشته وجود داشته است که خوشبختانه با رأی قاطع دولت تصویب شد. این آیین نامه می تواند راه را برای سرمایه گذاری و رفع موانع در حوزه گردشگری بسیار تسهیل کند. نامزد انتخابات ریاست جمهوری نیستیم. اما اگر شورای نگهبان تک نظری نکند، انتخابات پرشوری برگزار می شود. فکر می کنم روح مطهر شهید رئیسی به همین راضی است که دولت، یک انتخابات پرشور را برگزار کند.

۱۴۰۳/۰۳/۰۹

انتخابات مجلس شورای اسلامی- تجلیل از مناخر میراث فرهنگی

سلام سوالاتونو بعدا جواب میدم فقط بگم یه چیزایی رو در مورد انتخابات پیش رو بگم که ممکن است در طول سالیان گذشته اشخاص مختلف درباره افراد مختلف قضواتی بکنند ولی این قضاوت ها مربوط به سال های قبل است که در جایگاه خود محفوظ است ولی در انتخابات نمی تواند کسی

را راهنمایی کند که به چه کسی رای بدهد.

من هنوز تصمیم نگرفتم که به چه کسی رای بدهم. خانواده ام هم هنوز تصمیم نگرفتند، آخرین صحبتی که با خانواده ام داشتم دیدم می خواهند بین ۳-۴ نفر قرعه کشی کنند البته بد هم نیست قرعه کشی.

در هفته پیش رو برنامه تجلیل از مفاخر میراث فرهنگی رو داریم. این برنامه با هدف تجلیل از نخبگان و پیشکسوتان و سرمایه های کشور در حوزه های میراث فرهنگی برگزار می شود و از ۸ برگزیده این حوزه تجلیل خواهد شد.

همچنین در برنامه ویژه از شخصیت برجسته رئیس جمهور شهید به عنوان حامی بزرگ میراث فرهنگی تجلیل خواهد شد.

نمایشگاه «شکوه ایران باستان» در شانگهای نیز برپا می شود که اتفاق مهمی است، مساله جدی ما در این سفر حل موانع گردشگری با چین بود.

۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تسهیلات برای پروژه ها

سلام خسته نباشید. به خاطر اعتقادی که به پاسخگویی داریم حتی در سفرهای استانی هم تمام رسانه های استانی را دعوت می کنیم و حتی جزئیات را برای خبرنگار محلی توضیح می دهیم.

پروژه های زیادی سرمایه گذاری شده است که اگر اعتبارات بانکی و تسهیلات به موقع در نظر گرفته شود، طی امسال می توانیم حدود ۱۰۰ همت از این پروژه ها را به بهره برداری برسانیم.

البته در جلسه ای که هفته گذشته با آقای مخبر داشتیم، ایشان دستورات لازم را دادند که ان شاء الله این پروژه ها به بهره برداری خواهند رسید.

۱۴۰۳/۰۴/۲۷